



دانشگاه پیام نور
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت
گروه علمی علوم تربیتی

عنوان پایان نامه
تهدیدات و فرصتهای پدیده جهانی شدن بر آموزش عالی

استاد راهنما
سرکار خانم دکتر عفت عباسی

استاد مشاور
جناب آقای دکتر محمدرضا سرمدی

دانشجو
زهرا مهاجری طهرانی

اردیبهشت ۱۳۹۱



دانشگاه پیام نور
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
مرکز تهران

پایان نامه
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت
گروه علمی علوم تربیتی

عنوان پایان نامه
تهدیدات و فرصت‌های پدیده جهانی شدن بر آموزش عالی

استاد راهنما
سرکار خانم دکتر عفت عباسی

استاد مشاور
جناب آقای دکتر محمدرضا سرمدی

دانشجو
زهرا مهاجری طهرانی

اردیبهشت ۱۳۹۱



تقدیم

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم

و تقدیم به

همسر صبور و فداکارم

و به فرزندان دلبندم

تقدیر و تشکر

من لم یشکر المخلوق و لم یشکر الخالق

حمد و سپاس خداوندی را که در سایه رحمت و هدایتش موفق به اتمام این تحقیق شده‌ام. بدین وسیله، تشکر و قدردانی خود را از زحمات سرکار خانم دکتر عفت عباسی به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر محمدرضا سرمدی به عنوان استاد مشاور که با راهنمایی و مساعدت خود در انجام این تحقیق مرا یاری نموده‌اند، ابراز می‌دارم. همچنین از کلیه خواهران و برادرانی که در امر جمع آوری داده‌ها مرا یاور بوده‌اند، سپاسگزاری می‌نمایم.

زهره مهاجری طهرانی

دی ماه ۱۳۹۰

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی تهدیدات و فرصتهای پدیده جهانی شدن بر آموزش عالی است و یافتن تغییر و تحولات آموزش عالی در اثر جهانی شدن و بررسی این مسئله که آیا این تغییرات برای آموزش عالی به عنوان یک فرصت است یا یک تهدید تلقی می شود. و در نهایت این پژوهش درصدد ارائه پیشنهادهایی است که بتواند از تهدیدات و فرصتها به نحو مطلوب استفاده نماید و جامعه را به رشد و توسعه برساند.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه اساتید دانشکده های روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاههای دولتی مراکز آموزش عالی است که دارای مدرک فوق لیسانس و یا دکترا باشند و پیرامون موضوع جهانی شدن در مجلات و نشریات معتبر و یا همایشهای ملی و بین المللی مقاله ای ارائه نموده باشند.

از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی برای بیان تهدیدات و فرصتهای پدیده جهانی شدن استفاده گردید و در خصوص میزان موافقت متخصصان با درجه تهدیدات و فرصتها، پرسشنامه محقق ساخته تهیه و بعد از تکمیل توسط متخصصین با استفاده از نرم افزار SPSS و در قالب جداول و هیستوگرام، با محاسبه تفاضل تهدیدها از فرصتها و آزمون جمعی رتبه ای ویلکاکسون، میزان موافقت متخصصان با تهدیدات و فرصتهای گردآوری شده سنجیده شد.

اطلاعات بدست آمده حاکی از آن است که تحولاتی که پدیده جهانی شدن بر برنامه ریزی درسی، مدیریت، فناوری و پژوهش در نظام آموزش عالی ایجاد کرده در مجموع فرصتهای مطلوبی را برای آموزش عالی نسبت به نظام سنتی پدید آورده و تهدیدات حاصل شده، به میزان محدود و در صورت توجه و دقت هنگام مواجه شدن با آنها، قابل کنترل هستند.

واژگان کلیدی: جهانی شدن - آموزش عالی - فناوری

فهرست مطالب

۱.....	فصل اول : مقدمات تحقیق
۲.....	۱-۱ مقدمه
۲.....	۲-۱ تعریف مساله
۴.....	۳-۱ ضرورت انجام تحقیق
۶.....	۴-۱ اهداف
۶.....	۵-۱ بیان سؤالات تحقیق
۷.....	۶-۱ تعریف مفاهیم و اصطلاحات
۸.....	فصل دوم : ادبیات تحقیق
۹.....	۱-۲ مقدمه
۹.....	۲-۲ بخش اول : مفاهیم و نظریه های جهانی شدن
۱۳.....	۱-۲-۲ ویژگی های پدیده جهانی شدن
۱۵.....	۲-۲-۲ تاریخچه جهانی شدن
۲۳.....	۳-۲-۲ نظریه های جهانی شدن
۳۱.....	۴-۲-۲ ابعاد جهانی شدن
۴۲.....	۳-۲ بخش دوم : جهانی شدن و آموزش عالی
۴۶.....	۱-۳-۲ تاریخچه آموزش عالی
۴۹.....	۲-۳-۲ الگوهای تغییر و ویژگی های آن
۵۳.....	۴-۲ بخش سوم : جهانی شدن و مدیریت آموزش عالی

- ۲-۴-۱ وظایف مدیران مراکز آموزش عالی ۵۶
- ۲-۴-۲ ویژگیهای مدیریت در مراکز آموزش عالی ۶۰
- ۲-۴-۳ چالشهای فراروی مدیران مراکز آموزش عالی ۶۲
- ۲-۵-۲ بخش چهارم : جهانی شدن و برنامه ریزی در آموزش عالی ۶۴
- ۲-۵-۱ اهداف در برنامه ریزی آموزشی و جهانی شدن ۶۴
- ۲-۵-۲ برنامه ریزی درسی و جهانی شدن ۶۵
- ۲-۵-۳ اهداف در برنامه ریزی درسی و جهانی شدن ۶۵
- ۲-۵-۴ محتوای آموزشی در برنامه ریزی درسی و جهانی شدن ۶۸
- ۲-۵-۵ اصول انتخاب وسازماندهی محتوای آموزشی و جهانی شدن ۷۲
- ۲-۵-۶ روش های یاددهی - یاد گیری در برنامه ریزی درسی و جهانی شدن ۷۵
- ۲-۵-۷ وظایف اساتید و جهانی شدن ۷۹
- ۲-۵-۸ فناوری و کاربرد وسایل و امکانات آموزشی ۸۲
- ۲-۵-۹ آموزش از دور ۸۳
- ۲-۵-۱۰ ارزشیابی برنامه ریزی درسی و جهانی شدن ۸۵
- ۲-۶-۱ بخش پنجم : جهانی شدن و فناوری در آموزش عالی ۹۰
- ۲-۶-۱ آثار فناوری در مراکز آموزش عالی ۹۱
- ۲-۶-۲ کاربردهای فناوری در آموزش عالی ۹۳
- ۲-۶-۳ نتایج و پیامدهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی ۹۸
- ۲-۶-۴ خطرات و تهدیدات ناشی از توسعه فناوری در آموزش عالی ۱۰۰
- ۲-۷-۱ بخش ششم : جهانی شدن و پژوهش در آموزش عالی ۱۰۳
- ۲-۷-۱ اهمیت پژوهش مراکز آموزش عالی ۱۰۴
- ۲-۷-۲ ویژگی های پژوهشی در دانشگاه آینده ۱۰۵
- ۲-۸-۱ بخش هفتم : تحقیقات در داخل و خارج از کشور ۱۰۸

۱۰۹..... ۲-۸-۱ تحقیقات در داخل کشور

۱۱۱..... ۲-۸-۲ تحقیقات در خارج از کشور

۱۱۳ فصل سوم : روش تحقیق

۱۱۴..... ۳-۱ مقدمه

۱۱۴..... ۳-۲ روش تحقیق

۱۱۴..... ۳-۳ جامعه آماری و روش نمونه گیری

۱۱۵..... ۳-۴ ابزار و روش جمع آوری داده ها

۱۱۶..... ۳-۵ سنجش روایی و پایایی پرسشنامه

۱۱۸ فصل چهارم : تجزیه و تحلیل اطلاعات

۱۱۹..... ۴-۱ مقدمه

۱۱۹..... ۴-۲ تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن مدیریت آموزش عالی

۱۲۳..... ۴-۳ تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن بر برنامه درسی آموزش عالی

۱۳۰..... ۴-۴ تهدیدات و فرصتهای حاصل از رشد سریع اطلاعات و ارتباطات بر آموزش

۱۳۴..... ۴-۵ تهدیدات و فرصتهای پدیده جهانی شدن بر پژوهش آموزش عالی

۱۳۸..... ۴-۶ آزمون جمعی رتبه ای ویلکاکسون

۱۳۹ فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

۱۴۰..... ۵-۱ مقدمه

۱۴۰..... ۵-۲ نتایج بدست آمده مربوط به سؤال اول تحقیق

۱۴۲..... ۵-۳ نتایج بدست آمده مربوط به سؤال دوم تحقیق

۱۴۳..... ۵-۴ نتایج بدست آمده مربوط به سؤال سوم تحقیق

۱۴۵..... ۵-۵ نتایج بدست آمده مربوط به سؤال چهارم تحقیق

- ۶-۵ پیشنهادهای ۱۴.۶
- ۷-۵ محدودیت ها ۱۴.۶
- ۸-۵ محدودیت ها ۱۴.۷

- ۱۴۸..... فهرست منابع
- ۱۴۹..... فهرست منابع فارسی
- ۱۵۲..... فهرست منابع انگلیسی
- ۱۵۲..... فهرست منابع اینترنتی

- ۱۴۱..... ضمائم

فهرست جداول

- جدول شماره ۱-۱-۲: «ویژگی های الگوهای تغییر» ۴۹
- جدول شماره ۱-۳-۲: تغییر نقش مدیریت با توجه به توسعه منابع انسانی، آموزش و ایجاد ۵۵
- جدول شماره ۲-۳-۲: رهبری موثر در الگوهای دیوان سالاری، سیاسی، مشارکتی ۵۷
- جدول شماره ۱-۴-۲: مهارتهای قابل توجه در تنظیم محتوای آموزشی ۷۳
- جدول شماره ۲-۴-۲: مقایسه نظام آموزش سنتی و نظام آموزش از دور ۸۴
- جدول شماره ۳-۴-۲: نحوه نمره دهی به دانشجویان بر حسب فعالیت در آموزش درون شبکه ۸۹
- جدول شماره ۱-۳: بررسی پایایی پرسشنامه ۱۱۶
- جدول شماره ۱-۴: شناسایی تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن بر مدیریت آموزش عالی ۱۲۱
- جدول شماره ۲-۴: شناسایی تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن بر برنامه ریزی درسی ۱۲۷
- جدول شماره ۳-۴: شناسایی تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن بر فناوری آموزش عالی ۱۳۲

جدول شماره ۴-۴ : شناسایی تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن بر پژوهش در آموزش عالی۱۳۶

جدول شماره ۴-۵ : نتایج آزمون رتبه ای ویلکاکسون۱۳۸

فهرست نمودارها

نمودار شماره ۴-۱ : هیستوگرام تاثیر جهانی شدن بر مدیریت آموزش عالی ۱۲۲

نمودار شماره ۴-۲ : هیستوگرام تاثیر جهانی شدن بر برنامه ریزی درسی آموزش عالی۱۳۰

نمودار شماره ۴-۳ : هیستوگرام تاثیر جهانی شدن بر فناوری در آموزش عالی۱۳۴

نمودار شماره ۴-۴: هیستوگرام تاثیر جهانی شدن بر پژوهش در آموزش عالی۱۳۷

فصل اول :

مقدمت تحقیق

مقدمه

جهانی تازه در حال ساخته شدن است و بحث درباره سرشت و سمت و سوی آن موضوع گفتگو های عمومی است. این بار سریع تر از همیشه تغییر و تحولات رخ می دهد و نه تنها دامنه محله، شهر و کشور را در بر می گیرد بلکه پا را فراتر نهاده، کل کشورها و قاره ها را می پیماید و سطح جهانی را در کوتاهترین زمان متحول می سازد. در اثر این تغییر و تحولات انسان ها، آدم های دیگری می شوند و انتظارات و نیازها و حتی اهداف متفاوتی نسبت به سابق پیدا می کنند. اگر فردی و جامعه ای در این دنیای نو و تازه دیر اقدام نماید در این گردونه پر سرعت از دور خارج می شود و دوباره به سختی می تواند خود را وارد میدان رقابت نموده و به سطح جهانی برساند.

در این فصل با بیان مسئله جهانی شدن و آموزش عالی به بررسی ضرورت انجام تحقیق، دلایل انتخاب این موضوع و بیان اهداف و سوالات تحقیق و تعاریف مفاهیم و اصطلاحات پرداخته شده است.

تعریف مساله

جهانی شدن چند سالی است که نظر اندیشمندان و دولتمردان و کارگزاران حکومتی را در سراسر گیتی به خود مشغول ساخته، اما به دلیل گستردگی ابعاد و اهمیت موضوع هنوز در محافل علمی هر محققى از منظر خود و با دیدگاه خاصی به این مسئله می نگرد.

گیدنز، جهانی شدن را تحکیم مدرنیته می داند و مدرنیته را گردونه عظیم می خواند و جهانی شدن را گردونه از کنترل خارج شده. گردونه ای که هر کس در مقابلش مقاومت کند خرد می شود. این تریلی رها شده به پیش می تازد و دیگر هیچ کس توان مقابله و رویارویی با آن را ندارد. به اعتقاد او جهانی شدن فرآیندی تناقض آمیز و نابرابر و سرشار از خطر و فرصت است. جهانی شدن از نظر او ترکیبی از اضطراب و رهایی و آمیزه ای از آزادی ها و عدم اطمینان هاست.

نتایج جهانی شدن را می توان در چهار بعد اصلی اقتصادی، سیاسی، فناوری، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفت که هر یک از این ابعاد به طور مستقیم با آموزش عالی در ارتباط است. از یک طرف شرایط جامعه در ابعاد فوق از نظر انتظارات و حمایت بر آموزش عالی اثر می گذارد و از طرف دیگر از عملکرد آموزش عالی با توسعه و انتقال دانش و انجام فعالیت های پژوهشی بر روند اقتصادی، سیاسی، فناوری و اجتماعی - فرهنگی جامعه اثر می پذیرد و بدین لحاظ ارتباط تنگاتنگی بین آموزش عالی و جهانی شدن وجود دارد.

از آن جایی که در بعد فناوری، جهانی شدن به اشاعه ی فناوری هایی (سخت افزار و نرم افزار) اطلاق می گردد که روند گسترش اطلاعات جهانی را تسهیل و توسعه فناوری های پیشرفته ی اطلاعاتی، دسترسی آسان و ارزان به اطلاعات در سطح جهانی را ممکن می سازد، جنبه مهم جهانی شدن است که در حقیقت نوعی پشتیبان و مکمل جهانی شدن اقتصادی است (مهر علیزاده، ۱۳۸۳، ص ۹) و از اهمیت بالایی برخوردار است و توجه بیشتر به نظامهای آموزشی به خصوص آموزش عالی و آموزش از دور و آموزش الکترونیکی در نظام آموزش عالی را که زمینه ساز توسعه و گسترش علم و فناوری است را به خود جلب می کند.

این در شرایطی است که آموزش عالی، در حال حاضر در حال عبور از یک الگوی "توقف موقت" به الگوی "یادگیری بی وقفه" است (راولی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۶) و با جریانهای ضد و نقیضی در جهان امروز رو به روست. چنان که به اعتقاد صاحب نظران این حوزه، آموزش عالی دچار وضعیت «فوق پیچیدگی» شده است.

این جریانها ادراک و احساس ما را نسبت به وضع کنونی دانشگاه و آینده آن با ابهام و پیچیدگی و دوگانگی شدیدی روبرو کرده است و احساس دوگانگی بیم و امید نسبت به تحولات آموزش عالی در سطح جهان به وجود آورده است. (فاضلی، ۱۳۸۱)

از یک طرف با افزایش ظرفیت دانشگاهها و پیدایش موسسات آموزش عالی جدید و گسترش فرصت های آموزشی و پاسخگویی به متقاضیان ورود به دانشگاهها که نتایج آن کاهش نابرابری و برقراری عدالت اجتماعی است و توسعه تکنولوژی های ارتباطی آموزشی و اطلاعاتی در اثر جهانی شدن که آخرین یافته ها در کوتاهترین زمان در جهان علم و دانش منتشر می شود، مواجه شده و از طرف دیگر با بالا رفتن ظرفیت دانشگاهها با ناتوانی دولتها در تامین بودجه و امکانات لازم برای دانشگاهها که برای رفع آن دولتها در ابتدا مشارکت متقاضیان و در نهایت مجبور به واگذاری موسسات آموزش عالی به بخش خصوصی می شوند. و در نتیجه آن، نابرابری های اجتماعی افزایش یافته و حتی آموزش عالی به جای این که در خدمت تحقیقات و پرورش مهارتها باشد در خدمت تجار و در راستای بهره وری های اقتصادی قرار می گیرد.

امروزه، دانشگاهها به روی تمام افراد جامعه و نه نخبگان و افراد خاص گشوده شده است و این امر باعث گردیده که دانشگاه برای خروج افراد به تغییر معیارهای یادگیری و کاهش کیفیت و نزول از سطح مطلوب آموزش و خلاقیت و نوآوری مجبور گردد. به تعبیر ریڈینگز، از دانشگاه جز ویرانه ای آباد بر جای نماند که در این ویرانه با انفجار دانش، شاهد کاهش شعور، شناخت و قوه

تجزیه و تحلیل انتقادی بوده و این مسئله موجب گسترش فاصله دانشگاه‌های شمال و جنوب می‌گردد. (فاضلی، ۱۳۸۱، برگرفته از <http://www.farhangshenasi>)

از آن چه گذشت می‌توان دریافت که آموزش عالی باید همانند گذشته پویا عمل کند و همگام با تغییر و تحولات ناشی از پدیده جهانی شدن با نگرشی تازه و متناسب با تعالی جامعه، بحرانها و چالشهای فرا رو را پیش بینی و با برنامه ریزی مناسب تهدیدات و پیچیدگی های موجود را حل نموده و از فرصتها حداکثر استفاده را بنماییم.

هر چند که جهانی شدن بر ابعاد مختلف زندگی منجمله ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اثر می‌گذارد اما محقق به دلیل محدودیت زمانی و امکانات مالی و اجرایی ناگزیر است تنها به بررسی تاثیر جهانی شدن بر نظام آموزش عالی که زمینه ساز ابعاد دیگر است بپردازد.

در ورود به آموزش عالی نیز باید توجه داشت که عوامل درونی و بیرونی بسیاری در عملکرد آموزش عالی دخیل هستند و هر چند که ممکن است مطالعه هر یک از متغیرها با فرض ثابت نگه داشتن سایر عوامل، ما را از هدف اصلی کمی دور نماید اما به دلیل توجه به عمق مسئله و محدودیت های موجود ناگزیر به بررسی تعداد محدودی از متغیرها با توجه به اثرات پدیده جهانی شدن می‌باشیم که عبارتند از مدیریت، برنامه درسی، فناوری اطلاعات و جایگاه پژوهش در آموزش عالی. به این امید که بتوانیم تهدیدات و فرصتهای موجود در این راستا را بررسی و هدایت نماییم.

ضرورت انجام تحقیق

جهانی شدن پدیده تازه ای است که در ادبیات معاصر جهان جایگاه ویژه ای یافته و اندیشه ها و نظریه های بسیاری را به خود معطوف داشته است. فرآیند جهانی شدن در پی تحول عمیق در نظام سرمایه داری و رشد شگفت آور فناوری ارتباطات و اطلاع رسانی، به خصوص انقلاب انفورماتیک دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت و در آغاز هزاره سوم میلادی و قرن بیست و یکم توجه به آن شدت بیشتری به خود گرفته است.

اکتشافات و اختراعات و تولید و اشاعه دانش و نقد آن در آموزش عالی، نقش به سزایی در پیدایش عصر اطلاعات داشته که با پیشرفت تکنولوژی به خصوص تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، دانشگاهها در تعامل بیشتری با محیط پیرامون خود قرار گرفته اند. و تصمیمات مهم در جنبه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از جانب تربیت یافتگان دانشگاهها صورت می‌گیرد. و به

نقل از پایادوپولوس ، آموزش عالی به عنوان دروازه ای به سوی موفقیت اقتصادی آینده ، ابزار انتخاب شده مقابله با بیکاری و نیروی پیش برنده ی پیشرفتهای علمی و فنی است .

از طرف دیگر آموزش عالی نظامی است که در معرض تهاجم واقع شده و در طول دهه ها - اگر نگوییم قرن‌ها - دانشگاهها و مراکز آموزش عالی از جایگاه ، اعتبار ، تحسین و حمایتی برخوردار بوده که موجب می شد در عرصه تولید و توزیع دانش در جامعه لقب پر افتخار پیشروان دانش را به خود اختصاص دهد . اما اینک این نقش محوری در حال دگرگونی است . و دگرگونی هایی که در جهان در جریان است عرصه آموزش را نیز از تند باد خود بی بهره ننهاده است .

امروزه سیاستمداران و مسئولان دولتی و دیگران به ارزش آموزش و پژوهشهای دانشگاهی و کیفیت و میزان آمادگی دانشجویان و نقش اساتید به عنوان نخبگان و متخصصان در شکل گیری جامعه جهانی ، انتقادهای جدی بسیاری می کنند . و در آینده ممکن است به شماری از وقایع غیر قابل پیش بینی و پر آشوب بیانجامد که بالقوه می تواند ماهیت آموزش عالی را دگرگون سازد. پس ضرورت دارد که موسسات آموزش عالی آمادگی لازم جهت رویارویی با امواج جهانی شدن را داشته و با نگرشی جامع و آینده نگر قادر به درک و فهم مسائل جهت تبیین ، پیش بینی و حتی کنترل چالشها باشند .

لازم به ذکر است که نباید با چالش های آموزش عالی با دیدی بدبینانه برخورد کرد ، بلکه چالشها را باید شناخت و برای آنها راهبردهای منطقی و واقع بینانه اتخاذ نمود . در صورتی که چالشها از منظر فرصت سازمانی بررسی شوند یقیناً موجب پویایی نظام آموزش عالی خواهند شد . در این صورت حتی می توان به هدایت چالشها و به نوعی مدیریت بر چالشها نیز امیدوار بود. محقق به دلایل زیر این موضوع را انتخاب نموده است :

۱- اهمیت موضوع جهانی شدن و تاثیرات آن بر سازمانها و نهادها به خصوص آموزش عالی و ضرورت رویارویی با اثرات متغیر پدیده جهانی شدن.

۲- اهمیت جایگاه و منش نظام آموزش عالی بر پیشرفت و توسعه جامعه اسلامی .

۳- علاقه مندی محقق به موضوع و اعتمادی که محقق به پیشرفت ، به خصوص در زمینه های علمی ، با توجه به معیارها و قابلیت های جامعه اسلامی دارد .

۴- در پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری کمتر به این موضوع پرداخته شده است .

۵- توجه سازمانها و نهادها به ویژه آموزش عالی و آموزش و پرورش بر جهانی شدن که در قالب همایش ها، کنفرانس ها، چاپ کتب و مقالات منتشر و مشاهده می شود. امید است با ارائه نتایج این پژوهش بتوان در جهت تسهیل یا رفع مشکلات و موانع و استفاده بهینه از فرصتها، به مسئولان و دست اندرکاران آموزش عالی یاری رساند ...

هدف کلی

بررسی تهدیدها و فرصتهای پدیده جهانی شدن بر نظام آموزش عالی

اهداف ویژه

- ۱- بررسی تاثیر جهانی شدن بر مدیریت آموزش عالی
- ۲- بررسی تاثیر جهانی شدن بر برنامه های درسی نظام آموزش عالی
- ۳- بررسی تاثیر جهانی شدن بر فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام آموزش عالی
- ۴- چگونگی تاثیر جهانی شدن بر پژوهش در نظام آموزش عالی

بیان سؤالات تحقیق

سؤالات اصلی:

- ۱- تهدیدات و فرصت های پدیده جهانی شدن بر آموزش عالی چیست؟
 - ۲- چه پیشنهاداتی در استفاده بهینه از فرصتها و کاهش تهدیدات ارائه می گردد؟
- سؤالات ویژه:

- ۱- پدیده جهانی شدن چه تاثیری بر مدیریت آموزش عالی می تواند بگذارد؟
- ۲- چگونه پدیده جهانی شدن، برنامه درسی نظام آموزش عالی را تحت تاثیر قرار می دهد؟
- ۳- رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات در اثر جهانی شدن، چه تاثیری بر نظام آموزش عالی می تواند بگذارد؟
- ۴- جایگاه پژوهش و تحقیق در نظام آموزش عالی در اثر پدیده جهانی شدن چه تغییری می کند؟

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

جهانی شدن: محو شدن مرزهای جداکننده جهان و حرکت تدریجی جهان به سوی نوعی همگنی یا هم‌گونگی، بیش‌تر در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در واقع می‌توان آن را نوعی حرکت از کثرت به وحدت دانست، جهانی شدن گفته می‌شود. (شجاعی زند، ۱۳۸۲، ص ۳۰)

آموزش عالی: مراکزی که در آن انتقال و ترویج دانش و توسعه پژوهش و نوآوری جهت توسعه منابع انسانی منتهی به مدارک کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری صورت می‌گیرد.

فناوری اطلاعات: بنابر تعریف اتحادیه فناوری اطلاعات (ITA) فناوری اطلاعات به معنای مطالعه، طراحی، توسعه، پیاده‌سازی، حمایت یا مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر رایانه به خصوص برنامه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزارهای رایانه‌ای است. (برگرفته از <http://ictpress.ir>)

برنامه ریزی درسی: عبارت از پیش‌بینی و تهیه مجموعه فرصت‌های یادگیری برای جمعیتی مشخص به منظور نیل به آرمانها و هدفهای آموزشی و پرورشی است.

پژوهش: عبارت است از تجزیه و تحلیل و ثبت عینی و سیستماتیک مشاهدات کنترل شده که ممکن است به پروراندن قوانین کلی، اصول و یا نظریه‌هایی بیانجامد و به پیش‌بینی و یا احتمالاً کنترل نهایی رویدادها منتج شود. همچنین پژوهش را کاربرد روش علمی برای حل یک مسئله تعریف کرده‌اند. (برگرفته از <http://pazhooesh87.blogfa.com>)

آزمون ویلکاکسون: این آزمون از آزمونهای غیرپارامتری است که برای ارزیابی همانندی دو نمونه وابسته با مقیاس رتبه‌ای به کار می‌رود. همچون آزمون مک‌نمار، این آزمون نیز مناسب طرحهای ماقبل و مابعد است (یک نمونه در دو موقعیت مختلف)، و یا دو نمونه که از یک جامعه باشند. این آزمون اندازه تفاوت میان رتبه‌ها را در نظر می‌گیرد بنابراین متغیرها می‌توانند دارای جوابهای متفاوت و یا فاصله‌ای باشند.

فصل دوم :

ادبیات تحقیق

مقدمه

این پدیده زندگی انسان را متحول ساخته و بر جنبه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی بشریت تاثیر گذاشته و از آن تاثیرپذیر است این نکته نیز حائز اهمیت است که الگوهای آموزشی در درون نظامهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی رشد و نمو می یابند و از آنها تاثیر می پذیرند. در حقیقت به تعداد سیستم های فرهنگی - اقتصادی و سیاسی فعال و نسبتا پایدار در تاریخ می توانیم الگوهای آموزشی و دانشگاهی داشته باشیم. و هر الگوی دانشگاهی در حقیقت مدل خاصی از تعامل این نهاد علمی با محیط خود است. (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴، ص ۱۹) به گونه ای که نه تنها محیط، زمینه ساز برنامه های دانشگاه است بلکه فرایند دانشگاه هانیز محیط و اجتماع را می سازد. در این فصل، جهت آشنایی با جهانی شدن ابتدا تعاریف و ماهیت وریشه تاریخی آن و نظریات مرتبط با جهانی شدن را استخراج و تجزیه و تحلیل نموده و تاثیر جهانی شدن بر ابعاد مختلف زندگی بشر مورد بررسی قرار می گیرد.

در ادامه با بررسی ماهیت مراکز آموزش عالی و تاریخیچه آن، به بررسی الگوهای تغییر و ویژگی های آن در آموزش عالی و تغییرات در برنامه ریزی درسی و آموزشی و مدیریت دانشگاه ها، تاثیر رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی و پژوهش و تحقیق در محیط های آموزشی با محور جهانی شدن پرداخته تا تهدیدات و فرصتهای ناشی از این تغییرات را که در اثر پدیده جهانی شدن رخ داده است شناسایی شود.

بخش اول: مفاهیم و نظریه های جهانی شدن

مبانی نظری جهانی شدن: از سال ۱۹۷۰ نظریه های متعددی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در خصوص جهانی شدن ارائه گردید که هر کدام از دیدگاه خود به پیش بینی وضعیت آینده بشر و بیان چالشهای موجود در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی پرداخت. این امر موجب گردید ماهیتهای متغیری به پدیده جهانی شدن داده شود و تعاریف متنوعی از مفهوم جهانی شدن ارائه گردد که هر کدام وابسته به سطح تفکر و زاویه دیدی است که به پایه و اساس جهانی شدن نگریسته شده است.

اکنون این اصطلاح گرچه با سهل انگاری زیاد و حتی گاهی با معانی متناقض به کار برده شده ولی خود به بخشی از آگاهی جهانی و یکی از وجوه ازدیاد اصطلاحات مرتبط با جهان تبدیل شده است. (رابرتسون، ۳۶، ۱۳۸۰)

تعاریف متعدد و گاه متناقضی از جهانی شدن ارائه گردیده است که به بعضی از این تعاریف اشاره می شود:

رابرتسون معتقد است با این که جهان یک نظام واحد را تشکیل می دهد اما پراز اختلاف و تضاد است تا آنجا که گروهی، جهانی شدن را به عنوان واکنش به این محدودیت ها به شمار می آورند. او جهانی شدن یا سیاره ای شدن جهان را هم به درهم فشردن و مترکم شدن جهان وهم تراکم و انباشت آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل اطلاق می دهد. (رابرتسون، ۱۳۸۰، ۳۵)

گیدنز در کوتاه ترین تعریف ممکن، جهانی شدن را فرآیند به هم وابستگی روز افزون می داند. (گیدنز، ۱۳۷۹، ۳۷)

از نظر فریدمن جهانی شدن یعنی گسترش سرمایه داری بازار آزاد به اغلب کشورهای جهان است. (احمدی، ۱۳۸۱، ۱۵)

هودشتیاین جهانی شدن را گذر ذهن از فضای حد و محدودیت ها و ورود به بی نهایت ها، با تسلط بر طبیعت دانسته است. (هودشتیاین، ۱۳۸۰، ۱۷۰)

فرانوگریان جهانی شدن را ورود به دنیای نسبت گرایی و پیدایش حوادث غیر منتظره دانسته اند که گروهی سودجو با اشاعه آگاهی های کاذب، باید ها و نباید ها و ایدئولوژی های جدید را ساخته اند و نام آن را تاثیر جهانی شدن گذاشته اند.

لغت نامه جدید آکسفورد (۱۹۹۰) واژه جهانی شدن[□] را در زمره کلمات جدید معرفی کرده است. همین لغتنامه «آگاهی جهانی» را به عنوان قابلیت پذیرش (ودرک) فرهنگ های دیگر غیر از فرهنگ خودی و نشانه توجه به مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جهان تعریف و خاطر نشان ساخته که کاربرد مذکور از جهانی شدن متأثر از نظریه مارشال مک لوهان[□] در باره جهانی شدن است. (رابرتسون، ۱۳۸۰، ۳۶)

تعاریف دیگری که از جهانی شدن ارائه گردیده عبارت است از:

- فشردگی جهان
- فرآیند غربی کردن و همگون سازی جهان
- ادغام همه جنبه های اقتصادی در گستره ای جهانی

□ - Globalization

□ - MC Luhan

□ - مک لوهان (۱۹۱۱) پیش بینی کرد که پیشرفت ارتباطات، دهکده ای جهانی متشکل از بشر پراکنده در پنج قاره ایجاد خواهد کرد.

- پهناور تر شدن گستره تاثیرگذاری و تاثیرپذیری کنش های اجتماعی
- کاهش هزینه های تحمیل شده توسط فضا و زمان (گل محمدی، ۱۳۸۱، ۱۹)
- فشرده‌گی فضا و زمان.

با تأمل در تعاریف می توان دریافت که وجود تغییرات و مواجه شدن با وضعیت جدید وجه اشتراک تعاریف است و در اغلب تعاریف جهانی شدن فرآیندی تدریجی و پایدار توصیف شده که از گذشته دور یا نزدیک شروع شده و هنوز هم ادامه دارد و در تفکر و عمل، جهان به مثابه یک مکان واحد قلمداد می گردد. (مهر علیزاده، ۱۳۸۳، ۶)

بر این اساس فریدمن مسائل اقتصادی و فرانوگرایان عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را عامل جهانی شدن می داند. فریدمن یکی از برجسته ترین طرفداران رهیافت اقتصادی جهانی شدن، آن را این گونه تعریف می کند « ادغام سرسختانه بازارها، دولت های ملی، فناوری ها به درجه ای که پیش از این هرگز مشاهده نشده و افراد و شرکت ها و دولت های ملی را قادر ساخته است تا دورتر، سریعتر و عمیق تر و ارزانتر از گذشته به اطراف جهان دست پیدا کنند.» (احمدی، ۱۳۸۱، ۱۵) اما فرانوگرایان جهانی شدن را با ارائه تغییر تازه ای از هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی و نگرش به پدیده های اجتماعی و اقتصادی، پدیده جدیدی در زندگی نوع بشر دانسته اند. آنان در رابطه با موضوع هستی شناسی و معرفت شناسی به مسائلی نظیر تفوق، تخیل، تسلط احساس بر عقل، نسبی گرایی در شناخت، نفی انسان محوری، انکار فاعل عاقل و منطقی در روانشناسی و رها کردن کل گرایی در مقوله شناخت پرداخته اند. در موضوع روش شناسی به مسائلی نظیر عقل گرایی و تجربه گرایی، تقدم متن بر مولف و توجه ویژه به فلسفه زبان در تحلیل رویدادها اشاره کرده اند. آزادی به شکل سودجویانه نفی شده و اندیشه های سیاسی به عنوان بخشی از بازی قدرت و نوعی کشمکش برای معنا بخشیدن به ساختار قدرت و تنظیم رفتار کنشگران به حساب می آید. بدین ترتیب فریدمن و فرانوگرایان، جهانی شدن را محدود به ابعاد اقتصادی و سیاسی می دانند.

در مقایسه تعاریف جهانی شدن می توان دریافت که هودشتیاین و گیدنز مدرنیته را زیر بنای جهانی شدن می دانند. گیدنز جهانی شدن را تحکیم مدرنیته دانسته که فرآیندی متناقض و نابرابر و سرشار از خطر و فرصت است و به دلیل تغییر و تحولات قابل پیش بینی نیست تا اندازه ای که وجود دنیای تحت کنترل، غیر معقول و بی ربط به نظر می رسد. به عبارت دیگر جهان، جهانی است که نوع جدیدی از مسائل پیش بینی ناپذیر از عدم قطعیت ها را رایج کرده است. و هودشتیاین اساس جهانی شدن را در پدیده مدرنیته جستجو می کند و اعتقاد دارد مدرنیته یا نوکردن قاعده مندانه، شالوده اش بی نهایتی است و به جای محکوم ماندن در طبیعت، باید به تسلط بر طبیعت متمایل شد

و به اراده بی نهایت روی آورد. از نظر هودشتیاین این سوژه به فرهنگ، تکنولوژی و اقتصاد مدرن خاصیت جهانی داده و حتی از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و عملاً جهانی شده است. (هودشتیاین، ۱۳۸۰، ۱۷۰)

بر خلاف گیدنز و هودشتیاین، در بررسی آثار رابرتسون مشاهده می شود که او مفهوم جهانی شدن را با تجدد، یکسان نمی داند و یا آن را نتیجه مستقیم تجدد به شمار نمی آورد. رابرتسون و گیدنز هر دو معتقد به گسترش وابستگی متقابل در جهانی شدن هستند. از دیدگاه رابرتسون جهانی شدن مفهومی است که هم به فشرده شدن جهان و هم تشدید آگاهی درباره جهان به عنوان یک کل و هم به وابستگی متقابل و واقعی جهان و هم به آگاهی نسبت به یکپارچگی جهان در قرن بیستم اشاره دارد.

تشدید آگاهی جهانی از نظر رابرتسون، همراه با وابستگی متقابل شدید در زمینه مسائل مادی، احتمال اینکه جهان به یک تکه نظام تبدیل شود را افزایش داده ولی او هرگز مدعی نیست که جهان به صورت یکپارچه درآمده است. بدین ترتیب گیدنز تنها فرآیند وابستگی روزافزون را جهانی شدن می داند و رابرتسون علاوه بر وابستگی، تشدید آگاهی را نیز در مفهوم جهانی شدن گنجانده است. ضروری است تاکید شود که باید بین جهانی شدن و جهانی سازی تفاوت قائل شد که این تمایز جهانی شدن (globalization) و جهانی سازی (globalism) از آن جهت که بار منطقی و معرفت شناختی دارد ما را در ادراک هرچند ساده از مفهوم جهانی شدن مدد می رساند.

جهانی شدن به منزله فرآیند در مقابل جهانی سازی به منزله طرح در نظر گرفته می شود. هنگامی که از جهانی شدن به منزله فرآیند سخن به میان می آید منظور همان تحولات کم و بیش طبیعی است که نتایج آن به صورت ارتباط های فزاینده میان جوامع آشکار می شود. اما جهانی سازی ناظر بر تلاش عمدی است برای آنکه نظام فکری یا اجتماعی معینی در سطح جوامع گوناگون جهان گسترش و حاکمیت یابد. (باقری، ۱۳۸۳، ۴۱)

جهانی شدن ناظر بر فرایندهایی است که در عرصه های مختلف ظاهر شده و در حقیقت هزاره سوم را شکل داده است لذا از جهانی شدن به منزله یک پروسه می توان نام برد اما جهانی سازی چیزی است که عمدتاً متمرکز است به اراده سیاسی یا اقتصادی و در سال های اخیر فرهنگی که قصد آن دارد تا جهان را یکپارچه و همگن سازد و آن را در خدمت هدف های سلطه جویانه خود در آورد. به همین سبب از آن به عنوان یک پروژه یاد می کنند و کسانی که جهانی شدن را صرفاً به عرصه سیاست تقلیل می دهند در واقع آن را به پروژه یکسان سازی جهانی محدود کرده و نگاهشان معطوف به تصمیم گیری های مراکز خاص سیاسی در جهان می گردد. (جوادی، ۱۳۸۲، ۲۴)

لازم به ذکر است که در عالم واقع نمی توان در همه موارد، تفکیک قاطعی میان این دو چهره جهانی شدن قائل شد و جهانی شدن در واقع به صورت ترکیبی از فرآیند و طرح یا پروسه و پروژه در جریان است و تنها در حد فعالیتی تحلیلی می توان دو رشته درهم تنیده آن را از یکدیگر تفکیک نمود. (باقری، ۱۳۸۳، ۴۲)

در یک جمع بندی می توان دریافت که تعریف جامع و منحصر به فردی از جهانی شدن نمی توان یافت و چند و چون در مفهوم جهانی شدن به دلیل برداشت های متعدد و گاه متعارض که از آن ارائه شده معنای روشنی را افاده نمی کند. اما آنچه مسلم است اینکه جهانی شدن فرآیندی چند بعدی با شناسه های فشردهگی فزاینده جهان از بعد زمان و مکان و کم شدن فاصله های زمانی و مکانی است که موجب وابستگی و درهم تنیدگی بخش های مختلف و تشدید آگاهی جهانی گردیده است و هم چنین می توان آن را وسیع ترین گستره تاثیرگذاری و تاثیرپذیری کنشگران در عرصه های بین المللی بر شمرد که بیش از همه در سه عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بازتاب یافته است.

ویژگی های پدیده جهانی شدن

امروزه در تحقیقات مربوط به جهانی شدن به دلیل خصوصیات این پدیده، اندیشمندان کمتر در فکر بررسی معنا و مفهوم آن و ارائه تعریف ثابتی از جهانی شدن بوده و بیشتر درصدد دستیابی به ویژگی های این پدیده و ارائه راه حلی جهت رویارویی با آن هستند. در بررسی خصوصیات و ویژگی های مربوط به پدیده جهانی شدن می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- جهانی شدن که قدمت زیادی دارد فرآیندی پیچیده، چند وجهی و چند بعدی است. این فرآیند نه در یک بعد خاص بلکه در ابعاد گوناگون در حال شکل گیری و تکوین است و ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی جوامع بشری را تحت تاثیر قرار می دهد. در این زمینه اریک ولف تاکید می کند که جهان بشریت یک کلیت کثیرالوجه است و از مجموعه ای از فرآیند های مرتبط به هم تشکیل شده است. (رابرتسون، ۱۳۸۰، ۷۵)
- ۲- در هر بعدی از ابعاد و فرآیند تکوین مستمر جهانی شدن وضعیت موجود نظام های مستقر آن اعم از محلی، ملی، منطقه ای به صورت تدریجی و تکاملی به چالش کشیده می شود و در عین حال در این پدیده وابستگی متقابل میان واحدهای ملی، محلی، منطقه ای مشاهده می شود.
- ۳- جهانی شدن نه یک پدیده «مختوم» و «غایی شده» بلکه پدیده ای پیوسته در حال شدن است و هر روز در شکل و شیوه ای متفاوت متجلی می شود.

۴- جهانی شدن رویکردی بین رشته ای است و نیاز به یک نظریه اجتماعی فراگیر دارد؛ نظریه ای که با چشم اندازی وسیع زمینه های گسترده ای از علوم انسانی، علوم اجتماعی و حتی علوم طبیعی را در بر می گیرد و نیاز به کار مجدانه ای دارد تا پایه های تجربی روابط پیچیده رشته ها و مطالعات بین رشته ای را درک کند. (همان، ۱۲۱)

۵- شکل گیری دهکده جهانی و کوچک شدن جهان معطوف به نوعی پدیدار شناسی انقباضی است. گرچه صاحب نظران مختلف از کوچک شدن زمین و از بین رفتن فضا سخن گفته اند، اما این حقیقت پدیدار شناسانه است نه واقعی. یعنی به نظر می رسد که جهان کوچک شده در حالی که از لحاظ اندازه کوچک نشده است. از آن جا که قرار است فضا با زمان اندازه گرفته شود، به اندازه ای که فاصله میان دو نقطه جغرافیایی کوتاه تر شود، فضا هم محدودتر و کوچک تر به نظر رسیده و اگر پیوند میان دو نقطه - که از لحاظ فیزیکی و مادی دور هستند - در یک لحظه ممکن شود، فضا ناپدید شده و جهانی شدن متضمن نابودی پدیدارشناختی فضا و عامیت و کلیت یافتن زمان است.

۶- فرآیند جهانی شدن شکل گیری آگاهی از تعلق به جهانی واحد را دربرمی گیرد. به عبارت دیگر می توان گفت پدیدارشناسی جهانی شدن نوعی پدیدارشناسی بازتابنده و آگاهانه است. در عین حال که وابستگی متقابل و فشردگی جهان روز به روز افزایش می یابد، ساکنان جهان هم نسبت به این فشردگی آگاهی فزاینده ای می یابند و به صورت آگاهانه خود را با جهان، چون یک کل، سازگاری کنند. رابرتسون معتقد است حوادثی که در جهان ایجاد می شود به مثابه یک کل جریان دارد. (رابرتسون، ۱۳۸۰، ۳۸) مثلا شرکت ها به جستجوی بازارهای جهانی برمی خیزند و حکومت ها برای حفظ نظم جهانی تلاش می کنند. در این فرآیند هم کل بر جزء اثر می گذارد و هم اجزا هستند که کل جدید را می سازند.

۷- جهانی شدن ترکیبی از ریسک و اعتماد است. انسان در جوامع سنتی به امر بی واسطه، آشنا، حاضر و مادی اعتماد می کرد و با آن در ارتباط بود، چراکه فراتر رفتن از چنین حوزه ای متضمن خطر کردن بود. ولی افراد در جریان فرآیند، خواسته یا ناخواسته، به اشخاص ناشناس، نیروهای غیرشخصی، هنجارها (بازار، حقوق بشر) و الگویی از مبادله نمادین اعتماد می کنند که به نظر می رسد فراتر از کنترل هر فرد یا گروهی معین است. (گل محمدی، ۱۳۸۱، ۶۰) در این زمینه گیدنز معتقد است جهان با ریسک های بسیاری روبرو شده است و تحولات فناوری قابل پیش بینی نیست تا اندازه ای که وجود دنیای تحت کنترل ما، غیر معقول و بی ربط به نظر می رسد. (گیدنز، ۱۳۷۹، ۲۵)

۸- آنچه بیش از پیش زمینه ساز فرآیند جهانی شدن در دو دهه اخیر بوده است پیشرفت فناوری ارتباطات و گسترش اطلاعات است که سمت و سوی فرهنگ، آموزش و فلسفه تعلیم و تربیت و

دیگر حوزه ها و شئون حیات بشر عصر حاضر را به طور اساسی تغییر داده است. لذا ویژگی دیگر جهانی شدن این است که همه پدیده ها در سایه رایانه ها و نشانه ها و واقعیت ها، به فرا واقعیت تغییر یافته اند و به همین نحو ارزش ها نیز مفهوم رایانه ای گرفته اند. (ضمیران، ۱۳۸۱، ۲۵)

۹- یکی دیگر از ویژگی های جهانی شدن را می توان در نظریه « دوگانگی ساخت [□] » گیدنز بررسی نمود. دوگانگی ساخت بدین معناست که ساخت های اجتماعی همزمان هم بر کنش اثر می گذارند و هم نتیجه کنش انسانی اند. یعنی افراد همزمان با به وجود آوردن جامعه و ساختار های آن تحت تاثیر قرار می گیرند و ساخت اجتماعی برای عضو جامعه در آن واحد هم درونی است و هم بیرونی. به بیان دیگر جنبه های ساختاری نظام اجتماعی هم وسیله و هم نتیجه اعمال عامل است. به عبارتی دوگانگی ساخت یعنی ساخت در عین وادارندگی توانا ساز نیز هست و در آن واحد هم محدود می کند و هم میدان می دهد. (گیدنز، ۱۳۷۹، ۱۹)

در خاتمه می توان گفت به طور کلی جهانی شدن فرآیندی پیچیده، چند وجهی و چالش برانگیز است که در ابعاد مختلف (سیاسی، اقتصادی و...) و در مناطق محدود و گسترده (محلی، ملی و...) به صورتی تدریجی و تکاملی، تاثیرگذار و تاثیرپذیر است و با پیشرفت فناوری های ارتباطات و اطلاعات و کاهش فواصل زمانی و مکانی به صورت مجازی، زمینه افزایش میزان آگاهی در سطح جهانی را فراهم کرده است.

از خصوصیات جهانی شدن می توان به ضرورت پیوند میان شاخه های مختلف علوم (تجربی، انسانی و...) و ایجاد روابط گسترده افراد و جوامع انسانی اشاره نمود. این فرآیند که ترکیبی از ریسک و اعتماد و غیرقابل پیش بینی و کنترل است این ضرورت را ایجاد می کند که انسان هایی تربیت شوند که با حسن اعتماد، ریسک پذیر بوده و با قدرت تصمیم گیری بالا، در هر لحظه نسبت به شرایط موجود، توانایی رویارویی با تغییر و تحولات را داشته باشند.

تاریخچه جهانی شدن

هر چند که جهانی شدن به ظاهر پدیده تازه ای است که در پایان سده بیستم و ماههای آغازین هزاره سوم میلادی در ادبیات معاصر جهان جایگاه ویژه ای یافته اما قدمتی دیرینه داشته است. در قرن دوم پیش از میلاد، جهانی شدن به گونه ای غیر مستقیم مطرح بود. پولیبوس در تاریخ عمومی خود هنگام اشاره به ظهور امپراتوری روم می نویسد: « قبلا در میان چیزهایی که در جهان اتفاق می افتاد پیوندی نبود اما از آن پس همه حوادث به صورت یک مجموعه ی مشترک با هم پیوند

□ - Duality of structure

خورده اند. « (کوهن، ۱۹۷۱، بر گرفته از رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱) جهان ممکن بود از طریق سر سپردگی امپراتوری مآبانه یک ملت، اتحاد بزرگ دو یا چند خاندان سلطنتی یا دو یا چند ملت، غلبه جهانی یک دین خاص و یا راه های دیگر به یک نظام واحد تبدیل شود. (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴).

بنابراین می توان در یافت که گرچه اصطلاح جهانی شدن از نیمه دهه ۱۹۸۰ بر سر زبانها افتاده است اما تاریخی طولانی دارد. ادیان بزرگ و امپراتوری ها اشکالی از جهانی شدن در قدیمی ترین دوره های تاریخ بوده اند.

جهانی شدن از سده پانزدهم سرعت بیشتری یافت و در دهه هفتاد قرن نوزدهم وارد مرحله جهش شد. آنچه جهانی شدن معاصر را از دوره های قبل متمایز می سازد سرعت، وسعت و قالبهای تازه است. (همان، ص ۱۹)

ابن خلدون (۸۰۹-۷۳۳ ق) فیلسوف نکته بین تاریخ در اثر سترگ خود با عنوان مقدمه ابن خلدون درباره جهانی شدن می نویسد: « هنگامی که عادات و احوال بشر یکسره تغییر یابد چنان است که گویی آفریدگان از بن و اساس دگرگون شده اند و سرتاسر جهان دچار تحول و تغییر گردیده است. گویی خلقی تازه و آفرینشی نو بنیاد و جهانی جدید پدید آمده است. » (رجایی، ۱۳۸۰، ص ۳۱)

مالکوم واترز (۱۹۹۵) نیز معتقد است که جهانی شدن در طول تاریخ به وقوع پیوسته و به طور نامنظم و از طریق توسعه امپراتوری های مختلف و با غارت و تاراج و تجارت دریایی و نیز گسترش آرمانهای مذهبی، تحول یافته است. اما در اروپای قرون وسطی این فرایند بسیار کند شد. توسعه جهانی شدن که ما امروزه شاهد آن هستیم، در قرون پانزده و شانزده یعنی آغاز عصر جدید شروع شده است. واترز (۱۹۹۵) سه احتمال زیر را برای جهانی شدن مطرح می کند:

۱- جهانی شدن فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و از همان زمان تاثیرات آن رو به فزونی بوده است اما اخیرا شتابی ناگهانی در آن پدیدار شده است.

۲- جهانی شدن با نوگرایی و توسعه ی سرمایه داری همزمان بوده اما اخیرا در آن شتابی ناگهانی به وجود آمده است.

۳- جهانی شدن فرایندی متاخر است که با سایر فرایندهای اجتماعی نظیر فرا صنعتی شدن فرانوگرایی یا شالوده شکنی سرمایه داری همراه است. (مالکوم واترز (۱۹۹۵) به نقل از کدیور، ۱۳۸۱، ص ۷)

آنتولی گیدنز به نقل از دیوید هلد به دو دوره بحث از جهانی شدن اشاره می کند . مرحله اول : اصولاً مرحله ی آکادمیک و علمی که در این مرحله بحث بر سر این بوده که اساساً آیا پدیده ای به نام جهانی شدن وجود دارد یا نه ؟ این دسته را گیدنز (ناباوران به جهانی شدن) می نامد . مرحله دوم : جهانی شدن عمری در حدود ۴۰-۳۰ سال دارد و جهانی شدن است که مردم را به خیابان ها می کشاند و این جنبش عظیم ضد جهانی شدن را ایجاد کرده است . (گیدنز ، ۱۳۸۴ ، ص ۶۰)

جهانی شدن از نظر دیدگاه نظریه پردازان به آن ، به سه دوره یا نسل تفکیک می شود :

نسل اول: در نسل اول نظریه پردازان و جامعه شناسان کلاسیک نظیر سن سیمون، آگوست کنت ، دورکیم، ماکس وبر و کارل مارکس حضور دارند :

سن سیمون و آگوست کنت ریشه فرایند جهانی شدن و شکل گیری جامعه جهانی را در علم و صنعت و علم الاجتماع (جامعه شناسی) و تحول ذهنی بشر جستجو می کنند. سن سیمون (۱۸۲۵-۱۷۶۰م) عقیده داشت که مرزهای ملی بر چیده می شود و به واسطه نیروهای جهانی ساز و همگونی آفرین مرزهای سیاسی و فرهنگی تضعیف شده و جامعه ای جهانی شکل خواهد گرفت و با صنعتی شدن که فرایندی گسترش طلب است مرزهای فرهنگی درنوردیده می شود .

آگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۷ م) شاگرد سن سیمون اعتقاد داشت جامعه بشری با گذر از مراحل خدانشناسی (واحد اجتماعی - خانواده) ، ما بعد الطبیعی (واحد اجتماعی - دولت) و رسیدن به مرحله اثباتی (کل نوع بشر ، واحد اجتماعی اصلی) تحت سلطه ی مدیران صنعتی و هدایت اخلاقی دانشمندان خواهند بود .

دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸م) پدیده ای اجتماعی را زمینه ساز و تسهیل کننده فروپاشی مرزهای فرهنگی ، سیاسی و همگونی جهانی می دانست که این پدیده اجتماعی محصول فرایند نوسازی است که بنیادهای نظم اجتماعی در جوامع سنتی را سست و ویران نموده و گامی در جهت افزایش همگونی جهانی محسوب می شود .

دورکیم بر این عقیده بود که جوامع سنتی با پای بندی به آداب و سنن معین ، تعلق به مکانی خاص و داشتن روحیه ی جمعی و دارای عناصر هویت بخش خاصی هستند که با فرایند نوسازی عناصر هویت بخش ، ملیت و قومیت آنها جایگاه و اهمیت خود را از دست داده و دچار انفکاک ساختاری می شوند. بدین ترتیب فرایند نوسازی نیروهای جهانی ساز هستند که شرایطی نسبتاً همانند را در همه جهان حاکم می کنند .

ماکس وبر (۱۹۲۰-۱۸۶۴ م) تجدد و نوسازی را عواملی بسیار موثر در فرایند جهانی شدن می دانست که با گسترش فرایند عقلانیت در قلمرو جهانی تمایزهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی میان نظام های محدود اجتماعی کاهش یافته و به همان نسبت بر همگونی ها و همسانی ها افزوده می شود.

مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸ م) مانند دورکیم و وبر، تجدد را عامل جهانی شدن می دانست ولی از زاویه نظام سرمایه داری به آن نگریسته و به تفضیل درباره پدیده جهانی شدن سخن می گفت. از دیدگاه وی نظام سرمایه داری ذاتا تمایل به تعمق درونی و گسترش بیرونی دارد که در این نظام حفظ ارزش و اعتبار سرمایه مستلزم انباشت و تراکم بی وقفه است و سرمایه باید همواره به کار گرفته شود تا حداقل ارزش خود را حفظ کند و بازتولید سرمایه نیاز به بازارهایی برای سرمایه گذاری و فروش کالاهای تولید شده داشته که خواه ناخواه فراتر از مرزهای ملی می رود به این ترتیب اقتصاد جهانی در راستای تولید و مصرف جهانی منجر به تحول فرهنگ جهانی می شود. (گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۸-۳۵)

نسل دوم: از دهه ۶۰ نظریه پردازان به این نتیجه رسیدند که دوره نوینی در زندگی بشر آغاز شده و سرنوشت گریزناپذیری برای همه جوامع در جهت رسیدن به نظم اجتماعی متفاوتی آغاز گردیده است.

جامعه شناسان و نظریه پردازان این دوره نظیر پارسونز، دانیل بل، نیکلاس لوهمان و والرستاین، بر اساس اولویتی که به یکی از عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ارتباطات می دادند ریشه و اساس تغییر و تحولات را ارائه نمودند.

پارسونز (۱۹۷۹-۱۹۰۲) اعتقاد داشت که در فرایند نوسازی با انفکاک ساختاری، جوامع دگرگون می شوند و این دگرگونی جهتی نسبتا ثابت و معین دارد که از منطق واحدی پیروی می کند و این منطق در حقیقت، قابلیت انطباق یک نظام زنده برای سازگار شدن با محیط خود است که موجب شده جوامع در مسیر تحول مشترکی حرکت کنند و در یکدیگر ادغام شوند و این فرایند جهانی شدن است.

در اوایل دهه هفتاد، دانیل بل بشارت به ظهور جامعه نوپدید با عنوان جامعه ی اطلاعات محور را می دهد و با معیار رشد و پیشرفت فناوری به این نتیجه می رسد که جوامع از بخش کشاورزی و صنعتی به بخش خدمات روی آوردند و فناوری های فکری برای تولید خدمات موجب همسانی و همگرایی جهان می شود.

لوهمان نیز به گسترش فناوری و توسعه ارتباطات اشاره می کند و معتقد است در جایی که عناصر تشکیل دهنده یک نظام اجتماعی توانایی ارتباطات معنادار با یکدیگر را داشته باشند حد و مرز یک جامعه شکل می گیرد. و با کمک امکانات و فناوری های ارتباطی بسیار پیشرفته، ارتباطات در سطح جهانی بسیار گسترده می شود.

گروه دیگری از نظریه پردازان این دوره، با وجودی که فرایند یکپارچه شدن جهان را می پذیرند ولی عامل اصلی را تحت تاثیر آموزه های مارکس، گسترش نظام اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری می دانند. ایمانوئل والرستاین^۵ (۱۹۷۴) برجسته ترین این نظریه پردازان است که اعتقاد دارد مفهوم محوری جهانی شدن، نظام اجتماعی است که وجود یک تقسیم کار در درون آن موجب تداوم حیات نظام می شود و نظام جهانی مدرن از سه منطقه مرکز، پیرامون و شبه پیرامون تشکیل شده و کشورهای پیشرفته و ثروتمند مانند آمریکا و ژاپن در مرکز و کشورهای فقیر مانند زئیر و بنگلادش در پیرامون قرار دارند و کشورهایمانند برزیل و چین چونان واسطه ای میان مرکز و پیرامون عمل می کنند. (بی یو^۶، ۱۹۹۸، به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۴۰) از دیدگاه والرستاین اقتصاد جهانی در بستر اجتماعی بر دیگر جنبه های زندگی از جمله سیاست و فرهنگ اثر می گذارد.

دسته دیگری از نظریه پردازان نسل دوم عامل اصلی جهانی شدن را در سیاست و روابط بین المللی می دانند و حتی نمودهای عرضه ی اقتصادی را تحت تاثیر متغیرهای سیاسی به ویژه دولتها داشته و حتی گاه فراتر نگریده و عامل اصلی فرایند جهانی شدن را سیاسی - نظامی می دانند. جیمز روزنا^۷ از جمله این نظریه پردازان، فرایند جهانی شدن را زمینه ساز شکل گیری سیاست فرا بین المللی و روابط فراملی دانسته و اعتقاد دارد. «این فن آوری است که قلمرو شکل گیری امور انسانی را عمیقاً تغییر داده و به مردم اجازه می دهد در زمانی کوتاه چیزهایی بیشتر و دارای پیامدهایی گسترده تر از آن چه را که پیش تر تصور می شد تجربه کنند. خلاصه این فناوری است که جوامع محلی، ملی و بین المللی را بسیار بیشتر از گذشته به یکدیگر وابسته می کند. (روزنا، ۱۹۹۰، به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۴۲) بدین معنا که روابط بین الملل که ریشه در سیاست دارد با کمک فن آوری توسعه یافته و نتیجه ی آن جهانی شدن است.

برخی از نظریه پردازان دیدگاه فرهنگی به فرایند جهانی شدن دارند و شیوع یک فرهنگ توده ای مشترک را عامل زمینه ساز همگونی و وابستگی فزاینده در درهم تنیدگی و یک شدن جهان

5-walerstein
6-Beyer
۷- Rosenau

می دانند . مک لوهان نظریه پردازی که اعتقاد دارد از زمانی که رسانه های الکترونیک پا به عرصه ی ارتباطات گذاشته ما را قادر ساختند که جهان را چونان یک کل درک کنیم « با الکتریسته ، نظام عصبی مرکزی هر فرد در سطح جهان گسترش می یابد و بلافاصله با تجربه ی انسانهای دیگر پیوند می خورد.» (مک لوهان^{۱۰}، ۱۹۶۴، بر گرفته از گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۴۴)

نسل سوم: فرایند پرشتاب و گسترده ی جهانی شدن در دهه های اخیر، که از فرارسیدن دوره ای جدید در زندگی اجتماعی خبر می دهد موجب پیدایش توجه بیشتر اندیشمندان به این پدیده گردیده و هر روز بر حجم و تنوع آن افزوده می شود. از نظریه پردازان برتر این دوره میتوان دیوید هاروی^{۱۱}، آنتولی گیدنز^{۱۲} و رولن رابرتسون^{۱۳} را نام برد .

هاروی در بررسی زندگی اجتماعی سنتی و مدرن به تمایزی در فضا و زمان و جایگاه آنها در زندگی اجتماعی دست می یابد و این بر اساس به باز سازی تاریخ تحولات اجتماعی در جهان می پردازد .

به نظر هاروی دو اختراع مهم ساعت مکانیکی (تبدیل زمان دوری و فصلی به زمان خطی یا طولی غیر دوری) و ترسیم فضا و کره زمین بر روی نقشه (پیدایش فضای واحد جهانی) موجب ایجاد فرایند « فشردگی زمان - فضا ۵ » گردید که در جریان آن زمان می تواند به گونه ای سازمان یابد که محدودیت های فضا را کاهش دهد و بر عکس . در واقع فشردگی زمان - فضا^{۱۴} عبارت است از کاهش زمان و کوچک شدن فضا . (واترز ، ۱۹۹۵ ، بر گرفته از گل محمدی ، ۱۳۸۱ ، ص ۴۶) بدین ترتیب از نظر وی با آغاز فرایند فشردگی زمان - فضا ، فرایند جهانی شدن آغاز گردیده است . در نیمه دوم سده ی نوزدهم با دو تحول شکل گیری تجدد و پیدایش بحران اقتصادی و در آغاز سده ی بیستم اختراعات مهمی در حوزه ی حمل و نقل و ارتباطات (رادیو ، چاپ) موجب پرشتاب شدن کاهش زمان - فضا گردید. در دوران دو جنگ جهانی این روند متوقف گردید اما بعد از جنگ جهانی دوم ، بحران انباشت نظام سرمایه داری (۱۹۷۰) فشردگی زمان - فضا، گسترش و در دو دهه ی اخیر نیز پیشرفتهای فناوری های ارتباطی موجب پیدایش دهکده جهانی گردیده است . از دیدگاه گیدنز جهانی شدن نه یک فرایند بلکه ترکیب پیچیده ای از فرایندهاست به بیان دیگر جهانی شدن به عنوان آشکارترین و پیچیده ترین جنبه عالی ترین مرحله ی تجدید یعنی « کنش از

-
- 8- M.C.Luhan
 - 9-David Harroy
 - 10- Antoli Giddens
 - 11-Rolen Robertson
 - 12- Time – space compression

دور و با فاصله^[۱۱] است که به واسطه ی به هم خوردن نظم و رابطه سستی فضا و زمان «جدایی فضا و زمان^[۱۲]» ممکن می شود. (گیدنز، ۱۹۹۴، برگرفته از گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۴۸) گیدنز تلقی صرفاً اقتصادی از جهانی شدن را باریک اندیشانه دانسته و آن را به پدیده ای صرفاً اقتصادی تقلیل نمی دهد. (گیدنز، ۱۳۷۹، ۳۷) و معتقد است در طول سی سال گذشته مهمترین نیروی دگرگون کننده زندگی ما، بازارهای اقتصادی یا به هم وابستگی اقتصادی نبوده بلکه تاثیر ارتباطات بوده است که عموماً تحت عنوان «انقلاب ارتباطات» خوانده می شود. انقلاب ارتباطات اصولاً به اواخر دهه شصت برمی گردد که اولین سیستم ماهواره کاراً که امکان ارتباطات همزمان از یک سوی زمین با سوی دیگر را فراهم ساخت به هوا فرستاده شد پس از آن نیز تغییرات بسیار دیگری در جهان رخ داد و در طی این تغییرات اتفاق مهمی افتاد و آن تلفیق فناوری اطلاعات از یک سو و یارانه ای شدن از سوی دیگر بود و این تلفیق موجب گردید تا بازارهای اقتصادی به بازارهای تجاری تبدیل شوند که در طول بیست و چهار ساعت شبانه روز فعال هستند. از نظر گیدنز تاکید بر تاثیر ارتباطات و این حقیقت که ارتباطات همزمان، اصلی ترین عامل به هم وابستگی روز افزون ماست از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا تقریباً با تمام مسائل دیگر در هم تنیده است. (گیدنز، ۱۳۸۴، ۶۲)

رابرتسون در پدیده جهانی شدن بر جنبه های فرهنگی - اجتماعی آن تاکید داشته و بیشتر بر عنصر آگاهی تاکید می کند. به این معنی که در عین حال که وابستگی متقابل و فشردگی جهان روز به روز افزایش می یابد ساکنان جهان هم نسبت به این فشردگی آگاهی فزاینده ای می یابند و به صورت آگاهانه خود را با جهان، چونان یک کل سازگار می کنند.

تشدید آگاهی جهانی از نظر رابرتسون، همراه با وابستگی متقابل شدید در زمینه مسائل مادی، احتمال این را که جهان به یک تک نظام تبدیل شود، افزایش می دهد ولی هرگز رابرتسون مدعی نیست که این جهان به صورت یکپارچه در می آید.

رابرتسون معتقد است با این که جهان یک نظام واحد را تشکیل می دهد اما پر از اختلاف و تضاد است تا آن جا که گروهی جهانی شدن را به عنوان کنش به این محدودیت ها به شمار می آورند. (کدیور، ۱۳۸۱، ۶)

از آن چه گذشت می توان در یافت که اگر گفته شود جهانی شدن تاریخی به قدمت تاریخ دارند، ناروانیست و این مسئله که ذهن بشر با تاخیر پی به آن برده دلیل بر عدم وجود آن در گذشته نبوده و گسترش امپراتوری ها و ادیان الهی بر کره زمین تأکیدی بر این ادعا است.

13-action at distance

14- distancing of space and time

از سده پانزده و شانزدهم افکار بشر کم کم به سمت جهانی شدن متمایل و در دهه هفتاد قرن نوزدهم به اوج خود رسیده و هر روز با سرعت بیشتری به سمت جهانی واحد نه یکسان پیش می رود .

با بررسی افکار نظریه پردازان و جامعه شناسان در علل جهانی شدن و قرار دادن آنها در سه دوره تاریخی توجه به این مسله جلب می شود که هر دوره به پیدایش جهانی واحد معتقدند اما دلایل پیدایش و نوع این وحدت جهانی از نظر آنها متفاوت است .

نسل اول معتقد به وجود نیرو هایی جهانی ساز هستند و معتقدند عواملی نظیر صنعتی شدن ، تحول جامعه شناسی ذهنی بشر و نظام سرمایه داری ، ضرورت ایجاب می کنند که مرزهای ملی فرو ریخته و همگونی جهانی افزایش یابد. نسل دوم اعتقاد به این دارند که جوامع باید حرکت به سمت هدف مشترکی را آغاز کنند و به مقصد واحدی برسند که از نظر آنها یکپارچگی جهانی است . و برای رسیدن به آن ، هر کدام از نظریه پردازان این دوره مسیر خاصی را دنبال و عوامل اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی - فرهنگی و ارتباطات را به عنوان وسیله و ابزاری برای رسیدن به جهانی واحد قلمداد نمودند . ویژگی مشترک نسل اول و دوم این است که جامعه واحد را جامعه ای یکسان دانسته که در همه زمینه ها ، انسانها مثل هم فکر و عمل می کردند و یک قدرت مرکزی واحد را در راس قرار می دادند.

اما جامعه شناسان نسل سوم به جامعه واحدی فکر می کنند که در آن انسانها با یکدیگر در تعامل هستند . حصار زمان و مکان شکسته شده و افراد در کوتاهترین زمان و دور ترین نقاط می توانند با یکدیگر در ارتباط باشند و هر گونه رویداد و تغییر و تحول و پیشرفت علم و دانش و تکنولوژی و رفتار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی بلافاصله به اطلاع همگان می رسد و در واقع اجتماعات از نظر روابط و نه فاصله ها ، بسیار نزدیک به هم گسترده شده اند .

هر گونه حرکتی توسط یک فرد ، یک محله ، یک ملت ، یک منطقه ، توجه کل جهان را به خود جلب نموده و ممکن است حرکتهایی را در راستای آن یا بر خلاف جهت آن آغاز کنند و بدین ترتیب تاثیر گذاری و تاثیر پذیری در کل جهان ایجاد می شود .

بعد از بررسی افکار نظریه پردازان سه دوره تاریخی ، به نظر می رسد با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، امروزه واقعیت های اجتماعی با نظریه پردازان نسل سوم سازگار تر و نزدیکتر است .

نظریه های جهانی شدن

نظریه های مرتبط با جهانی شدن در قالب های مختلف قابل بررسی است. تعدادی از نظریات در جستجوی علل پیدایش جهانی شدن (نظریه وابستگی، نظریه نوسازی، نظریه نظام جهانی، نظریه تجدد گیدنز، نظریه جهانی شدن رابرتسون) و در برخی از نظریات دیدگاه های متفاوت و یا موافق و مخالفی که نسبت به جهانی شدن وجود دارد مطرح شده است.

نظریه وابستگی: به اعتقاد نظریه پردازان وابستگی، جهان به شیوه ای نا برابر توسعه یافته است به گونه ای که هسته اصلی جهان صنعتی (آمریکا، اروپا، ژاپن) نقش مسلط دارد و کشورهای جهان سوم وابسته به آنها هستند و وابستگی معمولاً متضمن اتکای کشورهای جهان سوم به فروش محصولات نقدی به جهان توسعه یافته است. آندره گاندر فرانک^{□□} عبارت « توسعه و توسعه نیافتنی » را برای توصیف تکامل کشورهای جهان سوم ابداع کرده است. به اعتقاد او، فقیر شدن کشور های جهان سوم، نتیجه مستقیم موقعیت کشورهای صنعتی است. کشورهای صنعتی به هزینه جهان سوم، ثروتمند شده اند. به گفته فرانک (۱۹۶۹) توسعه و توسعه نیافتنی دو روی یک سکه اند. کشورهای ثروتمند یک مادر شهر را تشکیل می دهند که کشورهای اقماری (جهان سوم) پیرامون آن گرد آمده اند و در حالی که اقتصاد آنها به اقتصاد کشورهای پیشرفته تر وابسته است، خودشان عمدتاً دچار فقر می شوند. (کدیور، ۱۳۸۱، ۹)

نظریه نوسازی: نظریه پردازان معتقد به نوسازی، در چارچوب سنت فکری دورکیم^{□□}، نوسازی را عاملی ادغام کننده و همگون ساز می دانند. از دیدگاه آنان فرایند نوسازی با افزایش و گسترش انفکاک در حوزه های مختلف زندگی اجتماعی، آداب و ارزشهای خاص و سنتی را تضعیف و فرد گرایی، یونیورسالیسم و سکولاریسم و عقلانیت را تقویت می کند. بنابراین انتخابهای عقلانی بیش از پیش رواج می یابد و جوامع مختلف در نتیجه همین انتخابهای عقلانی اعضای خود، به سوی وضع اجتماعی مشترکی پیش می روند و به یکدیگر نزدیک می شوند.

از دیدگاه پارسونز^{□□} جوامع در فرایند نوسازی همواره دگرگون می شوند و انفکاک ساختاری فزاینده ای آنها را دربرمی گیرد، ولی این دگرگونی اجتماعی جهتی نسبتاً ثابت و معین دارد. و از منطبق واحدی پیروی می کند. منطبق مورد نظر عبارت است از انطباق یا قابلیت یک نظام زنده برای سازگار شدن با محیط خود. بنابراین اگر جوامع در مسیر تحول مشترکی حرکت کنند همانندتر در

15-Frank
16-Durkheim
□ - Parsons

یکدیگر ادغام خواهند شد. این همان فرایند جهانی شدن است. (واترز، ۱۹۹۵، بر گرفته از گل محمدی، ۱۳۸۱، ۳۶)

نظریه نظام جهانی: نظریه نظام جهانی، نخستین بار توسط والرستاین[□] (۱۹۷۴) مطرح شد به نظر وی از قرن شانزدهم به بعد، نظام جهانی پدیدار شده است که متضمن مجموعه ای از ارتباطات اقتصادی و سیاسی است و در سراسر جهان گسترش یافته و مبتنی بر توسعه اقتصاد جهانی سرمایه داری است.

در این نظریه جهانی شدن نظامی سازمان یافته توسط سرمایه داری جهانی برای حفظ قدرت و سرمایه است و عامل محرک آن اقتصاد است. نظام اقتصادی جهانی مرکز سیاسی خاصی ندارد و ساختار نظریه نظام جهانی مشتمل بر تقسیم کار جهانی است. اما در درون آن دولتها و فرهنگ های متعددی وجود دارد. کانون این نظریه روابط قدرت نابرابر جهانی بین کشورها و مسائل ناشی از سلسله نظام سرمایه داری با بهره گیری از منابع پنج گانه انحصار قرار دارد که عبارتند از کنترل تکنولوژی، جریان های مالی و بانکی جهانی، رسانه های گروهی و ارتباطی، دسترسی به منابع طبیعی جهان و سلاحهای کشتار جمعی که روز به روز گسترده تر می شوند.

نظریه تجدد گیدنز: گیدنز جهانی شدن را یک فرایند چند لایه و چند علتی به حساب می آورد که پر از احتمال و عدم قطعیت است. از نظر او، جهانی شدن یک پدیده اجتناب ناپذیر است به این معنی که ضرورتهایی جهان را در مسیر نوگرایی به پیش می راند و نتایج خاص جهانی شدن حاصل از آن قابل پیش بینی نیست. جهانی شدن از نظر گیدنز، تحولی غیر یکنواخت دارد که ضمن ایجاد پیوستگی و هماهنگی به گسستگی نیز می انجامد.

به اعتقاد گیدنز، روابط اجتماعی از همان آغاز به گونه ای هماهنگ پیش نرفته و با نابرابری میان مناطق مختلف جهان همراه بوده است. به خصوص فرایند هایی که جوامع جهان سوم را پدید آوردند، بسیار با اهمیت بوده است. اختلاف زیاد در ثروت و سطح زندگی، کشور های صنعتی (جهان اول، دوم) را از کشور های جهان سوم، که بیشتر جمعیت کره زمین را در خود جای داده اند، جدا می کند. (گیدنز، ۱۹۸۹، بر گرفته از کدیور، ۱۳۸۱، ۱۱)

از نظر گیدنز، اگر چه امروزه جهانی شدن به شکل فزاینده ای گسترش می یابد، به هیچ وجه پدیده کاملاً جدیدی نیست و از حدود دو یا سه قرن پیش که نفوذ غرب به گسترش به سراسر جهان

□ - Walerstein

کرد، آغاز شده است. به نظر او اشتباه خواهد بود اگر جهانی شدن را صرفاً به عنوان یک فرایند رشد و وحدت جهانی به حساب آوریم.

جهانی شدن روابط اجتماعی، می باید اساساً به عنوان سازماندهی مجدد زمان و مکان در زندگی انسان درک شوند، به بیان دیگر، زندگی ما بیش از پیش از فعالیت‌ها و رویداد‌هایی تاثیر می پذیرد که کاملاً دور از شرایطی است که در آن فعالیت‌های روزمره انجام می گیرد.

گیدنز که در مجموع نگاه خوش بینانه‌ای به جهانی شدن دارد معتقد است که فرایند جهانی شدن هم به نظام‌های گسترده‌ی جهانی معطوف است و هم به بسترهای محلی و شخصی تجربه انسانی وابسته است. وی معتقد است نباید به اشتباه جهانی شدن نیروی کاملاً خارجی محسوب شود.

بسیاری از افراد به جهانی شدن با این دید نگاه می کنند که معمولاً از تاثیر جهانی شدن بر «ما» سخن می‌رود. گویی که به سادگی یک نیروی خارجی در جهان بر ما اثر می گذارد. قضیه این گونه نیست.

جهانی شدن را مردم طی زندگی روزمره شان تولید می کنند. بنابر این گیدنز اعتقاد دارد جهانی شدن را می توان پدیده‌ای دیالکتیکی دانست. به این صورت که عاملان این فرایند همزمان تحت تاثیر آن نیز قرار می گیرند. و زندگی هر فرد به کلی توسط آن تغییر می کند. (گیدنز، ۱۳۸۴، ۶۵)

چارچوب دیالکتیکی بودن جهان می توان مشاهده کرد که رویدادی در یک نقطه از زمین، تاثیرهایی حتی متضاد در جوامع دور دست می گذارد و جهانی شدن نه تنها روابط اجتماعی کره زمین را گسترش می دهد بلکه گستره‌ی تاثیر پذیری اجتماعی را هم به همان اندازه افزایش می دهد و هیچکس نمی تواند تصمیم به کناره گیری از تحول جهان بگیرد.

گیدنز مانند هاروی اعتقاد به کاهش فضا و زمان دارد. اما اعتقاد جدایی فضا و زمان از مکان، این امکان را فراهم آورده تا آن دو در سطحی دیگر با هم هماهنگ و ترکیب شوند این ادغام و ترکیب

دوباره در واقع افزایش دهنده‌ی روابط و کنش‌های اجتماعی است که امکان هر گونه فعالیت اجتماعی را بدون ارجاع و ارتباط ضروری با مکان فراهم می آورد و تحت تاثیر این تحول‌ها،

هماهنگی دقیق کنش‌های انسانهای بی شمار ممکن می شود. فرایند کاهش زمان و مکان از دیدگاه گیدنز تاثیری تعیین کننده بر پویایی و گسترش تجدد داشته که گیدنز تحت عنوان بی بستر شدن

نهادهای اجتماعی از آن یاد کرده و منظور او کنده شدن روابط اجتماعی از بسترهای محلی و برقراری مجدد آنها در گسترده‌های نامحدود زمان و فضا است. (گیدنز، ۱۹۹۱ بر گرفته از گل محمدی

، ۱۳۸۱، ۴۹)

در این راستا گیدنز فرایند از جا کنندگی^{□□} را مطرح می کند و می نویسد مردم در جهان مدرن تحت تاثیر این فرایند از مکان و زمان محدود و محلی خود کنده می شوند و بیرون می آیند و جهانی تر می گردند. به اعتقاد گیدنز فرایند از جا کنندگی دو نوع ساز و کار عمده دارد: ۱- نشانه های نمادین (نظیر تبدیل پول کشورهای اروپایی به واحد پول یکسان (یورو) و استفاده از کارتهای اعتباری در همه جای دنیا) ۲- نظامهای تخصصی که با انقلابات علمی و رشد دانش تکنیکی و تخصصی شدن ظهور کرده اند. (گیدنز ، ۱۳۸۴ ، ۴۱) وی این دو عامل را موجب پیدایش زمینه ای در نهاد های اجتماعی دانسته و این دو نوع مکانیسم را نظامهای انتزاعی می نامد و کاربرد این نظامهای انتزاعی را نیازمند اعتماد می داند که با وجود گسترش روابط در سطح جهان ، اعتماد کردن به نظامهای بی مکان و غیر شخصی گریز ناپذیر است و این نظامها نوعی امنیت نسبی در فعالیت های اجتماعی پدید می آورد که ریسک و خطر هایی نیز به دنبال دارد. بنابراین انسان مدرن باید با توجه به تحولات پرشتاب محیطی زندگی خود موضعی مناسب انتخاب کند. گیدنز این ویژگی جامعه ی مدرن را کاربرد قاعده مند دانش مربوط به محیط زندگی اجتماعی برای سازماندهی و تحول آن می نامد. بنابر این گیدنز اعتماد را کلید رابطه بین فرد و نظامهای تخصصی در جامعه مدرن دانسته و معتقد است هر گاه اعتماد سست شود افراد و گروه های اجتماعی جامعه نوعی نا امنی وجودی را تجربه می کنند.

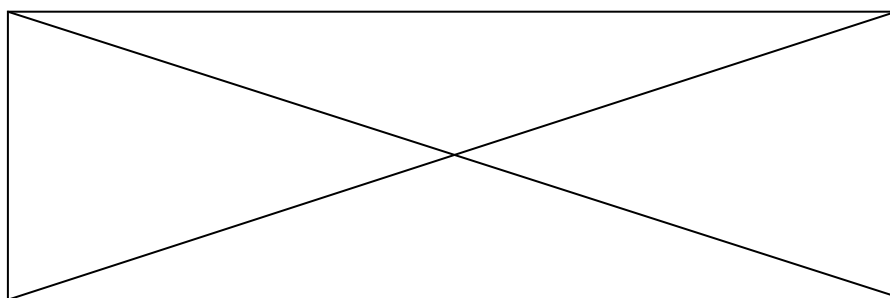
نظریه جهانی شدن رابرتسون: این نظریه توسط رابرتسون (۱۹۹۲) با توجه به نارسایی های نظریه های پیشین شکل گرفته و مفهوم جهانی شدن را در معنای وسیعتری به کار گرفته است اما در حیطه این واقعیات تجربی ، محور تمرکز آن بر دوره ای بنا شده که هم پیوند هایی جهانی و آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل ، شتاب فراینده ای گرفته است. (یعنی قرن بیستم) با این حال او تاکید می کند که جهانی شدن را با تجدد یکسان نگرفته و آن را به عنوان نتیجه مستقیم تجدد، یا تصور در هم و برهمی که از آن وجود دارد به شمار نمی آورد. (رابرتسون، ۱۳۸۰، ۳۵)

جهانی شدن در این معنای خاص ، معطوف به تلاقی (غالباً مساله انگیز) صورتهای مختلف زندگی بشر است. و بنا به نظر رابرتسون دل مشغولی کنونی در مورد جهانی شدن را نمی توان به سادگی به عنوان یکی از نتایج تجددغربی در نظر گرفت زیرا در دنیایی که به طور فزاینده ای جهانی می شود و در عین حال آگاهی های تمدنی ، ملی ، قومی ، منطقه ای و فردی به صورت تصاعدی رشد می کند ، پیدا کردن جایی برای واحد های مختلف اجتماعی مشخص در تاریخ و آینده دشوار

می شود ، حال آن که جهانی شدن متضمن گسترش انتظارات مربوط به اعلام هویت است . همان، (۷۱) رابرتسون کوشیده است تا وجوه اصلی قالبی را که بتوان چارچوب و اجزاء تجربی تشکیل دهنده آن را درک کرد ، مطرح کند . الگوی او در باره آن چه که می توان آن را به معنی وسیع ، عرصه جهانی خواند ، بیشتر بر نحوه اندیشیدن در باره جهان به عنوان یک کل و در یک قالب علمی متمرکز است. الگوی رابرتسون به اعتقاد خود او هم مبتنی بر ملاحظات معرفت شناختی و هم مشاهدات تجربی است. (کدیور ، ۱۳۸۱، ۱۳)

در الگوی رابرتسون به چهار وجه از وجوه شناخت جهانی شدن پرداخته شده که عبارتند از : جوامع ملی ، افراد ، نظام ارتباط بین جوامع (مناسبات بین المللی) و بشریت .

نظام جهانی جوامع نسبی شدن جوامع (ملی) جوامع ملی



بشریت نسبی شدن هویت ها فرد / خود

هدف اصلی این الگو ، حفظ انعطاف در تصویر « کلیت جهان » است تا عمده ترین جهت گیریهای جهان را منعکس کند . تلاش بر این است که تحول هر یک از چهار بعد اصلی این الگو را توأم با تحول در رابطه بین آنها منعکس نمود . الگویی که در این نمودار ترسیم شده است چکیده آن چیزی است که رابرتسون آن را عرصه جهانی خوانده است . (رابرتسون ، ۱۳۸۰ ، ۷۰)

چند نکته از نظر رابرتسون مورد تاکید قرار گرفته است . اول آن که در الگوی وی در مورد نگاره سامان جهانی ، برای متغیر های تجربی نیز جایی در نظر گرفته شده است و نیز این که کار عمده وی در تجزیه و تحلیل جهانی شدن در وهله اول آشکار کردن حلقه های مفقوده این موضوع است. اما این دو مطلب مانع آن نیست که وی با ابعاد اخلاقی و انتقادی این قضیه کاری نداشته باشد .

او از جهتی سعی کرده است با مساله پیچیده وضعیت جهانی دست و پنجه نرم کند . شیوه پردازش وی به مسائل جهانی شدن حاکی از آن است که برای داشتن دیدی واقع گرایانه در باره جهان به عنوان یک کل ، دست کم در شرایط معاصر ، باید اصل استقلال نسبی هر یک از چهار بعد جهانی شدن را پذیرفت و نیز این که به همین ترتیب باید دانست که هر یک از این ها به وسیله

دیگری مشروط می شود. بنا براین تاکید بیش از حد بر هر یک از اینها به زیان اجزای دیگر است. به بیان ساده تر نباید هیچ یک از وجوه جهانی شدن را دست کم گرفت. این امر البته نافی آن نیست که رویکرد وی نسبت به جهانی شدن تا حدودی اخلاقی و انتقادی است.

نکته دوم این که یکی از ابعاد مساله جهانی شدن فرایند ها « مکانیسم های علی و نیرو های محرکه » است که آن را پدید آورده اند. رابرتسون با وجودی که یک نگرش فرهنگی نسبت به جهانی شدن دارد این مفهوم را نمی رساند که نیروها و سازوکارهای جهانی شدن را مهم نمی داند. اما در بحث خود تا حد زیادی از شرایط قالبهایی که جهانی شدن در درون آنها صورت پذیرفته مغفول مانده است و نگرش وی به فرهنگ برخلاف جامعه شناسان سنتی که به انسجام فرهنگ نظر دارند، در جستجوی گسستهها و تفاوتها ی فرهنگی است. (کدیور، ۱۳۸۱، ۱۵)

نکته سوم این که رابرتسون در طرح عرصه جهانی بر چند فرایند نسبی تکیه کرده است. وی با این اصطلاح می خواهد نشان دهد که چگونه با پیشرفت جهانی دیدگاه های خاص، ثبات خود را از دست می دهند و نحوه مشارکت فرد و جمع در این فرایند دستخوش معارضه می شود.

طرح مزبور یک الگوی تمثیلی برای عرضه پیچیدگی جهان است. الگوی وی همچنین حاکی از این است که فرایند تفکیک طی زمان شتاب می گیرد. در مراحل نخست جهانی شدن این حوزه ها به هم نزدیکتر بودند و در هر قسمت از جهان با پیامد این انفکاک به شیوه های متفاوتی برخورد شده است. (رابرتسون، ۱۳۸۰، ۷۴)

نظریه فرهنگ جهانی: در این نظریه جهانی شدن پدیده ای فرهنگی و نو است و دولت - ملت، فردیت نظام جهانی و انسانیت جنبه نسبی به خود گرفته اند. همه عوامل درگیر در جهانی سازی مجبور هستند تا موقعیتی را در نظر داشته باشند و با توجه به شرایط در حال ظهور جهانی هویتی تازه برای خود تعریف نمایند.

ویژگی های فرهنگ جهانی در این نظریه عبارتند از: نسبت گرایی، همسانی، محلی سازی روابط اجتماعی و مجادله های فکری. (مهر علیزاده، ۱۳۸۳، ۴۱)

قدرت وابستگی متقابل و آگاهی جهانی به عنوان یک کلیت به قبل از شکل گیری تفکر سرمایه داری جدید بر می گردد بنابراین گسترش اروپا و شکل گیری دولت بعد از قرن هفدهم، جهانی شدن را تشدید کرد.

در این نظریه که جهانی شدن پدیده ای فرهنگی است و با نسبی گرایی در جستجوی سازگاری هویت هاست. افکار افراطی تر دیگری نیز در مورد زیر بنای فرهنگی جهانی شدن وجود دارد که

معتقد است هدف جهانی سازی جز با بسط فرهنگ غربی و مسخ هویت ملیتهای دیگر به دست نمی آید. ساموئل هانتینگتون^{۲۰} (۱۹۹۶) استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد در کتاب معروف «چالش بین تمدن ها^{۲۱}» این فرضیه را مطرح کرد که منبع اصلی تعارض و کشمکش ها در سطح بین المللی ناشی از عوامل اقتصادی و سیاسی نیست بلکه عامل اصلی منبعث از مسائل و چالشهای فرهنگی است. او معتقد است گرچه دولتها کنشگران قدرتمندی هستند اما تعارض عمده سیاستهای جهانی در نتیجه تضاد بین تمدنهای مختلف رخ داده است. (همان، ۲۶)

بدین ترتیب می توان دریافت که نظریه وابستگی و نظریه نظام جهانی بیشتر بر پایه روابط اقتصادی استوار هستند. با این توصیف که در نظریه وابستگی زیاد شدن فاصله کشورهای ثروتمند و فقیر موجب وابستگی کشور های گروه دوم شده و برای حرکت در مسیر توسعه اقتصادی لازم است رابطه اقماری کشور های توسعه یافته و توسعه نیافته حفظ شود. نظریه نظام جهانی نیز راه رسیدن به توسعه اقتصادی را حفظ روابط قدرت و سلطه نظام سرمایه داری دانسته که بر پایه ی تقسیم کار جهانی شکل گرفته است. نظریه های نو سازی، تجدد، جهانی شدن رابرتسون و فرهنگ جهانی بیشتر بر پایه روابط فرهنگی استقرار یافته که البته این روابط شدت و ضعف دارد. به گونه ای که در نظریه نو سازی کم شدن فاصله ها با انفکاک آداب و ارزشهای اجتماعی و دوباره ساختن ارزشها با ارجحیت دادن به عقل، عامل جهانی شدن معرفی شده است. در حالی که گیدنز در نظریه تجدد معتقد است که جهانی شدن نوسازی غیرقابل پیش بینی است که بر اثر ضرورت اعتماد بدون پشتوانه، سرشار از ریسک و خطر است.

گیدنز که بر روی کاهش فضا و زمان متمرکز شده معتقد است اشتباه است جهانی شدن را رشد وحدت جهانی دانست بلکه سازماندهی مجدد فضا و زمان در زندگی محسوب می شود. رابرتسون مانند گیدنز معتقد به پیوند های جهانی ناشی از کاهش فضا و زمان است و علاوه بر آن گسترش آگاهی به جهان را به عنوان یک کل عامل جهانی شدن می داند که چهار بعد اصلی جوامع ملی، افراد، نظام ارتباط بین جوامع و بشریت را زیر بنا قرار داده، در شرایطی که هر یک از ابعاد دارای استقلال نسبی و در عین حال مشروط به ابعاد دیگر است. رابرتسون رویکردی اخلاقی - اعتقادی به جهانی شدن دارد و نگرش فرهنگی وی به جهانی شدن این است که در جستجوی گسستهها و تفاوتهای فرهنگی است نه انسجام فرهنگ.

20- Samuel Huntington

21- challang of civilization

با بررسی نظریات میتوان به این نتیجه دست یافت که کاهش فضا و زمان و گسترش ارتباطات موجب تغییر روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع گشته و در مرحله بعد روابط اقتصادی بر جنبه های فرهنگی ملل اثر گذاشته و همزمان جنبه های اجتماعی و فرهنگی، مسائل اقتصادی را متأثر از خود ساخته است.

نظریه های جهانی شدن از بعد دیگری نیز قابل بررسی است و آن دیدگاه های متفاوت و حتی متضادی است که نسبت به جهانی شدن وجود دارد. در دنیای امروز سه نگاه متفاوت به مساله جهانی شدن وجود دارد. در نگاه اول جهانی شدن را به عنوان یک پروژه طراحی شده از سوی کشور های قدرتمند و توسعه طلب غربی می شناسند که باید تلاش کرد تا با مظاهر آن در هر سطحی مبارزه نمود.

در این دیدگاه که بدبینانه، تردیدآمیز و انتقادی است، اعتقاد بر این است که مباحث مطرح شده در زمینه جهانی شدن تا رسیدن به اصل آن فاصله ی زیادی دارد و باید در جهت مخالف آن که پایبندی به فرهنگ و هویت خود است تلاش نمود. به خصوص کشور هایی که فرهنگ اصیل در سطح جهانی دارند باید بیشتر کوشش نمایند تا فرهنگ بیگانه به راحتی وارد فرهنگ خودی نشود و تحت سلطه بیگانگان قرار نگیرند.

نگاه دوم که خوش بینانه است، جهانی شدن را نه به عنوان یک پروژه طراحی شده بلکه به عنوان یک پدیده طبیعی و یک فرایند گریزناپذیر با توجه به گسترش علم و صنعت در جهان دانسته و عملاً تلاش می کند تا خود را با این رخداد طبیعی در ساختار جامعه انسانی وفق دهد. این نگاه اغراق آمیز و ذوق زده بر این باور است که باید تمام امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به کار گرفت تا هر چه سریعتر وضع موجود خاتمه یافته و نظم جدید جهانی حاکم شود. آنان عقیده دارند که روح سرمایه داری باید در کالبد جهان رمیده شود و لیبرالیسم بر تمامی عرصه های زندگی حاکم شود و باید با تغییر سلیقه مصرف کنندگان و همسان سازی ذائقه ی آنان، تقاضای محصولات کشور های صنعتی را افزایش داد که البته این مخالف با اصل برابری و متوازن ساختن کشور ها در سطح جهانی است و دستاوردی جز گسترش و عمیق شدن شکاف اقتصادی کشور های فقیر و غنی نخواهد داشت و همین نابرابری مهم ترین انتقادی است که به جهانی شدن گرفته می شود. همین جا ضروری است بیان شود گیدنز که مانند گروه دوم تصور نسبتاً مثبتی به جهانی شدن دارد. در پاسخ به انتقاد فوق، جهانی شدن را فرایند برابری جهان نابرابر می داند و حتی جنبش های ضد جهانی شدن را از پیامد های جهانی شدن می داند که خود به عدالت جهانی کمک می کند

و در واقع جهانی شدن را استعمار معکوس می خواند و معتقد است جهانی شدن به گروه ها و ملت های تضعیف شده این ظرفیت را می دهد که اهداف خود را بهتر دنبال کنند. (گیدنز، ۱۳۷۹، ۳۸)

رویکرد سوم به جهانی شدن ترکیبی از دو نگاه فوق است مبنا را بر طبیعی بودن جهانی شدن گذاشته ولی بر این باور است که همه ی کشورها تلاش می کنند تا بر این موج ایجاد شده در دنیای علم و صنعت سوار شوند. البته این دیدگاه به جنبه های منحصر به فرد جهانی شدن و تاثیرات آن نزدیکتر است. زیرا بر دستاوردهای مردم جهان در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تاکید دارد. آن چه در این دیدگاه مطرح است تفاهم و گفتگوی مسالمت آمیز بین فرهنگها، نژادها، ادیان، زبانها و قومیت های مختلف است تا با درک و فهم یکدیگر به کسب نکات مثبت و رفع نکات منفی و ضعف ها پرداخته و در سیر تعامل جهانی گام بردارند.

در نگاهی عمیق به نظریه ها، عباراتی نظیر تضعیف ارزشها و اولویت انتخابهای عقلانی، تقسیم کار جهانی بر اثر سلطه نظام سرمایه داری، عدم قطعیت ها و گسترش آگاهی در پیوند های جهانی، مجادله های فکری و به ویژه وجود نابرابری مناطق مختلف جهان، همه و همه حکایت از آن دارند که « جهانی شدن یک گذار و یک فرایند انتقال است » (مهر علیزاده، ۱۳۸۳، ۲۶)

دنیا در حال جهانی شدن است و این واقعه در تاریخ صورت خواهد گرفت و سازوکارهای خاص خود را خواهد داشت گرچه بر آن چشم اندازها و تحلیل های مختلفی ارائه شده است. و « سه راه تسلیم، اعراض و بازیگری نقادانه، در دسترس و در حوزه ی اختیار ماست، اولی مصرف کنندگی و تماشاجی بودن، دومی بازی به هم زدن و محال اندیشی و سومی بازیگری و در صحنه بودن است. » (رجایی، ۱۳۸۰، ۱۶)

کشوری سربلند از این پدیده بیرون می آید که مسیر صحیح را شناخته و افراد آن مهارتهای خاصی را در خود تقویت نموده باشند و در انتظار حرکت پشت سر دیگران نبوده و خود جزء سردمداران و رهبران این حرکت جهانی باشند.

ابعاد جهانی شدن

جهانی شدن پدیده ای چند بعدی است که به سرعت در تمام حوزه های فعالیت بشری از جمله جامعه، تولید، دانش، امنیت، صلح و عدالت و محیط زیست تاثیر گذاشته و موجب تغییر در شیوه تفکر و تلقی انسانها از روابط اجتماعی گردیده (نادری نبی، ۱۳۸۶، ۱) و در حال نفوذ و گسترش است. به عبارتی دیگر جهانی شدن جنبه های مختلف زندگی بشر (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و فناوری) را تحت تاثیر قرار داده و می دهد.

جهانی شدن ضمن این که بر پدیده های مختلف تاثیرگذار است از آنها نیز متأثر می گردد به عبارت دیگر پیشرفتهای فناوری و ظهور شبکه های کامپیوتر و اینترنت و ماهواره های مخابراتی باعث شده است که جهانی شدن ، به سرعت و به نمونه های متنوع تر بر ابعاد مختلف زندگی جوامع انسانی تاثیر بگذارد و با در نوردیدن مرزهای ملی و جغرافیایی امکان ارتباط سریع بین افراد، جوامع و نظامها را فراهم نماید .

- در بررسی ابعاد جهانی شدن بر زندگی ابتدا به تاثیر عوامل اقتصادی در ادامه عوامل سیاسی - فناوری ، اجتماعی فرهنگی پرداخته شده است فقط لازم به یاد آوری است که نه تنها هر یک از این عوامل بر سرعت و روند جهانی شدن تاثیر می گذارند بلکه هر کدام تحت تاثیر سایر عوامل و ابعاد قرار می گیرند به عنوان نمونه می توان گفت که اقتصاد بر فرهنگ و همینطور فرهنگ بر اقتصاد تاثیر می گذارد .

عرصه اقتصادی : جهانی شدن اقتصاد عبارت است از ادغام بازارهای جهانی در زمینه های تجارت و سرمایه گذاری مستقیم و جا به جایی و انتقال سرمایه و نیروی کار در چارچوب نظام سرمایه داری و بازار آزاد .

هر چند که توجه انحصاری بر عوامل اقتصادی در توسعه جهانی ناصواب و موجب نگرانی بسیاری از مردم جهان از جهانی شدن است و کوفی عنان (۲۰۰۰) اظهار می دارد که « حوزه اقتصادی را نمی توان از بافت بغرنج ترمیمات اجتماعی و سیاسی جدا کرد و در مداری مجزا به حرکت در آورد و اقتصاد جهان برای بقا و رونق باید مبنای محکم تری از لحاظ ارزشهای مشترک و روشهای نهادی داشته باشد و مقاصد اجتماعی وسیع تر و فراگیرتری را پیش ببرد » (کدیور ، ۱۸،۱۳۸۱) اما در بسیاری از نظریه ها و تعریف های جهانی شدن بر عنصر اقتصادی این فرایند تاکید شده و نظریه پردازان بیشتری ، وجه غالب جهانی شدن را اقتصادی می دانند . از دیدگاه آنان گرچه فرایند جهانی شدن بسیار فراگیر است و بر همه حوزه های زندگی اجتماعی تاثیر می گذارد اما آشکارترین و برجسته ترین نمود و مصداقهای این فرایند به حوزه ی اقتصاد اختصاص دارد .

گسترده ترین عرصه ی فعالیت اجتماعی ، عرصه ی اقتصاد است که امروزه سراسر کره زمین را دربرگرفته و تقید و محدودیت محلی ، ملی و منطقه ای چندانی ندارد . پس می توان از پایان عصر اقتصاد ملی سخن گفت . (برکر^۲، ۱۹۹۹ ، به نقل از کدیور ، ۱۳۸۱، ص ۱۷)

□□ در اقتصاد جهانی ، دگرگونی چشمگیری در شیوه تولید ، از صنعتی به فناوری اطلاعاتی ، رخ داده است . شیوه مشارکت در تولید را که از نظر جغرافیایی پراکنده و نامتمرکز بود به تقسیم کار میان واحد های سیاسی برخوردار از دانش فنی و واحد های سیاسی صاحب مواد خام و کارگر ارزان ، مفهوم مزیت نسبی را ایجاد کرده ، مفهومی که برپایه ی نیاز مصرف کننده و دسترسی به بازارها استوار گردیده است .

علاوه بر این ها ، قدرت فن آوری های ارتباطی رایانه ای ، سرشت امور مالی و بازرگانی را دگرگون ساخته و در نتیجه به گفته ی اکراین (۱۹۹۲) به جغرافیا پایان داده و جهان بی مرزی پدیدار گشته است که خبر افول کشور مستقل را اعلام می کند . (رجایی ، ۱۳۸۰ ، ۶۱)

فرایند جهانی شدن اقتصادی که تحت تاثیر تحولات و پیشرفتهای حیرت انگیز ارتباطات بود موجب کاهش هزینه های ارتباطات و حمل و نقل گردید . این پیشرفتهای خارق العاده در رایانه ای کردن امور مخابرات مانند نظامهای دیجیتالی و فن آوری ماهواره موجب گردید کالاها و خدماتی که تاکنون قابل تجارت نبودند در مدار تجارت جهانی قرار گیرند .

نظامهای ارتباطی جهانی ، شرکتها را قادر ساخت تا برنامه تولیدی و عملیات مالی خود را به صورت همزمان در چندین کشور هماهنگ کنند (شرکتهای فراملیتی) . از طرف دیگر اطلاعات (مشاوره های مدیریتی ، سیستم های نرم افزاری) نیز به واسطه ی شبکه های ارتباطی قابل تجارت و مبادله گردید . (گل محمدی ، ۱۳۸۱ ، ۶۴)

از مظاهر جهانی شدن اقتصاد افزایش وحدت و ارتباط بیشتر نظامها و موسسات اقتصادی کشورها از طریق تجارت و سرمایه گذاری است . عوامل اصلی رویکرد نظام سرمایه داری به سمت جهانی سازی اقتصاد را می توان انباشت سرمایه در غرب ، اشباع بازارهای مصرف کشورهای صنعتی و شکست دولتهای رفاهی برشمرد . این پدیده در حال شکل دادن سازماندهی جدیدی از تولید و تقسیم کار جهانی است .

در بعد اقتصادی جهانی شدن (که اصولاً محور اصلی جهانی شدن ، با فرایند اقتصادی است) ، می توان به آثار و نتایج زیر دست یافت :

- ۱- گسترش مبادلات اقتصادی
- ۲- ازبین رفتن مساله ی گمرک و کنترل بر محصولات ، کاهش موانع و تعرفه های تجاری و سرمایه گذاری

- ۳- تبادل و تعدیل در فعالیت های اقتصادی (تبادل کالا و خدمات و منابع طبیعی و نیروی انسانی و تعدیل و تقسیم کار جهانی)
- ۴- سرمایه گذاری های مشترک و توسعه شرکتهای فراملیتی
- ۵- توسعه بازارهای جهانی، رشد سریع کشور های در حال توسعه و تاثیر آنان بر ظرفیت تولید جهانی و نوآوری های فنی و ارتباطات سریعتر در سطح جهانی (مهر علیزاده، ۱۳۸۱، ۲۲)
- ۶- توسعه سازمانهای تجارت جهانی نظیر بانک جهانی، موسسه مالی بین المللی، سازمان تجارت جهانی جهت حل مشکلات بین المللی.
- عرصه ی سیاسی:** دانیل بل حدود ۲۰ سال پیش، مدعی شد که نهاد دولت - ملت « برای مسائل کوچک زندگی بسیار بزرگ است » (بل، ۱۹۸۷، به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۱، ۷۸)
- عنان (۲۰۰۰) نیز معتقد است حل بسیاری از چالشهای موجود از عهده هیچ کشوری به تنهایی ساخته نیست. در سطح ملی باید بهتر حکومت کنیم و در سطح بین المللی باید یاد بگیریم که با هم بهتر زندگی نمائیم. (کدیور، ۱۳۸۱، ۱۹)
- فرایند پرشتاب و فراگیر جهانی شدن در دهه های اخیر، ناتوانی و ناکارآمدی نهاد دولت را به آشکار ترین وجه نمایان کرده است و جهانی شدن سیاسی به این جنبه از فرایند جهانی شدن معطوف است (گل محمدی، ۱۳۸۱، ۷۹) که قدرت دولت - ملت را از بین می برد. با پایان یافتن عصر دولت - ملت، حکمرانی ملی در برابر فرایندهای اجتماعی، اقتصادی کارآیی چندانی ندارد و نیروهای بازار جهانی حتی در قدرتمندترین دولتها، سیاستهای ملی و انتخابهای سیاسی را کم بی اعتبار و ناکارآمد می کند و موجب همسان سازی الگوهای جدید در سطح جهانی می گردد که تشابه ساختاری در همه جوامع را با خود به همراه آورده و دولت - ملت ها به طور مشابهی هنجارها، نظامهای آموزشی عمومی و سیاستهای مربوط به محیط و حقوق زنان و مانند آن را اخذ می کنند. البته این ساختار جدید با نیازها و شرایطی واقعی دولت - ملت ها مرتبط نیست و منجر به از هم گسیختگی ارزشهای عمومی از جنبه های کاربردی آن میگردد. (مایر و همکاران، ۱۹۹۷، به نقل از رجایی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵) از سوی دیگر با تضعیف دولتها و بی اعتبار کردن اقتصاد های ملی و فروپاشی مرزهای سیاسی، مرزهای میان صادرات و واردات نیز مخدوش می شود (گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۸۸) و این مسئله زمینه سوء استفاده ی کسانی که در جهان نقش ابرقدرتها و هدایت کنندگان پدیده جهانی شدن را بر عهده گرفته اند، فراهم می نماید. با نگاهی عمیق تر می توان دریافت به رغم وابستگی متقابل اقتصادی و فرهنگی فزاینده، نظام جهانی در نتیجه نابرابری ها دچار

از هم گسیختگی شده و به مجموعه هماهنگی از دولتها که علایق گوناگون و نیز مشترکی دارند ، تقسیم شده است . هیچ نشانه مشخصی از یک وفاق سیاسی که قادر به تفوق بر منافع متضاد دولتها در آینده نزدیک باشد، دیده نمی شود . ممکن است سرانجام در نتیجه یک فرایند توسعه دراز مدت ، حکومتی جهانی به وجود آید .

از نظر گیدنز یکی از نگران کننده ترین ویژگی های جامعه جهانی امروز این است که جهانی شدن فزاینده نه با بیگانگی سیاسی همراه است و نه با کاهش نابرابری های بین المللی ثروت و قدرت . بزرگترین اختلاف ثروت و سطح زندگی ، تفاوتی هستند که کشورهای ثروتمند صنعتی را از کشورهای فقیر جهان سوم جدا می سازند . جهان از بسیاری جهات متحدتر می شود ، برخی منابع سنتی ستیزه میان ملتها ناپدید می گردند ولی وجود اختلافات شدید میان جوامع ثروتمند و فقیر می تواند منبع عمده ای برای تنش های بزرگ بین المللی باشد . (گیدنز ، ۱۹۸۹ ، برگرفته از کدیور ، ۱۳۸۱، ص ۲۰)

در بعد سیاسی نتایج حاصل از جهانی شدن را میتوان به صورت زیر جمع بندی نمود :

- ۱ - انتقال مراکز قدرت پراکنده در سطوح جهانی به سوی یک مرکز واحد بین المللی
- ۲ - تضعیف قدرت دولتهای ملی
- ۳ - غلبه سازمانهای قدرتمند جهانی بر سازمانهای ملی و منطقه ای
- ۴ - بین المللی شدن ارتباطات
- ۵ - اتخاذ سیاستهای مشترک جهانی
- ۶ - تضعیف موقعیت های ملی
- ۷ - هدایت متمرکز دولتهای الکترونیکی (مهر علیزاده ، ۱۳۸۳ ، ص ۲۲)
- ۸ - در نهایت احساس نیاز به ضرورت سازماندهی منافع مشترک و فعالیت های مشترک در سطح جهانی .

عرصه اجتماعی - فرهنگی : استادان بزرگ ، کسانی چون ارسطو ، به ما آموخته اند که موقعیت در با یکدیگر زیستن بستگی به این دارد که چگونه به طور جمعی به زندگی ها یمان نظم ببخشیم . هانا آرنهت به ما گوشزد کرد که این به نوبه خود ، وابسته بدان است که چگونه با یکدیگر تعامل و ارتباط موفقیت آمیز داشته باشیم . عصر اطلاعات و ارتباطات ابزارهای دست یافتن به این ارتباط را فراهم آورده است و مهمتر از آن از اهمیت مرزها فروکاسته است . بر اثر انقلاب اطلاعاتی جهان به راستی به یک گوی تبدیل شده است . (رجایی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۸)

فرهنگ بنا به تعریف گلیفورد گیرتس²³ مردم شناس برجسته ، بر الگوی معناهای نهفته در نمادها، که به صورت تاریخی انتقال یافته است دلالت می کند ، نظامی از برداشت های به ارث رسیده که به صورت های نمادین بیان شده است . فرهنگ نه تنها به ما کمک می کند که خودمان را تعریف کنیم بلکه در عین حال وسیله ای است که آدمی از طریق آن شناخت خود را از زندگی و نگرش های مربوط به آن را مبادله کرده و تداوم و توسعه می بخشد . اما در جهان متشکل از فرهنگ های بسیار ، کدام الگوی معنایی را باید پذیرفت ؟ (همان ، ص ۶۴)

جهانی شدن فرهنگی عبارت است از شکل گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه ی جهانی . این فرایند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می آورد و فرهنگی جهانی را نیز شکل می دهد. (گل محمدی ، ۱۳۸۱، ص ۹۸) در رابطه با بعد فرهنگی - اجتماعی جهانی شدن دو دیدگاه کلی وجود دارد :

۱- جهان به سمت تنوع فرهنگی و چند قطبی شدن گام بر می دارد(نظریه های کثرت فرهنگی یا کثرت گرایانه)

۲- جهان به سمت یگانگی و تک قطبی شدن حرکت می کند.(نظریه عمومی جهانی شدن فرهنگ یا فرهنگی واحد)

از منظر نظریه کثرت گرایی فرهنگی ممکن است تمدن های مادی و تکنولوژیک واحدی در جهان مسلط گردد ، لیکن فرهنگ های مختلف هویت خود را حفظ خواهند کرد استوارت هرشبرگ در کتاب (یک جهان و چندین فرهنگ) ، فرض برتری ذاتی فرهنگ غرب را زیر سوال می برد و در مقابل بر تداوم اجتناب ناپذیر فرهنگ های دیگر تاکید می کند .(بشیریه ، ۱۴۰۰، ۱۳۷۹)

اما نظریه عمومی جهانی شدن فرهنگ به ظهور فرهنگ جهانی واحد و مسلطی اشاره دارد که سایر فرهنگ های باز مانده از تمدن های دیگر در آن حل خواهند شد به عبارتی طرفداران نگرش فرهنگی واحد به طور بد بینانه ای خبر از حاکم شدن فرهنگ همسانی در میان ملل و جوامع می دهند و این فرهنگ را همان تمدن غربی مدرن می دانند به گونه ای که آرنولد توین بی در کتاب خود مطالعه تاریخ ، می گوید : ما فرزندان تمدن غربی امروزه تنها به پیش می رویم و هیچ چیز جز تمدن های فرو ریخته در اطراف ما نیست (همان ، ۱۴۲)

رابرتسون معتقد است اگر واحد های کوچکی چون دولتهای ملی برای خود فرهنگی دارند دلیلی ندارد که جهان به عنوان یک واحد بزرگ ، فرهنگی خاص خود نداشته باشد و انگاره ی مربوط به

23- Glifford Geertz

نظم جهانی یا سامان جهانی جزئی از این فرهنگ است. وی جهانی شدن را در معنای کلی به عنوان نهادینه شدن فرایند دو وجهی عام شدن خاص و خاص شدن عام دانسته و جستجوی بنیادها در انواع و اشکال مختلفش را عموماً نه تنها جهان‌گریزی یا جهان‌ستیزی نمی‌داند بلکه به منزله‌ی جوهر جهانی شدن عنوان نموده است. از دیدگاه رابرتسون همه فرهنگها محکوم به تجدد هستند و گوناگونی خود وجهی از جهانی شدن است.

وی مسئله عام‌گرایی و خاص‌گرایی را به طور خاص در مورد ژاپن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و یادآور می‌شود که ژاپن طی سالها مکرراً اندیشه‌هایی را از بیرون گرفته و با مکانیسم خاصی به اندیشه درونی تبدیل کرده است. به گونه‌ای که اندیشه‌های مختلف را از بیرون برداشت کرده و با سنن بومی آمیزش داده و به آنها هویت ژاپنی بخشیده است. ژاپن به عنوان یک وضعیت خاص اکنون به یک سرمشق جهانی واجد وضعیت عام شده است «یاد گرفتن چگونه یاد گرفتن» یکی از مهمترین وجوهی است که ژاپن را به عنوان یک سرمشق عام و جهانی در آورده است. این امر یکی از جنبه‌های بازاندیشی در عرصه جهانی شدن است. اکنون بسیاری از کشورها و جریانها انگاره‌ی خود را از جهان و از هویت ملی به نحو بازاندیشانه شکل می‌دهند. به طور کلی در مسیرهای تحول جوامع و اشکال مشارکت آنها در عرصه‌ی جهانی، عناصر مهمی از انتخاب و گزینش به وجود آمده است. فرهنگ جهان همه جوامع را و می‌دارد تا نسبت به اندیشه و عمل مدرنیته شدن به اتخاذ موضع و جهت‌گیری پردازند و این کار را با ارجاع به سنن خاص بومی انجام می‌دهند. (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۱۹)

در موضوع فرهنگ لازم است مبحث هویت نیز مورد بررسی قرار گیرد. با جهانی شدن، هویت افراد چه تغییری می‌یابد؟ آیا فرد همان هویت سنتی و ملی خود را حفظ می‌کند یا یک هویت جدید و یکسان برای همه ساخته می‌شود؟ آیا چون جهان یکپارچه شده با کاهش فضا و زمان و ارتباطات سریع همه انسانها یک جور فکر و عمل می‌کنند و تفاوت هویتی مناطق مختلف جهان کاهش می‌یابد یا فرد دچار سردرگمی می‌شود و قادر نیست هویت شخصی مناسبی برای خود گزینش نماید؟ اینها سوالاتی است که باید به آنها پاسخ داده شود.

گیدنز معتقد است اعتماد و عدم اعتماد، در ساختار هویت شخصی تاثیر به‌سزایی دارد. هویت شخصی^{□□} عبارت است از «خود» به صورتی که شخص آن را به طور بازتابی و برحسب زندگی‌نامه رسمی خویش درک کند. (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۳۲۶)

در جوامع سنتی همه امور اجتماعی از نسلی به نسل دیگر تقریباً یکسان و دست نخورده باقی می ماند، تغییر هویت اجتماعی عملاً به صورت مهر و نشانی آشکار بر شخصیت افراد کوبیده می شد. در اثر جهانی شدن، «خود» آدمی نیز دچار تغییر و تحول شده و به صورت نوعی تصویر بازتابی درمی آید و نقل و انتقالات زندگی های فردی همواره مستلزم تجدید سازماندهی در عرصه های روانی می گردد. به عبارتی در جوامع جدید، «خود» دگرگونی یافته را باید از طریق کاوشهای شخصی پیدا و آن را به عنوان بخشی از فرایند تمام متقابل بین تغییرات شخصی و اجتماعی ساخته و استوار نمود. فرایند «بازگشت به نخستین تجربیات» اجتماعی خویش، دقیقاً به معنای بخشی از بازتاب هویت شخصی است و در تجدد کنونی این پدیده منحصر به مراحل بحرانی زندگی مشخص نیست بلکه از مختصات کلی فعالیت های اجتماعی برای سازماندهی مداوم یا تجدید سازماندهی روانی است. در دنیای جدید از دیدگاه گیدنز، هویت شخصی به طرز متباین با ارتباطات شخصی و اجتماعی جوامع سنتی مساله زا می گردد که نباید این مساله را زیان بار دانست و سطح نگرانیها و تشویش های اجتماعی را افزایش داد و درمانگری آن هم فقط به معنای تخفیف دادن نگرانیهای جدید و بی سابقه نیست بلکه جلوه ای از بازتابندگی خود یعنی پدیده ای که در سطح فرد، همچون نهادهای بزرگتر عصر تجدد، فرصتهای اجتماعی تازه و ناکامیهای بالقوه را به نسبت مساوی متعادل می سازد. (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۵۸)

رابرتسون در زمینه فرهنگ معتقد است فرایند جهانی شدن نه تنها فرهنگ های گوناگون و پرشماری را در دسترس افراد و گروه های مختلف قرار می دهد، بلکه نیازها و مرجع های اجتماعی آنها را هم افزون می کند. بنابراین، اندک و حتی واحد بودن مرجع های اجتماعی در جوامع سنتی که نیاز هویتی انسانها به تعلق و همبستگی اجتماعی را به آسانی تامین می کرد، از بین می رود و فرد ناگزیر می شود با واحد های اجتماعی کوچک و بزرگ مختلفی هویت پیدا کند منابع و گزینه های هویتی که در چنین شرایطی عرضه می شود، نه تنها متعدد و متنوع است، بلکه گاهی در تعارض با یکدیگر قرار دارند.

بدین ترتیب مرجع های اجتماعی و در نتیجه هویت ها نسبی می شوند. این نسبت فرا گیر،

- هویت سازی را به مسئولیت دشوار فردی و زندگی اجتماعی را به عرصه ی پارادوکسیکال (مخالف عقاید عمومی، در ظاهر مهمل و در معنی درست) تبدیل می کند. رابرتسون این شرایط بحرانی ناشی از دشوار و پیچیده شدن پیوند با مرجع های اجتماعی متعدد و متعارض را با عنوان «

تحول پارادوکسیکال عام گرایی و خاص گرایی « بیان می کند . این تحول عبارت است از فرایند دو وجهی در برگیرنده عام کردن خاص گرایی و خاص کردن عام گرایی. (رابرتسون ، ۱۹۹۲ ، بر گرفته از گل محمدی ، ۱۳۸۱ ، ص ۲۴۷)

از آنچه گذشت میتوان دریافت در هویت سازی گیدنز معتقد به تجدید سازماندهی روانی به طور مداوم و رابرتسون معتقد به عام گرایی خاص و خاص گرایی عام است . اما این که واقعا با جهانی شدن چه اتفاقی برای هویت های اشخاص می افتد و حتی پاسخ به این سوال که آیا باورها که نظام فکری شکل دهنده شخصیت و ارزشها که واسطه های بین بینش و رفتار ما هستند و به مثابه ی قوانینی نانوشته رفتارهای ما را تنظیم و کنترل می کنند ، تغییر می یابند یا خیر ؟ و این که آیا اندیشه های مذهبی گسترش می یابند یا با جهانی شدن تضعیف می شوند را نمی توان به طور قطع پیش بینی نمود . اما آن چه مسلم است این است که هر چه ارزشها و جنبه های اعتقادی در افراد نفوذ بیشتری کرده باشد و به عبارتی به صورت عمقی درونی شده باشد انسانها آمادگی بیشتری برای رویارویی با تحولات فرهنگی ناشی از جهانی شدن دارند و قادرند به انتخابات درست تری دست یابند و بر محیط اثر مثبت بیشتری از خود باقی گذارند .

انسانها از دورترین نقاط با یکدیگر رابطه ای نزدیک دارند و ضعف و ناتوانی محیط اجتماعی - فرهنگی در پاسخگویی به چالش های روزگار ، فرا رسیدن دوره ی تازه ای را خبر می دهد . دوره ای که در آن گفته ی دانایی ، توانایی است به راستی مصداق پیدا می کند .

از آن جایی که بعد جهانی شدن فرهنگی با مساله بازنگری در مفهوم فرهنگ ارتباط می یابد ، در این رابطه عدم اتخاذ موضوع مشخص در نظام آموزشی ، برنامه درسی را با چالش جدی مواجه می سازد . نقادی یکی از مشخصه های مهم فرایند تعلیم و تربیت در زمان حاضر است . مریدان امروزه با موضوعاتی چون ارزیابی ، گزینش و طرد مواجه هستند . ارزیابی و نقادی مستلزم بازشناسی جنبه های مثبت و منفی پدیده های فرهنگی این عصر است . پذیرفتن یا رد کامل هر آن چه که در سطح جهانی شدن در بعد فرهنگی رخ می دهد مطلوب و ممکن نیست بنابراین روشهای تدریس باید به گونه ای تنظیم شود که دانشجویان در رابطه با گرفتن اطلاعات و یادگیری علوم و آشنا شدن با فرهنگ ها ، با آسیب هایی چون بمباران اطلاعاتی و مقهور شدن در برابر هر گونه خطر و یا تقلید از فرهنگ های غیر بومی مواجه نشوند و زمینه ی ارزیابی و استفاده صحیح از تکنولوژی ارتباطی در فرایند تدریس ایجاد شود. (شریف زاده ، ۱۳۸۷ ، ص ۲۹) و در نهایت ضرورت پرورشی انسانهایی با تفکر نقادی جهت بازنگری فرهنگی و توانایی ارزیابی ، گزینش و طرد به جای تقلید کورکورانه از فرهنگ های غیر اصیل ، به چشم می خورد.

در بعد فرهنگی نتایج حاصل از جهانی شدن میتواند آثار زیر را به دنبال داشته باشد :

- ۱- ترویج یا زوال چند فرهنگی
- ۲- گسترش شبکه های اطلاع رسانی و الکترونیکی و جهانی شدن اطلاعات صوتی و تصویری
- ۳- تضعیف اندیشه های مذهبی یا تقویت مذهب در سطح جهانی
- ۴- پیدایش هویت جهانی مشترک یا سردرگمی در هویت ملی
- ۵- تغییر شکل و ساختار زندگی اجتماعی و خانوادگی
- ۶- تغییر ارزشها، هنجارها و انتظارات خرده فرهنگ ها .

عرصه ی فناوری: جهانی شدن از بعضی جهات نوعی انقلاب ارتباطی است. انقلاب در نقل و انتقال پیامها با رواج الکترونیسته از سال ۱۸۹۰ و به ویژه گسترش آن به الکترونیک از سالهای ۱۹۶۰ به بعد و انقلابی در جابه جایی اشخاص با استفاده از هواپیما از سال ۱۹۰۰ و به ویژه در عصر پس از جنگ از سالهای ۱۹۶۰ به بعد. به همراه این تحولات اینترنت به صورت یک جریان جهانی و آنی پیامها، تصاویر و اطلاعات درآمد . به این ترتیب جهانی شدن به معنی برقراری پیوند ها و ارتباطات متقابل میان جوامع است . (کدیور ، ۱۳۸۱ ، ص ۲۰)

از نظر بعضی ، انقلاب مخابراتی انتظارهای تازه ای را به وجود آورده است که مصائب بشری تخفیف یابد و حقوق اساسی انسانها مراعات شود. انقلاب مخابراتی از طریق اینترنت رشد یابنده ترین ابزار در طول تاریخ تمدن است و شاید به اندازه انقلاب صنعتی تاثیرگذار شود . این شیوه ارتباط ، زندگی بسیاری از مردم را تغییر می دهد و موجب می شود که بسیاری از مردم مستقیماً با یکدیگر تماس بگیرند که به دلیل بعد مسافت با فرهنگ و قشربندی اقتصادی و اجتماعی از یکدیگر جدا بوده اند (عنان ، ۱۳۸۰ ، بر گرفته از کدیور ، ۱۳۸۱ ، ص ۲۱)

اثرات تکنولوژی ارتباطات می تواند از حد دسترسی به ارتباطات سریع و آسان فراتر رفته و دنیای بدون مرز را به ارمغان بیاورد و بدین ترتیب مسائل اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی از محدوده ی ملی و منطقه ای فراتر رفته و در سطح جهانی مطرح شوند .

با توسعه فناوری های پیشرفته اطلاعاتی و دسترسی آسان و ارزان به اطلاعات در سطح جهانی در حقیقت نوعی پشتیبان و مکمل از نظر اقتصادی پدید می آید (مهر عزیزاده ، ۱۳۸۳ ، ص ۲۳) . فناوری ها و فرایند تکامل آنها در نظام جهانی نه تنها بر فرایند تولید و اشتغال تاثیر می گذارند بلکه در حمل و نقل و مبادله سریع کالا نیز تاثیر فراتر از حد تصور بر تمدن بشری می گذارد . موانع بین المللی تجارت و خدمات از بین می رود و رقابت در مرزهای ملی به فراملی انتقال یافته و در نتیجه مقررات

و ویژگی های بازار جهانی بر همه کشورها تحمیل و کشورها موظف می شوند تا خود را با این شرایط انطباق دهند در نتیجه شرکتهای داخلی به تدریج کم رنگ تر شده و شرکتهای بین المللی جایگزین آنها می شوند و حتی با تبلیغات حاصل از توسعه تکنولوژی، تولید کالاها به جای مصرف کشوری و منطقه ای، مصرف بین المللی پیدا کرده که نیاز به تغییراتی اساسی و کلی در نظام فنی و حرفه ای کشورها را ایجاد می کند.

ارتباطهای مبتنی بر فناوری های الکترونیک در برگیرنده ماهواره، اینترنت و شبکه های رایانه ای، تلفن، نمابر و از این قبیل، هرگونه مانع و محدودیت طبیعی و سیاسی را نیز از بین می برد و افکار و اطلاعات بدون هیچگونه کنترل و مزاحمت سیاسی از مرزهای ملی عبور می کنند. (هلتن (۱۹۹۸)، بر گرفته از هیرش / وبر، ۱۳۸۱، ص ۴۲) به گونه ای که از یک سو بسیاری از مشکلات و مسائل تنها توسط یک کشور خاص قابل حل و فصل نبوده و لازم است در سطح منطقه ای و بین المللی مرتفع شود.

از سوی دیگر، زمینه ساز شکل گیری و افزایش روابط و نهادهایی است که اجزاء و عناصر اصلی جامعه فرا ملی را تشکیل می دهند و با کاهش فاصله ها، دولت در عرصه ی هویت سازی دچار مشکل می شود و مرزهای هویتی درهم می ریزد و برخورد و تعامل فرهنگ ها و عناصر هویت بخش در گستره ی جهانی به نسبی شدن هویت ها می انجامد.

در این زمینه پائولو بلاسی معتقد است که با جهانی شدن و پیشرفت روز افزون ارتباطات، هر یک از ما با رفتار و عقایدمان به صورت مستقیم و غیر مستقیم می تواند تقریباً فوری و بدون آگاهی از فرایند مربوطه، بر دیگر مردم جهان تاثیر گذاشته و یا هر روز با مسائل جدید روبه رو شود که حاصل کردار و عقاید سایر مردم جهان است. (هیرش / وبر، ۱۳۸۱ ص ۴۳) بدین ترتیب با جهانی شدن و توسعه ارتباطات از لحاظ اجتماعی، حرکت به سوی جامعه مدنی، پذیرش مردم سالاری و تحمل دیگران، درک بین الملل و مفاهیم دیگری که به تبع آن کشورها بتوانند در درون این بستر راه مناسب خود را پیدا و در راستای آن به پیش روند، آغاز می شود.

اثرات توسعه تکنولوژی ارتباطاتی، تعلیم و تربیت را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. این فناوری ها، ساکنان مناطق دور دست را قادر ساخته تا به منابع اطلاعاتی و تخصصی که در منطقه آنها موجود نیست دست پیدا کنند و ابزارهای جدیدی برای مبادله اطلاعات و حل مسائل در اختیار داشته باشند. این فناوری ها شرایطی را فراهم کرده است که از طریق آنها با کودکان سراسر جهان ارتباط برقرار می شود و درک و بینش های فرهنگی جدیدی به وجود می آورد. هم چنین این فناوری ها بزرگسالان را قادر ساخته تا از طریق آموزش از راه دور به بازآموزی شغلی دست یابند و فرصت

های شغلی جدیدی به دست آورند. به علاوه فناوری های چند رسانه ای راه منحصر به فرد و در عین حال موثر برای پشت سر گذاشتن مشکلات آموزشی و یادگیری مفاهیم انتزاعی به وجود آورده اند. به طور خلاصه این فناوری ها موجب خواهد شد تا چگونگی یادگیری از پیش دبستان تا دانشگاه متحول شود. (کدیور، ۱۳۸۱، ص ۲۱)

در زمینه ارتقای سطح فناوری یک کشور، سه نظریه اساسی مطرح است که عبارتند از: الف) خرید مجموعه کاملی از فناوری های موجود. ب) تولید داخلی همه فناوری ها (ج) خرید برخی و تولید برخی دیگر.

راهبرد خرید کامل فناوری: بزرگترین امتیاز این راهبرد این است که بی درنگ به نتیجه می رسد و نیاز نیست که وقت و نیروی جامعه صرف اختراع دوباره چیزی شود که اکنون موجود است. علاوه بر آن، الزامی نیست که منتظر بمانیم تا جامعه دانش کافی را برای تولید فناوری های جدید به دست آورد. اما از مشکلات این راهبرد پرداخت بهای گزاف و وابستگی دائم خریداران فناوری به کشور های بیگانه و زیر نفوذ قرار گرفتن موقعیت اقتصادی و سیاسی کشور های خریدار فناوری توسط عرضه کنندگان فناوری است.

راهبرد تولید تمامی فناوری: امتیاز این راهبرد، ایجاد اعتماد به نفس در دستیابی به فناوری ها به خصوص در کشور های در حال توسعه است لیکن باید پذیرفت که تحقق این هدف فرایندی بسیار کند است و غیر عملی به نظر می رسد.

راهبرد خرید برخی و تولید برخی دیگر: در این راهبرد حکم بر این است که توسعه فناوری در کشور های در حال توسعه هم از طریق انتقال فناوری و هم از طریق ایجاد فناوری می افتد. جایی که توانایی وجود دارد اقدام به ایجاد فناوری شود و جایی که توانایی وجود ندارد توسعه فناوری از طریق انتقال صورت گیرد. (قورچیان/ آراسته/ جعفری، ۱۳۸۳، ص ۳۳۰)

از آن جایی که آموزش عالی مهمترین مرکز توسعه فناوری محسوب می شود و با سایر نهاد ها در ارتباط است تغییرات اساسی ایجاد شده در شئون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوامع، تجدید نظر کلی و همه جانبه در آموزش عالی یک ضرورت به نظر می رسد.

بخش دوم: جهانی شدن و آموزش عالی

ماهیت و کارکردهای مراکز آموزش عالی: دانشگاه به عنوان یک نهاد مهم اجتماعی در بطن تحولات تاریخی با نیازهای خاص جوامع گره خورده است. حاصل این ارتباط و تعامل، شکل گیری انواع الگوهای دانشگاهی است که در آن کسب دانش با هدف فرهیختگی و کسب منزلت

متفاوت از هدف تربیت شهروند خوب و تولید کننده خوب است و هر کدام الگوهای متفاوتی بر اساس فرهنگ جامعه را می طلبند. لذا ماهیت و چیستی دانشگاه بیش از هر چیز به کارکرد این نهاد وابسته است. در حقیقت ماهیت دانشگاه تعبیر و وجه فلسفی کارکرد اجتماعی آن است که در دو بخش کارکرد بیرونی و درونی قابل بررسی است. کارکردهای بیرونی دانشگاه ها عبارتند از:

۱- کانت معتقد است که کارکرد اصلی دانشگاه، هویت بخشی به دولت - ملت به نوسازی جامعه از طریق آموزش و با کمک خرد است و تربیت تکنسین ها و افراد کاردان برای دولت از کارکردهای دانشگاه از نظر کانت است. (ذاکر صالحی، ۲۲، ۱۳۸۴)

۲- هومبولت، به دنبال پیشبرد مرزهای دانش با کمک پژوهش است و معتقد است دانشگاه برای دولت شهروندان عاقل می پروراند نه خادمان بهتر. نکته اصلی پرورش منش، تعلیم دانش به عنوان یک فرایند است نه محصول و دو شاخه این فرایند در دانشگاه مدرن عبارتند از تحقیق و تدریس. بنابراین ویلیهم فن هومبولت دانشگاه را نهاد فرهنگ عمومی می داند (مرتضوی نصیری، ۱۳۷۸، ۳۸۹)

۳- کارکرد بیرونی دیگر دانشگاه، مبتنی بر بازار است و ریدینگز از این الگو به دانشگاه بهینه ورز تعبیر کرده و معتقد است نظام جهانی سرمایه داری دیگر نیازمند وجود محتوای فرهنگی نیست که بر اساس آن بتوان شهروندان را کنترل کرد و رسالت دانشگاه دیگر انتقال میراث فرهنگی و تاسیس و تحکیم هویت ملی نیست بلکه به ناچار برای ماندگاری و رقابت در دنیای سرمایه، دانشگاه مجبور است که کارآیی سیستم را تضمین کند و به جای کسب دانش، کسب امکانات (برای پردازش اطلاعات) هدف می شود. (ذاکر صالحی، ۲۴، ۱۳۸۴) بنابراین در دانشگاه باید افرادی به عنوان مشاوران و مدیران تربیت شوند که سرمایه علمی خود را کاملاً در اختیار بنگاه های اقتصادی و صنعتی و خدماتی قرار دهند.

۴- در الگوی دیگر بر تعالی معنوی دانشجویان به منظور کسب جامعه پذیری علمی و شکل گیری شخصیت علمی - اجتماعی و فرهیختگی تاکید می شود.

اما دانشگاه ها اگر بر اساس کارکرد و فرایند درونی آنها و بر اساس نقشها و وظایف و فرایندهای داخلی و نحوه اداره آنها دسته بندی شوند عبارت است از:

۱- دانشگاه مشارکتی که تاکید بر توافق جمعی است و افراد همگی به صورت برابر و مساوی با هم در تعامل هستند و دانشگاه را به عنوان جامعه همکاری در نظر می گیرند. این حق مشارکت، هم در فعالیت ها و امور دانشگاه و هم به صورت عضویت در گروهی از صاحب نظران همفکر و همدل که از ارزش مساوی دانش برخوردارند، را شامل می شود. (بیرن باثوم، ۱۳۸۲، ص ۹۱)

۲- دانشگاه بوروکراتیک: در این نمونه دانشگاه‌ها بر اساس نظام تصمیم‌گیری عقلانی و با تاکید بر وظایف مکتوب شغلی و قوانینی که هدایت‌کننده رفتارند، ثبات و بهره‌وری سازمانی را افزایش می‌دهند و از کارکنان انتظار می‌رود که بر اساس نقشهای خود (ونه مسئولیتشان) نسبت به یکدیگر واکنش نشان دهند (همان، ۱۱۹)

۳- دانشگاه‌های هرج و مرج طلب. در این دانشگاه‌ها هرج و مرج دارای سه ویژگی است. اهداف نامعلوم، فناوری غیر مشخص و مشارکت بی‌ثبات. در این دانشگاه‌ها هر فرد هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد و فرایند اداره دانشگاه به میزان قابل توجهی به وسیله شهود، رویه‌های غیرعقلانی و واکنش‌های غیر اصولی پیش می‌رود. (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴، ص ۲۸)

۴- دانشگاه سایبرنتیک: خصیصه اصلی این دانشگاه هدایت از طریق نظارت بر خود است. به نظر باثوم این امر توسط نظارت‌های سایبرنتیک قابل دستیابی است یعنی توسط ساز و کارهای خود اصلاحی که بر کارکردهای سازمانی نظارت دارند و سر نخ‌های مشخص یا بازخوردهای منفی در هنگامی کارها خوب پیش نمی‌روند به اعضا می‌دهند. در نتیجه هماهنگی نه توسط فردی مطلع و عقل کل، بلکه توسط فعالیت مستمر اصلاحی بخشهای دانشگاه انجام می‌شود (باثوم، ۱۳۸۲، ص ۱۹۲)

بر اساس این که هر دانشگاه به دنبال دستیابی به کدام یک از کارکردهای فوق است در آن دانشگاه برنامه ریزی و ماهیت و چیستی فعالیت‌ها شکل می‌گیرد. در تقسیم‌بندی دیگری کارکرد های دانشگاه در صحنه اجتماع در شش مقوله کلی به شرح زیر گنجانده شده است. آرمانها و نظام ارزشی جامعه، تولید و غنا بخشی به دانش و فرهنگ جامعه، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز، تسریع و تسهیل توسعه، ایجاد روابط متقابل بین موسسات آموزش عالی و بخشهای مختلف جامعه، و ایجاد و تسهیل روابط فرهنگی، علمی و سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه و جهان. (قور چیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۵۴۳)

از نظر شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی آموزش عالی (از ۱۸۳ کشور) با موضوع آموزش عالی در قرن بیست و یکم میلادی، آموزش عالی باید به عنوان راهی برای ایجاد تعامل بین فرهنگ بومی و جهانی الگوهای متنوع را بپذیرد و ضمن برقراری شبکه تعاملی تبادل جهانی دانش و فناوری به گفتگوی میان فرهنگ‌ها یاری رساند، با پذیرش واقعیت تحقق دانشگاه مجازی خود را آماده تبدیل به فرا دانشگاه نماید و آموزشهایی فرازمان و فرامکان را ارائه دهد و تلاش نماید همچنان از حمایت‌های ملی و دولتی برخوردار بماند ولی به ازای آن مسئولیت پاسخگویی خود به جامعه و مسئولان و دیگر بخشها را تقویت کند و ضمن بازنگری در مناسبات خود با جامعه به تربیت دانش

آموختگانی طراح و خلاق و کارآفرین با مهارت‌های عملی برای ورود به میدان کار همت گمارد و در رفع ناهنجاریهایی مانند فقر و بی سوادگی و خشونت و همچنین حفظ محیط زیست نقش موثری ایفا نماید و در عین حال از پویایی و تحرک و انعطاف لازم برخوردار باشد که لازمه آینده نگری و کنترل مداوم کیفیت و بهبود مستمر روشها در همه وجوه و ابعاد آموزش عالی است. (همان، ۵۴۴)

بدین ترتیب براساس توقع و انتظاری که از دانشگاه‌ها و کارکردهای آن می رود ماهیت و چیستی آن شکل می گیرد و باید پذیرفت که ماهیت و چیستی آموزش عالی هر چند که بسیار متنوع و گسترده است اما باید پویا و پر تحرک باقی بماند تا بتواند بر اساس شرایط روز پیش رود و با گسترش جهانی شدن دچار ضعف و در نهایت تعطیلی نشود.

در دهه های گذشته دانشگاه به عنوان مولد دانش و گاه انتقال دهنده دانش جدید، بخشی از چرخه ی تولید تلقی می شد که وظیفه آن آموزش نیروی متخصص به عنوان یک داده در نظام تولید اقتصادی بود. با پیشرفت روزافزون تکنولوژی و روند پر شتاب تغییرات علم و فناوری و نیاز به تمهید سازوکارها و نهادهایی برای آماده سازی دانشگاهیان و جامعه برای مواجهه کم هزینه با تغییرات، دانشگاه علاوه بر تولید و بسته بندی دانش جدید، کار خود را در راستای شکل گیری روحیه علمی، جستجوی نظام یافته در دانشجویان، نقد، خلاقیت، توانایی برقراری ارتباطات اجتماعی توان بازآفرینی، توانایی تلفیق و ترکیب ایده ها، آینده نگری، مشارکت پذیری، تثبیت هویت در تعامل با دیگران، تولید نرم افزارهای تغییر اجتماعی و درونی کردن هنجارهای مدرن، تغییر داد و بدین ترتیب اهمیت نگاه اقتصادی به دانشگاه تا حدودی کاهش یافته و به همین میزان نگاه فرهنگی، اجتماعی به آن افزایش یافت. (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴، ۱۶)

در واقع دانشگاه هسته پیشتاز تحول در ساختار فرهنگی و اجتماعی، بینش‌ها و روش‌ها و در نهایت ظهور یک پویای اجتماعی که زمینه ساز توسعه همه جانبه است محسوب می شود به گونه ای که فرایند نظری توسعه را سامان می دهد و موانع توسعه متوازن بومی را شناسایی و این دستاوردها رابه نسل جدید و کارگزاران توسعه انتقال می دهد.

لذا برای حل مسائل برخاسته از بحرانهای اجتماعی، مراکز آموزش عالی به عنوان گروه های مرجع محسوب می شوند که با روشهای علمی روابط علت و معلولی بحرانها را شناسایی و برای مقابله با آنها راه حل هایی را پیشنهاد و بعد از بررسی درستی یا نادرستی راه حل ها، روشهای کارساز را به جامعه ارائه می دهند و اینگونه تعامل گسترده و مستمر دانشگاه با جامعه، فرهنگ عمومی، صنعت، تجارت و نهادهای مدنی و مراکز بین المللی شکل می گیرد و اصلی ترین نقش

اجتماعی آموزش عالی که پاسخ به نیاز چگونه زیستن و آماده نمودن افراد برای زندگی در آینده است، بر آورده می سازد.

تاریخچه آموزش عالی

الگوی آغازین دانشگاه اروپایی برای اولین بار در فرانسه در قرن سیزده میلادی پدیدار گشت. این الگو شامل دو ویژگی اساسی، استاد محوری و حفظ استقلال بود. اولین مرکز آموزش عالی دانشگاه بولونیا در ایتالیا بر اساس محوریت دانشجو عمل کرد ولی مورد استقبال واقع نشد. پس از این دو دانشگاه، دانشگاه های آکسفورد و کمبریج در انگلستان و سالامنکا در ایتالیا و پراگ و کراکف در اروپای مرکزی، در قرن بعدی مراکز مختلف آموزش عالی در ایالات آلمان تاسیس گردید و پس از آن بود که استعمار اروپا، پدیده دانشگاه را به همراه سایر پدیده ها وارد کشورهای مستعمره نمود. این دانشگاه ها که بیشتر تابع الگوی دانشگاه های کشورهای مبدا بوده از ویژگی استقلال و آزادی دانشگاهی در زمینه تولید فکرنو و فناوری جدید برای نیازهای ملموس جامعه خود بهره ای نداشتند و بیشتر به عنوان کانال انتقال یافته های جوامع صادرکننده دانشگاه و کانونهای دست دوم انتشار یافته های علمی اروپا در ممالک بومی عمل می کردند و همین امر، عامل اصلی در عدم نقش موثر دانشگاه های جهان سوم در توسعه ملی این کشورها محسوب می شد. که به جای پیوند علم از دانشگاه به شرایط محلی و نیازهای اساسی جامعه به انتقال مستقیم و دست نخورده یافته ها و ساختار دانشگاه های اروپایی و آمریکایی پرداخت و بدین ترتیب مراکز علمی بومی و داخلی این کشورها با دید حقارت به تدریج از میدان رقابت خارج شد و حال آن که در اروپا دانشگاه ها محصول شرایط ملی خود بوده اند و به تدریج به سمت سنتها و گرایشهای خود با توجه به واقعیت های جامعه خود حرکت می کردند.

این امر در وضعیت استقلال جوامع بسیار موثر بود چرا که دانشگاه اگر بتواند خود را با نیازهای رو به تزاید جامعه پیچیده امروز همراه سازد و تاثیر مستقیم بر مشکل گشایی معضلات اقتصادی، اجتماعی و فنی جامعه داشته باشد سهم مشارکت خود در فرایند توسعه را از جامعه دریافت می نماید. بنابراین استقلال دانشگاه ها را میتوان در حد زیادی تابع میزان قدرت آنها در بازارپذیری کردن فرآورده های علمی دانست و این دانشگاه ها قادر خواهند بود بدون حمایت مالی دولت به فعالیت های خود ادامه دهند. (قورچیان وهمکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۶۴)

مروری بر تحولات آموزش عالی از ظهور اولین دانشگاه ها در قرن سیزدهم تا به امروز نشان می دهد که آموزش عالی همواره نهادی پویا و متغیر بوده است و همگام با تحول ساختارهای اجتماعی،

فرهنگی و معرفتی تغییر کرده است. از این منظر می توان شکل گیری و تحول نقش ها و کار کردها و ساختار نهاد آموزش عالی در جهان را در سه دوره تاریخی به نحو بارز و آشکار مشاهده کرد که در هر دوره دانشگاه معنا و تعریف متمایزی پیدا کرده است. عصر روشنگری، قرن ۱۸-۱۴

- عصر صنعتی، اواخر قرن ۱۸ تا اواخر قرن ۲۰
- عصر اطلاعات، دانش، دوره معاصر

دوره نخست که میتوان آن را مرحله شکل گیری نامید دانشگاه ابتدا بر اساس آموزه های متافیزیکی، مذهبی مسیحیت شکل گرفته بود. با شروع انقلاب معرفتی و فرهنگی رنسانس در قرن شانزدهم و هفدهم دانشگاه به سوی آموزه های انسان گرایانه تحول پیدا کرد. در مرحله دوم با ظهور « خرد مدرن جهانی » و آموزه ها و نیازهای عصر روشنگری و انقلاب صنعتی و دموکراتیک و ظهور دولت - ملت های مدرن، دانشگاه تربیت شهروندان مدرن را که در چارچوب ارزشهای ملی دولت - ملت های اروپایی عمل و رفتار کنند عهده دار شد. در این دوره که تا دهه ۱۹۷۰ استمرار یافت الگوی سنتی نظام ارزشهای دانشگاهی در جهان شکل می گیرد. (فاضلی، ۱۳۶۸)

در اوایل دهه ۱۸۷۰ م جان هنری کاردینال نیومن^{□□} آموزش و پرورش را جامعه آرمانی فراگیران - شامل مدرسان و دانشجویان - که از طریق مباحثات علمی با هم تعامل می کنند، دانست که بر فلسفه، ادبیات و دین متمرکز شده اند وی معتقد بود که مطالعه این موضوعات به رشد شخصیت و منش زندگی انسان تحصیل کرده منجر می شود و دانشگاه باید صرفاً بر رشد فکری دانشجویان متمرکز شود. در اوایل قرن بیستم میلادی جان دیویی^{□□} بر این باور بود که باید دانشجویان را در رشد تواناییهای فردی، با هدف ایجاد توانایی حل مسئله در آنها، بدون در نظر گرفتن این که این توانایی در کجا به کار گرفته خواهد شد، مدد رساند.

دانشجویان باید مستقیماً در طراحی تجربیات یادگیری خود مشارکت داشته باشند. در اواخر دهه ۱۹۲۰ وایتهد^{□□} این نظریه را مطرح کرد که فرایند یادگیری به شکل حلقوی پیش می رود که نخستین حلقه آن کنجکاو در باره یک موضوع است و با تحقیقی نظام مندتر درباره آن موضوع ادامه می یابد و در نهایت به توانایی یادگیرنده در استفاده از آموخته هایش منجر می شود. وایتهد همچنین به تفاوت میان آنچه به تحصیلات عمومی معروف است و آنچه تخصص (رشته اصلی تحصیلی) خوانده می شود را به همگان معرفی کرد. به نظر او آموزش عمومی پرورش دهنده فعالیت عقلانی و

26- John Henry Cardinal Newman
 □ -John Dewey
 □ -Whitehead

آموزش تخصصی فرصت به کارگیری آن را فراهم می آورد. در طول سالهای ۱۹۳۰ رابرت مینارد هاچینز^{□□} به طرح این مسئله پرداخت که همه افراد تحصیل کرده باید به مطالعات عمومی معین، که هسته اصلی تفکرات آنان را شکل می دهند مجهز شوند.

مهمتر از آموزش در مراکز آموزش عالی، ایجاد انگیزه و حرکت به منظور رشد و گسترش دانش جدید و پژوهش علمی - که دانش جدید بر آن استوار است - می باشد. اندیشه تمرکز بر پیشرفت علمی در قرن نوزدهم میلادی در دانشگاه های بزرگ آلمان تکامل یافت و در قرن بیستم میلادی در ایالات متحده از سوی ویلن^{□□} و فلکستر^{□□} معرفی شد آنان معتقد بودند که تمامی کارکردهای آموزش عالی شامل آموزش دوره کارشناسی، آمادگی حرفه ای و هر گونه خدمت دیگری به جامعه باید بر عهده سایر موسسات باشد نه دانشگاه. و این به معنای انجام فعالیت های پژوهشی صرف بدون توجه به نیاز های جامعه مطرح بود. (قورچیان/ آراسته /جعفری، ۱۳۸۳، ص ۶۷۷)

از دهه ۱۹۸۰ م بدین سو، به آموزش عالی از منظر فایده گرایانه نگرینسته و بر اهمیت رشد تواناییها و مهارت ها و آمادگی های لازم در اشتغال موفق، تاکید و آموزش های فنی و حرفه ای در کانون توجه قرار گرفت. منتقدان این نوع آموزش عالی معتقدند با تاکید بر مهارتهای فردی، آموزش عالی کم رنگ شده و دیگر مرکزی برای رشد عقلانی و کشف دانش جدید وجود نخواهد داشت. (همان، ص ۶۷۹)

در سالهای آغازین دهه ۱۹۶۰ کلارک کر^{□□} تعبیر دانشگاه های چند منظوره^{□□} را به منظور توصیف دانشگاه های پیچیده و پر ابهامی که مقاصد جامع بی شماری دارند وضع کرد. و دانشگاه های چند منظوره به بهترین وجه آرمانهای آموزش عمومی را فراهم می کردند و ابزار خوبی برای پژوهش های علمی، آموزش حرفه ای و خدمت به جامعه بودند. (همان، ۶۸۱)

از دهه ۱۹۸۰ میلادی با تلفیق دیدگاه آموزش عمومی و آمادگی حرفه ای از دانشجویان انتظار دارند به مهارتهای مختلفی دست یابند از جمله مهارتهای ارتباطی (خواندن، نوشتن، سخن گفتن، گوش دادنو تعامل) تفکر نقادانه و مهارتهای مسئله گشایی (تحلیل، ترکیب و کاربرد اطلاعات)، درک زیبایی شناختی (حساسیت داشتن نسبت به هنر و لذت بردن از آن)، فرهیختگی علمی (علاقمندی به علوم و نقش آن در جهان)، دانش ریاضی و مهارتهای فنی (توانایی و جسارت در بهره گیری از فناوری های جدید)، توانشهای فرهنگی (آگاهی اجتماعی، درک چند فرهنگی و تعهد

□□ - Robert Maynard Hutchins
 □□ - Veben
 □□ - Flexner
 □□ - Kerr
 □□ - multiversity

نسبت به جامعه) توانایی رهبری، توانایی در اتخاذ تصمیم های اخلاقی و توانایی در سلوک اخلاقی و علاقه به یاد گیری مستمر. (همان، ۶۸۲)

در حال حاضر با افزایش مستمر و بیش از حد و سریع متقاضیان ورود به دانشگاه ها و کاهش شدید منابع تامین هزینه آموزشی از سوی دولتها، بین دانشگاه ها رقابتی جهت جذب دانشجویان خارجی که حاضرند شهریه پردازند به وجود آمده و دانشگاه ها به دنبال کسب اعتبار و حیثیت برای بین المللی نمودن خود می باشند. بدین جهت در حال تدوین برنامه های بین المللی خود و تاسیس شعباتی خارج از مرزهای جغرافیایی و تنظیم برنامه های مشترک از حیث مدارک تحصیلی معتبر و قابل قبول در سطح بین المللی می باشند.

الگوهای تغییر و ویژگی های آن

در عصر جهانی شدن که همه جنبه های زندگی بشر در حال تغییر است، تحول در آموزش عالی دور از ذهن به نظر نمی رسد و عوامل مختلفی می توانند زمینه ساز ایجاد تغییر و تحولات در دانشگاه ها باشند.

در حالت کلی با بررسی الگوهای تغییر در یک سازمان، در قالب شش الگو میتوان ویژگی ها و ابعاد تحولات را در پاسخگویی به سئوالات مشخصی استنباط نمود که مطابق جدول (۱-۱-۲) تنظیم شده است:

جدول شماره ۱-۱-۲: «ویژگی های الگوهای تغییر»

الگوهای تغییر	چرا تغییر رخ می دهد؟	چگونه تغییر اشاعه می یابد	چه هنگام تغییر رخ می دهد؟	چه مدت استمرار دارد؟
الگوی تکاملی	تغییر در نتیجه پاسخ به شرایط و متغیرهای درونی و بیرونی است که خود به خود به وجود می آیند.	ماهیت تغییر به صورت خطی و عقلانی است.	نظام اجتماعی به صورت متنوع و متعادل است و فرایند تغییر به طور طبیعی در آن ایجاد می گردد.	تا زمانی که نیاز جدید به وجود آید.
تغییر برنامه ریزی شده	مدیران سازمانها موجوداتی منطقی، هدفمند و جهت دار هستند لذا به دنبال تغییر می روند.	چنین پنداشته می شود که ماهیت تغییر به صورت خطی و عقلانی است لذا مدیران می توانند سرنوشت سازمان را مطابق برنامه تغییر دهند و کنترل کنند.	به دلیل احساس نیاز مدیران و رهبران سازمان، تغییر به وجود می آید.	بعد از اتمام یک دوره برنامه ریزی شده، دور تازه ای از تغییر آغاز می گردد.

تاریخ	تغییر در همه سازمانها رخ می دهد و هر سازمانی دارای شروع ، رشد و نمو ، بلوغ و تکامل و مرگ است .	تغییر بخش طبیعی از ماهیت سازمان و توسعه سازمانی است که به طور دوره ای رخ می دهد .	در هر مرحله از عمر سازمان تغییر حادث می شود .	بستگی به طول عمر سازمان و مرحله ای دارد که سازمان در آن قرار دارد .
ادبیات سیاسی	تغییر به دلیل وجود دیدگاههای رقیب و چالشهای سیاسی رخ می دهد.	اشاعه ی تغییر به میزان تضاد بین گروه های رقیب بستگی دارد و به صورت متقاعد سازی ، مذاکرات غیر رسمی ، مصالحه و سازش و تفاهم قابل رویت است.	هنگامی که تضاد بین گروه ها حاد می شود رهبران به دنبال کسب مشروعیت قدرت سیاسی و پایگاه اجتماعی می گردند.	بستگی به میزان تعارض بین گروه های رقیب دارد.
یادگیری اجتماعی	تغییر به دنبال افزایش دانش و آگاهی افراد رخ می دهد.	تغییر فرایندی ناشی از رشد اجتماعی افراد جامعه است	زمانی که افراد جامعه برای رشد ، یادگیری و تغییر شرایط زندگی خود مشتاق هستند .	تا زمانی که مردم تقاضا دارند چنین تغییراتی وجود دارد.
یادگیری فرهنگی	تغییر به واسطه ی تحولات ارزشها ، هنجارها ، عقاید و شعار ها و میراث فرهنگی رخ می دهد.	بستگی به تغییرات فرهنگی دارد.	به هنگام تغییر در ارزشها و شعار های عمومی جامعه تغییر رخ می دهد.	تغییرات فرهنگی مستمرا در حال رخ دادن است.

« برگرفته از مهرعلیزاده ، ۱۳۸۳، ص ۲۶۱»

بر اساس جدول مزبور الگوهای تغییر بر اساس پاسخ به چهار سؤال چرا ، چگونه ، چه هنگام و چه مدت استمرار دارد ، شکل گرفته اند و بعضی از الگوها علت تغییرات را بدیهی و دلیل رشد و تکامل دانسته و برخی علت را الزامی و پاسخگوی مولفه ها و تحولات اجتماعی - اقتصادی می دانند. در مبحث پدیده جهانی شدن ، مولفه های درونی آموزش عالی از جمله سطح علمی دانشجویان، پیشرفت علم و دانش، فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی و مولفه های بیرونی نظیر انتظارات جامعه، نیاز بازارهای اقتصادی و تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را متحول ساخته است. بازار اقتصادی نسبت به گذشته نیازمند نیروی انسانی ماهری است که دارای توانایی و صلاحیت های حرفه ای بین المللی باشد و این توانایی ها از طریق آموزش عالی و بر اساس اقتصاد مبتنی بر دانش قابل دستیابی است. در تاثیرات سیاسی جهانی شدن بر موسسات آموزش عالی و دانشگاه ها نیز این مسئله عمده قابل تامل است که آیا کاهش نقش دولت و افزایش قدرت فرایندهای جهانی شدن موجب بازنگری در

رسالت اجتماعی دانشگاه است؟ و آیا ماهیت شکل گیری دانشگاه که براساس مسئله «قدرت و دانش» در سطح ملی، مسئولیتش آموزش دانشجویان و حمایت از فرهنگ ملی و تربیت شهروندان جهت دستیابی به آرمانها و اهداف ملی است دگرگون می شود و نیازمند بازنگری بر اساس قدرت- دانش جدید جهانی است؟ (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۵۵)

در ارتباط با بعد فرهنگی- اجتماعی و آموزشی جهانی نیز دودیدگاه، جهان به سمت تنوع فرهنگی و چند قطبی و جهان به سوی یگانگی و تک قطبی شدن وجود دارد. در هر دودیدگاه به قابلیت های بالقوه و بالفعل موسسات آموزش عالی برای فرهنگ سازی به سبک جدید توجه شده چراکه جهانی شدن با فراهم سازی دسترسی همگان و انبوه سازی آموزش عالی نه تنها جنبه های نخبه گرایی و طبقاتی بودن آموزش عالی را از بین برده بلکه موجب کاهش کنترل متمرکز فرهنگی و اجتماعی بر فرایندهای آموزشی گشته و با کاهش فاصله های زمانی و مکانی و گسترش ارتباطات، تغییرات اساسی را در ارزشها، هنجارها و عقاید ایجاد کرده است.

رشد سریع فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی نیز عامل دیگری است که ضرورت ایجاد تغییرات در آموزش عالی را در پی دارد. امکان دسترسی به کتابخانه های اینترنتی، شبکه های اطلاع رسانی ماهواره ای، کاهش هزینه کتابخانه، رشد دانشگاه های مجازی نمونه هایی از تاثیر روند فناوری بر گسترش آموزش عالی در سالهای اخیر است. فناوری مورد استفاده در علم اطلاع رسانی موجب شده تا دانشجویان و علاقمندان به دانش با مدرسان و محققان دیگر نقاط دنیا ارتباط سمعی و بصری برقرار کنند و در جلسات و سمینارها و میزگردهای علمی، مشارکت مستقیم داشته باشند.

گسترش فناوری دانش الکترونیک نیز باعث گرایش دانشگاه ها به سمت تلفیق بیشتر رشته های نزدیک و نسبتاً مرتبط گردیده و ایجاد نموده که تغییرات اساسی در برنامه های درسی ایجاد شود. بدین ترتیب این عوامل علت پیدایش تغییر در آموزش عالی با پدیده جهانی شدن را توجیه نموده است.

در جدول شماره ۲-۲-۱ چگونگی تغییرات گاه خطی و عقلانی و گاه به صورت غیرقابل پیش بینی است، طبق نظر گیدنز و رابرتسون در پدیده جهانی شدن تغییرات غیرقابل پیش بینی رخ می دهند.

زمان تغییرات نیز بر طبق جدول بر اساس احساس نیاز مدیران، وجود اختلاف و فاصله در جامعه، نیاز به رشد و پیشرفت افراد جامعه و تغییر در ارزشها قابل ارزیابی است، که در پدیده جهانی شدن ترکیبی از عوامل فوق میتواند معرف زمان تغییرات باشند. اما مدت تغییرات به دلیل گسترش

روزافزون علم و دانش و افزایش راههای اطلاعاتی / ارتباطی جهانی، به نظر می رسد هیچگاه به انتها نرسیده و به طور مستمر و پیوسته ادامه داشته باشد.

بعضی از محققان نظیر دان دی وان پول (۱۹۹۵) معتقدند که به کارگیری ترکیبی از الگوهای فوق می تواند در توصیف و تبیین تغییر کاربرد بیشتری داشته باشند. (مهرعلیزاده، ۱۳۸۳، ص ۲۶۳). در آموزش عالی به نظر می رسد که ترکیبی از الگوها زمینه ساز ایجاد تغییرات هستند. و از آنجا که شرایط و موقعیت ها به طور دائم در حال تغییرند، باید سازمان از ساختاری استفاده کند که قدرت انعطاف پذیری بالایی داشته باشد و بر اساس تغییرات محیط، تغییرات لازم را در خود به وجود آورد. (دافت، ۱۹۸۹، ۲۱۱)

کاهش حمایت مالی دولت ها از دانشگاه ها و پرهزینه بودن این مراکز، آنها را کم به سمت بخش خصوصی هدایت کرده و منابع تامین مالی این دانشگاه ها را بر عهده متقاضیان ثبت نام در این مراکز منتقل نموده است. اکنون دانشگاه های برتر بر اساس سطح آموزشی- پژوهشی و تحقیقاتی و تکنولوژی ارتباطی و خدمات کاملتر و مناسبتر، محبوب تر شناخته شده و متقاضیان بیشتری داشته است و این مسئله رفابت گسترده ای بین مراکز آموزش عالی در جذب دانشجویان بیشتر را ایجاد نموده و در نهایت تعدادی از دانشگاه ها به دلیل مشکلات مالی از دور خارج شده اند. البته در این پژوهش، بررسی وضعیت مالی مراکز آموزش عالی بر اثر جهانی شدن، خارج از چارچوب موضوعات مطرح شده است و در این قسمت تنها اشاره مختصری به آن شده تا ضرورت تغییرات اساسی در دانشگاه ها بیان شود.

در نهایت می توان گفت در ترسیم شرایط کنونی و چشم انداز آینده دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی نظریات متفاوتی وجود دارد اما آن چه مسلم است مقاومت در برابر تغییرات اساسی و عدم تجدید نظر کلی و همه جانبه در آموزش عالی موجب می شود این نهاد به تدریج از انجام وظایف و کارکرد های خود عاجز شده و به تدریج به بحرانی دچار شود که در آن به دلیل عدم پاسخگویی به نیاز ها و خواسته های زمان، تنها اسکلتی از یک نظام رسمی آموزشی باقی مانده و در کنار نظام دیگری از تعلیم و تربیت رشد کند که به نظام سایه شهرت دارد. نظامی که هزینه بسیاری را بر والدین تحمیل کرده بدون آن که کارآمدی و تاثیرگذاری آن به طور دقیق مشخص باشد.

تهدیدی که امروزه در بسیاری از نظامهای آموزشی مشاهده می شود این است که توانایی لازم برای تربیت شهروندانی که بتوانند در شرایط حاضر و در قرن بیست و یکم زندگی کنند را ندارند و این مسئله به سادگی و با مراجعه به فارغ التحصیلان مراکز آموزش عالی هویدا است.

در یک جمع بندی میتوان مهمترین وجوه تحولات دانشگاه ها را چنین عنوان کرد: جهانی شدن و تبدیل تدریجی جامعه کنونی از جامعه ای سرمایه بر و کاربر به جامعه ای دانش بر، گسترش بحرانهای معرفتی و مسلکی، دسترسی به بزرگراه های اطلاعاتی، سرعت فزاینده ی نو آوری ها و در نتیجه کاهش عمر مفید یافته های علمی، فراگیر شدن واقعیت های مجازی، غیرقابل پیش بینی بودن حوادث و تغییرات پویایی غیرخطی و نظامهای پیچیده، تحولات افزایش جمعیت متقاضی آموزش عالی، انعطاف برنامه های آموزشی، تمرکززدایی در برنامه های درسی و افزایش مسئولیت پاسخگویی. (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۵۴۲)

باید پذیرفت که نظامهای آموزشی کشور ها به تبع تغییراتی ساختاری در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با دشواری های بزرگی روبه رو هستند و برای مقابله با این چالش ها به تمهیداتی گسترده و همه جانبه نیازمندند. (جوادی، ۱۳۸۲، ص ۲۹) و باید قبول کرد که از تغییر گریزی نیست و باید ضمن این که مهمترین ارزشها و رسوم خود را حفظ نمود، از این تغییرات به عنوان یک فرصت استراتژیک برای کنترل سرنوشت استفاده نمود. بهترین چالش ناشی از تغییرات حاصله از پدیده جهانی شدن، شکسته شدن قالبهای موجود و گسسته شدن انحصارها و پیدایش فضای رقابتی شدید در سطح جهانی است. (ابیلی، ۱۳۸۴، ص ۶۲) و همه نظامهای اجتماعی از جمله نظام آموزش عالی برای تداوم حضور خود در عرصه جهانی ناگزیر است در عرصه ی رقابتی موجود، خود را مهیا ساخته و با دقت هر چه تمامتر تهدیدات را در روند تغییرات شناسایی نموده و با زیرکی آنها را به فرصت و فرصت های پدید آمده را بهینه سازی نموده و از آنها در پیشبرد اهداف و دستیابی به توسعه یافتگی استفاده نماید تا در دسته سردمداران آموزش عالی در سطح جهانی قرار گرفته و به جای تاثیر پذیری صرف از این پدیده، به تاثیرگذاری بر آن پردازد.

بخش سوم: جهانی شدن و مدیریت آموزش عالی

تفاوت مدیریت در آموزش عالی و سایر سازمانها: روند تغییر و تحولات مدیریت در سازمانهای مختلف بر اثر پدیده جهانی شدن، حاکی از آن است که مدیریت آموزش عالی نیز از این وضعیت مستثنی نیست و مدیران مراکز دانشگاهی با مسائل متعدد و جدیدی در هزاره سوم روبه رو هستند.

البته نباید فراموش کرد که مدیریت در آموزش عالی با مدیریت سایر سازمانها تفاوت بسیاری دارد از جمله این که موفقیت در یک سازمان به میزان دسترسی به اهداف تعیین می شود و در اهداف آموزش عالی نسبت به سایر سازمانها ابهامات بسیاری وجود دارد مثلا هدف در شرکتهای تجاری

سوددهی است و میزان دستیابی به هدف با تهیه ترازنامه به راحتی قابل ارزیابی است در حالی که در دانشگاه ها اهداف به راحتی قابل تبیین نیست و در اکثر موارد غیر قابل اندازه گیری است چرا که مراکز آموزش عالی، موسسات پردازش انسانهاست و اندازه گیری میزان موفقیت بسیار پیچیده است. یا پیچیدگی فرایندهایی که به دلیل نیازهای متفاوت دانشجویان در دانشگاه جریان دارد نسبت به یک واحد تولیدی که به توسعه فرایندی ویژه می پردازد کار مدیران آموزش عالی را چند برابر ساخته است. همچنین وجود تخصصهای بالا و مختلف در دانشگاه ها که باعث پیدایش دیدگاه های مختلف در خصوص اهداف و جایگاه آموزش عالی در جامعه شده نسبت به یک موسسه تولیدی، فعالیت مدیران دانشگاه را متفاوت از مدیران مراکز تولیدی ساخته است.

با وجود این اختلافها، مسئله مدیریت و روند تغییرات آن را در حالت عمومی دنبال و سپس به بررسی مدیریت مراکز آموزش عالی به صورت خاص پرداخته می شود. اما قبل از ورود به این بحث لازمست تفاوت بین رهبری و مدیریت مشخص شود. رهبری را می توان شامل آینده نگری، جهت دهی برنامه ریزی، ایجاد تعهد (به وسیله ارتباطات و مذاکرات در مورد اهداف مشترک با توجه به تضاد عقاید و تواناییهای مختلف) و بیان مشکلات و موانع بر سر راه تغییر و تحولات محیط و پشتیبانی کردن و امیدوار ساختن برای غلبه بر آنها داشت. عنصر مدیریت شامل تنظیم بودجه، تشکیلات و نیروهای انسانی، ارزیابی و از همه مهمتر مسئله گشایی است که تا حد زیادی آینده نگری، کارآیی و کارآمدی را به ارمغان می آورد. به طور خلاصه، از بررسی متون رهبری و مدیریت چنین برمی آید که رهبری انجام کارهای صحیح و مدیریت اجرای کارها به نحوه صحیح است. (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۵۶۱)

فرضها و تصورات پایه ای سنتی در زمینه مدیریت نیروی انسانی بر اساس تفسیر « داگلاس مک گریگور^{□□} » در کتاب معروف وی با عنوان « طرف انسانی تشکیلات » (۱۹۶۰) بر این مدعی است که همه افراد به یک صورت و یک شکل اداره می شوند و یک مدیر تنها یک راه مدیریتی را انتخاب و با همه یکسان برخورد می کند. چند سال بعد ابراهام اچ مازلو^{□□} (۱۹۷۰-۱۹۰۸) در کتاب خود با عنوان « نظرات مازلو در مدیریت » نشان داد که افراد مختلف با ید به صورت های متفاوت اداره شوند. (دراکر، ۱۳۷۹، ص ۳۲) شاید علت این تغییر این باشد که در گذشته افرادی که در سازمان کار می کردند مستخدم تمام وقت بوده و به عنوان وابستگان و زیردستان سازمان محسوب می شدند ولی امروزه کمتر به عنوان مستخدم و بیشتر به عنوان مقاطعه کار در سازمان به صورت موقت یا پاره وقت

□□ - Douglas Mc . Gregor

□□ - A.H.Maslow

برای سازمان کار می کنند و دیگر زیردست محسوب نمی شوند و یا این که با گسترش علم و دانش و تخصصی شدن مشاغل ، کارکنان علمی در سازمان پدید آمدند که هیچگاه تابع زیردست نمی شوند بلکه به صورت شریک همکار هستند . زیرا کارکنان علمی پس از طی دوره کار آموزی و با دریافت مدارج عالی علمی باید به مراتب بیشتر از رئیس خود درباره کار و وظیفه شان بدانند .

بدین ترتیب گروه های مختلف موجود نیروی کار باید به گونه های متفاوت مدیریت شوند و نحوه برخورد و مدیریت هر گروه خاص نیروی کار ، در زمانهای متفاوت باید متمایز باشد و شاید لازم شود مساله مدیریت کار افراد نباشد بلکه مدیریت عملکرد مطرح شود ، به عبارتی فرد ، افراد را مدیریت نمی کند بلکه وظیفه است که افراد را رهبری و هدایت می کند و هدف این است که توانایی های خاص و دانش و دانایی تک تک افراد ، مولد و پر بار شوند . جهت درک بیشتر این مسئله می توان به جدول شماره ۲-۳-۱ که روند تغییرات روابط مدیریتی و نیروی کار را با توجه به توسعه منابع انسانی و گسترش مهارتها تنظیم گردیده ، مراجعه نمود، همان طور که در جدول مشاهده می شود رابطه مدیریت با پرسنل در نظام سنتی و نظام جدید کاملا متحول گردیده و گاه در بعضی موارد کاملا بر خلاف یکدیگر عمل می شود .

جدول شماره ۲-۳-۱: تغییر نقش مدیریت با توجه به توسعه منابع انسانی ، آموزش و ایجاد مهارت

نظام تولید سنتی	نظام تولید شبه متغیر	نظام تولید متغیر
وجود فاصله زیاد بین مدیریت و کارکنان ، پایین بودن روابط انسانی در کار ، مهارتهای پایین کارکنان اداری ، کار آموزی اندک ضمن خدمت با تاکید بر نظم و انضباط ، احترام به قدرت مافوق ، استخدام و اجتماعی سازی کارکنان با توجه به مدارک تحصیلی و رفتارهای آنها و مصاحبه ، شکل دهی فرهنگ سازمانی از طریق مجبورسازی کارکنان در احترام گذاشتن به مدیران	بر حق مدیران برای مدیریت تاکید می شود ، پایین بودن اعتماد،مهارتهای پایین، تاکید بر کارآموزی بر وظایف چندگانه و آماده سازی کارکنان برای استفاده از رایانه در کار ، استخدام و اجتماعی سازی کارکنان با توجه به مدرک تحصیلی و رفتارهای آنان و مصاحبه و پالایش کارکنان جوان ، کنترل کارکنان از طریق رایانه ، گروه کار و فشار گروهی ، اتقاء و پیشرفت شغلی اندک .	سهیم بودن همه کارکنان در مدیریت کار ، بالا بودن اعتماد در محیط کار ، مهارتهای سطح بالاتر و تقاضای بیشتر جهت افزایش مهارتها،تاکید بر کارآموزی ومهارتهای چندگانه ، تاکید بر مهارتهای نظیر رایانه ، حل مساله ، ارتباطات ، کار در گروه ، اجتماعی سازی با توجه به مهارتهای اساسی ، دانش فنی ، خلاقیت ، شخصیت ممتاز و پالایش کارکنان جوان و علاقه مند ، شکل گیری فرهنگ کار از طریق کار گروهی و ارتقاء و پیشرفت شغلی بالا.

(تلخیص از مهر عزیزاده ، ۱۳۸۳ ، ص ۲۸۹)

وظایف مدیران مراکز آموزش عالی

رئیس دانشگاه از نظر قانون مسئولیت رهبری و مدیریت دانشگاه را بر عهده دارد. وظایف و اختیارات مدیران دانشگاه ها در ماده شش آیین نامه مدیریت دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی به شرح زیر است:

- ۱- نظارت بر حسن اجرای امور آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، دانشجویی، اداری، مالی و عمرانی، امور خدمات علمی، کلیه ارتباطات داخلی و بین المللی دانشگاه، هماهنگی واحد های مختلف و پاسخگویی به مراجع ذیصلاح
- ۲- تعیین خط مشی اجرایی دانشگاه، در قالب سیاستهای علمی، آموزشی و پژوهشی
- ۳- هدایت فعالیت های فرهنگی، آموزشی، پژوهشی، اداری- مالی و عمرانی دانشگاه
- ۴- ارائه گزارش سالانه دانشگاه به هیئت امنا
- ۵- نظارت بر حسن اجرای فعالیت های جاری دانشگاه و پیگیری اشکالات و تخلفات احتمالی و ارجاع آنها به مقامات ذیصلاح.
- ۶- مسئولیت امور مالی و اداری دانشگاه در حدود مقررات مصوب
- ۷- نصب و عزل اعضای هیئت رئیسه و روسای دانشکده ها، موسسات و واحد های وابسته و مدیران گروه های آموزشی.

۸- ارائه پیشنهاد به شورای دانشگاه و همکاری علمی با سایر موسسات آموزشی یا پژوهشی داخلی و خارجی

۹- نظارت بر امور انضباطی دانشگاه (هیئت علمی، دانشجویان، کارمندان) در چارچوب ضوابط و مقررات» (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۵۶۴)

مدیران دانشگاه ها با سه گروه نیروی انسانی با وظایف و خواسته های متفاوت رو به رو هستند. یک گروه پرسنل اداری دانشگاه ها که فاقد مدارج بالای تحصیلی بوده و در زمینه کاری خود تسلط و مهارتهایی دارا هستند. گروه دوم اساتید دانشگاه که با طی مدارج علمی بالا، نیروی علمی مراکز آموزش عالی محسوب می شوند و گروه سوم دانشجویان که برای دوره ای موقت وارد دانشگاه می شوند و با طی مراحل مختلف آموزشی به برون داد تبدیل شده و نشانه کیفیت فعالیت های دانشگاهها و تعیین رتبه مراکز آموزش عالی می باشند. تغییر نقش مدیران از نظام تولید سنتی به سمت نظام تولید متغیر موجب گردیده تا مدیران از الگو های سنتی روابط سلسله مراتبی به ویژه در نظام مدیریت علمی خارج شده و به ارتقاء سطح مشارکت دانشگاهیان و اعضای هیئت علمی در اداره امور مربوطه

به محیط خود بپردازند. (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲) به نظر می رسد که برای بر آورد و مقابله با چالشهایی که جهانی شدن در پیش رو قرار می دهد لازم است مدیران افراد را برای شرایطی آماده سازند که در آن مسئولیت ها دائما در حال تغییر و مدیریت های عمودی با شبکه سازی جایگزین می گردد و اطلاعات از کانالهای رسمی و غیر رسمی متعددی عبور کرده و اقدام به کار بهتر با اطاعت از مافوق انجام می شود. (همان، ص ۹۹)

با بررسی الگوهای اداره دانشگاه در سه دسته دیوان سالاری، سیاسی و مشارکتی بر اساس جدول ۲-۳-۲، می توان با مسیر حرکت به سمت الگوی مشارکتی و ویژگی های این الگو که در محیط های دانشگاهی امروزی معتبر تر است بیشتر آشنا شد. در الگوی دیوان سالارانه، دانشگاه سازمان پیچیده ای است که زیر نظامی از نظام کشوری محسوب می شود و دارای سلسله مراتب رسمی با بخشهای مختلف است که این بخشها به وسیله وظایف تعریف شده و با مجموعه ای از قوانین که با یکدیگر در ارتباطند و سیاستها و قوانین رسمی و شرح وظایف، اکثر فعالیتهای دانشگاه هدایت می شوند.

جدول شماره ۲-۳-۲: رهبری موثر در الگو های دیوان سالاری، سیاسی، مشارکتی مراکز آموزش عالی

مشارکتی	سیاسی	دیوان سالاری
<ul style="list-style-type: none"> - رهبر مشارکتی ارزشهای گروه را تا حد زیادی به نمایش می گذارد و با هنجارهای گروه هماهنگ است. - رهبر پیشرو است و در مواقع ضروری ابتکار عمل دارد و انتظارات گروه را از رهبری تایید می کند. - رهبر از راههای نهادینه شده ارتباطی استفاده می کند. و به سخن دیگران گوش می دهد. - رهبر تفاوتهای مقامی را کاهش می دهد. - رهبر اشتباهات دیگران را به سان تجربیان آموزشی تلقی می کند که به رشد فردی و سازمانی مدد می رساند. - رهبر مسئولیت نهایی کنترل رفتارها 	<ul style="list-style-type: none"> - رهبری حکومت نمی کند بلکه خدمت می کند. - رهبر تلاش می کند تا به طریقی راه حلهایی را برای معضلات و مسائل بیابد، راه حلهایی که مورد قبول ذینفعان باشد. - رهبر، معلم، مبدع، مبتکر و استفاده کننده از قدرت است. - رهبر اقناع کننده و جویای اجماع است. - رهبر یک میانجی است و وظیفه اولیه وی آشتی دادن هیئت علمی، دانشجویان و ذینفعان است. - رهبر سیاسی در پی ایجاد توافق بر سر ارزشها و تدوین برنامه ها بر اساس این ارزشهاست. 	<ul style="list-style-type: none"> - دیوان سالاران به برنامه ریزی، هدایت، سازماندهی و ارزیابی توجه و علاقه نشان می دهند - دیوان سالاران فعالیت ها را با تصمیم گیری، حل تضادها ف رفع مشکلات، ارزیابی عملکردها و بروندها و اعطای پاداش یا تنبیه کنترل می کنند. - دیوان سالاران داده های مناسب را جمع آوری و تحلیل می کنند، نظامها و فرایندهای سازمانی را دنبال می کنند و از دستورهای فراستان اطاعت می کنند. - دیوان سالاران اختیارات خود را به دیگران تفویض می کنند. این کار

<p>را به عهده دارد .</p> <p>- رهبر شرایطی را ایجاد می کند که گروه ها به فعالیت های خود نظم دهند .</p>	<p>- رهبر سیاسی مسائل را مشخص می کند ، هزینه مشارکت را کاهش می دهد و به منظور ایجاد انگیزه جهت مشارکت ، پاداشها و محرومیت هایی را در نظر می گیرد</p>	<p>نفوذ و تاثیر گذاری اختیارات رهبر را افزایش می دهد .</p> <p>- دیوان سالاران بر مسئولیت پذیری و پاسخگویی تاکید می کنند .</p>
---	--	---

(برگرفته از قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۵۶۸)

الگوی سیاسی بر شناخت بیشتر نسبت به گروه های ذینفع تکیه دارد و به طراحی فرایندهای سیاستگذاری و متعهد کردن سازمان به مجموعه ای از اهداف و راهبردها می اندیشد . اهمیت سیاستگذاری در دانشگاه به حدی است . که ذینفعان می کوشند بر آنها تاثیر گذارند و به نفع خود و گروه های همسو از آنها بهره برداری کنند . این دانشگاهها به گروه های مختلف با تخصصها ، دیدگاهها و ارزشهای مختلف تقسیم می شوند و تضاد در نظام دانشگاهی را امری طبیعی دانسته که نمی توان آن را به معنای عدم پویایی سازمان دانست و معتقدند در سایه تضاد افکار جدید پدیدار می شوند و رشد می کنند و موجبات تغییر و تحول را در سازمان ایجاد می کنند . رهبری در الگوی سیاسی در نقش یک واسطه و مذاکره کننده میان افراد و گروههای ذینفع است که برای ایجاد ائتلاف و جلب نظر گروههای ذینفع فعالیت می کند .

در الگوی مشارکتی تصمیم گیری نباید مبتنی بر جایگاه سلسله مراتبی باشد و بر این موضوع تاکید دارد که افراد متخصص و اعضای هیئت علمی باید توانایی و فرصت تصمیم گیری داشته باشند . این الگو در دو محور خلاصه می شود ۱- تصمیم گیری مبتنی بر اجماع ۲- قدرت و اختیارات هیئت علمی و طرفداران این الگو معتقدند در صورت اجرای دو محور فوق میتوان دانشگاه ها را به مراکز بهتری برای آموزش ، پژوهش و خدمات اجتماعی تبدیل نمود . (همان، ۵۶۵)

تاثیر کارایی الگوی مشارکتی به مواردی از جمله اعتماد عمومی با لا در خارج از دانشگاه ، وفاداری درون سازمانی ، اعتماد دو جانبه ، تعهد ، مسئولیت حرفه ای و قضاوت بی طرفانه بستگی دارد . (هیرش / وبر ، ص ۲۷۱ ، ۱۳۸۱)

روابط مدیران مراکز آموزش عالی با نیروی کار اداری و آموزشی (اساتید) در صورتی که به شکل مشارکتی و متناسب با افراد مختلف و سطوح متفاوت عملکرد ، صورت گیرد موفقیت آمیز خواهد بود و در صورتی که مدیران دانشگاه ها بخواهند مانند گذشته و سلسله مراتبی به عملکرد

خود ادامه دهند و مخالف تغییر و تحولات باشند، احتمال دارد اعضای هیئت علمی جذب انجمن های حرفه ای خارج از دانشگاه و آژانس های سرمایه گذاری علمی و حامیان مالی و پشتیبانی شرکت های خصوصی شده تا جایی که تعهد سازمانی اساتید نسبت به دانشگاه کاهش یابد و یا گاهی اوقات در جهت ایجاد منافع خاص یا مسدود کردن راه اصلاحات پیشنهادی، مصرف شود. گروه سوم نیروی انسانی که مدیران دانشگاه ها با آنها مواجهند دانشجویان هستند که به نمایندگی از طرف جامعه از امکانات و خدمات آموزش عالی استفاده می نمایند و میزان اثر بخشی آموزش عالی را به جامعه منتقل می کنند.

از وظایف مدیریت مراکز آموزش عالی توجه به این مسئله است که از طرف دانشگاه ها باید با دقت بیشتری به دیدگاه های جامعه توجه نمایند تا نیازها و انتظارات در حال تغییر آن و برداشتش از آموزش عالی را به ویژه با توجه به عوامل و نیروهای تغییرزا درک کنند و از طرف دیگر مدیران دانشگاه ها باید احساس مسئولیت خود نسبت به جامعه را تقویت نمایند چرا که دانشگاه ها بیش از پیش تنها حافظان مستقل فرهنگ و ارزش های گروهی^{□□} و بهترین مکان برای انتقادهای سازنده و ارائه دیدگاه های جدید هستند (همان، ص ۹، ۱۳۸۱)

مورگان و پیرسی پیشنهاد می کنند که یک مدیر دانشگاه در عصر جدید از برنامه ریزی با محوریت کارکنان پرهیز می کند و بیش از آن که متوجه بودجه بندی باشد متمرکز بر برنامه ریزی می شود. مهارت های برنامه ریزی را در میان کسانی که در فرایند شرکت دارند توسعه می دهد و فرایند را ساده و آسان نگه می دارد (به ویژه در آغاز کار)، بر روش های خاص اجرایی تکیه می کند و بر این موضوع وقوف دارد که برنامه ریزی یک فرایند مستمر است. (راولی / لوهان / دولنس، ۱۳۸۲، ص ۹۸) بدین ترتیب مدیران مراکز آموزش عالی باید در هنگام ارائه برنامه یا آغاز پژوهش های جدید در برابر نیازها حساسیت بیشتری نشان دهند و با اشتیاق بیشتری به مشارکت با صنعت، دولت و سایر موسسات آموزش عالی از خود نشان دهند و یا حتی در این کار رهبری را بر عهده گیرند. مدیران اجرایی بر خلاف مدیران سنتی باید در راستای نقش هایی همچون ایجاد هویت سازمانی، شفاف نمودن اهداف سازمان، آموزش و ارتقاء قدرت ابتکار در محدوده سازمان، مسئولیت، ایجاد یکپارچگی، راستی و درستی برای ایجاد ثبات و اساس و پایه ی نظارت سازمانی فعالیت کنند.

□□- collective values

ویژگیهای مدیریت در مراکز آموزش عالی

سیر تحول تغییرات مدیریتی از کشور های پیشرفته تا سایر نقاط جهان بر اثر جهانی شدن ، گرایش به سمت عدم تمرکز و تمرکززدایی را نمایان ساخته که در آن برخی اختیارات دولتهای مرکزی و وزارت خانه ها به جوامع محلی و مراکز آموزش عالی منتقل شده است . بدین جهت مدیران دانشگاه ها لازم است توانایی ها و ویژگی های خاصی داشته باشند تا قادر به اداره امور مربوط به محل کار خود شوند . از این ویژگی ها می توان به قدرت رهبری بالا ، ریسک پذیری و اعتماد به نفس و تمایل بیشتر به سازماندهی مجدد امور و تغییر کانون توجهات خود نسبت به وضعیت موجود اشاره کرد .

دانشگاه ها در صورتی می توانند نقش تاریخی خود را در عرصه ی خدمات رسانی حفظ کنند که خود را با تغییرات سایر بخشها وفق دهند و در این صورت به عنوان بخشی معتبر و اجتناب ناپذیر از حیات جاری فرهنگ و نیرویی برای ثبات بیشتر در سراسر جهان باقی بمانند. (هیرش / وبر ، ۱۳۸۱ ، ص ۳۸)

البته نباید فراموش کرد که با افزایش سرعت حرکت به سمت جهانی شدن و پیدایش سریع تغییر و تحولات ، دیگر مانند گذشته چندان سخنی از غلبه بر مقاومت در برابر دگرگونی که تا ده یازده سال پیش ، یکی از مرسوم ترین موضوعات کتابهای مدیریت و سمینارهای مدیریتی بود ، شنیده نمی شود . در حال حاضر همه پذیرفته اند که تغییر دگرگونی اجتناب ناپذیر و هنجار و قاعده ای پذیرفته شده است .

مسلم است که تغییر و دگرگونی برای مدیران پر زحمت و پر مخاطره است و بالاتر از همه کار و تلاش بیش از حدی می طلبد ولی تا مادامی که امر هدایت تغییر و دگرگونی به عنوان وظیفه سازمان شناخته می شود سازمان اعم از تجاری ، صنعتی و دانشگاهی دوام نخواهد داشت . در عصر تغییرهای ساختاری سریع ، تنها آنانی که رهبران و پیشگامان تغییر و دگرگونی اند جان سالم به در خواهند برد . (دراگر ، ۱۳۷۹ ، ص ۹۶)

یک رهبر تغییر و دگرگونی ، به دگرگونی به چشم فرصت می نگرد . و به دنبال تغییر و تحول است و چگونگی یافتن تغییرات مناسب را می داند و همچنین می داند که چگونه تغییرات را کار ساز و موثر سازد . دراگر معتقد است رهبر تغییر و دگرگونی لازم است :

■ سیاستهایی برای ساختن آینده بیندیشید .

- روشهای اصولی و سیستماتیک برای یافتن و پیش بینی کردن و پیشدستی بر فرایند دگرگونی اتخاذ نماید .
- راه مناسب برای معرفی و باب کردن دگرگونی هم در محدوده سازمان و هم خارج آن پیدا نماید .
- سیاستهایی جهت برقراری تعادل بین فرایند دگرگونی و تداوم فعالیت های سازمانی بیندیشد. (همان ، ص ۱۰۷)

یکی دیگر از ویژگی های مدیران مراکز آموزش عالی این است که باید قدرت پیش بینی بالایی داشته باشند . اگر قرار باشد یک مدیر تنها به فکر حفظ دیروز باشد با به هدر دادن منابع و امکانات و حتی نیروهای فکری و یدی توانمندترین افراد ، به نتیجه ای نخواهد رسید ولی نباید فراموش کرد انجام کارهای متفاوت و مبتکرانه و جدید به جای خود همواره بادشواری های غیر منتظره ای مواجه است . بنا بر این یک رهبر موفق لازم است واجد توانایی بالا و به اثبات رسیده باشد تا قادر به استفاده از منابع و امکانات جهت ساختن فردا گردد .

از آن جایی که با تغییر و تحولات جهانی ، تشکیلات سازمانی آموزش عالی ، خدمت رسانی ، آموزش ، تکنولوژی ، توسعه نیروی انسانی و استفاده از اطلاعات به نحوی اصولی و مستمر نیاز به بهسازی و ارتقاء دارند مدیران یک سازمان پیشرو باید قادر باشند که مطابق روز پیش روند و در بر خورد با مشکلات موجود که نمی توان آنها را نادیده گرفت باید به گونه ای بر خورد نمایند که فرصتها را شناسایی و از آنها بهره برداری نمایند به عبارتی به جای متمرکز شدن بر مشکلات ، فرصتها را تغذیه نمایند و به جای پرداخت هزینه جهت رفع مشکلات ، بر روی فرصتها متمرکز شوند .

از ویژگی های یک مدیر مجرب ، توانایی هدایت افکار عوامل اجرایی جهت تطابق وضعیت جدید با اهداف مطلوب است . آموزش عالی می تواند با بهره گیری از نظریه های پیشرفته مدیریت و سیستمی کار آمد ، برای تحقق اهداف کارآفرینی در زمینه فراهم ساختن شرایط و امکانات رشد و شکوفایی از راه پذیرش مسئولیت و بروز ابتکار و خلاقیت گام موثری بردارد . مدیریت کیفیت فراگیر نمونه ای از مدیریت کار آفرین است .

از نظر کافمن مدیریت کیفیت فراگیر عبارت است از فرایند کامل تعیین و تحقق کیفیت فراگیر که بر بهبود مستمر مبتنی است و به منظور تحقق اهداف کارآفرینی در آموزش عالی و گسترش آن در نظام آموزشی نیازمند چهار ویژگی است که عبارتند از :

الف – آموزش عالی به بر آورده نمودن نیاز های فراگیران و مدیران توجه و تمرکز نماید .

- ب- مدیریت ارشد، ارزشهای کیفی را در همه عملیاتهای سازمانی متبلور سازد.
- ج- همه افراد به طور کامل آموزش دیده، رشد یافته و اختیارات لازم به آنها داده شود تا به طور مستمر خود و آن چه را تولید می کنند، بهبود بخشند.
- د- هر فرد برای بهبود مداوم، فرایندی منظم و سیستماتیک را مورد استفاده قرار دهد (حسین پور، ۱۳۸۷، ص ۸۲۵)

این ویژگیها در راستای خصوصیات رهبری است که در آن بر اساس نیازها و هدایت به سمت بهبود کیفیت همه اعضا با تمایل و علاقه و با داشتن اختیارات لازم و نظم خاص، در جهت بهبود هر چه بیشتر فرایند عمل نمایند.

بدین ترتیب یک مدیر دانشگاه جهت دستیابی به موفقیت نیازمند ساختاری پیشرو و با ثبات و طراحی مبتنی بر خلاقیت و عقل سلیم است و برای بقای خود نیاز به یک برنامه ریزی جامع و منظم و مترقی دارد که فرصت طلب نیز باشد.

این فرصت طلبی مستلزم پیوند زدن برنامه ریزی با انسانهاست. نباید فراموش کرد که بهترین فرایند طراحی صرفنظر از این که چگونه به وجود آمده باشد در رویارویی با مخالفان از بین خواهد رفت مگر این که بازیگران مهم در آن قابل اعتماد و ماهر باشند. اما حتی در چنین مواردی نیز اجرای نهایی به کار برد ذکاوت بسیار بستگی دارد. (راولی/ لوهان/ دولنس، ۱۳۸۲، ص ۹۸)

چالشهای فراروی مدیران مراکز آموزش عالی

بر اساس پژوهشهای انجام شده به وسیله سازمانها، موسسات، مراکز و انجمن های بین المللی، چالشها و مسائل مشترک مدیریت دانشگاه ها در کشورهای در حال توسعه عبارت اند از: افزایش تقاضای ورود دانشجو، اجبار کاهش هزینه های سرانه ی دانشجو، نیاز به یافتن منابع مالی جدید، نیاز به بهبود نحوه ی بهره برداری از منابع موجود، تنوع شرایط پذیرش دانشجو، تحت فشار بودن برای ایجاد پیوند نزدیکتر با بخش صنعت، تحت فشار بودن برای گسترش آموزش از راه دور، از دست رفتن کار آیی با توجه به تحولات سریع اجتماعی و حداقل آزادی و استقلال در دانشگاه ها. (قورچیان / آراسته/ جعفری، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶)

علاوه بر موارد فوق، یکسری عوامل مدیریتی نیز وجود دارد که ممکن است زمینه ایجاد نارضایتی در دانشجویان را فراهم سازد و مدیران دانشگاه ها جهت جلوگیری از مشکلات و تنش های احتمالی باید آنها را در نظر داشته باشند. این عوامل عبارتند از:

- عدم ظرفیت سنجی کشش ها و گرایش های موجود در محیط های دانشجویی ساختار متصلب اداری اجتماعی که تمایل به هنجار ستیزی به هنجار های رسمی شده را تشدید می کند .
 - نگرش ضد مشارکتی و اقتدار گرایانه برخی مدیران دانشگاهی .
 - عدم آمادگی ساختار اداری دانشگاهها برای مشارکت فعال دانشجویان در تصمیم سازی .
 - ضعف زیر ساخت ها و امکانات اداری و رفاهی
 - غلبه شیوه های کنترلی در برخی فضا های دانشگاهی و یا احساس در متزلزل بودن
 - فقدان الگو های کار آمد ارتباطی و تعامل بین دانشجویان ، مدیران و تشکل های دانشجویی
 - نقص در سازماندهی و فراگیری تشکل های صنفی
 - فقدان مراکز مشاوره فعال و فراگیر
 - وجود برخی ناهماهنگی ها در نهادهای متولی در داخل دانشگاه و عدم انسجام و چندپارچگی در تصمیم گیریها
 - برخورد های انفعالی و چند گانه از سوی مسئولان یا کارکنان اداری
 - احساس وجود تبعیض در بهره برداری از امکانات و حقوق
 - خسته کننده و یکنواخت بودن فضای خوابگاهها و مراکز اجتماع دانشجویان (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۵)
- موارد فوق با افزایش تعداد دانشجویان و تغییر و تحولات سریع ناشی از پدیده جهانی شدن و ورود تکنولوژی های جدید و تغییر ساختار تشکیلاتی ، مشکلات را چند برابر می سازد .
- مشکل دیگری که رهبران مراکز آموزش عالی با آن روبه رو هستند رقابت بین مراکز دانشگاهی است . شکل گیری رقابت جدید بین دانشگاه ها بر اساس سازوکارهای خاصی که از رویدادها و ابعاد متعدد جهانی شدن نشأت گرفته است موجب رقابت دانشگاهی مبتنی بر الگوی مدیریت کیفیت جامع نگر شده است یعنی تمرکز بر مشتری ، تمرکز بر فرایند به جای افراد و سوددهی ، بهبود مستمر (صرفا به تغییرات برنامه ریزی شده بلند مدت و وسیع اعتماد نمی شود بلکه بهبود تدریجی و مستمر مورد تاکید است) و فرهنگ مشارکت ، تعهد ، اعتماد و تصمیم گیری مشترک کارکنان اهمیت پیدا می کند . (مهر علیزاده ، ۱۳۸۳ ، ص ۲۸۴)

بخش چهارم: جهانی شدن و برنامه ریزی در آموزش عالی

برنامه ریزی آموزشی و جهانی شدن

براون و لودر (۱۹۹۶) اعتقاد دارند که جهانی شدن اقتصاد و دانش، تغییرات سازمانی و ظهور الگوهای جدید کاری و گرایش به الگوهای مدیریت کیفی جامع نگر در سازمانها، شرایط جدیدی را برای نظام های آموزش عالی به وجود آورده است. (مهر عزیزاده، ۱۳۸۳، ۲۶۴)

برای شناسایی این شرایط جدید لازمست روند تغییرات همراه با معیارها و ملاکهای سنتی آن مورد بحث قرار گیرد چرا که توجه و غفلت از هر جزء در نظام سنتی می تواند فرصت یا تهدیدی در مراکز آموزش عالی محسوب شود.

یکی از حوزه های آموزش عالی که با تغییر و تحولات اساسی همراه بوده برنامه ریزی آموزشی در دانشگاه هاست. در سند برنامه درسی ملی ایران، برنامه ریزی آموزشی بر اساس تعریف گروه مشاوران یونسکو عبارتست از کار برد روشهای تحلیلی در مورد هر یک از اجزای نظام آموزشی و هدف آن اسقرار یک نظام آموزشی کار آمد است. (برگرفته از www.darsiran.com)

اهداف در برنامه ریزی آموزشی و جهانی شدن

با پیدایش پدیده جهانی شدن به دلیل گسترش روابط اجتماعی و حذف فاصله های مکانی و زمانی با کمک فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی، علاوه بر اهداف آموزشی و پژوهشی در مراکز آموزش عالی، خدمات اجتماعی نیز جزء رسالت اصلی و بنیادی دانشگاه ها مدنظر قرار گرفت و به دلیل تاکید ضرورت پیوند بین دانش و زندگی، سخن گذر از دانش به حکمت به میان آمد و افزایش توجه به رابطه اخلاق و علم و نگرانی از افزایش فاصله آموزش عالی از اخلاق مطرح گردید.

(قورچیان/ آراسته/جعفری، ۱۳۸۳، ص ۵۴۱)

در یک تقسیم بندی دیگر اهداف آموزش عالی در شش مقوله گنجانده شده که عبارتند از: آمانها و نظام ارزشی جامعه، تولید و غنا بخشی به دانش و فرهنگ جامعه، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز، تسریع و تسهیل توسعه، ایجاد روابط متقابل بین موسسات آموزش عالی و بخشهای مختلف جامعه، و ایجاد و تسهیل روابط فرهنگی و علمی و سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه و جهان. (همان، ص ۵۴۳)

پر واضح است که شکل اهداف نظام آموزش عالی نسبت به الگوی سنتی آن تغییر یافته است. با نگرشی به جهانی شدن و تاملی در تاثیر آن بر جنبه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بدون هیچ تردید مرکز ثقل برنامه های آموزشی بر پایه ی نیازهای جامعه قرار گرفته و نیاز به یافتن و

پیدا کردن شناختی درست از محیط جهت برنامه ریزی های دانشی ضروری است و همان طور که گفته شد پیوند بین دانش و زندگی پدید آمده است.

برنامه ریزی درسی و جهانی شدن

در سند برنامه درسی ملی ایران برنامه ریزی درسی شامل ابعاد نیاز سنجی، طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی است. مجموعه رخداد های یاد شده با توجه به عوامل موثر بر کیفیت، در یک بافت منسجم و یکپارچه، هم سو و هماهنگ با مضامین مندرج در فلسفه تربیت رسمی و عمومی است و جهت گیری اساسی و محتوایی برنامه درسی را مشخص می کند. (برگرفته از www.darsiran.com) منظور از رویکرد برنامه درسی جهت گیری نظام آموزشی در ارتباط با اهداف، محتوای برنامه درسی، فرایند یادگیری و شیوه ارزشیابی است. با توجه به فلسفه تربیت و فلسفه رسمی و عمومی عناصری نظیر خاستگاه برنامه درسی، ارزشها، باورها و اعتقادات دینی، دیدگاه های آموزشی، انتظارات، تجربیات، نیاز های فردی و اجتماعی، دانش سازمان یافته است که در طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی باید مد نظر قرار گیرند. جهت آشنایی بیشتر هر کدام از این عناصر لازمست قبل و بعد از جهانی شدن مورد ارزیابی قرار گیرند.

در سمینار گلیون (۱۹۹۸) که در کشور سوئیس برگزار گردید، از میان پیشنهاد های عملی در بهبود اهداف کلان دانشگاه ها میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

- پاسخ به تقاضا های جدید مردم از طریق ارضای نیاز های علمی بزرگسالان در محل کار، همزمان با ایجاد فرصت های بیشتر برای یاد گیری مداوم تمام افراد جامعه.
- مشارکت با صنعت در زمینه بهبود انتقال فناوری از پژوهش بنیادی به عرصه ی محصولات جدید
- ایجاد حساسیت بیشتر نسبت به توسعه پایدار در میان دانشجویان
- آموزش و پرورش دانشجویان به طوری که هم به متخصصانی ماهر در رشته خود و هم به شهروندانی خوب و نقاد جامعه مبدل گردند. (هیرش/ویر، ۱۳۸۱، ص ۱۰)

اهداف در برنامه ریزی درسی و جهانی شدن

در الگوی سنتی، مراکز آموزش عالی به عنوان یک نهاد فرهنگی با فلسفه وجودی دانش جهانی در جستجوی دستیابی به اهداف و آرمانهای زیر بوده است:

- جستجو و تحقیق رفاه از راه حرفه ها و توسعه
- جستجوی حقیقت از راه پژوهش و تحقیق

- جستجوی نظم و آزادی از راه رهبری خرد مندانه جامعه
 - جستجوی نیکی ها از راه توسعه اخلاقیات و پرورش انسان
 - جستجوی زیبایی از راه توسعه و رشد توانایی ها و قابلیت های زیبایی شناختی انسان
- (اسپانیزه، ۲۰۰۰، بر گرفته از فاضلی، ۱۳۶۸)

در الگوی سنتی، مراکز آموزش عالی دارای استقلال تاریخی از سلطه بیرونی و اجتماعی بودند و هدف از تاسیس دانشگاه ها ایفای نقش آموزشی و پژوهشی برای دانشجویان و انتقال خزانه های دانش به ایشان بود تا آنها را قادر سازند که از یافته های خود در دوران تحصیل، در بازار کار استفاده نمایند و جهت دستیابی به این هدف، اهدافی موقتی با ویژگی های خاصی را مد نظر قرار می دادند. از جمله این که اهداف مشخص و قابل اندازه گیری باشند و محدود به زمان مشخص بوده و در زمان مشخص اجرا شوند. به عبارتی این اهداف موقتی می بایست چشم انداز کوتاه مدت داشته باشند. ویژگی دیگر این که اهداف قابل دستیابی و قابل قبول باشند و بعد از گذشت دوره مشخصی به راحتی مورد ارزیابی قرار گیرند و برنامه جهت دستیابی به اهداف فوق باید معقول و مستدل بوده و نحوه و صول به هدف بیان شده باشد و همچنین فرایند برنامه ریزی عقلانی و قابل فهم مدیران باشد. امروزه جوانان با جهانی رو به رو هستند که دستخوش تغییرات چشمگیری است. جهانی که در آن دانش فنی هر پنج سال دو برابر می شود. شبکه ساختار اجتماعی دائما در حال تغییر است. شغل های ثابت رو به نقصان هستند و شرایط کار و توانایی های حرفه ای روز به روز در حال تغییر است. (هیرش / وبر، ۱۳۸۱، ص ۴۳)

دانشگاهها باید با دقت بیشتری به دید گاه های جامعه توجه نمایند تا نیاز ها و انتظارات در حال تغییر آن و هم چنین برداشتش از آموزش عالی را به ویژه با توجه به عوامل و نیرو های تغییر زا □□ درک کنند. آنها باید هنگام ارائه برنامه های تحصیلی و یا آغاز پژوهشهای جدید، در برابر این نیاز ها حساسیت بیشتری نشان دهند.

دانشگاه ها باید احساس مسئولیت خود نسبت به جامعه را تقویت کنند. آنها بیش از پیش تنها حافظان مستقل فرهنگ و ارزشهای گروهی □□ و بهترین مکان برای انتقادهای سازنده و ارائه دیدگاه های جدید می باشند و انتظار می رود با بالارفتن حساسیت □□ و مسئولیت پذیری دانشگاه ها، میزان شفافیت و پاسخگویی آنها به مسائل مختلف افزایش یابد (وبر، ۱۳۸۱، ص ۹)

- -The force driving change
- - Collective value
- - Responsiveness

در دنیای امروز تقاضای روز افزون آموزش عالی پدیده آمده که تنها ریشه در آرمانهای اجتماعی ندارد بلکه به دلیل افزایش نیاز مندی های بازار کار ، که خود حاصل به کار گیری دانش افزوده شده، نیز می باشد جامعه کنونی بیشتر به افراد فرهیخته نیازمند است تا افرادی که تنها در زمینه خاصی تعلیم یافته اند . افراد فرهیخته ای که مجهز به مهارتهایی باشند تا بتوانند با تغییرات سریع فن آوری و بازار کار سازگار و کار آفرین باشند . افرادی مسئولیت پذیر و خود اشتغال در جهانی که پیوسته در حال دگرگونی است. توجه به رشد ذهنی ، معنوی ، اخلاقی ، زیبایی شناسی، عاطفی ، جسمی و تربیت شهر وندانی که عادت درست انجام کار و انجام کار درست و عادت به یادگیری مادام العمر را داشته باشند از جمله مقولاتی است که در برنامه ریزی توسعه آموزشی لازم است مدنظر قرار گیرد . (مشایخ ، ۱۳۸۵ ، ص ۳) دانشگاه ها باید به منظور پاسخگویی به تقاضا ها ، برنامه های آموزشی خود را در مقیاس گسترده تری سازماندهی کنند به گونه ای که آموزش فرایندی مستمر و همیشگی در نظر گرفته شود که هرگز بعد از دانشگاه متوقف نشود . این مسئله یکی از تفاوت های اساسی دانشجویان سنتی و جدید است که دانشجویان سنتی فقط شامل افراد جوان بودند ولی امروزه ، افراد مسن تر ، اقبال متنوع تر و پر توقع تر و با تجربه تر متقاضی ورود به مراکز آموزش عالی هستند . و توان یادگیری به عامل مهم و سرنوشت سازی مبدل گردیده است که نیاز به تحول فرایند سنتی آموزش دارد.

لازم به ذکر است که اجزای تشکیل دهنده ی این هدف شامل نوع دانش ، نوع مهارتها و سطوح رشد و تکامل ، ثابت نیستند و ممکن است در طول زمان تغییر یافته و یا با تغییرات محیط سازگار شوند . این نوسانات در واقع تاییدی بر ویژگی غیرقابل پیش بینی و قابل کنترل نبودن جهانی شدن است که باید متناسب با آن برنامه ریزی شود.

اما نباید فراموش کرد که باور ها و نظام فکری شکل دهنده شخصیت و ارزشها ، واسطه های بین بینش و رفتار های افراد را تنظیم و کنترل می کند . تا کنون باور ها و ارزشهای آموزش عالی به صورت مدون و یکپارچه مورد وفاق صاحب نظران در نیامده است اما با مراجعه به پیشینه آموزش عالی در جهان و با توجه به تمدن اسلامی و با مدنظر قرار دادن بایستگی های دیگر وجوه رسالت آموزش عالی میتوان موارد زیر را به صورت باور ها و ارزشهای آموزش عالی مطلوب در نظر گرفت: همراهی علم با پارسایی و وارستگی درونی ، همراهی علم با خشوع و خشیت نسبت به خالق هستی، همراهی علم با فروتنی نسبت به آحاد جامعه ، محور قرار دادن علم سودمند برای جامعه (علم در خدمت توسعه) و پرهیز از دانش غیر سودمند ، همراهی علم با عمل ، حق گرایی در علم ، کرامت والای دست اندر کاران تولید علم، بیکرانه انگاشتن مرز علم آموزی و تجدید نظر در مفهوم فراغ از

تحصیل، پرهیز از آزمندی و ابزار رفاه قرار دان علم در زندگی فردی و در عین حال توجه به ضرورت دانش محور بودن رفاه در سطح جامعه. (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۵۴۶)

محتوای آموزشی در برنامه ریزی درسی و جهانی شدن

دومین عنصر برنامه ریزی تدوین و نگارش محتوایی بهینه و متناسب با شرایط موجود است. در سند برنامه درسی محتوا عبارتست از حقایق، مشاهدات، داده ها، دانش ها، مهارت ها، فرایندها، تجربیات، ارزش ها، وقایع و پدیده ها که قسمت ها و قطعات سازمان یافته یک رشته علمی را تشکیل می دهد. (برگرفته از www.darsiran.com)

در نظام سنتی، آموزش به عنوان یک کالای مصرفی محسوب شده و اساتید و معلمان وظیفه انتقال دانش از یک نسل به نسل دیگر را بر عهده داشتند و به ندرت اتفاق می افتاد که در محتوای علم و دانش به انتقال مهارتها توجه شود و نهایتا اگر توجهی به این مسئله می شد، به مهارتهای فنی و حرفه ای منتهی می شد. بنابراین در نظام سنتی محتوا فقط شامل حقایق، مشاهدات داده ها و دانش بوده و کار آیی بالاتری نداشت.

با جهانی شدن، از یک سو آموزش به عنوان یک سرمایه گذاری، ضروری ترین عامل تولید است که زمینه ساز توسعه اجتماعی و کلید پیشرفت در تمامی زمینه هاست و تربیت و توسعه ی مهارتهای افراد نه تنها در زمینه های فنی و حرفه ای بلکه مهارتهای گروهی، تفکر انتقادی، یاد گیری مادام العمر، انعطاف پذیری و کاربرد تکنولوژی ها و فناوری های روز مورد توجه قرار گرفته است و دیگر انتقال اطلاعات از فردی به فرد دیگر و از نسلی به نسل دیگر جایگاهی ندارد و هر فرد در هر زمانی نیاز به اطلاعات با موضوعی مشخص داشته باشد در کوتاهترین زمان با کمک سایتهای اینترنتی قادر است این اطلاعات را در یافت نماید. لذا محتوای علم باید به گونه ای طراحی شود که جوابگوی جامعه روز باشد.

از سوی دیگر جامعه شناسی تاکید بر این دارد که علم باید از یک رویکرد برون گرا که معتقد است جامعه روی حجم علم، شکل علم و شدت علم اثر می گذارد خارج شده و به سمت رویکرد درون گرا که اعتقاد دارد جامعه علاوه بر موارد مذکور - حجم، شکل و شدت علم - باید بر محتوای علم نیز تاثیر بگذارد، حرکت کند. این مسئله به معنای این است که هر کشوری نباید همان علمی را که در غرب مورد استفاده قرار می گیرد، به کار برد. چرا که یک ساختار ممکن است در دو زمینه، دو نتیجه متفاوت بدهد. (افروغ، ۱۳۸۶، ۴۶)

با توجه به مطالب ذکر شده محتوای علمی که باید مورد استفاده قرار گیرد؟ چگونه باید تنظیم شود؟ برای پاسخگویی به این سؤال لازم است با عرصه های دانش بیشتر آشنا شده و نظرات مختلف در مورد دانش شناسایی شود.

فوری و لاندوال^{□□} (۱۹۹۵) عرصه های دانش را در پاسخگویی به یکسری سؤال مطرح کرده اند: دانش چیستی؟ دانش مرتبط با واقعیت ها دانش چرایی؟ دانش علمی ناظر به روابط علت و معلولی دانش چگونگی؟ دانش با مهارت های علمی دانش کیستی؟ دانش مربوط به روابط اجتماعی و ثمرات آنها در زمینه های گوناگون (باقری، ۱۳۸۳، ۴۳)

اما پولانیه^{□□} (۶۷-۱۹۵۷) دو عرصه را برای دانش معرفی کرده است:

۱- دانش ضمنی^{□□} که عبارت است از دانشی که آگاهانه و صریح مورد توجه نیست اما تاثیر چشمگیری در هدایت فعالیت های فرد یا سازمان اجتماعی دارد که میتوان از آن به عنوان دانش وابسته به زمینه^{□□} نام برد.

۲- دانش صریح^{□□} که معمولاً آگاهانه به دست می آید و با چنان روشنی و وضوح به بیان در می آید که برای افراد دیگر نیز قابل فهم و استفاده است.

نانکا^{□□} (۱۹۹۴) در تکمیل افکار پولانیه اینطور بر آورد کرده که دانش ضمنی به صورت صریح تعریف می شود در مرحله بعد با دانش های صریح دیگر ترکیب شده و رفته رفته مسلم فرض می شود. در نتیجه به صورت ضمنی، فعالیت های افراد و سازمانها را تحت تاثیر خود هدایت می کند (همان، ۴۷).

بعد از مدتی بار دیگر با آشکار شدن برخی عدم کفایت های این دانش ضمنی راهنما، صورت صریح آن مورد توجه گرفت و این امر منجر به ترکیب های نوینی میان آن و سایر دانش های صریح شده و این مجموعه نوین رفته رفته به صورت دانش ضمنی درآمد و به همین ترتیب دانش ضمنی به صورت مار پیچی پیش رفت که اکنون این روند ادامه دارد. نانکا تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح

-
- □ Foury 8 Lundval
 - □ Polanieye
 - □ tacit
 - 43- context - dependent
 - □ Explicit
 - □ Nanka

را برونی سازی^{□□} و تبدیل دانش صریح به دانش ضمنی را درونی سازی^{□□} نامیده و اعتقاد دارد این تبدیل های متوالی، فرایندی مارپیچی را شکل داده است. از نظر وی فناوری اطلاعاتی ترکیب میان دانش های صریح را به شدت تسهیل می کند. این امر با رمزگذاری دانش به خصوص در زمینه دانش چiesti (پایگاه اطلاعاتی) و دانش چگونگی (نظامهای خبره) باعث کاهش پیچیدگی های داده های دانشی شده و زمینه ترکیب پذیری های میان پاره های گوناگون دانشی را افزایش داده است. (همان، ۵۳)

بر اساس تبدیل دانش صریح به دانش ضمنی عملا علم و دانش وارد زندگی می شود. مثال بارز آن مربوط به دوره ای است که دستگاه های کامپیوتر وارد ادارات و خانه ها شده بود و افراد برای کاربرد آن نیاز به گذراندن دوره های مختلف به عنوان دانش صریح بودند اما امروزه با مشاهده ی این که یک دانش آموز دوره ی دبستان به راحتی قادر است با کامپیوتر کار کند نشانه ضمنی شدن و جزیی از زندگی شدن رایانه است و دیگر نیاز به گذراندن آن دوره های آموزشی ندارد. بدین ترتیب به دلیل تاثیر مستقیم دانش در زندگی افراد، لازم است در انتخاب محتوا حساسیت زیادی وجود داشته باشد.

در انتخاب محتوا مسئله دیگری که باید مدنظر قرار گیرد این است که سرعت کهنگی و فرسودگی دانش سریع شده و به عبارتی کمتر از چند سال دانش بشری دو برابر می شود و به همین سرعت مستهلک می شود. (ملک پور/ لهراسبی، ۱۳۸۵، ۳۰) بنابر این محتوایی که انتخاب شده تا چند سال دیگر ارزش نخواهد داشت. این مسئله ایجاب می کند که در انتخاب محتوای درسی به جای متمرکز شدن بر کمیت، لازم است به کیفیت دانش و رشد و توسعه ی توانایی ها و مهارت های ذهنی و افزایش قوه ی درک و تجزیه و تحلیل و ترکیب اطلاعات و پرورش قابلیت های جسمی و فعالیت های گروهی و آن چه مورد نیاز یک جامعه جهانی است، توجه شود تا دانش آموختگان آماده ورود به دنیای در حال رقابت در زمینه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژیکی شوند و توانایی رویارویی با این اوضاع را بدون از دست دادن پایه ها و زیر بناهای ملی داشته باشند.

این امر زمانی حاصل می شود که محتوا تنها شامل اطلاعات و محفوظات نباشد و آن دانشی قابل قبول است که توانمندیها و قدرت تصمیم گیری های صریح را افزایش دهد. به عبارتی باید به جای تقلیل و فروکاهش دانش به اطلاعات، دانش را نه با اطلاعات، بلکه با خردمندی و حکمت برابر گرفته و با شیوه های خلاقانه بسط داده شود. (باقری، ۱۳۸۳، ص ۴۱)

- □ Externalization
- . internalization

در این راستا، لیوتار معتقد است که معادله دانش = اطلاعات» که محصول انقلاب اطلاعاتی است نتایج اسفناک را به بار خواهد آورد که به بحران مشروعیت دانش منجر خواهد شد. هنگامی که اطلاعات کمی، به منزله قالب انحصاری دانش در نظر گرفته شود نتیجه این خواهد شد که دانش نسبت به داننده در هر نقطه ای از فرایند دانش نیز که قرار گرفته باشد، کاملاً تجسم بیرونی کند. لیوتار، (۱۳۸۰، ص ۶۳) این فرایند بیرونی شدن دانش نسبت به داننده منجر به آن خواهد شد که دانش، امری همراه با فرد داننده نباشد. لذا سخن گفتن از این که دانش استقرار یافته در جان آدمی، تحولی در درون او ایجاد می کند بی معنی است. (همان، ص ۴۵)

لیوتار بر این باور است که این مفهوم دانش، معضلی درباره مشروعیت دانش ایجاد می کند که دو بعد دارد: نخست این که دانش بیرونی شده دیگر معنای بهجت آفرین درونی برای داننده را ندارد و رابطه ای بیگانه با وی خواهد داشت و اهمیت و معنای اساسی خود را (جز در موارد سود آور) از دست خواهد داد. دوم این که دانش بیرونی شده، میتواند ابزار دست قدرت قرار گیرد و از سوی قدرتمندان، زمینه ای برای مشروعیت هنجار آفرینی شود. (همان ص ۷۰)

به این ترتیب با اطلاعاتی شدن دانش، کار آمدی و عملکرد اجرایی آن قابلیت های خود را از دست داده و نمیتوان با کمک آن، آن چه واقعا درست و عادلانه و زیباست، شناسایی نمود. اگر قرار باشد دانش صرفاً اطلاعاتی شود، همه کس، همه چیز را می داند یا کافی است که بخواهد بداند و در شبکه اطلاعات به دنبال آن باشد، این دانش کاملاً بیرونی شده و دیگر توان خود را که گسترش تفکر و تعقل و توانایی های ذهنی است از دست می دهد.

حال این سؤال مطرح می شود که محتوای آموزشی در عصر اطلاعات، از میان حجم عظیمی از دانش و معارف بشری، کدامیک را باید به دانشجویان منتقل سازد و دلیل این انتخاب چیست؟ در پاسخ باید گفت از آنجایی که در عصر جهانی شدن مفهوم دانش از شکل ایستا و سنتی خود خارج شده و به صورت پدیده ای پویا و مستمر درآمده و پایانی ندارد، هر فرد باید یاد بگیرد از آن چه می آموزد باید در زندگی روزمره فردی و اجتماعی خود استفاده ببرد و در غیر این صورت ضرورتی برای یادگیری وجود ندارد.

همان طور که ژاک دلور در کتاب یادگیری، گنج درون خود را از چهار ستون نام برده است که عبارتند از: یادگیری برای دانستن، یادگیری برای عمل کردن، یادگیری برای همزیستی با دیگران و یادگیری برای زندگی کردن (جوادی، ۱۳۸۲، ص ۴۱)، پس ضرورت دارد که محتوای نظام آموزشی بر اساس این پایه ها و ستون ها تنظیم شود.

اصول انتخاب و سازماندهی محتوای آموزشی و جهانی شدن

در سند برنامه درسی، اصول انتخاب محتوا به یک سری از دستورالعمل‌ها ی تجویزی برگرفته از ملاحظات تربیتی، ارزشی، دینی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی گفته می‌شود که در انتخاب محتوا توسط برنامه ریزان باید مدنظر قرار گیرد. و اصول سازماندهی محتوا شامل دستورالعمل‌هایی برگرفته از مطالعات تربیتی، روانشناسی، منطق و آموزش یک موضوع درسی گفته می‌شود که در چینش محتوا و سازماندهی آن در یک پایه تحصیلی باید مدنظر قرار گیرد نظیر توجه به پیش نیازها و ارتباطات طولی و عرضی. (برگرفته از www.darsiran.com)

در محتوای آموزش عالی آنچه که قابل درونی سازی باشد ارزشمند محسوب می‌شود به گونه ای که دانشجو با کسب تجربیات و آموخته‌ها ی جدید نسبت به موقعیت قبلی خود بهبود و توسعه یابد. البته این آموخته‌ها نه تنها در عرصه ی علم بلکه در اخلاق و شناخت ارزشها و عمل و رفتار باید درونی شود.

با پدیده جهانی شدن و گسترش سریع علم و دانش، در انتخاب محتوا باید ایده‌های کلیدی و فرایندهای اساسی هر حوزه مورد توجه قرار گیرد و درجه اهمیت مفاهیم، اصول / تعمیم‌های اساسی، نظریه‌ها، فرایندها، مهارتها و ارزش‌ها و نسبت و وزنی که به هر یک داده می‌شود باید به اندازه نقشی باشد که در رسیدن به اهداف کلی برنامه برعهده دارند و فرصت‌هایی برای کشف علوم و فن‌آوری‌ها باید به دانشجویان داد تا آنها خود با توجه به علاقه‌ها و توانایی‌هایی که دارند درصدد پیدایش آنها برآیند و بدین وسیله مهارت‌های خود را توسعه دهند. و یادگیرند که چگونه علم را باید به روزرسانی کنند. (همان)

در انتخاب محتوای آموزشی مسئله حائز اهمیت دیگر توجه به سودمندی محتواست که به نگاه فلسفی و ترجیحات برنامه و با در نظر گرفتن نیازهای آنی، آتی، حیاتی و متعالی دانشجو و براساس مبانی و ارزشهای برنامه باید مورد توجه قرار گیرد.

از آنجایی که با اشباع اطلاعاتی جوامع امروزی که تحت رسانه‌ها قرار گرفته، مراکز آموزش عالی دیگر تولید کننده و انتقال دهنده عمده اطلاعات نیستند بنابراین محتوای آموزشی دانشگاه‌ها باید به گونه ای تنظیم شوند که به دانشجو یاد داده شود چگونه از ارزش آموزشی اطلاعات پیرامون خود بهره برداری نماید و توانایی تمایز قائل شدن میان انبوه منابع اطلاعاتی را که هر روز افراد در معرض آن قرار می‌گیرند، در آنان ایجاد نماید، (ژاک دلورز، ۱۳۸۰، ص ۲۹)

تغییرات صنعتی و سازمانی الگوهای استخدامی سازمانهای جدید، مهارتهای خاصی را می طلبد و بر مهارتهایی مانند کار گروهی، حل مسئله، ارتباطات، استفاده از رایانه و مسئولیت پذیری در الگوهای استخدامی تاکید فزاینده می شود. سازماندهی کاربر پایه کار گروهی، چرخش شغلی، چند مهارتی بودن و استقلال عملکرد، و تعویض اختیارات بیشتر به کارکنان و کاهش سطوح مدیریت، مستلزم تجدید نظر در الگوهای تربیت دانشجویان است، الگوهایی که توجه بیشتری بر آموزش به شیوه پژوهشگری دارند.

در مجموع میتوان گفت در یک محتوای آموزشی لازمست مهارتها و توانایی هایی که در جدول ۲-۴-۱ آمده مدنظر قرارگیرد و چنان محتوای تنظیم شود که بتواند این مهارتها را تقویت نماید: تا کنون در محتوای آموزشی دانشگاه ها توجه به نوع علم، قابلیت ها و مهارتهای مورد نیاز و در نظر گرفتن باور ها و ارزشها مورد بحث قرار گرفت. در این مرحله لازمست محتوای آموزشی از نظر روابط بین دروس مختلف نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

جدول شماره ۲-۴-۱: مهارتهای قابل توجه در تنظیم محتوای آموزشی

عناصر	صلاحیت ها و مهارتها و قابلیت ها
تفکر و تعقل	تحلیل، حل مساله، تفکر انتقادی، ابداع و خلق، تفکر سیستمی، پرسش گری، کاوش گری، هدایت مشاهدات، تحلیل، قضاوت بر اساس شواهد، تصمیم گیری، قضاوت بر اساس نظام معیار (تعقل)، تأمل در خود، خود ارزیابی.
ایمان و باور	نگرش توحیدی، کرامت و قدرت اراده و انتخاب انسان، ارزشمندیتفکر و تعقل، ارزشمندی مخلوقات، هدفمندی خلقت، ارزشمندی علم و علم جویی، ارزشمندی نهاد خانواده، وطن دوستی
علم کار و عمل و مجاهدت	کشف جهان به عنوان فعل خداوند، خود آگاهی، فرهنگ و هویت یاد گیری مستمر، خود مدیریتی، مشارکت، همیاری، مهارت کار با دیگران، مهارتهای ارتباطی، مهارت رهبری، مطالعه و پژوهش، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، تولید محصول
اخلاق و ادب	حفظ و پالایش انگیزه ها (نیت) اعتماد به نفس، مسئولیت پذیری، انعطاف، اخلاق حرفه ای، پشتکار، نظم و قانون مداری، صدق، صبر، عدالت خواهی و حق طلبی، حسن خلق، احسان و رافت.

(برگرفته از www.darsiran.com)

از آن جایی که جهانی شدن رویکردی بین رشته ای است و نیاز به یک نظریه اجتماعی فراگیر دارد لذا در تعیین محتوای آموزشی، گسترش فناوری و دانش الکترونیک باعث گرایش دانشگاه ها

به سمت تلفیق بیشتر رشته های نزدیک و نسبتاً مرتبط گشته است. (خلخالی، ۱۳۷۳) به عنوان مثال تفاوت های میان تخصص های مهندسی در حال کاهش است و مثلاً در صنعت ماشین سازی به لحاظ تغییرات سازمان کار و مهارتهای کارکنان در روند جهانی شدن و توسعه تکنولوژی، این صنعت متقاضی مهندسانی است که از هر دو مهارت برق و الکترونیک برخوردار باشند. (مهر علیزاده، ۱۳۸۳ ص ۲۶۵)

در روشهای جدید برنامه ریزی درسی تاکید زیادی بر حل مسئله و مهمتر از آن خلق مسئله، طراحی های خلاق و توان پردازش اطلاعات درسی می شود. در حوزه برنامه های درسی، هرد (۱۳۷۱) معتقد است که اصلاحات مطرح شده در دهه ۱۹۹۰ میلادی، تلفیق موضوعات درسی را الزامی می سازد، دیگر یک کل منسجم را تشکیل می دهند: کل منسجمی که از وحدت و یکپارچگی دانش در ذهن یادگیرنده شکل می گیرد و این امکان را فراهم می سازد تا یاد گیرنده بتواند آموخته های مربوط به حوزه های معرفتی مختلف را برای حل مسائل محیط کار و زندگی به طور کامل و همه جانبه مورد بهره برداری قرار دهد. (قورچیان/ آراسته/ جعفری، ۱۳۸۳، ص ۳۵۶) بدین ترتیب مطالعات میان رشته ای، زمینه ای مناسب برای بازناندیشی در عرصه های دانش و فراهم آوردن ترکیب های نوین میان آنها خواهد شد. (باقری، ۱۳۸۳، ص ۵۵)

در تبیین مفهوم بین رشته ای در سند برنامه ریزی درسی آمده که این مفهوم توسط جاکویز (۱۹۹۸) توصیف شده و منظور از آن روشی است که هنگام تحقیق در مسئله یا موضوع، دیدگاههای رشته های علمی را به صورت نظام مند (سیستماتیک) با یکدیگر تلفیق می کند. در همین سند سازماندهی چند رشته ای عبارت است از شیوه ای که یک موضوع درسی از طریق چند رشته و در ذیل یک عنوان درسی آموزش داده می شود و مهمترین ویژگی این روش این است که یک موضوع یا مسئله به طور همه جانبه مورد بررسی قرار می گیرد. (برگرفته از www.darsiran.com)

بنابراین مطالعات میان رشته ای شیوه ای مهم برای بسط خیال ورزی و توسعه خلاقیت هاست و نباید هنگام تهیه و تنظیم محتواهای آموزشی نسبت به این امر غفلت ورزید. چرا که بسیاری از مسائلی که جامعه در جستجوی درک و حل آنهاست از نظر ماهیتی با رشته های مختلف علمی مرتبط می باشند و ارتباط بین رشته های مختلف علمی که جامعه در خدمت آن است مشکلات را سریعتر و جامعتر حل می نماید و در مقابل تفکیک رشته های تخصصی باعث کاهش قدرت تجزیه و تحلیل افراد در شرایط زندگی واقعی شده و نیاز به تلفیق رشته های حداقل نزدیک به هم و مرتبط جهت افزایش مهارتها ضروری به نظر می رسد.

روش های یاددهی - یادگیری در برنامه ریزی درسی و جهانی شدن

مدتها ی مدیدی باور عام این بود که دانشگاه ها مکانی ویژه است که در آن فعالیت های عقلانی یک هیات علمی، تنها پژوهش های کیفی و مورد نیاز را تولید می کند و اساتید وظیفه انتقال علم و دانش و انجام پژوهش را بر عهده داشتند نتیجه این باور این بود که اعضای هیات علمی، آزادی عملی را به عنوان پوششی برای افزایش استقلال دانسته و دانشگاه به مکان مقدسی تبدیل شده بود که دیگران برای روشن اندیشی و روشن بینی به آن داخل می شدند (راولی و همکاران، ۱۳۸۲ ص ۵۵) در این نظام سنتی آموزش به روش سخنرانی و یادگیری با کمک حافظه و در نهایت یادگیری تجربی در ارتباط مستقیم و عینی با طبیعت انجام می شد.

در دهه ی ۹۰ با به صدا درآمدن زنگ خطر تجدید ساختار اقتصادی و رقابت جهانی، آموزش عالی نیز تحت تاثیر قرار گرفت و انتظارات جامعه و دانشجویان از آموزش عالی به خصوص اساتید و اعضای هیات علمی تغییر یافت.

تحول عظیمی در گسترش علم و دانش صورت گرفت به گونه ای که علوم گذشته را زیر سؤال برد و حتی رقبیان سر سختی برای اساتید در زمینه انتقال دانش با کاهش فضا و زمان پدید آمد و دانشجو می توانست در هر ساعتی از شبانه روز با کمک فناوری های جدید از طریق اینترنت، DVD و CD های آموزشی و غیره در کلاس درس حاضر شود و حتی جذابیت یادگیری برای وی به دلیل انفعالانه عمل کردن، نه منفعلانه بودن، افزایش یافت.

مدرسین دانشگاه ها با جامعه اطلاعاتی رو به رو شدند. جامعه ای همراه با خدمات اطلاعاتی رسانه های همگانی که با آهنگی سریعتر از دیگر جوامع و تفوق بر اندوخته های تجربی و دانش محض به پیش می رفت. جامعه ای که ارتباطات عامل انتقال دهنده واقعی برای ایجاد تغییر و تحول در هر فرد به منظور دستیابی عملی به اطلاعات بی حد و مرز بود. و در آن، ارتباطات شبکه اطلاعاتی جهانی، جایگزین سرویس ارتباطات تلفنی جهانی گشته و تولید ارزشهای اطلاعاتی عامل تعیین کننده در توسعه بودند. این پدیده نشأت گرفته از رشد فزاینده تولید انبوه اطلاعات در طیف گسترده رسانه های جمعی بود که اکثر آنها به صورت الکترونیکی ظهور می یافت.

مدرسین دانشگاه ها جهت غنی سازی برنامه درسی با توجه به جهانی شدن و رشد اطلاعات و ارتباطات باید از طریق گفتگو، تفسیر، مطالعه، اندیشه، تامل، آزمون و طرح ریزی فعالیت ها، امکان درک عمیق تری از مفهوم (درک لایه های عمیق تر) را برای دانشجویان فراهم سازند. (برگرفته از www.darsiran.com). روشهای آموزشی باید مبتنی بر پژوهش و شرکت فعال

دانشجو و اعضای هیات علمی در امر آموزش باشد. انتقال بخشی از اطلاعات، بدون ایجاد روح تفکر و خلاقیت کاری کم فایده است. استفاده از وسایل و امکانات سمعی و بصری و شرکت در کارگاه ها، کارخانه ها و مزارع و میدانهای عمل از ضروریات نظام آموزشی و از وظایف اساتید است.

حاصل آموزش باید نو آوری و خلاقیت باشد، نه یادآوری صرف. آموزش باید فرد را نسبت به دانسته هایش به شک و تردید و تفکر وادار سازد و به گونه ای باشد تا دانشجو را وادارد که خود طرحی نو در اندازد و بتواند آنچه را می داند گسترش داده و عملی سازد. اساتید لازمست با همین امکانات موجود، آموزش را از نظر کیفی توسعه داده و در هر واحد آموزشی، انسانهای فرهیخته ای که قدرت انتقال اطلاعات و عملی نمودن آنها را داشته باشند و خود بتوانند منبع آموزش شوند، تربیت نمایند.

آموزش باید برای آموزش گیرنده ملموس باشد تا بتواند نظریه را به عمل تبدیل نماید. صرف آموزش نظریه، هر چند خوب فهمانده و فهمیده شود کافی نیست. بلکه آموزش گیرنده باید آن را چنان درک کند تا در عمل وانماید، یعنی آموزش باید در کنار خود فرهنگ آموزش را در بر داشته باشد، چرا که بار اصلی توسعه مبتنی بر دانش، بر عهده ی انسانهاست. نقش آموزش نیروی انسانی در تحقق اهداف توسعه، کلیدی است و آموزش عالی در این راستا نقش محوری دارد و به عنوان موتور فراینده توسعه عمل می نماید. (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ۵۹۵)

در تدریس اساتید لازمست علاوه بر نوآوری و خلاقیت، مهارتها و توانمندیهای دیگری را نیز در دانشجویان پرورش دهند که عبارتند از: انعطاف پذیری، انجام فعالیت های گروهی (کارگروهی)، مهارت حل مساله، سعه صدر، کار آفرینی، ارتباطات، دانش و آگاهی های فنی روزآمد و استفاده از رایانه و مسئولیت پذیری، حتی مهارت شهروندی.

برای مثال شهروندان قرن ۲۱ باید برای دوره ای تربیت شوند که آینده اش قابل پیش بینی نیست و انطباق با شرایط غیر قابل پیش بینی، خود، مستلزم مهارتهایی چون خلاق بودن، متفکر بودن، روحیه داشتن و خود را نباختن و بسیاری از ویژگی های دیگر است. (جوادی، ۱۳۸۲، ص ۴۳)

با جهانی شدن و تغییرات سریع صنعتی، سازمانی و الگوهای استخدامی سازمانها، سازماندهی کار بر پایه ی کارگروهی، چرخش شغلی، چند مهارتی بودن و استقلال عملکرد و تفویض اختیارات بیشتر به کارکنان و کاهش سطوح مدیریت، مستلزم تجدیدنظر در الگوهای تربیت دانشجویان است. الگوهایی که توجه بیشتری بر آموزش به شیوه پژوهشگری دارند. در روشهای

جدید تدریس ، تاکید زیادی بر حل مسئله و مهمتر از آن خلق مسئله ، طراحی خلاق و توان پردازش اطلاعات است. (مهرعلیزاده، ۱۳۸۳، ۲۶۶)

در زمینه تبدیل دانش به الگوهای رفتار ، تصمیم گیریها و ابتکار عمل ها ملکم وب ^{□□} (۱۹۹۹) مدیر کل منابع انسانی بلژیک در سخنرانی خود در کنفرانس انجمن دانشگاه های اروپا در پالمو خاطر نشان ساخت که : « به منظور بقاء و رشد در جامعه دانش ^{□□} ، ما نیازمند افراد فرهیخته با مهارتهای اجتماعی قوی هستیم که خواهان محیطی بسته و تحت کنترل نیستند ، بلکه قادر به تحمل بی ثباتی ، علاقمند به یافتن راه حل هایی برای مسائل پیچیده و متعهد در قبال یادگیری مادام العمر هستند .البته (صنایع) نیاز به افرادی دارند که در حوزه ی خود متخصصینی قوی باشند ، اما یک متخصص فنی که در برابر دیگران احساس مسئولیت نمی کند نمی تواند در یک گروه (سیستم) کار کند . او دانش خود را در اختیار دیگران نمی گذارند و در صنعت جدید بیشتر یک مانع است تا یک کمک » (هیرش و وبر / ۴۵ ، ۱۳۸۱)

بنابراین وب معتقد است علاوه بر هدف علمی ، دانش آموختگان لازمست در تدریس آمادگی لازم برای موفقیت در حرفه های انتخابی شان را برای مهارتهای جنبی زیر با کمک اساتید فرا گیرند که عبارت است از:

- مهارتهای ارتباطی کتبی و شفاهی قوی
- درک اصولی ریاضیات و علوم
- توانایی تفکر انتقادی (توانایی تشخیص درست بودن یا نادرست بودن یک موضوع به کمک یک سری از موازین منطقی به گونه ای که در افشاء سفسطه ها و استدلالهای نادرست به کار گرفته شود .)
- توانایی تفکر خلاق (توانایی حل مسائلی که فرد حل آنها را قبلا نیاموخته است از طریق تولید ایده های نو ، مهارتهای خلاقیت با ارزش های فکری زیر همراه است : شکستن عادت و استفاده از روش های جدید ، درک پیچیدگی های یک مسئله ، متفاوت در مسئله وسعت تفکر و برقراری ارتباط میان ایده های متفاوت قضاوت و ارزیابی ایده ها)
- مهارتهای بالا در تکنولوژی اطلاعات
- توان کارگروهی
- درک ضرورت یادگیری مداوم

□ - Malcolm Webb
□□ - knowledge society

- بهره مندی از رقابت سالم
 - خود انضباطی، انعطاف پذیری و توانایی انجام کارهای دشوار
 - بر خورداری از حساسیت فرهنگی و آگاهی بین المللی
 - داشتن دیدگاهی نتیجه گرا با توان تصمیم گیری بالا (هیرش و وبر / ۱۳۸۱/ص ۴۷)
 - آمادگی مشارکت در اجتماع کثرت گرا (هندریکس ، ۱۹۹۸ ، ۷۱)
- بدین ترتیب اساتید دانشگاه باید فعالیت های آموزشی خود را به گونه ای برنامه ریزی کنند که تقویت و توسعه مهارت های جنبی نامبرده را جایگزین برنامه های آموزشی سنتی نمایند و اهمیت و ارزش بالایی در توسعه توانایی ها و مهارت های دانشجویان قائل شوند.
- مدرسین دانشگاه ها علاوه بر توجه به دانش و مهارت ها لازمست به تقویت ارزشها و اخلاقیات نیز بپردازند . چرا که اگر انسان بخواهد از قدرتی که به تبع فناوری به دست آورده است برای نابودی سایر انسانها استفاده کند و اگر آموزش نتواند بر قدرتی که از توسعه فن آوری به وجود آمده ، مهارت بزند و اخلاقیات انسانهای آینده تحت تاثیر جاذبه های قدرت بوجود آمده ، قرار گیرد بدون شک ، نابودی نوع بشر را به دنبال خواهد داشت . این آموزشها در کلاس درس باید در دو سطح فرد و اجتماع عمل کند و اگر چه این اقدام باید متفاوت از یکدیگر صورت گیرد رابطه متقابل آنها نباید هرگز فراموش شود .
- نشانه های این بحران در سطح فردی به صورت درماندگی و از خود بیگانگی بروز می کند و علائم آن در سطح اجتماعی به صورت افزایش تجزیه و تلاش مردم به گروه ها و اقشار گوناگون، کاهش روابط انسانی سالم ، بی توجهی و سلب مسئولیت نسبت به آینده و اشکال گوناگون اعمال خشونت خود را نشان می دهد . (جوادی ، ۱۳۸۲ ، ص ۵۰) پس تاکید بر این است که اساتید در کنار مباحث درسی در کلاسها به طرح اخلاقیات در سطح فردی و اجتماعی نیز بپردازند.
- البته در طرح درس نباید فراموش شود که دانشجویان ، دیگر جوانان بی تجربه نیستند و یادگیری به دلیل پیشرفت تکنولوژی ، مادام العمر شده است و آموزش عالی و بزرگسالان از نظر راهبردی و به منظور یادگیری مادام العمر از طریق ایجاد آموزش و تحقیق ، آموزش اولیه و مکرر و برنامه هایی که به سمت اشتغال بیشتر و نیاز های جامعه سمت گیری دارند تعبیر شده است .
- راهبرد های یادگیری مادام العمر در صورتی کارساز خواهند بود که نماینگر یک تلاش هماهنگ در قالب نظام آموزشی رسمی بوده و به تمامی مکانهای دیگری که آموزش و کارآموزی و مهارت سازی به طور کلی در آنها بیشتر شکل می گیرد. به ویژه تشکیلات اقتصادی – پیوند خورده باشد .

توجه و تاکید این راهبردها بیشتر بر جذب نیروی کار دوره بزرگسالی است که مهارتهای آنها باید تحت تاثیر فناوری های جدید به طور مرتب تجدید شوند. (ژاک دلورز، ۱۳۸۰، ۳۹)

امروزه از یک سو انتقال مطلب باید به صورت غنی سازی شده جهت درک عمیق دانشجویان از علوم و به روش پژوهشی انجام شود تا مهارتهای تفکر خلاق و تفکر انتقادی دانشجویان توسعه یابد از سوی دیگر اساتید لازمست مهارتهای فردی - اجتماعی دانشجویان را در زمینه انجام کارگروهی و قدرت تصمیم گیری، مهارتهای ارتباطی، اعتماد به نفس، مهارتهای شهروندی و غیره را تقویت نمایند و از جانبی در زمینه توسعه شناخت و آگاهی از ارزشهای ملی، دینی، هویتی و توجه به رشد اخلاقیات و معرفی ضد ارزشها و راه های نفوذ آنها در دانشجویان، تلاش نمایند و در کنار این موارد هم خود و هم دانشجویان را تقویت مهارتهای فنی - تکنولوژیکی هدایت نمایند و در عین حال با جامعه خارج از دانشگاه نیز جهت انتقال انتظارات و در راستای توسعه جامعه، ارتباط برقرار کنند.

همه اینها در شرایطی است که فرصت و وقت اساتید بسیار محدود است و تربیت انسانها بدین ترتیب نیاز به گذراندن دوره های تربیتی و آشنایی با علم روانشناسی توسط اساتید را دارد که البته نباید فراموش کرد چون یادگیری مادام العمر شده، گروه های سنی متفاوتی در کلاس حضور دارند که این مسئله کار را بسیار شکل تر می سازد

وظایف اساتید و جهانی شدن

سران جهان، جامعه اطلاعاتی را جامعه ای مردم محور، فراگیر و توسعه گرا می دانستند. مردم محور یعنی همه افراد به اطلاعات دسترسی داشته باشند، فراگیر یعنی جامعه به سمت شبکه ای شدن پیش برود و توسعه گرا بودن یعنی برای نیل به جامعه اطلاعاتی باید برطبق برنامه پیش رفت. (برگرفته از www.darsiran.com)

بدین ترتیب اساتید مراکز آموزش عالی به ناچار پذیرفتند که نقش آنها در حال تغییر است. آنها در آینده کمتر به عنوان تامین کننده اطلاعات و بیشتر به عنوان مشوق ها و مفسرینی لازم است عمل نمایند که مسئولیتشان ایجاد محیط و درک عمیق یک حوزه (علمی) می باشد. (هیرش/ویر/ ۱۳۸۱، ص ۱۵) و میتوان گفت اساتید بیشتر راهنمایان و مربیانی محسوب می شوند که به جای تسلط بر امر آموزش و تعلیم، تحرک ایجاد می کنند. همانگونه که یکی از روسای دانشگاه علوم و هنر ابراز می کند: «معلم نه خردمندی بر روی صحنه» بلکه «راهنمایی در حاشیه» و بیرون از صحنه است اطلاعات و بالاتر از آن ترکیب های نوین اطلاعات موجود تغییر می یابد. (باقری، ۱۳۸۳، ص ۵۴)

در این مرحله لازم است اساتید با سبکهای تفکر که عبارت است از شیوه های متفاوت افراد در

پرورش اطلاعات مانند تفکر خلاق، انتقادی، حل مساله، تفکر منطقی، تفکر سیستمی و غیره است آشنا می شوند تا بتوانند از عهده نقش جدید خود بر آیند.

عامل مهم دیگری که ضرورت تغییر نقش اساتید با پدیده جهانی شدن را موجب می شود این است که اغلب موفقیت های علمی در زمینه دو یا چند رشته تحصیلی بدست می آیند. این بدان معناست که دانشگاه ها نمی توانند صرفاً بر سازماندهی علمی سنتی خود تکیه کننده چرا که این سازماندهی از کشوری به کشور دیگر و از دانشگاهی به دانشگاه دیگر متفاوت است و در یک سازماندهی مطلوب، رشته های تحصیلی در موارد مختلف به شکل های متفاوت با یکدیگر ادغام می شوند تا از عهده حل مسائل پیچیده ای نظیر توسعه پایدار، بهبود کیفیت زندگی بشر و همبستگی بر آیند.

امروزه نه تنها محیط بیرونی دانشگاه، خواهان مشارکت میان رشته ای است بلکه پژوهشگران و اساتید یک رشته نیز غلبه بر موانعی که در رشته ی خود با آن مواجهند بهره گیرند. و لازم است اساتید با برگزاری فعالیت ها به صورت گروهی و بر اساس روابط میان رشته ای به فعالیت خود ادامه دهند تا مطابق شرایط استاندارد زمانه پیش روند.

به بیان دیگر میتوان گفت نقش اساتید و اعضای هیئت علمی در حال تغییر است زیرا بر اثر پدیده ی جهانی شدن، دانش، کمتر متکی و مبتنی به ذکاوت فردی و بیشتر بر مبنای استعداد جمعی فکرها و دسته بندی های بین الاذهانی است. در این دنیای نو، رشته های سنتی در حال محدود شدن است و خرد جمعی به همان اندازه معنا دارد که هوش و استعداد فردی. (راولی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۶)

شاید علت نیاز به خرد جمعی و انجام کارگروهی، بیش از حد تخصصی شدن رشته ها بر اثر گسترش علوم باشد. با پیچیده تر شدن دانش بر تعداد تخصصها افزوده شده که در زندگی جامعه فاقد معناست و آمادگی دانش آموختگان در رشته های خاص قادر به پاسخگویی و حل مسائل و نیازهای اجتماعی نیست.

بدین ترتیب اساتید لازمست مهارتهای برقراری ارتباط با همکاران خود جهت انجام فعالیت ها به صورت گروهی و با تشکیل تیم های کاری تقویت نمایند تا قادر باشند در انجام فعالیتهای آموزشی - پژوهشی موفق شوند. بنا بر این از وظایف اساتید می توان به شرکت در گروه های تخصصی و مرتبط با هم نام برد.

اساتید علاوه بر نیاز به رشد مهارت‌ها و توانایی‌های ارتباطی خود در گروه‌های تخصصی و رشته‌های مختلف، لازم است که توانایی ارتباط با دو گروه دیگر، دانشجویان و سایر نهاد‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در خود تقویت نمایند.

آنها باید بدانند که دانشگاه در یک محیط رقابتی و به منظور جهانی عمل کردن، باید خواه ناخواه دانشجویان را به عنوان مشتری محسوب کنند و بر نامه‌های خود را با نیازها و خواسته‌های آنها هماهنگ سازند.

دیگر فقط اساتید و پژوهشگران نیستند که در مورد آموزش و پژوهش، تصمیمات اساسی را اتخاذ می‌کنند بلکه در این خصوص خواسته‌های ویژه دانشجویان و نیازهای گروه‌های مختلف دانشجویی نیز باید مورد توجه قرار گیرند و دانشگاه‌ها باید جسورانه وارد حوزه‌ی یادگیری مادام‌العمر شوند زیرا کهنه‌گی و منسوخ‌شدگی روزافزون دانش و نیازهای متغییر بازار کار باعث افزایش تقاضا در آموزش عالی می‌شود. (باقری، ۱۳۸۳، ۷) بنابر این اساتید لازم است روش تدریس خود را نه تنها متناسب با امکانات تکنولوژی روز، بلکه بر اساس نیاز دانشجویان جوان و مسن که از نظر تجربه تفاوت بسیاری با هم دارند، تنظیم نمایند و جذابیت لازم را ایجاد کنند. همچنین اعضای هیات علمی لازم است با به اصطلاح شرکای بیرونی که خارج از دانشگاه مشغول فعالیت هستند در ارتباط باشند و ساختار درونی سازمان را مطابق شرایط بیرون از دانشگاه، تغییر دهند تا بدین ترتیب قادر باشند هدایت زندگی اجتماعی را بر عهده گیرند و مانعی در مقابل آثار سوء اجتماعی، فرهنگی نظیر ترویج و زوال چند فرهنگی، سر درگمی در هویت ملی و تغییر شکل و ساختار زندگی اجتماعی و خانوادگی ناشی از پدیده جهانی شدن، شوند. و علاوه بر مهارت‌های ارتباطی، اساتید باید خود را مجهز به مهارت‌های فنی و آشنایی با تکنولوژی روز نمایند تا قادر باشند در کلاسها متناسب با آخرین فناوری به فعالیت آموزشی خود بپردازند.

تا کنون بحث بر سر این بود که بسیاری از ویژگی‌های اساتید نسبت به نظام سنتی و با توجه به شرایط جدید نظام‌های آموزشی لازم است متحول شود ولی نباید فراموش کرد که هنوز اعضای هیات علمی و دیگر مدرسین و پژوهشگران تا اندازه‌ی زیادی بزرگترین منبع (انسانی) دانشگاه محسوب می‌شوند. اما اگر واجد صلاحیت لازم نباشند دانشگاه ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهد. کادر آموزشی فاقد صلاحیت به منزله‌ی آموزش ضعیف و پژوهش غیر خلاق است بنابر این گروه‌های آموزشی و رهبران دانشگاه‌ها باید توجه زیادی به گزینش افراد و حتی مدیریت این منبع انسانی کمیاب مبذول دارند.

اساتید همچنین لازم است بامحیط های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی خارج از دانشگاه جهت مشارکت و هدایت جامعه در مسیر توسعه ارتباط برقرار کرده و آمادگی پاسخگویی به نیاز دانشجویان را مطابق فناوری روز داشته باشند.

فناوری و کاربرد وسایل و امکانات آموزشی

با پیشرفت تکنولوژی و فناوری، ابزار و وسایل تدریس نیز متحول گردید و کانالهای ارتباطی جدیدی به روی آموزش گشوده شد.

فناوری آموزشی عبارت است از نظریه و عمل طراحی، توسعه (تهیه)، کاربرد (استفاده)، مدیریت و ارزشیابی فرایندها، مواد و رسانه های یادگیری به منظور بهبود فرایند و موقعیت های یادگیری که در دو بخش نرم و سخت قابل بررسی است.

فناوری آموزشی سخت به سخت افزارها و نرم افزارهایی اطلاق می شود که از آموزش و یادگیری موثر پشتیبانی می نماید و شامل اقلامی مانند: مواد و منابع یا متون یادگیری از قبیل کتاب درسی چاپی، کتاب درسی الکترونیکی، اینترنت، مولتی مدیا (چند رسانه ای: ترکیبی از چند رسانه مختلف مانند نوشته، عکس، بریده روزنامه، فیلم، صدا، طرح های گرافیکی، نرم افزارهای آموزشی و غیره)، عکس، اجسام و اشیاء، دستگاه ها، مواد و حتی موجودات زنده می شود. فناوری آموزشی نرم نیز ناظر به طرح ها و ابداعات و ابتکاراتی است که در طراحی آموزشی تعیین و تدبیر رویکردها و الگوهای آموزشی تبلور می یابد، خواه مستلزم به کارگیری نرم افزار و سخت افزار خاصی باشد یا خیر (برگرفته از www.darsiran.com)

استفاده درست و بهینه از فن آوری های اطلاعات و ارتباطات، آموزش از راه دور، آموزش مجازی، تهیه متون الکترونیکی به جای متون نوشتاری، انواع CD و نوارها و همه تولیداتی که در امر آموزش میتوان از آنها استفاده کرد، چالشی است که مستلزم سالها برنامه ریزی و تحقیق و استفاده از تجارب دیگران است. (جوادی، ۱۳۸۲، ص ۴۲)

با پیشرفت های فناوری، و ورود جهانی تکنولوژیک نیاز به روشهای پیشرفته یاددهی و یادگیری است. استفاده از تکنولوژی در بازسازی یادگیری تجربی و روشهای گروهی و برقراری ارتباط ذهنی با محیط موجب افزایش بازدهی آموزشی می شود.

میتوان گفت امروزه آموزش مجازی جایگزین آموزش حقیقی شده که پدیدآورنده یک اجتماع مجازی است و نیاز به باز اندیشی در باره هویت و دانش بیشتر به چشم می خورد. اجتماع مجازی به مجموعه ای از افراد اشاره دارد. آنها بدون این که یکدیگر را ببینند و از نزدیک بشناسند با

همدیگر ارتباط و داد و ستد برقرار می کنند و چاره ای جز اعتماد ندارند. اما در محیط های آموزشی جهت جلوگیری از چالشهای اجتماعی، لازم است ارتباطهایی میان اجتماع های مجازی و واقعی پدید آید تا پذیرش و دریافت اطلاعات بدون تفکر و تعقل صورت نگیرد.

آموزش از دور

یکی از این اجتماعات مجازی که وارد آموزش عالی شده، آموزش از دور است که عبارت است از نوعی فرایند آموزشی که در آن تمامی یا بیشتر آموزش از طریق یاددهنده نسبت به یادگیرنده، فارغ از زمان و مکان انجام می گیرد بدین مضمون که تمامی یا بخشی از ارتباط بین اساتید و یادگیرندگان از طریق یک رسانه ی مصنوعی، خواه الکترونیک و یا چاپی صورت می گیرد. در قرن حاضر دو عامل افزایش جمعیت و توسعه فناوری منجر به افزایش تقاضای عمومی برای آموزش و در نتیجه پیدایش تحولات عمیقی در دانشگاهها و ورود نظام آموزش از دور به آموزش عالی گردیده است.

علل پیدایش آموزش از دور: ناتوانی آموزش سنتی در پاسخگویی به تقاضای کثیر داوطلبان ورود به این نظام (کثرت جامعه هدف)، اشتغال و سکونت در مناطق دور افتاده (موقعیت جغرافیایی و جمعیت)، تاهل، معلولیت های جسمی داوطلبان ورود به نظام آموزشی و نیاز روزافزون به روزآمد کردن اطلاعات و مهارتها و تخصصهای مورد نیاز مشاغل گوناگون با انعطاف پذیری بسیار بالا (عصر دانایی و ضرورت آموزش مداوم) موجب پیدایش آموزش از دور گردید. (قورچیان/آراسته/جعفری، ۱۳۸۳، ص ۶۸۴)

همچنین کمبود کارکنان آموزشی از عوامل مهم نارسایی های آموزش سنتی است که در نظام آموزش از دور به اعضای هیئت علمی تمام وقت نیاز کمتری است و موجب صرفه جویی در هزینه ها، تامین عدالت آموزشی و تحقق توسعه پایدار برای همه انسانها بر اساس بصیرت محوری با برقراری فرصت های برابر می گردد. (لهراسبی/ ملک پور، ۱۳۸۵، ص ۴۹) تکامل تاریخی آموزش از راه دور در چهار مرحله روی داده است که هر یک از آنها با شکل سازمانی خود از اصلی ترین شکل ارتباطات مشتق شده است و عبارتند از:

- سیستم های مکاتبه ای
- سیستم های آموزشی رادیو و تلویزیونی
- سیستم های چند رسانه ای
- سیستم های اینترنتی

مقایسه آموزش از دور و آموزش سنتی: دو اصل مهم آموزشی در آموزش از راه دور بسیار معتبرند: ۱- اصل یادگیری در حد تسلط □: مطابق این اصل شرایط یاددهی - یادگیری کانون فرآیند آموزش است و طوری تنظیم می گردد که همه یادگیرندگان بتوانند به کلیه قابلیت های تعیین شده از پیش دست یابند. ۲- اصل فعالیت یادگیرنده: مطابق این اصل، یادگیرنده برای کسب دانش و آگاهی لازم باید حداکثر استفاده را از قابلیت ها و تواناییهای فردی خویش ببرد و در این مسیر در کمترین حد ممکن به راهنماییها و کمک استاد متکی باشد. (ابراهیم زاده، ۱۳۷۰)

با بررسی جدول زیر می توان به تفاوت ویژگی های دیگر آموزش سنتی و آموزش از دور پی برد.

جدول شماره ۲-۴-۲: مقایسه نظام آموزش سنتی و نظام آموزش از دور	
ویژگی های نظام آموزش سنتی	ویژگی های نظام آموزش از دور
وابستگی به محل آموزشگاه برای یادگیری علم و دانش	فراگیر یا دانش پژوه بدون وابستگی به محل خاصی می تواند توانایی های بالقوه خود را به فعلیت برساند
یادگیرنده فعال و خلاق درصدد یادگیری نیست	محور اصلی در یادگیری فراگیر است
آموزشها کاملا مستقیم و اساتید تنها عامل و منبع یادگیری هستند	اساتید نقش راهنما و تسهیل کننده یادگیری را بر عهده دارند
از ابزارهای نوین استفاده نمی شود	ابزارهای آموزشی هم کتابهای خودآموز و هم انواع CDهاست
کار استاد تلفیق افکار و اندیشه است	کار استاد رهبری، رفع اشکال یاددادن تفکر و اندیشیدن است
یادگیرنده فاقد اندیشه است	آموزش و یادگیری ناشی از احساس نیاز و همراه با انگیزه است
از اعتماد به نفس کمتری برخوردار است	یادگیری دارای استقلال و متکی به خود است
تعامل بین دانشجویان کمتر است	یکی از شیوه های اصلی یادگیری، گروههای مطالعاتی همدرس می باشند

(برگرفته از ملک پور/ لهراسبی، ۱۳۸۵، ص ۴۲)

قدری تامل در جدول نشان می دهد که نظام سنتی قادر به پاسخگویی آموزش در عصر جدید نیست چرا که در عصر اطلاعات، دانایی رمز بقاست و در جامعه اطلاعاتی تک تک افراد مجهز به دانش روز می باشند. لذا بزرگسالان نیز به دنبال آشنایی با علوم و مهارتهای جدید و تداوم آموزش هستند و با ورود دولت الکترونیکی، زندگی انسانها در هر سن و سال تحت الشعاع قرار گرفته و

□-mastery learning

توانایی های افراد در جنبه های تفکری ، ادراکی، مهارتی باید توسعه یابد و این امر در نظام آموزش سنتی قابل دستیابی نیست .

از آن چه گذشت میتوان دریافت که با پیشرفت تکنولوژی و فناوری ، علم و دانش و همچنین اطلاعات و ارتباطات به سرعت گسترش یافته و موجب تغییر نقش اساتید از نظر چگونگی ارائه مطلب و برقراری ارتباطات نسبت به نظام سنتی که تنها اساتید نقش آموزش و پژوهش را بر عهده داشتند ، گردیده است.

ارزشیابی برنامه ریزی درسی و جهانی شدن

در فرایند برنامه ریزی گام آخر ارزشیابی از فعالیت هاست . در سند برنامه درسی ملی ، ارزشیابی ناظر به فرایند دریافت داده های معتبر برای باز سازی و به سازی مداوم برنامه و شامل ابعادی مانند سطوح ، روش و منابع اطلاعاتی است .

ارزشیابی در آموزش عالی عبارت است از فرایند تعیین ، تهیه و گرد آوری داده ها و اطلاعات به منظور قضاوت در باره عوامل نظام آموزشی برای تصمیم گیری در بهبود و معادل ارزیابی قرار گرفته است اما سنجش گاه به معنی اندازه گیری و گاه به معنی ارزشیابی به کار می رود . (قورچیان و همکاران ، ۱۳۸۳، ص ۹۴)

در هر جامعه ای بر اساس نیاز ها ، اهداف تعیین می شود که جهت حرکت فعالیت آموزشی را مشخص می نمایند بعد از آن کلیه ابزار ها و منابع مادی و مالی به کار گرفته می شود تا امکان وصول به هدف تسهیل شود . طی فرایند ارزشیابی ، برنامه ریزان و ارزشیابان در صدد تعیین میزان وصول به اهداف هستند و سئوالاتی نظیر : چه قدر به اهداف رسیده ایم ؟ موانع چه بوده است؟ چگونه میتوان برنامه را اصلاح کرد؟ در این مقوله مطرح می باشند و استفاده از ارزشیابی در آموزش عالی به مدیریت امکان می دهد تا ضمن افزایش کار آیی از تحقیق هدفها اطمینان حاصل نماید .

بدین ترتیب فایده ارزشیابی در دانشگاه ها ، نظارت بر تحقق اهداف ، مشخص کردن این که افراد تا چه اندازه در رفع مشکلات جهت دستیابی به هدفها کوشش می کنند ؟ شبکه ارتباطی چگونه است؟ و میزان کارآیی و اثر بخشی آموزش عالی ، همچنین قضاوت در مورد کیفیت امور شخصی می شود . به عنوان نمونه ، آتیکن^{□□} (۱۹۹۱) پنج وظیفه اصلی بر اساس اهداف آموزش عالی در نظر گرفته که عبارتند از : یاددهی - یادگیری ، تحقیق ، دانش پژوهی (سازماندهی و عصاره کردن دانش موجود) ، اداره امور دانشگاهی و عرضه ی خدمات مورد نیاز جامعه.(همان ، ص ۹۵)

چنان چه ارزشیابی نسبت به کلیه عوامل نظامهای آموزش عالی یعنی درونداد (دانشجو، هیئت علمی، برنامه درسی و غیره) و فرایند (یاددهی- یاد گیری)، برونداد و پیامد (عملکرد دانش آموختگان ، آثار علمی چاپی و غیره چاپی و خدمات تخصصی) به عمل آید لازمست با استفاده از ملاکها و نشانگر ها به قضاوت درباره کیفیت آنها پرداخت و در این کاربرد است که ارزشیابی را از دو جنبه مد نظر قرار می دهند :

الف- ارزشیابی برنامه های مصوب^{□□} (برنامه درسی دوره های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی)

ب- ارزشیابی موسسه های آموزش عالی

هر چند که ارزشیابی برنامه درسی آموزش عالی در کشور هایی که ساختار آموزش عالی آنها غیر متمرکز است معمولاً به وسیله دانشگاه های مجری به عمل می آید ، اما در کشور های با برنامه ریزی متمرکز این ارزشیابی قبل از اجرا به صورت مصوب در می آید . که به دلیل فاصله نگرفتن از موضوع اصلی ، وارد جزئیات این مقوله نشده و بحث در حالت عمومی دنبال می شود .

در ارزشیابی آموزش عالی پس از مشخص شدن مجموعه عوامل مورد ارزیابی ، باید ملاکهای ارزیابی آن عوامل تعیین شوند . پس از آن نشانگر هایی که وضعیت هر ملاک را نمایان می سازند انتخاب گردند و سرانجام داده ها و اطلاعات لازم برای قضاوت در باره وضعیت ملاکهای ارزیابی گرد آوری و تحلیل شوند . برای قضاوت درباره کیفیت یک عامل می توان با استفاده از استاندارد های از قبل تعیین شده و مقایسه وضعیت موجود با وضعیت استاندارد ، قضاوت کرد . این استانداردها در واقع دانش و مهارتها و معیار هایی هستند که برای نیل به موفقیت و کار آیی لازم است . به بیان دیگر می توان گفت معمولاً در بعد ارزیابی در حالت استاندارد روشهایی را پیش رو می گذارند که از یک سو، شکلی از ارزشیابی را که فعالیتهای درسی بازخوردی فوری دارد تسهیل می نماید و از سوی دیگر امکان اطمینان از تحقق اهداف یادگیری از پیش تعیین شده را فراهم می سازد. (دلورز، ۱۳۸۰، ص ۴۰۳)

در سند برنامه درسی ملی دو نوع ارزیابی درونی و بیرونی در نظام آموزش عالی در نظر گرفته شده است . ارزیابی درونی اشاره دارد به انواع ارزیابی های درون دانشگاه ها مانند ارزیابی تشخیصی، تکوینی و پایانی و یا ارزیابی جامع در پایان یک ترم و ارزیابی بیرونی ، پیگیری عملکرد فارغ التحصیلان مراکز آموزش عالی و ارزیابی میزان مفید بودن آموخته های آنها در زندگی مد نظر قرار می گیرد . به عبارتی می توان گفت ارزشیابی کمی و کیفی از دانشجویان به عمل می آید . از نظر

□□ program approved

کمی، دانش آنها نسبت به اطلاعات و آموخته‌ها بررسی می‌شود و از نظر کیفی، مهارت‌های فردی و نگرش آنها و نحوه ارتباط با دیگران بر اساس مشاهده و بررسی آزمون‌های عملکردی ارزیابی می‌شود.

در این راستا، در سال ۱۹۹۶ در کتاب معروف یادگیری گنج درون، که توسط یونسکو به عنوان بیانیه جدید آموزش در قرن بیست و یکم به بازار آمد از چهار ستون جدید به نام‌های یادگیری برای شناختن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای زیستن و یادگیری برای با هم زیستن نام برده است و تاکید بر این است که این چهار ستون آموزش به صورت یکپارچه و یک مجموعه مورد توجه است نه مستقل از یکدیگر. (کدیور، ص ۱۳۸۱، ۳۶) چنان چه در ارزشیابی عملکرد آموزشی این اهداف یادگیری مدنظر قرار گیرد باید دید آیا نظام‌های آموزشی به آنها دست یافته‌اند یا خیر؟ ارزشیابی از میزان شناخت در اثر یادگیری در نظام سنتی با برگزاری آزمون‌های کتبی و شفاهی در سطوح مختلف دانش، درک و فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل و ترکیب و در قالب سئوالات چند گزینه‌ای^{□□}، سئوالات جور کردنی^{□□}، سئوالات صحیح و غلط^{□□}، سئوالات اظهار نظر – دلیل^{□□}، سئوالات کوتاه پاسخ^{□□}، جای خالی^{□□}، و سئوالات تکمیلی چند جوابی^{□□} و آزمون‌های تشریحی یا انشایی به عمل می‌آمد.

در جهان امروز لازمست بررسی شود که آیا معرفت‌دانشجو و شیوه‌های استدلال و توانایی پردازش‌های عقلانی او تقویت شده است یا خیر؟ برای مثال توانایی مشاهده، مقایسه، توصیف و قابلیت انجام تحقیقات آزمایشی و کتابخانه‌ای و نقد اطلاعات در دسترس، برای وی توسعه یافته است؟ و آیا توانایی انتقال مطلب غنی‌سازی شده و درک عمیق از آن و همچنین تفکر خلاق و تفکر انتقادی در فرد رشد یافته یا خیر؟

در ارزشیابی از توانایی انجام فعالیت‌ها باید به سنجش مهارت‌های فردی و اجتماعی و مهارت‌های دیگری نظیر کار گروهی، قدرت تصمیم‌گیری، مهارت‌های ارتباطی، اعتماد به نفس، شناخت و آگاهی ارزش‌های ملی و اخلاقیات و مهارت‌های فنی و مورد نیاز توسعه فرد پرداخت و باید پذیرفت که ارزشیابی مهارت‌های مورد نیاز زندگی قرن بیست و یکم در محیط کار و اجتماعات و زندگی اجتماعی و عملکرد افراد و دانش‌آموختگان در شرایط واقعی قابل اندازه‌گیری است و شاید بتوان بر اساس

-
- multiple-choice item
 - marching item
 - true-false item
 - assertion -reason
 - - short-answer
 - - missing-word
 - multiple completion item

رضایت دیگران به خصوص مدیران مراکز اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی که برون‌داد دانشگاه‌ها به سمت آن‌جا گرایش می‌یابند را ملاک عمل قرار داد و این مسئله تأکیدی است بر تعامل بیشتر محیط‌های آموزشی مراکز آموزش عالی با جامعه. به عبارت دیگر میزان موفقیت فرد در زندگی اجتماعی، ملاک و معیار مناسبی جهت اندازه‌گیری میزان مهارت‌های پرورش یافته وی می‌باشد. در صورت شکوفایی کل استعدادها، انسان کامل و یکپارچه‌ای پرورش می‌یابد که توانایی رویارویی با انسانهای متفاوت در سر تا سر گیتی را دارد و این نشانه‌ی آمادگی برای زیستن این فرد در جامعه است.

در ارزشیابی آمادگی برای زیستن باید علاوه بر میزان رشد فردی و اجتماعی، میزان حرکت به سوی جامعه‌ی یادگیرنده، و میزان نیاز به یادگیری مادام‌العمر فرد، مهارت‌های شهروندی و میزان مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران و همچنین توازن فرد در ارتباط با خود، طبیعت و هستی و انسانهای دیگر مورد ارزیابی قرار گیرد.

بدین ترتیب نحوه ارتباط و میزان رشد وابستگی متقابل که از ویژگی‌های قرن بیست و یکم است بیشتر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد چرا که مناطق مختلف جهان در هم تنیده و جهت بهره‌برداری از منابع در سطح بین‌المللی و استفاده از تولیدات مشترک جهانی باید علاوه بر دانش و مهارت و توانایی برقراری ارتباط با دیگران، خلاقیت‌های لازم و توانایی پیش‌بینی آینده در افراد را رشد دهند.

ارزشیابی در آموزش از راه دور: ارزشیابی آموزش از راه دور به خصوص آموزش‌های اینترنتی یا درون شبکه‌ای به منظور بازدهی میزان اثر بخشی اساتید و تحقق اهداف یادگیری صورت می‌گیرد مورگان و اوریلی^{□□} (۱۹۹۹) معتقدند منظور از سنجش فراهم آوردن بازخورد، تقویت یادگیری و تهیه گزارش در باره پیشرفت دانشجویان است. و آنجلو و کراس^{□□} معتقدند سنجش اثر بخشی از کلاس دارای ویژگی‌های زیر است:

فراگیر مدار^{□□}، معلم محور^{□□}، سودمندی دو جانبه^{□□}، تکوینی^{□□}، متناسب با بافت و مستمر^{□□} و کاملاً عملگرا. (پالوف / پرات، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸) آموزش از راه دور که به دلیل پیدایش عصر دانایی و ضرورت آموزش‌های مادام‌العمر و در راستای رفع نیاز به یادگیری پدید آمده چنانچه خوب

- MOrgun and Dreilly
- - Angelo and Cross
- - learner-centered
- - teacher-directed
- - Multually beneficial
- - formative
- - ongoing

طراحی شود باید متمرکز بر فراگیر و مرتبط با نیازهای وی باشد و برای بهبود ارتقای یادگیری باید به دانشجویان کمک شود تا عادات مطالعه خود را تغییر داده و مهارت‌های فراشناختی به دست آورند و خودشان مسئولیت کامل یادگیری را بر عهده گیرند. فرایند تفکر که در آموزش‌های از راه دور باید مورد تشویق قرار گیرد اساس سنجش فراگیر مدار را فراهم می‌سازد و دانشجویان باید به خود اندیشی بها دهند.

گرچه یاددهی و یادگیری بر فراگیر متمرکز است اما اساتید درباره موضوعات مورد سنجش و نحوه سنجش تصمیم‌گیری می‌کنند. نکته مهم در این است که اساتید باید در ابتدای هر ترم در خصوص نحوه ی سنجش اطلاعاتی در اختیار دانشجویان قرار دهند. جدول ۲-۴-۳ نمونه ای از این اطلاع‌رسانی به دانشجویان در ابتدای ترم می‌باشد.

تعامل دانشجویان با اساتید نیز موجب توسعه یادگیری و پیدایش درک بهتری از مفاهیم و توانایی ارائه بازخورد توسط دانشجویان می‌شود. این ارائه باز خورد موجب تجدید نظر اساتید، منطبق با نیاز یادگیرندگان در جریان یادگیری می‌شود. بدین ترتیب لازم است به جای برگزاری آزمونهای چند گزینه ای با پاسخ کوتاه، دانشجویان وادار شوند که از ابتدای ترم با ارائه مقالات در سطوح مختلف، عملکردشان مورد ارزیابی قرار گیرد و تنها به ارزشیابی پایانی متمرکز نشوند. از این رو در آموزش درون شبکه ای از ابتدا تا انتهای ترم به طور مستمر ارزشیابی به عمل می‌آید و چون این آموزشها بر اساس نیاز دانشجویان تنظیم شده مهارتها و معلومات آنها به تدریج گسترده تر می‌شوند.

جدول شماره ۲-۴-۳: نحوه نمره دهی به دانشجویان بر حسب فعالیت در آموزش درون شبکه ای

نمره	سطح مشارکت طی یک هفته
۰	هیچ مقاله ای ارسال نشود
۷	تعداد کمی مقاله در خصوص موضوعات مورد بحث در سطح دانش ارائه شود
۸	تعداد کمی مقاله در خصوص موضوعات مورد بحث ارائه شده و حداقل یکی از آنها در سطح درک و فهم است.
۹	حداقل یکی از مقالات ارسال شده در سطح درک و فهم و یکی از آنها در سطح کاربرد است
۱۰	از کل مقالات ارسال شده حداقل دو مقاله در سطح درک و فهم و یک مقاله در سطوح بالای حیطه شناختی است.

« برگرفته از (پالوف / پرات ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۵۹) »

در ارزشیابی اینترنتی علاوه بر ارائه مقالات در سطوح مختلف و اظهار نظر های دانشجویان بر اساس کاربردی نمودن مطالب آموزش یافته که بر اساس نیاز های آنان در زندگی تنظیم شده و اطلاع

کافی داشتن دانشجو از نحوه ارزشیابی و وادار شدن وی به انجام فعالیت های متنوع و ابتکاری و ارائه دلیل جهت انجام این فعالیت ها ، با برگزاری آزمونهای سنتی حضوری و غیر حضوری ، ارزیابی دقیق تر انجام می شود. چرا که گاه دانشجو موفق به شرکت در بحث های گروهی و اظهارنظرهای فعالانه در جلسات گفتگوی غیرحضوری می شود اما نسبت به محتوای درس تسلط کافی ندارد .

بایرز^{□□} (۲۰۰۰) معتقد است به کارگیری رویکرد تلفیقی در ارزشیابی از نوع تکوینی و تراکمی ضرورت دارد. وی شیوه های سنجش عملکرد دانشجوی درون شبکه ای را به شرح زیر می داند :

- تست ها و آزمونهای کوتاه پاسخ
 - خود ارزشیابی ها
 - سنجش توسط همکلاسی ها (شامل سنجش میزان همکاری)
 - واکنش مکتوب نسبت به درس ، تکالیف و کل مقوله یادگیری
 - پرژه ها ، مقالات و تکالیف گروهی
 - ارزشیابی انتقادی از میزان همکاری ها در صفحه بحث (همان ، ص ۱۷۲)
- در ارتباط با برگزاری آزمونهای غیر حضوری یک نگرانی وجود دارد و آن کمک گرفتن دانشجو از دیگران و یا ارائه آثار و مقالات دیگران به نام خود است که میتوان با عنوان تقلب از آن یاد نمود . این مسئله موجب خدشه دار شدن ارزشیابی غیر حضوری می شود و نیاز است که اساتید بر اساس شناختی که از دانشجوی از راه دور و افکار و عقاید وی در طول ترم پیدا کرده اند و سطح پاسخگویی وی به سئوالات و ارائه مقالات ، این افراد را شناسایی نمایند . البته واضح است کار بسیار حساس و مشکلی است .

بخش پنجم : جهانی شدن و فناوری در آموزش عالی

نقش فناوری در آموزش عالی در دو عرصه ظاهر می شود نخست این که موسسات آموزش عالی باعث گسترش فناوری های جدید می شوند . دانشگاه ها کانون اصلی نوآوری به شمار می آیند و دانشگاه پژوهش محور ، منبع مهم گسترش فناوری محسوب می شود دوم این که سازمانهای آموزش عالی از فناوری جهت انجام وظایف آموزشی و پژوهشی و مدیریتی خود سود می برند . (قورچیان و همکاران ، ۱۳۸۳ ، ۶۸۳) فناوری اطلاعات نقش مهمی را در ارتباط بین اجتماع و آموزش ایفا می کند. بدون شک توسعه اجتماعی و اقتصادی یک کشور در گرو نظام آموزشی مناسب است . تغییرات در

□ -Byers

جامعه باعث ایجاد نیازهای جدید در افراد می شود و آموزش در زمره ی این نیازها به شمار می رود. فناوری اطلاعات نقش حیاتی و مهمی را در این زمینه ایفا می کند .

در کشور های صنعتی نقش فناوری اطلاعات در فرایند تولید بسیار پر اهمیت و اساسی است و رشد سریع فناوری موجب تسریع در اشتغال می شود و تغییر و حرکت از بخش صنعت به بخش خدمات به خوبی قابل مشاهده است . بنابراین توانایی دستیابی به منابع اطلاعاتی در حال رشد دارای اهمیت است . (دلورز، ۱۳۸۰، ص ۳۶۱) و در مراکز آموزش عالی این توانایی تقویت می شود . در نقش دوم فناوری در آموزش عالی نمونه هایی نظیر تخته سیاه ، خط کش مهندسی ، ماشین تحریر ، ضبط صوت ، تلویزیون ، دستگاه فتوکپی و میکروفیلم خوانها به کار برده میشد تا دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ که سه تحول مهم طراحی رایانه های شخصی ، توسعه شبکه های رایانه ای و ظهور اینترنت امروزی ، موجب گسترش سریع فناوری در دانشگاه ها گردید .

آثار فناوری در مراکز آموزش عالی

تکنولوژی اطلاعات (It) در ابتدا بر روی داده ها ، جمع آوری و ذخیره داده ها ، انتقال و ارائه داده ها متمرکز بود . با گذشت زمان دراکر طرح وقوع انقلابی متمرکز بر اطلاعات را مطرح نمود که به تعریف مجدد وظایف و کارهایی که باید به کمک اطلاعات انجام گیرند و نیز تعریف مجدد نهادهایی که باید این وظایف را بر عهده گیرند ، منتهی شد . (دراکر ، ۱۳۷۹، ۱۲۲) و این انقلاب اطلاعاتی به مراکز آموزش عالی نیز راه یافت و در حال حاضر به زمان تغییرات عمیق خود و تحولات ژرفی در ساختار نظام آموزش عالی رسیده است .

دراکر معتقد است این تغییرات و پیدایش نظام آموزش از راه دور ممکن است ظرف ۲۵ سال آینده آموزش عالی را متروک و از رده خارج سازد . وی معتقد است مرکز ثقل آموزش عالی ممکن است به صورت ادامه تحصیلات حرفه ای بزرگسالان در طول کل حیات کاری شان تغییر کند و شاید این دگرگونی به نوبه خود آموزش را از محیط آموزش عالی و دانشگاه ها خارج و به جاهای متعدد و مختلفی چون منزل ، اتومبیل ، قطار مسافری ، محل کار ، زیر زمین اماکن مذهبی ، سالن اجتماعات مدارس که گروه های کوچک می توانند پس از ساعات اداری در آن جا گرد هم آیند ، کشانده شود . (همان، ۱۲۷) نظریات دراکر در مورد آموزش عالی اغراق آمیز به نظر می رسد اما سئوالی که مطرح می شود این است که عصر جدید اطلاعات / ارتباطات تکنولوژی مدار ، واقعا تا چه اندازه برای دانشگاه تازگی دارد ؟

□ - Information technology

عده ای پاسخ می دهند «خیلی اندک». حیات فکر و عقیده تغییرناپذیر باقی می ماند به عقیده آنها چالش اصلی درک، تحلیل، ابداع و فهم است. رسالت دانشگاه عقب زدن مرزهای دانشی است و چنین به نظر می رسد که تمام آنها ثابت باقی می ماند. با این حال تغییر در روش انتقال، کنترل و اداره اطلاعات و آسان یابی آن مشاهده می شود. در حال حاضر آشکار است که فناوری جدید، کالج ها و دانشگاه ها را وادار به تغییر در نحوه تدریس، تحقیق و ارائه خدمات عمومی کرده است. (هیرش / وبر، ۱۳۸۱، ۹۰)

ناگفته نماند تا امروز تنها بخشی از ثمرات نوآوری های مرتبط با تکنولوژی اطلاعات حاصل شده است و بهره برداری از تمامی آن چندین دهه زمان خواهد برد. پیش از فراهم شدن امکان دستیابی به سطحی از یکپارچگی که به ما اجازه بهره برداری از تمامی مزایای بلقوه تکنولوژی اطلاعات را بدهد، باید در نهاد ها و نظامهای تشکیلاتی جامعه (از جمله آموزش عالی) تعدیل هایی صورت گیرد. فرایندهای فراگیری به اجرا در آید و تغییرات ساختاری عظیمی به وقوع بپیوندد. بدین ترتیب ایجاد شبکه های جهانی کاملاً قابل اعتمادی که به سهولت قابل دسترسی باشند در ابتدا مستلزم رفع مشکلات فنی بسیاری در سطح جهانی است و انعطاف ناپذیری درونی آموزش عالی میتواند یک مانع بزرگ باشد. و کار بست یکپارچه تکنولوژی اطلاعات توسط مراکز آموزش عالی مستلزم این است که شیوه های فعالیت آن دوباره از ریشه سازماندهی شود.

توسل به تکنولوژی اطلاعات اغلب با انجام دادن اصلاحات گزینشی یا محلی سازی در تکنولوژی هایی آغاز می شود که پیشاپیش مورد استفاده بوده است اما سیستمهای مبتنی بر تکنولوژی اطلاعات به واقع چشم انداز یکپارچگی کارکردی، تربیت نیروی انسانی همه فن حریف و تصمیم گیری سریع و انعطاف پذیر را همراه با فراهم شدن مجال بیشتر برای واگذاری مسئولیت ها و خودگردانی عملیاتی^{□□} فراروی دانشگاه قرار می دهد. به عبارت دیگر رویکردی انعطاف پذیر را پیش رو می گذارد که امکان سازگاری سریع با تغییرات محیط را فراهم می سازد. (طیب، ۱۳۷۹، ص ۲۱)

بدین ترتیب تغییراتی عظیمی در اثر فناوری الکترو نیک و فناوری اطلاعات، تقریباً تمامی فعالیت های آموزش عالی را تحت تاثیر قرار می دهد و تحولاتی در محورهای مختلف، از بازاریابی و درک نیاز جامعه، ثبت نام تا آموزش درس و صرفه جویی در انرژی، از کتابخانه تا نظارت به منابع انسانی دانشگاه، از همایشهای جهانی ارتباطات ماهواره ای تا آزمایشگاه ها و لابراتوارهای زبان به وقوع می

□□- Operationae autonomy

پیوند و این انقلاب چالش های مهمی را برای هر فرد، از دانشجو تا اعضای هیئت علمی ایجاد می کند. (راولی و همکاران، ۱۳۸۲، ۲۵۲)

کاربرد های فناوری در آموزش عالی

ورود فناوری به آموزش عالی در بخشهای مختلف اداری، پژوهشی، کتابخانه، مدیریت و آموزش تحولاتی ایجاد نموده که در ادامه به تفصیل هر کدام مورد بررسی قرار گرفته است:

۱- فناوری و امور اداری: در بسیاری از دانشگاه ها دسترسی به فناوری محاسباتی / اطلاعاتی به هر نحو، چه با وجود برنامه یا عدم آن امکان پذیر است. روش نگهداری و استفاده از اطلاعات در کلاسها و مطالعات موردی، سیستم های ثبت نام غیرحضوری و انتخاب واحد در رشته های مختلف، حسابداری و پرداخت شهریه هر ترم و حتی عضویت در کتابخانه های دانشگاهی و بانکهای اطلاعاتی نشانه تغییرات فناوری است و همراه اینها، در نحوه تخصیص منابع به کالج ها و دانشگاه ها، تامین سرمایه بخش تکنولوژی، آموزش افراد برای به کارگیری آن و استخدام افراد برای کار با فناوری و نگهداری آن، تغییراتی پدید آمده است (هیرش / وبر، ۱۳۸۱، ۹۱)

اما با وجود تغییراتی که در سیستم اداری، خدماتی پدید آمده، این تحولات به معنای حذف آموزش عالی که دراکر از آن سخن می گوید، نیست.

۲- فناوری و پژوهش: کاربرد فناوری موجب بهبود بهره وری علمی پژوهشگران می شود. انجام تحلیل های آماری، انتشار مقالات، تدوین طرحهای پژوهشی پیشنهادی و ارائه فعالیت های محققین از موارد کاربرد فناوری در پژوهش است. با کمک اینترنت پژوهشگران قادرند به اطلاعاتی نظیر منابع و آثار چاپ نشده ای که دیگر صاحب نظران یک رشته نوشته اند دسترسی داشته باشند. یکی از مهمترین موارد استفاده فناوری اطلاعاتی و ارتباطی جدید تسهیل همکاری در پژوهشهای علمی است. از آثار این همکاری بر تحقیقات علمی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- گسترش روز افزون پژوهش دانشگاهی در سطح جهانی، کاهش هزینه های همکاری و افزایش سرعت ارتباطات از راه هایی نظیر پست الکترونیکی.
- افزایش تعداد همکاران و در نتیجه افزایش طرحهای پژوهشی تا جایی که حتی در اجرای طرحهای گران تر این پژوهشگران منابع خود را رویهم گذارند، شناسایی هیئت علمی و محققین گمنام و مشارکت بیشتر آنان در کارهای گروهی.
- آسانتر شدن امکان همکاری و افزایش همکاری های بین رشته ای طرحها و جذب متخصصان رشته های گوناگون در انجام پژوهش.

دانشگاه ها و مرکز آموزش عالی علاوه بر استفاده از فناوری در پژوهش ، خود منبع مهمی برای نوآوری در فناوری به شمار می آیند و با پژوهش به دنبال توسعه فناوری های کاربردی بر اساس نیازهای بخش صنعت هستند و بدین ترتیب فناوری های تولید شده به وسیله دانشمندان به رشد صنایع کمک کرده است. البته نباید فراموش کرد که پژوهشهای توسعه فناوری می تواند منبع مالی مناسبی برای دانشگاه تلقی شود و برای دانشجویان تامین اشتغال نماید.

۳ - فناوری و کتابخانه: با ورود فناوری به کتابخانه و پیدایش کتابخانه دیجیتالی ، طرحی جهت حفاظت بلند مدت دیجیتالی و ارتقای دسترس پذیری میراث مکتوب پدید آمد . نقش فناوری در کتابخانه به ویژه در زمینه حفظ منابع و ذخیره سازی اسناد و تدارک دسترسی به اطلاعات از طریق تحقیق و ابزار های جستجو نقشی با اهمیت دارد .

در کتابخانه های دانشگاهی ، با فهرست نویسی رایانه ای از منابع ، جستجوی بسیار راحت تر دانشجویان و اساتید جهت یافتن منابع به وجود آمده است . هم چنین پیدایش همکاری بین کتابخانه ها با تلفیق فهرستهای موسسات مختلف و استفاده کاربران متعدد از یک منبع در یک زمان و برقراری نظامهای اطلاعاتی رایانه ای جهت انجام امور اداری کتابخانه ها نظیر پیگیری درخواست های جدید و ثبت کتابهای امانی از فواید کتابخانه های دیجیتالی محسوب می شوند .

۴ - فناوری و مدیریت : فناوری در مدیریت دانشگاه ها فراوان استفاده می شود و مدیران دانشگاهی غالباً به فناوری جدید بسان ابزاری برای ارائه کارآتر خدمات حمایتی در زمان کاهش تعداد کارکنان و هزینه های اداری می نگرند . دانشگاه ها منابع فراوانی را جهت ایجاد نظامهای اطلاعاتی پیچیده ، در محورهایی مثل بودجه بندی ، تدارکات و مدیریت لوازم و تجهیزات صرف می کنند . مدیریت نه تنها باید ابعاد مالی اداره موسسات آموزش عالی را مدنظر قرار دهد . بلکه باید از زندگی دانشجویی و ارائه خدمات دانشجویی همچون پذیرش ، ثبت نام ، مشاوره و خوابگاه حمایت کند . افزایش تعداد دانشجویان غیربومی ، یادگیران راه دور و دانشجویان انتقالی ، نیازمند خدمات حمایتی خارج از دانشگاه به صورت شبانه روزی است (قورچیان / آراسته / جعفری ، ۱۳۸۳ ، ۶۸۹) و تکنولوژی ارتباطی و فناوری موجب تسهیل تعاملات دانشجویان با مدیریت و مشاورین مدیر می گردد.

با کمک فناوری مدیریت قادر است دستور العمل ها را در کمترین زمان به اطلاع کارکنان اجرایی برساند . هم چنین از آن جایی که علم و فناوری در صدد ایجاد سیستم های تبیین گر و پیش بینی کننده است ، در حوزه تکنولوژی نیز مساله اصلی مداخله در جریان رویدادها برای نتیجه مطلوب با

بالاترین کارایی است. (لادریز، ۱۹۹۷، بر گرفته از ذاکر صالحی، ۱۳۸۴، ص ۳۶) پس توسعه علم و فناوری به مثابه توسعه توان پیش بینی و مدیریت تحولات و رویدادها برای رسیدن به نتیجه مطلوب است بدین ترتیب مدیریت با در اختیار داشتن آخرین و دقیق ترین اطلاعات به صورت الکترونیکی در زمینه آمار دانشجویان، شهریه های ثبت نام، نحوه پذیرش دانشجویان، آمار ابزار و تجهیزات و امکانات آموزشی قادر است تصمیمات دقیق تری بگیرد و با توان پیش بینی بالا، برنامه ریزی های میان مدت و بلند مدت قابل اعتمادتری بنماید.

۵ - فناوری و آموزش: از مهمترین تاثیرات فناوری اطلاعات و ارتباطات بر آموزش عالی، تغییراتی است که بر آموزش و در نتیجه بهبود یادگیری گذاشته و منجر به پیدایش شیوه های آموزشی جدید و اشکال آموزش متنوع تر شده است.

آموزش به کمک رایانه و آموزش مبتنی بر رایانه فناوری های آموزشی اند که به منظور انتقال مضامین آموزشی طراحی شده اند. در آموزش به کمک رایانه، نرم افزارهای آموزشی مکمل تجربه کلاس درسی سنتی هستند و از برنامه های رایانه ای جهت ارائه سخنرانی اساتید در کلاس درس سنتی استفاده می شود. شبیه سازی رایانه ای تامین کننده صوت، الگوهای سه بعدی، ویدئو و تصاویر متحرک جهت نشان دادن مسائل درسی و ارائه مثالهای واقعی است و در آزمون و ارزیابی نیز شبیه سازی مورد استفاده قرار می گیرد. شبیه سازی هنگامی که وسایل آزمایشی گران قیمت است و یا در دسترس نیست بسیار مفید است.

آموزش مبتنی بر رایانه بر اساس نرم افزارهایی است که جانشین استفاده از کلاس درس می شود و منجر به پیدایش اشکال آموزش مجازی و آموزش از دور گردیده است. (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ۶۸۴) فناوری های چند رسانه ای با ترکیب متن درسی، شکل، صدا و ویدئوها محتوای آموزش را پر بارتر می کنند.

از دیگر فواید فناوری در آموزش، کاربرد فناوری های ارتباطی و افزایش امکان تعامل میان مدرس و دانشجو و میان دانشجویان است. دانشجویان و مدرسان بیرون کلاس درس به طریق مختلف جهت بهبود فرایند یادگیری و آموزش از فناوری استفاده می کنند جهت انجام تکالیف از نرم افزارهای صفحه گسترده، پایگاه داده ها، واژه پردازها و برنامه های آماری بهره می گیرند.

هیئت علمی از رایانه به منظور تدوین برنامه های درسی و جزوات و سایر مطالب درسی استفاده می کنند. و فناوری های اطلاعات به طور فراینده ای جهت تسهیل ارتباط همزمان و غیر همزمان میان هیئت علمی و دانشجویان استفاده می شود. فناوری های آنلاین (on-line) به مدرسان امکان

می دهد از طریق پست الکترونیکی و استفاده از صفحات وب و ابزارهای بحث ها و گفتگوهای دسته جمعی ، تکالیف دانشجویان را به آنان واگذار و پاسخ دریافت کنند و به پرسشها پاسخ دهند . آموزش از دور از طریق تلویزیون ، ماهواره و ویدئو و پست از قرن بیستم میلادی در موسسات آموزشی آغاز شد . (قور چیان و همکاران ، ۱۳۸۳، ۶۸۵) وبا توسعه فناوری تکامل یافت. پیشرفت حاصل در فناوری در حال حاضر این امکان را فراهم ساخته که در آموزش از دور امکان ارتباط چهره به چهره بین کاربران فراهم شود بدین معنا که یادگیرنده ضمن مطالعه مستقل خود می تواند از کلاس درس مجازی^{□□} شرکت کند و با دانشجویان دیگر و استادان به بحث و گفتگو و تبادل نظر بپردازد .

برگزاری سمینار های مجازی^{□□} در بعضی کشور ها جزء برنامه های آموزش از دور شده است . مکان این نوع سمینار ها شبکه اینترنت است و شرکت کنندگان از طریق رایانه های شخصی با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و از طریق اینترنت در منزل محل کار و یا از مرکز آموزشی خود با یکدیگر در ارتباطند .

سمینار های مجازی در کنفرانس های بین المللی و ملی نیز ارائه می شوند که در آنها با استفاده از چندین رسانه به صورت ترکیبی^{□□} انجام می گیرد و به شکل استاندارد در آمده است . (همان، ۳۰) بدین ترتیب مراکز آموزش عالی با فناوری های جدید موفق به کاربرد فناوری های چند رسانه ای شدند که نسبت به روشهای قدیمی محتوای آموزش را پر بار تر می کنند.

با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و کم رنگ شدن نقش عنصر زمان و مکان ، دانشگاه های چند فرهنگی و چند زبانی به وجود آمدند به گونه ای که متقاضیان علم و دانش قادر به استفاده از امکانات دورترین نقاط دنیا شدند.

اقتضاء دانش جدید مبتنی بر نشر و مردمی کردن دانش باید به گونه ای شکل گیرد که انتقال اطلاعات متناسب با همه نوع مخاطبی در قشرهای مختلف تنظیم شود و امکان خدمات دهی به همگان وجود داشته باشد .

« طلوعه این تاثیرات هم اکنون در ظهور دانشگاه مجازی و دانشگاه های شبکه ای هویدا است » (ذاکر صالحی ، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶) دانشگاه مجازی از دانشگاه هایی است که سیستم باز آموزش عالی به دنبال پاسخگویی به تقاضای اجتماعی روزافزون است . (همان، ص ۳۰)

- - Virtual classes
- - Virtual seminars
- - multimedia

بدین ترتیب با تحول فناوری اطلاعات و پیدایش آموزشهای مجازی محدودیت زمانی، مکانی حذف شده و آموزش چه از نظر ارائه مطلب و چه تشکیل کلاسهای الکترونیکی و مجازی متحول گردیده و امکان شبیه سازی پدیده های فیزیکی و برگزاری جلسات آزمایشگاهی مجازی فراهم گردیده است.

متداولترین ابزارهایی که با توسعه فناوریهای اطلاعاتی در مراکز آموزش عالی مورد استفاده قرار می گیرند عبارتند از CD و DVD های آموزشی، وسایل چند رسانه ای، اینترنت. آموزش از طریق وب. CD و DVD های آموزشی ابزارهایی جهت کمک به استاد در آموزش در کلاس درس محسوب می شوند. طرح درسهای استاد بر اساس سر فصلهای مختلف از قبل در آنها تهیه شده و قابل کاربرد است. در نظام آموزش از دور نیز CD و DVD ها جهت آموزش مورد استفاده قرار گرفته و همراه بسته های آموزشی برای متقاضیان استفاده می شود.

با کوچکتر و ظریف شدن ریز پردازنده ها، سرعت رایانه ها و ظرفیت حافظه آنها افزایش یافته و امکان پردازش دیجیتالی تصاویر زنده به صورت چندرسانه ای فراهم گردید. در تمام چندرسانه ها صدا و تصویر و اطلاعات با هم تلفیق شده و در جهت آموزش پیشرفته دانشجویان بسیار سودمند واقع شد.

پتانسیل چند رسانه های جدید بسیار قوی بوده و فرصت های بسیاری برای پیشرفت یادگیری فعال با امکان مدیریت و کنترل فراهم ساخت. دسترسی به این وسایل در تمام اماکن از طریق ارتباط از راه دور و از طریق ایجاد بزرگراه های اطلاع رسانی و استفاده از فناوری های فیبرهای نوری به صورت بالقوه ممکن است.

آموزش از طریق وب^{□□}، نوعی آموزش است که با استفاده از رایانه بر اساس فناوری وب انجام می گیرد. این نوع آموزش بر اساس مطالعه فردی است و می تواند به صورت همزمان یا غیرهمزمان برگزار شود.

در همزمان، همه کاربران در یک زمان مشخص از برنامه آموزشی استفاده می کنند و با یکدیگر و استاد در تعامل اند و در آموزش غیرهمزمان، هر کاربر بر حسب تمایل و وقت خود در زمان مورد نظرش از برنامه استفاده می کند و تعامل غیر مستقیم با ارسال پیام در یک زمان و دریافت پاسخ در زمان دیگر امکان پذیر می شود. (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۱)

□ - web baed training

چندین سال قبل اینترنت نظام ارتباطی رایانه محوری برای دانشمندان و علما بر پایه نوشتار یا متن استوار بود ولی امروزه دارای قابلیت های گوناگون نظیر صدا ، تصویر ، گرافیک است و پویا نمایی به اینترنت موجب استفاده همگان در حوزه های گوناگون از آن شده است .

اینترنت شامل سرویس دهندگان متعددی نظیر سرویس دهنده وب و سرویس دهنده پست الکترونیکی به منظور پاسخگویی به نیازهای متعدد کاربران است.

بیشترین کاربرد اینترنت در سه نقش آموزشی ، پژوهشی - اکتشافی و کاربردی ارتباطی است در آموزش مبتنی بر وب ، کنفرانس رایانه ای ، ارتباط از دور (تلنت) و گفتگوی مستقیم استفاده می شود و به صورت ابزاری کمکی در جهت آموزش و یا جایگزین آموزش با تشکیل کلاس مجازی مورد استفاده قرار می گیرد .

در حال حاضر شبکه جدید اینترنت ، ظرفیت زیادی برای کاربردهایی همچون آزمایشگاه های مجازی ، کتابخانه های دیجیتالی و آموزش از راه دور و ایجاد شبکه های پیشرفته فراهم می آورد .

نتایج و پیامدهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی

تکنولوژی اطلاعات صرفاً تحول تکنولوژیک تدریجی و مستمری نیست که کاربردهای آن از طریق جایگزین ساختن تکنولوژی های جدید به جای سیستمهای موجود و عقلایی ساختن فعالیت های تکراری و عادی ، فرآیندهای سنتی تولید را کارآمدتر سازد ، بلکه این تکنولوژی با در هم آمیختن و یکپارچه کردن سیستمهای مختلف ، امکان طراحی شیوه های کاملاً جدید فعالیت را فراهم می سازد . (طیب، ۱۳۷۹، ص ۱۹)

این فناوری ها موسسات آموزش عالی را در زمینه هایی نظیر نحوه سازماندهی ، سیاست ، فرهنگ ، آنچه اعضای هیئت علمی انجام می دهند ، روش کار و ارائه خدمات به دانشجویان تغییر داده و ممکن است تا قرن آینده نیز ادامه داشته باشد . (هیرش / وبر ، ۱۳۸۱ ، ص ۹۸)
با بررسی نتایج و پیامدهای جهانی شدن و پیدایش تغییرات در آموزش عالی میتوان به موارد زیر دست یافت :

- تکنولوژی اطلاعات با افزایش دقت در تصمیم گیریها، تدوین راهبردهای میان مدت و بلند مدت را آسانتر می سازد و پیش بینی های قابل اعتمادتری را امکان پذیر می سازد.
- رواج اشکال جدید مدیریت بی درنگ که براساس آن توانایی واکنش نشان دادن در برابر رویدادهای پیش بینی نشده می تواند توان رقابت مراکز آموزش عالی و حرکت به سمت افزایش بازدهی ها در سطح جهانی را افزایش میدهد. (طیب، ۱۳۷۹، ص ۱۹)

- فرصت های متاثر از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی از پیامدهای مطلوب جهانی شدن است که عبارتند از: دسترسی به تعداد زیادی از افراد در یک زمان، مقرون به صرفه بودن و در نتیجه کاهش و ارزانی آن نسبت به شیوه های سنتی گذشته که از ویژگی های آموزش از دور است، غنی بودن مطالب و اطلاعات از نظر تصویری و تجسمی، دسترسی افراد به صورت فردی به اطلاعات از طریق نوارهای ویدئویی، دیسک یا لوح فشرده و ابزارهای رایانه ای، دسترسی به اطلاعات از طریق آرشیوها و بانکهای اطلاعاتی تعاملی، شبیه سازی و ایجاد انگیزه خلاقیت. (دلورز، ۱۳۸۰، ص ۳۷۶)
 - مشارکت و همکاری: با توسعه تکنولوژی و فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی این نگرانی برای افراد و موسسات وجود داشت که فناوری، حس همکاری و وحدت و ارتباط متقابل را کاهش دهد و ماشین آلات و دستگاهها جایگزین روابط انسانی شوند. اما بر عکس آنچه که پیش بینی می کردند رخ داد یعنی با وجودی که بشر قادر به مشاهده تغییرات تکنولوژیکی بود پیش بینی تاثیرات بلند مدت این تغییرات امری دشوار و سرشار از اشتباه به نظر می رسید و با توسعه فناوری ها اشتراک و وابستگی متقابل افزایش یافت.
- از نتایج آشکار افزایش ظرفیت مشارکت و همکاری، کاهش اهمیت موانع زمانی و مکانی و کاهش هزینه ی توزیع اطلاعات و برقراری همکاری بین گروههای آموزشی مختلف با سبک های کاری متفاوت و در بخشهای مختلف می باشد.
- از سوی دیگر موسسات آموزش عالی نیز با یکدیگر قادر به همکاری هستند. به عنوان مثال فعالیت های اداری در داخل موسسات آموزش عالی و بین این موسسات می توانند برای افزایش کارایی و کاهش هزینه ها با هم ترکیب شوند. بخش حسابداری، بخش تدارکات یا مرکز اطلاعات می تواند در خدمت افراد مختلف در مناطق گوناگون باشند و منابع کتابخانه ها نیز می توانند با سهولت بیشتری مورد استفاده اشتراکی قرار گیرند. (هیرش / وبر، ۱۳۸۱، ص ۹۱)
- البته این مشارکتها و همکاری ها نه تنها در روابط بین اساتید و دانشمندان و بخش های مختلف یک سازمان و یا بین سازمانها و نهادهای آموزشی مختلف توسعه یافته بلکه به توسعه روابط مراکز آموزش عالی و بخش صنعت و تجارت نیز کشیده شده است.
- در دهه گذشته شاهد افزایش تعداد دانشگاههای شرکتی و حرکت فزاینده ی دانشجویان و و اعضای هیئت علمی بین دنیای دانشگاه و شرکت بوده ایم. برای بعضی از شرکتها تاسیس دانشگاه فقط یک نام جدید برای یک وظیفه قدیمی است لیکن برای برخی، نشانگر درک سرعت تغییرات

دانش است. برای بعضی دیگر، میل به توسعه جهانی و نیاز به استانداردهای مشترک کارآیی و کنترل کیفیت را منعکس می کند.

بر خلاف دانشگاههای سنتی، این نوع دانشگاهها با فضای دانشگاهی، واحد درسی، مدرک و اعتباربخشی سروکار ندارند بلکه به شدت به فناوری جدید به عنوان وسیله تحول آموزش وابسته می باشد. هدف در صورت امکان، ارائه و دسترسی به آموزش و یادگیری در مکان های کار برای شاغلان است. (همان، ص ۹۵) و هدف در واقع به روز کردن تکنیک کارکنان یک واحد صنعتی و تجاری به روز است.

بین المللی شدن آموزش: از آن جایی که کلیه سازمانهای آموزشی از طریق شبکه های منسجم کامپیوتری مبانی ورود برون داد (مواد، آموزش، محتوا) به داخل سازمان و سپس به مشتری (دانشجویان) را متصل می سازد، این سازمانها قادرند ورودیهای خود را از نقاط مختلف دنیا وارد کرده و خروجی های خود را به بازار جهانی بفرستند و این امر یکی از شروط بقای این سازمانهاست و در این صورت دیگر جنبه محلی بودن خود را از دست می دهند. (بخشی و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۵۳)

خطرات و تهدیدات ناشی از توسعه فناوری در آموزش عالی

عجیب نیست اگر بگوییم که انسانها در مقابل هر تغییر و تحولی که در زندگی شان ایجاد می شود در ابتدا از خود مقاومت نشان می دهند و احساس می کنند که با تغییرات نظم و آرامش زندگی برهم می خورد. گاه بعد از درگیر شدن با تحولات به آرامش مجدد می رسند و گاه با دشواری هایی روبرو می شوند.

گسترش فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی نیز با احساس خطرهایی همراه است، که عبارت است از:

۱- نقش اساتید در دانشگاه است که از دو نظر قابل بررسی است: الف- این احساس خطر وجود دارد که نباید از کامپیوتر به عنوان نوش دارو در دانشگاه برای حل تمام مسائل و مشکلات استفاده کرد. هر چند که فناوری های اطلاعاتی می تواند نقش مهمی را در آموزش ایفا نماید اما اساتید نیز باید جایگاه ویژه خود را داشته باشند و رایانه تنها می تواند نقش اساتید را تغییر داده و امکان تمایز و طبقه بندی سطوح و مطالب آموزشی را ایجاد کند. (دلورز، ۱۳۸۰، ص ۳۵۳) ب- اعضای هیات علمی شاغل در رشته های مجزا و گروه های آموزشی دانشگاههای خاص - یعنی واحدهای سازماندهی اصلی دنیای علمی -، اجزای اصلی دانشگاهها در عصر جدید نیستند و در موقعیت آنها شاهد گروههایی از پژوهشگران متخصص رسانه و طراحان سیستم هستیم که همگی نسبت به دانشگاه های

سنتی، ظرفیت پذیرش ریسک های بزرگتر و حرکت سریع تری را دارند. و این مسئله موجب می شود که متاسفانه از اهمیت و ارزش دانشمندان و اساتید کاسته شده و در نتیجه اهمیت رشد علمی در جامعه کاسته شود.

۲- اثردیگری که تحولات تکنولوژی ایجاد می کند مشکلات مربوط به هزینه است که از سه نظر قابل بررسی است: اولاً تا به امروز کاربرد فناوری در کالج ها و دانشگاهها باعث افزایش هزینه شده است. زیرا توسعه و پیشرفت محصولات چند رسانه ای بسیار پرهزینه بوده و نیازمند سرمایه گذاری کلان است. با این حال احتمال دارد در بلندمدت صرفه جویی های اساسی بتواند امکان پذیر گردد. بدین ترتیب که فناوری را اکنون به نظام آموزشی موجود اضافه نکرده بلکه در طراحی مجدد سیستم، نظام های ارائه آموزش کاملاً جدید را اضافه کنیم که مخاطبان بسیار بیشتری را تحت پوشش قرار دهد. (هیرش /وبر، ۱۳۸۱، ص ۹۸)

ثانیاً در مورد هزینه ها این است که بازار بنیادی صنعت تولید محصولات چندرسانه ای در صورت سرمایه گذاری اقتصادی بسیار پر رونق است اما عدم وجود استاندارد در این بخش باعث عدم یکنواختی در کیفیت تولیدات چند منظوره شده است. به عنوان مثال انواع CD ROM در بازار موجود است و دیسک ها ظاهراً یکسان به نظر می رسند اما غالباً اینطور نیست (دلورز، ۱۳۸۰، ص ۳۶۸)

خطر سوم در ارتباط با هزینه های تولید تکنولوژی فناوریها تغییرات عمده و پرهزینه ای است که در کوتاه مدت قدیمی و مهجور جلوه می کنند به عنوان مثال مدت زمانی طول کشید تا کامپیوترها، مجهز به فناوری پنتیوم ۳ شدند و در همین زمان بود که فناوری پنتیوم ۴ با قابلیت های بیشتر به بازار آمد و کامپیوترهای موجود قدیمی شدند. این مثال بیانگر چالشهای بزرگی در مقابل برنامه ریزی است چون سازگاری با استانداردهای امروزی ممکن است صدها هزار و شاید میلیونها دلار هزینه داشته باشند ولی سه سال پس از آن نیز ممکن است همین استانداردهای جدید، قدیمی شوند. در یک جمع بندی میتوان گفت هزینه ها آموزش عالی را از سه جانب مورد تهدید قرار می دهند. اول سنگین بودن هزینه های مربوط به فناوری اطلاعات دوم تغییرات مداوم تکنولوژی ها که نیاز به تغییرات مستمر را ایجاد می کند و در مجموع فشار سنگینی تحمیل می کند که خیلی زود از ارزش آن کاسته می شود و سوم نداشتن استاندارد مناسب که موجب عدم اطمینان هنگام خرید محصولات می شود.

۳- گسترش تکنولوژی و توسعه فناوری در آموزش عالی موجب تفکیک وظایف و اهداف یادگیری است.

مؤسسات آموزش عالی سنتی نقش های متعددی ایفا کرده اند که بارزترین آنها عبارت است از آموزش، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی.

فضای دانشگاه مکانی را برای دانشجویان فراهم می آورد که در آن ارزشها را می آموزند و جایی که سبک های زندگی متجلی شده و مکانی است که عقاید اجتماعی، سیاسی، اقتصادی شکل می گیرند. این فرآیند گاهی به صورت آگاهانه ولی اغلب به صورت بخشی از مجموعه بزرگتر تقریباً تصادفی که آن را جامعه دانشگاهی می نامیم، اتفاق می افتد. یک دانشگاه در بهترین شرایط ممکن، دانشجویان را قادر می سازد که به عنوان انسانهایی کامل، عملکرد موثر و کارآیی داشته باشند. این نوع نگرش همه جانبه به یادگیری - که کسب دانش و رشد مهارتها را با رشد و تکامل شخصی پیوند می دهد - همان چیزی است که هدف آموزش دانشگاهی نامیده می شود.

فناوری جدید ارتباطی، تفکیک این کارکردها را مجاز می شمرد. این فناوری جدید تا اندازه ای به واسطه واقعیات و انگیزه های اقتصادی و تا اندازه ای به واسطه نیازها و خواسته های دریافت کنندگان خدمات و تا اندازه ای نیز به خاطر محدودیت های خود فناوری، خواستار تفکیک وظایف دانشگاه است. در نتیجه آموزش یا نشر دانش و مهارتها متمایل به جدا شدن از تولید دانش و پژوهش و همچنین انتقال اطلاعات نیز تمایل به جدایی از تحلیل و ترکیب دارد. (هیرش / وبر، ۱۳۸۱، ص ۹۳) و تفکیک نقش دانشگاه و تقلیل اهداف مراکز آموزش عالی موجب کاهش بهره وری و عملکرد این مراکز و در نتیجه کاهش ارزش مراکز علمی و کالج ها و دانشگاهها می شود.

این مسئله موجب می گردد روشهای سنجش کیفیت در مراکز سنتی آموزش عالی کاملاً با روشهای سنجش کیفیت ارائه کنندگان آموزش مجازی و آموزشهای عصر جدید متفاوت باشد چرا که وقتی یادگیری همه جانبه نیست نمیتوان بین کیفیت داده ها و اطلاعات و دانش و خردمندی و پیامدهای طولانی مدت آموزش تمایز قائل شد و این خطر بزرگی است که آموزش عالی را تهدید می کند.

۴- از خطرات دیگری که با توسعه فناوری در مراکز آموزش عالی ایجاد می شود این است که این مراکز قبل از پدیده جهانی شدن به صورت مستقل عمل می کردند اما امروزه نیاز دارند که بخش عمده نظام خود را با همکاری شرکت های بیرونی - که سیستمهای اداری و کامپیوترهای دانشگاهی را پشتیبانی کرده اند - طراحی نماید. (راولی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۵۳) و پیدایش این وابستگی مشکلات و محدودیتهای خاص خود را ایجاد می کند.

۵- در مورد نحوه استفاده از فناوری اطلاعات در دانشگاه نیز این معضل وجود دارد که در عصر

سنتی هر رشته متناسب با محتوا و تخصص خود شرایط ویژه ای داشت که در رشته دیگر این

شرایط موجود نبود اما با ورود فناوری و تکنولوژی به عرصه دانشگاهها به دلیل ثابت بودن فناوری موجود در هر دوره خاص، تقریباً دستورالعملهای مبتنی بر رشته های مختلف یکسان شده و جایگاه تخصصی هر رشته، موقعیت خود را از دست داده است. برای مثال می توان گفت که رشته شیمی، فیزیک، ریاضی و حقوق هر کدام نیازمند کلاسی خاص با ترکیبی متفاوت از نظر عملکرد در کلاس می باشند اما در صورتی که این مباحث بخواهند به وسیله کامپیوتر و مجازی ارائه شوند تقریباً نیاز است که به صورت یکسان منتقل شوند و این مسئله دانشجویان را از دنیای واقعی علوم متفاوت جدا ساخته و در نتیجه بر عمق واقعی یادگیری اثر منفی می گذارد.

در یک جمع بندی می توان گفت که پدیده جهانی شدن و ورود فناوریهای جدید اطلاعاتی / ارتباطی در جامعه آموزشی احساس خطرهایی ایجاد می کند که شامل:

- ریسک پذیری موقعیت اساتید و اندیشمندان
- تغییر در هزینه ها و گسترش آنها
- تفکیک وظایف و نقش های آموزش عالی و کاهش بازدهی این مراکز
- کاهش استقلال دانشگاهها
- کاهش عمق یادگیری دانش پذیرها

ناگفته نماند در آینده، مسئله این که در قرن بیستم چه مشکلات و دشواریهایی وجود داشت یک موضوع آسان خواهد شد که آموزش عالی مانند گذشته، آنرا صرفاً با تغییر مداوم و اندک، جذب و هضم خواهد کرد. با وجود این ممکن است که در سالهای آینده شاهد دگرگونی بنیادی باشیم که برای همیشه تاریخ کالج ها و دانشگاهها و ارتباط آنها با جامعه را تغییر خواهد داد.

بخش ششم: جهانی شدن و پژوهش در آموزش عالی

آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی سه رسالت اصلی و بنیادی دانشگاه است (هیرش/ وبر، ۱۳۸۰، ص ۸)

دانشگاه ها طی سالها مطابق با اصول ارزشمندی، سازماندهی شده و توسعه یافته اند. «هیچ چیز به اندازه اظهارات ساده ویلهلم ون هامبلد^[۱] این اصول را متجلی نمی سازد: اول این که پژوهش و آموزش باید از هم تفکیک ناپذیر باشند. پژوهش، قابلیت و انگیزه لازم را برای آموزش به وجود می آورد و آموزش ایده های جدیدی را برای برنامه های پژوهشی به ارمغان می آورد. دوم این که فضایی آزاد و خالی از تعصب باید بر دانشگاه حاکم باشد. استقلال، دانشگاهیان را در برابر فشار

^۱ - Wilhelm van Humboldt

های خارجی غیر موجه حمایت می کند و آزادی، به کنجکاوی ذاتی و خلاقیت آنها اجازه رشد و بالندگی می دهد» (همان، ۱۶۲)

پس آموزش و پژوهش از اهداف اصلی آموزش عالی محسوب می شوند که جدایی ناپذیرند و نیازمند استقلال و عدم وابستگی می باشند تا بتوانند عملکرد صحیحی داشته باشند.

اهمیت پژوهش مراکز آموزش عالی

با گسترش سرعت تغییر و تحولات زندگی بشر در عصر جهانی شدن و پیدایش شرایط متغیر زندگی و عدم آمادگی افراد در رویارویی با این تغییرات، پژوهش و تحقیق دانشگاه ها عاملی مثبت در رفع مشکلات جامعه محسوب می شود.

بنابر این یکی از راه های ارتقای منزلت دانشگاه ها و تعامل بیشتر با جامعه، تحقیق است. در هر جامعه ای دانشگاه ها باید نیروی اصلی در تشخیص مسائل اجتماعی، بررسی آن مسائل و ارائه راهکار برای حل آن باشند. علاوه بر این دانشگاهیان باید یافته های خود را با بازتابی ساده برای عموم بیان کنند. تا پژوهش و تحقیق با رفع مشکلات جامعه، روز به روز جایگاه خود را در ابعاد مختلف زندگی بشر پر رنگ تر نموده و احساس نیاز به مراکز آموزش عالی گسترش یافته تا دانشگاه و دانشگاهیان به منزلت پویای اجتماعی خود دست یابند.

یکی از فواید تحقیق در مراکز آموزش عالی این است که «به طور سنتی پژوهش در دانشگاه ها امری بنیادی، خاتمه ناپذیر و مستقل است، اهمیت خاتمه ناپذیری به اندازه ای است که انتشار کتب و تالیفات، هنوز هم معیار اصلی موفقیت در دانشگاه محسوب می شود» (همان، ۱۶۲)

پژوهش یک سرگرمی ذهنی بی نتیجه و بی حاصل نمی باشد بلکه هدفمند است. از پژوهش انتظار می رود که تولید دانش نماید، ابهامات علمی را بر طرف سازد و به نوآوری بپردازد. نتایج فرایند نوآوری که همانا ایده های نو است از دو طریق قابل انتقال است یکی از طریق انتشار مقالات که البته به خودی خود هدف نیست بلکه یک پل ارتباطی با پژوهشگران فعلی و آینده می باشد دیگری از طریق تفکر و تعقل است.

دانشجویان مخصوصا دانشجویان تحصیلات تکمیلی در پروژه های پژوهشی شرکت دارند و باعث انتقال دانش جدید می شوند. خروج دانشجویان از دانشگاه و ورود آنها به بخش صنعت موجب انتقال بسیاری از تجربی است که تالیفات اساتید به تنهایی قادر به انجام آن نیست. و این مسئله یکی از عواملی است که به رشد اقتصادی کمک می نماید.

- پژوهش از راه های دیگری نیز بر رشد اقتصادی اثر می گذارد. دکتر ریچارد اتکنسیون رئیس دانشگاه کالیفرنیا در پژوهش که همراه با تعدادی از اقتصاد دانان در ارتباط با نقش پژوهش در اقتصاد منطقه ای انجام دادند تئوری جدید رشد را ابداع کردند و نشان دادند پژوهش مهمترین عامل توسعه اقتصادی و رشد نرخ اشتغال است. و این کار از راه های زیر صورت می گیرد:
- ۱- آموزش دانشجویان به دسترسی به صنایع تکنولوژی پیشرفته و حمایت موثر از فعالیت های آنان جهت ترغیب به فعالیت های نوآورانه و تکنولوژیکی
 - ۲- نظارت در برگزاری سمینارها، کنفرانسها، سخنرانیها و برنامه های درسی جهت انتقال اطلاعات جدید درباره تکنولوژی پیشرفته و آموزش مادام العمر
 - ۳- همکاری با صنایع، شرکتهای تازه تاسیس برای کسب سرمایه و کمک به ساخت شبکه های موثر و کارآ با تکنولوژی پیشرفته
 - ۴- انتقال نتایج حاصل از پژوهشهای بنیادی و یا کاربردی به شرکتهای تجاری بهره برداری تجاری شان. (همان، ص ۱۵۹)

اهمیت دانشگاه های پژوهشی از جنبه های دیگر نیز قابل بررسی است از جمله افزایش ظرفیت و توانایی برای بقا و سازگاری در مسائلی همچون حفاظت از محیط زیست و تحقیق پیرامون مسائلی همچون هوای تمیز، آب پاکیزه، حفاظت از خاک که متناسب با دانشکده های مختلف علوم انسانی، علوم طبیعی و حتی دانشکده های فنی - مهندسی که هر کدام متناسب با تخصص خود به فعالیت پژوهشی مشغولند. از جمله این دانشگاه ها می توان پژوهشکده دانش های بنیادی، پژوهشکده مهندسی زلزله، پژوهشکده هوا و فضا، پژوهشکده اقیانوس شناسی را می توان نام برد که بر تولید دانش، کمک به حل مسائل و مشکلات فنی و علمی و بعضاً تربیت دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی تمرکز دارند.

ویژگی های پژوهشی در دانشگاه آینده

- جهانی شدن و توسعه اطلاعات و ارتباطات، تحقیق و پژوهش در آموزش عالی را نیز تحت الشعاع خود قرار داد که در این راستا می توان به موارد زیر اشاره نمود:
- ۱- مشارکت فعال در زندگی اجتماعی از ویژگی های نسل امروز است که زمینه ساز سر بلندی در دهکده جهانی است و مراکز آموزش عالی پژوهشی می توانند در پیدایش و تقویت روحیه مشارکت در دانشجویان به ویژه جوانان بسیار موثر باشند. اگر اعضای هیات علمی، اکتشاف و پژوهش را از طریق پروژه های مشارکتی در اختیار دانشجویان قرار دهند و این قبیل تجربه های

یادگیری را از طریق ابزارهایی نظیر شبیه سازی ، آزمایشها ، کارورزیها یا توضیحات نرم افزاری تشویق کند ، آنها درک و فهم را به نحوی توسعه می بخشند که پژوهش منجر به سعی و کوشش دانشجویان ، بر اساس میزان استعداد و درک خود آنها صورت می گیرد و این عاملی مثبت در رشد توانمندیهای دانش پژوهان محسوب می شود .

۲- حل بحرانهای جهانی نیز نیازمند تشریک مساعی پژوهشگران فراتر از تخصص آنهاست ، تخصص هایی که در عصر صنعتی شدن پیشرفتهای بزرگی را ممکن ساخت .

به تعبیر دوتوکویل^{□□} مسائل برای فهم عمومی بسیار پیچیده شده اند ما به صلاحیت های جدیدی برای مواجه با پیچیدگی نیاز داریم که نیاز مند سبب چشم انداز پژوهش در دانشگاه است . گیبونز^{□□} نیز پیش بینی می کند اشکال جدیدی از پژوهش ناب که حاصل ازدواج تجارب علوم طبیعی با علوم اجتماعی است ظهور می یابند . از نظر وی دانشگاه سبک^{□□} دانشگاهی است که در صنعت ، حکومت، جامعه مفید و دارای کاربرد است . این دانشگاه همه رشته های موجود را در خدمت حل یک بحران و مشکل به کار می گیرد و خواهان هم کنشی با دیگران است همچنین در جستجوی توسعه دانش است تا نیازهای تعریف شده را پیدا کند . (ذاکر صالحی ، ۱۳۸۴، ۱۳۵)

پژوهش تک رشته و چند رشته ای نیست بلکه فرا رشته ای است . دانشگاه این کار را به صورت غیر سلسله مراتبی با ساختارها و سازمانهایی که ناپایدار و غیر رسمی اند انجام می دهد . تیم های حل مساله در دانشگاه سبک به مشارکت تنگاتنگ دانشمندان علوم اجتماعی ، حقوقدانان ، مهندسان ، دانشمندان علوم طبیعی و حتی سیاستمداران نیاز دارند .

بنابراین در دانشگاه آینده پژوهش ها به صورت میان رشته ای و فرا رشته ای صورت می گیرد . به عقیده اسمار (۲۰۰۳) این امر معلول طوفان در حوزه ی نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی اطلاعات است . در چنین شرایطی حرکت دانشگاه ها بر مبنای یک دیسپلین ، حرکت در زمین ناهموار است لذا لازم است تعدادی از دانش ها را در هم ادغام کنند (همان، ۱۳۳)

۳- علاوه بر روش کار در موسسات پژوهشی و مشارکت متخصصین رشته های مختلف در پژوهشهای آموزش عالی عامل دیگری که تغییر در دانشگاه آینده را عنوان می کند حضور اینترنت است .

□ -De Tocqueville
□ - Gibbons
□ - Tramsdinciplinary

از کارکردهای اینترنت این است که به مفهوم گروه تحقیق بعدی جهانی می بخشد ، به کمک این شبکه ، پژوهشگران می توانند بدون آن که لازم باشد در مکان واحدی گرد آیند و به همکاری ، مبادله آراء و نتایج و حتی انجام دادن آزمایشها و شبیه سازی مشترک بپردازند از طریق این شبکه می توان اطلاعات مکتوب ، عکس یا تصاویر متحرک و صدا را منتقل ساخت این مسئله فرصت چشمگیری در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می دهد به گونه ای که امروزه پژوهشگران این کشورها بدون مواجه شدن با مشکلات ناشی از بعد مسافت می توانند به طور مستقیم و روزمره با هم قطاران خود در دیگر کشورها به همکاری بپردازند . (طیب، ۱۳۷۹، ص ۳۳)

از جمله شبکه های تحقیقاتی پیشرو در همکاری های بین المللی دانشگاه ها می توان به www.plonetlab.org اشاره نمود که زمینه ساز روابط رشته های تخصصی مختلف در بین دانشمندان تمام نقاط زمین است.

۴- ویژگی دیگر پژوهش در دانشگاه آینده ، بزرگ مقیاس شدن پروژه ها ست . پژوهش در حال حاضر اطلاعات جزئی و ناچیزی در اختیار ما قرار می دهد که در پروژه های در مقیاس جهانی کاربرد ندارند .

ریچارد^{□□} (۲۰۰۲) زمینه ها و مفهوم پژوهش بزرگ مقیاس^{□□} را توصیف می کند . به اعتقاد او بحرانهای جهانی و در کنار آن فناوری اطلاعات ، شبکه موضوعات جهانی را خلق می کنند تا بتوان حکومت و جامعه مدنی و نهادهای آموزشی و تجاری را بسیج کرد. از نظر وی متناظر با شبکه موضوعات جهانی ، دانشگاه به دنبال راه حل مشکلات جهانی است . (ذاکر صالحی ، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴)

این دانشگاه با رسیدگی به اوضاع اجتماعی و سیاسی که نیازمند مشاوره با گروه های مختلف علاقمند و حتی تمام مردم است ، نقش پژوهش در ایجاد یک سیستم آموزش مادام العمر واقعی و جهانی که در خدمت همه مردمان روی سیاره زمین است ، پر رنگ می کند .

تحقیقات مقیاس بزرگ به وسیله مجموعه ای از تقاضاهای اجتماعی و روشنفکرانه که پیچیده تر و متنوع ترند تعریف می شوند و در عین حال که با خود تحقیقات خاص و پایه را هم ارتقا می دهند . بنابر این پیوسته ساختارهای تئوریک ممتاز خود و روشهای تحقیق و سبک های تمرین و رویه های خود را توسعه می دهند. روشها و سبک هایی که به یک رشته علمی تعلق ندارند .

۵- پیچیدگی روز افزون پژوهش و همچنین ضرورت بهبود کیفیت برنامه های آموزشی در دانشگاه آینده در حال ایجاد شکافی روز افزون میان فعالیت های آموزشی و فعالیت های پژوهشی-

□ - Richard
□ - Mega research

حداقل در سطح تحصیلات تکمیلی - می باشد پژوهش چه توسط دولت تامین بودجه شود چه توسط بخش خصوصی، بیشتر در موسسات تخصصی انجام خواهد گرفت و موسساتی برنامه های آموزشی در سطح کارشناسی را ارائه می دهند که فرهنگ آموزش برتری را توسعه دهند. دانشگاه های پژوهشی ممکن است خود را صرفاً به آموزش پژوهشگران جوان محدود نمایند که این امر بر خلاف الگوی هامبولت (الگوی تلفیق آموزش و پژوهش) و این روند به منزله پایان حیات دانشگاه است. (راوولی و همکاران، ۲۸، ۱۳۸۲)

۶- پیدایش رقابت در دانشگاه های آینده، ویژگی دیگر این مراکز آموزشی - پژوهشی است. از آنجا که دانشگاه در یک بازار رقابتی و شفاف برای نوآوری و انتقال دانش فعالیت می کند در صورت عدم تضمین استانداردهای کیفی، بهترین مشتریان بالقوه خود را از دست می دهد و این روند، موسسات را وادار به متمرکز شدن در رشته های خاصی که در آنها از وجهه ی خوبی برخوردارند کرده و حتی آنها را با موسسات مکمل^{□□} ادغام می کند. (هیرش / وبر، ۱۳۸۱، ص ۱۱) با پیدایش رقابت و گرایش به تجاری سازی^{□□}، نتایج پژوهش نیز به منظور افزایش درآمد دانشگاه ها، موضوع معروف استقلال پژوهشگر، در خصوص انتخاب موضوع، صحت یافته ها و انتشار و به کارگیری نتایج بدست آمده را تحت تاثیر قرار می دهد.

۷- محیط تحقیق که طی سالها در دانشگاه شکل گرفته است، در ساختارها، فرایندها و مهمتر از همه در ذهنیت افرادی که با تحقیق و پژوهش سر و کار دارند تثبیت شده است. با این حال پیدایش دو تحول جدید دیگر دانشگاه های پژوهشی آینده را تحت تاثیر خود قرار می دهد. اول آن که نتایج پژوهش و کاربردهای بالقوه نوآوری از لحاظ اقتصادی، رفته رفته ارزشمند می شوند و منافع اقتصادی به قدری زیاد می شود که شرایط را کاملاً دگرگون می سازد و دوم آن که فرصت های انجام و انتشار نتایج پژوهش در حال کاهش می باشد. نتایج پژوهش باید بی درنگ منتشر گردند در غیر این صورت ارزش خود را از دست خواهند داد. (همان، ۱۶۴) این دو تحول جدید، بازار پژوهش بسیار رقابتی و پویایی را به وجود می آورند.

بخش هفتم: تحقیقات در داخل و خارج از کشور

مروری بر مطالعات فلسفه جهانی شدن، حاکی از آن است که بحران جهانی آموزش عالی بیش از آنچه ناشی از واقعیت های بد و ناگوار در این نهاد باشد، به نحوه ی فهم ما از فرایند « انتقال » آموزش عالی به مرحله ی تازه ای در تاریخ حیات خود و تلاش آن برای « سازگارشدن » با مجموعه ی فرایندهای

□ - Complementary Institutions
□ - Commercialization

اجتماعی جدید جهان مرتبط است درک وضعیت جدید جامعه انسانی بسیار پیچیده و دشوار است و از آن پیچیده تر درک نهادی است که رسالت آن شناخت این پیچیدگی ها و معماهاست. از این رو ماهیت بحران جهانی آموزش عالی ماهیتی شناختی و معرفتی است و فهم آموزش عالی جدید و تحولات آن را بسیار مشکل ساخته است.

تحقیقات در داخل کشور

حمید جاودانی در مقاله ای با عنوان « جهانی شدن و آموزش عالی، گسست میان نظریه تا کنش » که با هدف مطالعات مقدماتی برای تدوین برنامه پنجم توسعه کشور در بخش آموزش عالی صورت گرفته، برای درک مفهوم پیچیده جهانی شدن در آموزش عالی از آن به مثابه ی بین المللی شدن دانشگاه ها یاد کرده و فرایند تاریخی آن را بررسی نموده و سپس برای گسترش مفهوم نظری به عرصه ی کنش، آثار و پیامدهای این پدیده را در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه و نهاد های بین المللی مورد واکاوی قرار داده و در پایان به منظور کاربردی تر ساختن یافته های پژوهش خود در عرصه ی ملی، وضعیت نظام آموزش عالی ایران را در فرایند جهانی بین المللی شدن بر مبنای فرا تحلیلی آسیب شناختی مورد مطالعه تطبیقی با دو رویکرد اساسی جامعه دانش و جامعه اطلاعاتی قرار داده است. (بر گرفته از

www.journal.irphe.ir)

مرجان شمشیری در مقاله ای با عنوان « جهانی شدن و تاثیر و تاثر آن بر نظام آموزش عالی »، نظام آموزش عالی کشور را ملزم به گذار از رویکرد سنتی در تعلیم و تربیت، به رویکرد نوین آن نموده که با گذر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی، دستیابی به جامعه دانش بنیاد امکان پذیر می شود و فرایند یادگیری کلید ورود به جامعه دانش بنیاد است، چرا که از طریق یادگیری هر فرد قادر به ساختن دانش و تولید آن است و تنها با چنین رویکردی به مسائل تعلیم و تربیت، در عرصه جهانی شدن یارای مقاومت است. (شمشیری، ۱۳۸۴، ص ۶۱۱)

عذرا زارع با هدف بررسی موانع بین المللی سازی برنامه های درسی آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیئت علمی، به روشی توصیفی پیمایشی و با نمونه گیری ۲۰۰ نفر به صورت طبقه ای تصادفی، عوامل فرهنگی، انسانی، ساختاری، سیاسی، مالی، تجهیزاتی، روشهای تدریس و محتوا را به عنوان موانع بین المللی سازی برنامه درسی در آموزش عالی شناسایی نموده است. (برگرفته از www.farhangeiran.ir)

رضا نوروززاده در پایان نامه خود با عنوان « طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه ریزی درسی آموزش عالی برای دانشگاه های ایران » اصلی ترین رسالت مورد انتظار آموزش عالی ایران را به دلیل مزیت ها و فرصت های منحصر به فردی که دارد، طرح ریشه ای نوین برای برون رفت از بحران معرفتی کنونی جهان و ارائه الگویی نوین برای توسعه همه جانبه و پایدار و تربیت انسانهایی فرهیخته برای ایفای چنین

نقشی معرفی می کند و معتقد است چون هزاره ی جدید ، هزاره ی اندیشه است ، لازمه توسعه یافتگی و برتری در این هزاره توانمندی برای ارائه راه حلی جامع و یکپارچه برای رفع مشکلات همه بشریت است .
(برگرفته از www.noormage.com)

حمید رضا آراسته ، مهدی سبحانی نژاد و رضا همایی در مقاله ای با هدف بررسی وضعیت دانشگاه های شهر تهران در عصر جهانی شدن از دیدگاه دانشجویان و با گردآوری نظریات هشتصد نفر از دانشجویان در شش دانشگاه ، افزایش دسترسی به آموزش عالی و تاکید بر کمیت بدون توجه کافی به کیفیت را در شش محور تسلط علمی و فنی استادان ، مناسب بودن محتوای درسی استادان ، تناسب شیوه های تدریس ، ارزیابی پیشرفت تحصیلی دانشجویان ، دسترسی به منابع علمی و فضای فیزیکی را بررسی نموده اند و پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت دانشگاه ها در عصر چالش برانگیز جهانی شدن ارائه داده اند.
حمید رضا آراسته در مقاله ای با عنوان « ضرورت به کارگیری شیوه های نوین در میان مدیران دانشگاه های کشوری، براساس پرسشنامه روشهای رهبری و با جامعه آماری ۹۶۰ نفر از اعضای شوراهای دانشگاه های کشور ، چهار عامل قدر شناسی ، مشارکت پذیری ، نوآوری و الگو قرار گرفتن را شناسایی نموده است .(برگرفته از www.modiriran.ir)

نقیسه رفیعی در مقاله ای با عنوان جهانی شدن و تاثیر آن بر نظام آموزش عالی، رعایت اصول زیر را در یک نظام آموزشی پویا و خلاق موثر شناخته است:(رفیعی، ۱۳۸۴، ص ۸۲۷)
۱- تئوری بی نظمی : نظم غایی را در نوعی بی نظمی جستجو می کند و احتمالات را جایگزین قطعیت های ایده آلی و نظری می نماید.

۲- آینده نگری و آینده سازی : باشناخت آینده به نوعی عمل انفعالی برای استقبال آینده رفتن
۳- مدیریت کار آفرین : در آموزش عالی بر آوردن نیاز فراگیران ، متبلور ساختن ارزشهای کیفی ، آموزش مستمر همه افراد و هر فردی در بهبود مداوم ، فرایندی منظم و سیستماتیک را مورد استفاده قرار دهد.

۴- خاصیت هولوگرافیک : سازمان همچون مغز نظامی تحلیل گر است که اطلاعات را دریافت داشته و آن را تجزیه و تحلیل کرده و مورد استفاده قرار دهد.

۵- سازمان زیستی نه مکانیکی : در سازمان مکانیکی روابط رسمی ، بازدهی و کارایی، ارتباطات عمودی و سلسله مراتبی وجود دارد. سازمان زیستی ، ارتباطات سازمانی و کوتاه شده و لزوما سلسله مراتبی نیستند و ساختار از انعطاف کافی برخوردار بوده و قادر به تغییر در برابر محیط متغیر خارجی است . مسئولیت جمعی به گونه ای که همه خود را در برابر هدف سازمان متعهد می دانند .

۶- تعقل جوهری داشتن: توجه به جنبه های اخلاقی و فرهنگی سازمان

۷- ماهیت اقتصادی داشتن: ماهیت چندبعدی داشتن و تبعیت از اصل اقتصادی در این ساختار ضروری است. (رفیعی، ۱۳۸۴، ص ۸۱۷)

سکینه شاهی، عبد الرحیم نوه ابراهیم و یدالله مهر عزیزاده در مقاله ای با عنوان «ارتباطات گشوده آموزش عالی، ضرورت رویارویی با چالشهای جهانی شوندگی» از تاثیر ارتباطات و فناوری در توسعه و دگرگونی آموزش عالی بحث نموده اند و ارتباطات سازمانی را رگهای حیاتی آموزش عالی ذکر نموده که متضمن ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش دانشگاهی هستند و نقش تبادل اطلاعات و تسهیل جریان امور سازمان را چه در درون و چه در بیرون از سازمان بر عهده دارند و در نهایت ساختار سازمانی دانشگاههای دولتی کشور را در حال تقویت زیر ساختهای ارتباطی خود یافته اند. زهرا کریمیان در پایان نامه خود با عنوان «بررسی موانع فعالیت های تحقیقاتی دانشگاه از دیدگاه اساتید هیئت علمی» که به روش توصیفی همایشی وبا جامعه آماری ۵۵۰ نفر از اعضای هیئت علمی صورت گرفت به این نتیجه دست یافت که موانع مالی بیشترین و موانع سیاسی کمترین اثر را در فعلیت های تحقیقاتی دارند. (شاهی و همکاران، ۱۳۸۷)

تحقیقات در خارج از کشور

رونالد بارنت از صاحب نظران برجسته مطالعات آموزش عالی معتقد است مهمترین بحران در آموزش عالی مربوط به شیوه ای اس که ما آموزش عالی را فهم می کنیم و مربوط به اصول بنیادینی است که به نحوه سنتی ایده آموزش عالی بر آناستوار گشته است و مربوط به شیوه و روشی است که این اصول امروز کوچک و کم ارج شده اند. (برگرفته از www.glollo.blogfa.com)

دانیل بلوندل در مقایسه وظایف آموزش عالی قبل و بعد از جهانی شدن می نویسد: به طور کلی سه وظیفه بر عهده آموزش عالی گذاشته شده اند. دو تا از این وظایف سنتی هستند که از یک سو مستلزم تحقیق و توسعه و از سوی دیگر نیازمند تربیت مدرسان می باشد و هر دوی اینها بیش از هر زمان برای توسعه ضرورت دارند و وظیفه سوم که جدید تر است و اهمیت فزاینده ای را به خود اختصاص می دهد در بر گیرنده تامین شرایط کیفی جدید اقتصاد های امروزی از طریق آموزش حرفهای دانشمندان و تکنسین ها با آخرین تکنولوژی ها و آموزش حرفه ای مدیران و گردانندگان، در زمینه کنترل و اداره نظامهایی هستند که پیچیدگی روز افزونی دارند.

- ورنرزد، هیروش و لوک ای وبر معتقدند که وضعیت و آینده آموزش عالی می تواند از طریق سه اقدام متوالی زیر به بهترین نحو مورد بررسی و کند و کاو قرار گیرد:
- بیان ارزشها و رسالت علمی موسسه های آموزش عالی
 - تعریف سناریو های معتبری از محیط عمومی که این موسسه ها آن را برای انجام رسالت علمی خود مناسب می بینند.
 - ایجاد و توسعه راهبرد هایی که زمینه تحقیق رسالت دانشگاه ها را فراهم می آورد.
- چالزاف . کنل در مقاله ای با عنوان چالشهای کتابخانه ای پژوهشی در عصر اطلاعات آورده است:
- نظامهای پایدار انتشارات علمی، تقاضای فراینده از کتابخانه های دانشگاهی در عصر اطلاعات موجب افزایش قیمت کتاب و ایجاد بحران فراروی موسسات علمی پژوهشی گردیده است و لازم است با مدیریت اطلاعات دیجیتالی این مشکل حل شود.

فصل سوم :

روش تحقیق

مقدمه

متدولوژی راهی است فرا روی محققین دیگر تا با پیروی از آن به نتایج مورد اعتبار دست یابند. اعتبار تحقیق بسته به روشی است که در فرایند تحقیق از آن استفاده شده است و در واقع آنچه کمک می کند تا پژوهش آنگونه که شایسته است اجرا شود و به هدف اصلی اش نزدیکتر گردد. در این فصل به مطالعه روش و طرح تحقیق، جامعه آماری و نمونه آماری، ابزار جمع آوری اطلاعات، روش گرد آوری اطلاعات و داده ها، روش تجزیه و تحلیل و تکنیک های آماری مورد استفاده، سنجش قابلیت اعتماد یا روایی ابزار جمع آوری داده ها و پرسشنامه تحقیق و در انتها به سنجش اعتبار یا پایایی ابزار جمع آوری داده ها و پرسشنامه تحقیق پرداخته شده است.

روش تحقیق

در این تحقیق از دو راهبرد کمی و کیفی جهت دستیابی به تهدیدات و فرصت های جهانی شدن بر آموزش عالی استفاده گردید.

ابتدا در روش کیفی، طرح تحقیق و نحوه گرد آوری داده ها به صورت توصیفی - تحلیلی صورت گرفت و باخلاصه کردن اجزایی از منابع مختلف که مهم و مناسب و مرتبط با موضوع جهانی شدن و آموزش عالی بودند طرح آغاز و با گروه بندی این یافته ها در کنار یکدیگر نتایج تازه ای به دست آمد.

در مرحله بعد به روش کمی (توصیفی - پیمایشی) از طریق پرسشنامه نظرات متخصصان در زمینه جهانی شدن و هر یک از تهدیدات و فرصتهای فوق مورد بررسی قرار گرفت.

جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری در مرحله اول تحقیق شامل کتابهایی که به بررسی جهانی شدن پرداخته و یا پیرامون آموزش عالی و تغییر و تحولات آن نسبت به نظام سنتی مطالبی نگاشته و بررسی و تحلیل مقالاتی که در این زمینه در مجلات معتبر علمی نوشته شده و یا در سمینار ها و کنفرانسها ارائه گردیده و استفاده از سایتهای معتبر اینترنتی بود.

جامعه آماری در مرحله دوم تحقیق شامل کلیه اساتید دانشکده های روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه های دولتی شهر تهران است که دارای مدرک فوق لیسانس یا دکتری در یکی از شاخه های علوم تربیتی باشند و پیرامون جهانی شدن کار کرده باشند. با توجه به این که مرکز مپمژ جهت معرفی این جامعه وجود نداشت در ابتدای امر جامعه نداشتم و به کلیه کسانی که در این زمینه تجربه

داشته و یا جهت سخنرانی و ارائه مقاله در همایش ها شرکت کرده اند و در دسترس بوده اند مراجعه شد.

روش نمونه گیری به صورت هدفمند و نمونه گیری گلوله برفی صورت گرفت . در روش نمونه گیری هدفمند بر اساس معیارهای ذیل نمونه از بین جامعه آماری انتخاب گردید .

- داشتن آثاری در زمینه جهانی شدن مثل کتاب و مقاله در مجلات داخلی یا خارجی

- شرکت در همایشها ، کنفرانس های داخلی یا بین المللی یا نشست ها و سخنرانیها

- داشتن تجربه در زمینه پدیده جهانی شدن

سپس هر کدام از نمونه ها در صورتی که افرادی را با توجه به معیارهای فوق می شناختند به محقق معرفی می کردند که در نهایت ۳۰ نفر انتخاب شدند و از بین ایشان ۲۵ نفر پرسشنامه را تکمیل و

عودت دادند و بر اساس تعداد فوق بررسی آماری صورت گرفت .

ابزار و روش جمع آوری داده ها

محقق ابتدا با مراجعه به کتابخانه ها و مراکز تحقیقاتی و مطالعه کتابهایی که به بررسی جهانی شدن پرداخته و یا پیرامون آموزش عالی و تغییر و تحولات آن نسبت به گذشته و نظام سنتی مطالبی نگاشته ، کار خود را آغاز نمود و با بررسی و تحلیل مقالاتی که در این زمینه در مجلات نوشته شده و یا در سمینار ها و کنفرانسها ارائه گردیده و با استفاده از سایتهای معتبر اینترنتی ، به گرد آوری اطلاعات پرداخت و با تحلیل محتوای اطلاعات بدست آمده تهدیدات و فرصتهای ناشی از پدیده جهانی شدن در آموزش عالی را استخراج نمود .

در مرحله بعد با تهیه پرسشنامه محقق ساخته با مقیاس پنج گزینه ای لیکرت ، در چهار حیطه

مدیریت ، برنامه ریزی ، فناوری و پژوهش کار خود را دنبال نمود.

این پرسشنامه شامل هشتاد و یک سؤال به گونه ای طراحی شده که پاسخ دهنده به هنگام مطالعه هر مورد ، نظرات خود را در زمینه گزاره های مطرح شده به عنوان فرصت یا تهدید و یا هر دو ، بر مبنای مقیاس لیکرت (بسیار کم ۱، کم = ۲ ، متوسط = ۳ ، زیاد = ۴ و بسیار زیاد = ۵) با توجه به مطالب مندرج در جدول بررسی نموده و دید گاه تخصصی خود را در زمینه گزاره های مطرح شده تحت عنوان فرصت یا تهدید بیان نمایند .

سوالات یک تا بیست و نه تاثیری است که جهانی شدن بر برنامه ریزی آموزش عالی گذاشته و

تغییر و تحولاتی را ایجاد نموده است . سوالات ۳۰ تا ۵۰ شامل اثراتی است که جهانی شدن بر

مدیریت آموزش عالی گذاشته و سوالات پنجاه و یک تا شصت و شش به بررسی تاثیرات جهانی

شد و توسعه تکنولوژی و فناوری در آموزش عالی ایجاد نموده پرداخته و سئوالات شصت و هفت تا هشتاد و یک پیرامون اثر جهانی شدن بر پژوهش و تحقیق در آموزش عالی طراحی گردید. متخصصین به اظهار نظر در این راستا پرداخته اند که هر یک از تغییرات ایجاد شده به عنوان فرصت یا تهدید و یا هر دو برای آموزش عالی محسوب می شوند و درجه شدت وضعیت تهدید و یا هر دو برای آموزش عالی محسوب می شوند و درجه شدت و ضعف تهدید یا فرصت را از دیدگاه خود بیان نموده اند.

سنجش روایی و پایایی پرسشنامه

برای بررسی روایی پرسشنامه ارزش روایی صورتی استفاده شد. ابتدا پس از تهیه پرسشنامه اقدام به کسب نظر متخصصین آکادمیک شد و به همین منظور محقق آن را به رویت چند تن از اساتید محترم از جمله استاد راهنما و مشاور رسانید و طبق نظرات آنها، اصلاحات انجام گرفت. پایایی ابزار عبارت است از این که اگر یک وسیله اندازه گیری که برای سنجش متغیر و صفتی ساخته شده، در شرایط مشابه در زمان یا مکان دیگر مورد استفاده قرار گیرد، نتایج مشابهی از آن حاصل شود. یکی از روشهای محاسبه ضریب پایایی، استفاده از آلفای کرونباخ[□] است که بسیار مورد استفاده قرار می گیرد و با استفاده از نرم افزار SPSS نیز قابل محاسبه است. در این پژوهش طبق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ میزان پایایی کل پرسشنامه در قسمت فرصت ۰/۹۶ و در قسمت تهدید ۰/۹۰ و پایایی هر یک از سئوالات تحقیق طبق جدول زیر محاسبه گردید:

جدول شماره ۳-۱: بررسی پایایی پرسشنامه				
مؤلفه	شماره سوالات	تعداد سوال	ضریب آلفای کرونباخ فرصت	ضریب آلفای کرونباخ تهدید
برنامه ریزی در آموزش عالی	۱ تا ۲۹	۲۹	۰.۸۷	۰.۸۱
مدیریت آموزش عالی	۳۰ تا ۵۰	۲۱	۰.۸۵	۰.۷۳
توسعه تکنولوژی و فناوری در آموزش عالی	۵۱ تا ۶۶	۱۶	۰.۹۰	۰.۸۷
پژوهش و تحقیق در آموزش عالی	۶۶ تا ۸۱	۱۵	۰.۸۷	۰.۸۵
کل پرسشنامه	۱ تا ۸۱	۸۱	۰.۹۶	۰.۹۰

□ - قابلیت اعتبار validiti
□ - قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری reliabilit

□ -- Cronbachs Alpha

که میتوان استنباط کرد که پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار است .
مراحل گرد آوری اطلاعات و داده ها :

- ۱ - مطالعه و گرد آوری دستاورد های علمی پیرامون جهانی شدن و آموزش عالی با استفاده از شبکه های اینترنتی و مطالعه کتابخانه ای
- ۲ - توزیع و تکمیل پرسشنامه های تحقیق که بر اساس اهداف و فرضیات تحقیق شکل یافته اند
- ۳ - جمع آوری پرسشنامه های تحقیق
- ۴ - وارد کردن داده های مربوطه به سیستم رایانه و تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار spss نسخه ۱۶
- ۵ - استفاده از آمار توصیفی با محاسبه میانگین تفریق فرصت از تهدید و رسم نمودار هیستوگرام هر سؤال تحقیق و میزان چولگی و کشیدگی نمودار و استفاده از آمار استنباطی در آزمون جمعی رتبه ای ویلکاکسون
- ۶ - محدودیت : با این که در مطالعات کتابخانه ای محقق به این نتیجه رسیده است که بعضی موارد هم فرصت و هم تهدید شناسایی شده اند ولی متخصصان اشاره ای به این مطلب ننموده اند و به نظر می رسد متخصصین بیشتر گرایش به سمت فرصت داشته اند .

فصل چهارم :

تجزیه و تحلیل اطلاعات

مقدمه

جهانی شدن و توسعه و گسترش ارتباطات و اطلاعات پدیده ای است که بر تمام ابعاد زندگی بشر از جمله آموزش عالی تاثیر بسزایی گذاشته دارای ویژگی هایی است که در طی زمان نظام آموزش عالی را نسبت به نظام سنتی آن متحول ساخته است اما باید تجزیه و تحلیل شود که این تغییر و تحولات در مجموع تهدیدی برای آموزش عالی محسوب می شوند یا فرصت . اما قبل از ورود به بحث لازم به تاکید است این پژوهش از منظر جهانی شدن به بررسی می پردازد نه جهانی سازی و منظور این است که جهانی شدن بدون دخالت عمدی افراد یا گروه ها در حال رخ دادن است و بر همه مسائل تاثیرگذار است در حالی که جهانی سازی به صورت برنامه ریزی و با دخالت عمدی در قابلیت قدرت و حذف تعدادی از کشور ها در این رقابت صورت می گیرد که مدنظر این پژوهش نیست .

تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن بر مدیریت آموزش عالی

پدیده جهانی شدن در بخشهای مختلف اجتماعی اقتصادی فرهنگی جوامع تغییر و تحولات گسترده ای ایجاد نموده و هر یک از این بخشها نیاز های جدیدی را پدید آورده است . و دانشگاه ها نه تنها باید پاسخگویی نیاز های در حال تغییر جامعه باشند بلکه تنها حافظان مستقل فرهنگ و ارزشهای گروهی و بهترین مکان برای انتقاد های سازنده و ارائه دیدگاه های جدید محسوب می شوند و مدیران مراکز آموزش عالی مسئول پاسخگویی و شفاف سازی عملکرد دانشگاه ها به شمار می آیند .

وجود تغییر و تحولات به داخل سازمانهای آموزشی نیز رسوخ یافته و دگرگونیها در تشکیلات سازمانی ، نحوه خدمت رسانی ، آموزش ، تکنولوژی ، توسعه نیروی انسانی و بهسازی استفاده از اطلاعات پدید آمده و اجتناب ناپذیر است .

چنان چه مدیران بخواهند در مقابل تغییر و تحولات مقاومت نمایند چیزی جزء حذف دانشگاه و خارج شدن از صحنه رقابت نصیبشان نمی شود . بنابراین باید خود را آماده معرفی دگر گونی ها در محدوده سازمان و خارج از آن نمایند . و به دنبال هدایت عوامل اجرایی جهت تطابق با وضعیت جدید باشند و چون این دگرگونیها مدام در حال اتفاق افتادن است مدیران باید به دنبال ایجاد تعادل بین فرایند های دگر گونی و تداوم فعالیت های سازمانی باشند.

مدیران عصر جهانی باید همه کارکنان را در مدیریت کار سهیم نمایند . به عبارتی روابط سلسله مراتبی تبدیل به ارتقاء سطح مشارکت در اداره امور دانشگاه گردد و این مشارکت نیازمند اعتماد

عمومی در خارج از سازمان ، و فاداری درون سازمان ، اعتماد دو جانبه ، تعهد و مسئولیت پذیری حرفه ای و قضاوت بیطرفانه است . توسعه ارتباطات و اطلاعات موجب شده که مسئولیت ها پیوسته در حال تغییر باشند و نیازمند این است که بر نامه ریزی فرایندی مستمر شود و مدیران باید به جای متمرکز شدن بر برنامه ریزی با محوریت کارکنان ، مهارتهای برنامه ریزی را بین کارکنان به ویژه اعضای هیئت علمی دانشگاه توسعه دهنده و بعد از آن قدرت و اختیارات آنان را افزایش دهند . این امر آموزش عالی را تهدید بزرگی حفظ می نماید و آن جذب اعضای هیئت علمی به انجمن های حرفه ای خارج از دانشگاه و آژانس های سرمایه گذاری علمی است که تعهد سازمانی اساتید رانست به دانشگاه کاهش میدهد .

پدیده دیگری که مدیران آموزش عالی باید به آن توجه نمایند ناشی از پیچیدگی و چند وجهی بودن جهانی شدن است که فعالیت دانشگاه دیگر محدود به انتقال دانش و یا مراکز پژوهشی نیست و باید با بخش صنعت نیز ارتباط برقرار کند .

صنعت از یکسو نیازمند دستگاه ها و ماشین آلاتی است که سرعت تولید را افزایش و در عین حال هزینه ها را کاهش دهد . تا در بازار جهانی قدرت رقابت با تولیدکنندگان جهانی را داشته باشد . و این تکنولوژیها از مراکز تحقیقاتی و دانشگاه ها به صنعت منتقل می شوند . از سوی دیگر گسترش تکنولوژی و ورود ماشین آلات جدید نیازمند افراد ماهر و متخصصی است که با فرایند تولید آشنا باشند و تربیت کنندگان این نیروها ی متخصص و ماهر همان مراکز آموزش عالی هستند . بدین لحاظ تقاضای عمومی ورود به دانشگاه افزایش می یابد و مدیران باید برای رفع نیاز جامعه خدمات لازم را ارائه دهند . خدمات آموزشی که متقاضیان از اقصی نقاط کشور و در هر ساعت از شبانه روز قادر باشند فرایند یادگیری را دنبال نمایند و نظام آموزش از دور نیز پاسخگوی این نیازهاست .

در مقابل خدمتی که آموزش عالی به بخش صنعت ارائه می دهد تعهدات و درآمد هایی کسب می نماید و مدیران با کمک این منابع قادر می شوند تا تجهیزات دانشگاهی را توسعه دهند و به این ترتیب فرصتی جهت رشد آموزش عالی پدید می آید . در کنار این فرصت ، وابستگی بین دانشگاه با بخش صنعت تهدیداتی را نیز به دنبال دارد . یکی از چالشها این است که مرکز آموزش عالی به جای این که همسو با هم در جهت توسعه جامعه حرکت نمایند با یکدیگر به رقابت بپردازند و به جای ارتباط صمیمانه اعضای هیئت علمی ، رقابت در ثبت و ارائه اختراعات و اکتشافات پدید آید.

مسئله دیگر که برای مدیران آموزش عالی می‌تواند به صورت تهدید یا فرصت جلوه نماید افزایش تقاضای عمومی ورود به دانشگاه است. رشد علمی تعداد زیادی از آحاد جامعه فرصت مطلوبی برای رشد جامعه است اما نباید اجازه داد افزایش کمیت داوطلبان، مانع توسعه کیفی آنها و پرورش نخبگان جامعه گردد چرا که امکانات محدود و استفاده کنندگان از این امکانات افزایش یابند نباید کیفیت آموزش تحت الشعاع قرار گیرد.

در گردآوری نظر متخصصین جهانی شدن بر تهدیدات و فرصتهای ناشی از پدیده جهانی شدن بر مدیریت آموزش عالی، به این ترتیب عمل شد که نمرات فرصت از تهدید کم شدند. لذا نمره مثبت به معنای فرصت و نمره منفی به معنای تهدید بدست آمد. این نتایج در جدول زیر نشان داده شده است.

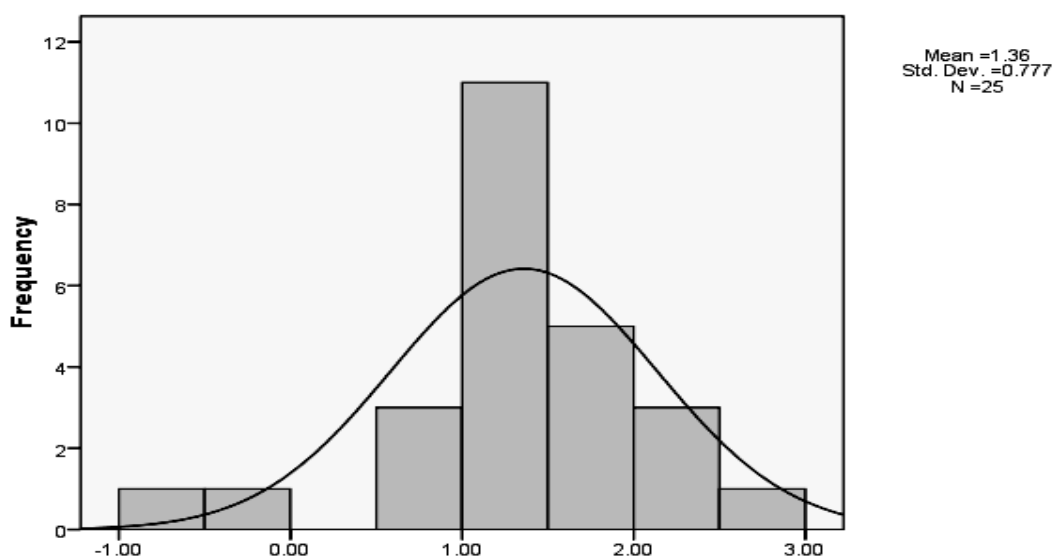
جدول زیر بیانگر این است که از نظر متخصصان با پدیده جهانی شدن فرصتهایی برای مدیریت در آموزش عالی پدید آمده که عبارتند از: مشارکت دانشگاه در توسعه جامعه، شکل گیری فرهنگ کار برای کارکنان، تبلور ارزش های کیفی در همه عملیات سازمانی، گرایش به سمت الگوهای مدیریت کیفی.

جدول شماره ۴-۱: شناسایی تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن بر مدیریت آموزش عالی

ردیف	سوال (مولفه ها)	میانگین فرصت	میانگین تهدید	میانگین تفریق فرصت از تهدید	فرصت یا تهدید
۱	تاکید بر مهارتهای چند جانبه	۳.۳۲	۰.۶	۲.۷۲	فرصت
۲	شکل گیری فرهنگ کار	۳.۹۲	۰.۷۲	۳.۲	فرصت
۳	جایگزینی مدیریت های عمودی به شبکه سازی	۳.۰۴	۱.۲۸	۱.۷۶	فرصت
۴	تبدیل الگوهای سلسله مراتبی به مشارکتی در آموزش عالی	۳.۷۲	۱.۰۴	۲.۶۸	فرصت
۵	تمرکززدایی مراکز آموزش عالی	۳.۶۴	۱.۱۲	۲.۵۲	فرصت
۶	متبلور ساختن ارزشهای کیفی در همه عملیات سازمانی	۳.۸۰	۰.۶۸	۳.۱۲	فرصت
۷	افزایش تقاضای ورود به دانشگاهها	۲.۸۴	۲.۴۴	۰.۴	فرصت
۸	ایجاد فضای رقابتی در جهان	۳.۹۲	۱.۷۶	۲.۱۶	فرصت
۹	مشارکت دانشگاه در توسعه جامعه	۴.۳۶	۰.۵۶	۳.۸	فرصت
۱۰	گرایش به الگوهای مدیریت کیفی	۳.۶۴	۰.۵۶	۳.۰۸	فرصت
۱۱	جذب اعضای هیئت علمی به انجمن های حرفه ای خارج از	۳.۰۸	۱.۶۰	۱.۴۸	فرصت

				دانشگاه و آژانسهای سرمایه گذاری و حامیان مالی	
تهدید	- ۲.۴۸	۳.۴۴	۰.۹۶	کاهش تعهد سازمانی اساتید نسبت به دانشگاه	۱۲
تهدید	-۱.۴۴	۲.۹۲	۱.۴۸	تغییر و تحولات و فشارهای داخلی و خارجی محیط	۱۳
تهدید	- ۲.۴	۳.۶	۱.۲	مقاومت در برابر تغییرات ناشی از جهانی شدن	۱۴
تهدید	- ۰.۶۴	۲.۷۲	۲.۰۸	کاهش حمایت مالی دولتها و هدایت به بخش خصوصی	۱۵
فرصت	۱.۳۲	۱.۷۲	۳.۰۴	تنوع شرایط پذیرش دانشجو	۱۶
فرصت	۲.۸۸	۰.۸۴	۳.۷۲	گسترش آموزش از دور	۱۷
فرصت	۰.۶	۲.۲۴	۲.۸۴	بروز تحولات سریع اجتماعی	۱۸
تهدید	- ۱.۷۲	۳.۱۲	۱.۴	عدم انسجام و چند پارگی در تصمیم گیریها	۱۹
فرصت	۲.۶	۱.۰۸	۳.۶۸	توجه به فعالیتهای مشارکتی و گروهی در دانشگاهها و مشارکت شرکای مدیریت	۲۰
فرصت	۲.۹۲	۰.۸	۳.۷۲	ظهور الگوهای جدید کاری	۲۱

مولفه هایی که مدیریت آموزش عالی را تهدید می کند عبارتند از : مقاومت در برابر تغییر و تحولات و فشارهای داخلی و خارجی محیط ، کاهش تعهد سازمانی اساتید نسبت به دانشگاه و عدم انسجام و چندپارگی در تصمیم گیری ها و حدود نیمی از متخصصان معتقدند افزایش تقاضای ورود به دانشگاه ، کاهش حمایت مالی دولتها و هدایت به بخش خصوصی ، همچنین بروز تحولات سریع اجتماعی یک تهدید و نیم دیگر این موارد را یک فرصت معرفی نموده اند .



نمودار شماره ۴-۱: هیستوگرام تاثیر جهانی شدن بر مدیریت آموزش عالی

در مجموع میانگین نمرات تهدیدات و فرصتها بر مدیریت آموزش عالی معادل ۱/۳۶ بدست آمد یعنی بر آیند نمرات به سمت فرصت متمایل است و نمودار هیستوگرام نیز نشان می دهد که از نظر پر کنندگان پرسشنامه ، پدیده جهانی شدن و تغییر و تحولات ناشی از آن برای مدیریت آموزش عالی یک فرصت به حساب می آید و چولگی و کشیدگی نمودار کاملاً به سمت مقادیر مثبت متمایل است. در نهایت میتوان گفت با تمرکززدایی آموزش عالی ، مدیران باید در جستجوی ارزشهای کیفی عملیات سازمانی باشند و با رشد مستمر کارکنان و دادن اختیارات لازم به آنها به ویژه اعضای هیئت علمی و ایجاد علاقه و تمایل در کارکنان جهت بهبود فرایند دانشگاه عمل نمایند و شخص مدیر قدرت رهبری بالا ، ریسک پذیری ، اعتماد به نفس ، تمایل بیشتر به سازماندهی مجدد و کارآیی بالا و قدرت پیش بینی آینده را داشته باشد و با فعالیت مبتکرانه و خلاقانه خود را با تغییرات سایر بخشها وفق دهد.

تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن بر برنامه درسی نظام آموزش عالی

از ویژگی های جهانی شدن ، پیچیده و چند وجهی و چند بعدی بودن آن است . از آن جایی که آموزش زمینه ساز توسعه اجتماعی در ابعاد مختلف و کلید پیشرفت آن است و دانشگاه ها زمینه ساز رشد و توسعه یک جامعه محسوب می شوند لذا خدمات اجتماعی در کنار دانش و پژوهش جزء رسالت اصلی دانشگاه قرار گرفت . به این لحاظ برنامه ریزی درسی دانشجویان به گونه ای طراحی می گردد که جوابگوی جامعه روز باشد و دیگر به جای اینکه صرفاً انتقال دانش از فردی به فرد دیگر صورت گیرد دانش باید تحولی را در درون فرد ایجاد نماید و قابلیت اجرایی داشته باشد و دانشجو توانایی شناخت درست و عادلانه را پیدا کند در غیر اینصورت تهدیدی محسوب می شود چرا که اگر دانش بیرون از فرد باشد نه فقط لذت بخشش برای داننده نیست بلکه میتواند ابزار قدرت قرار گیرد . بدین لحاظ دانش نه تنها در عرصه علم بلکه در اخلاق و شناخت ارزشها و عمل و رفتار باید درونی شود .

برای دستیابی به اهداف فوق لازمست محتوای آموزشی به گونه ای طراحی گردد که بر اساس تبدیل دانش صریح به ضمنی ، بعد از مدتی دانش جزئی از زندگی فرد شده و در راستای موفقیت فرد و توسعه جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

پیچیدگی جهانی شدن منجر به پیچیده تر شدن و بیش از حد تخصصی شدن دانش گردید که در زندگی اجتماعی فاقد معناست و قادر به پاسخگویی به حل مسائل اجتماعی نیست . لذا جهانی شدن

منجر به پیدایش رویکردی بین رشته ای گردید و دو نوع نیاز در جامعه ایجاد شد اول این که انجام فعالیت های آموزشی - پژوهشی به صورت تیمی صورت گیرد تا افراد با تخصصهای مختلف از دیدگاه های متفاوت به مسائل نگریسته و در راستای حل آنها اقدام نمایند و دوم این که مراکز آموزش عالی به گونه ای عمل نمایند تا یادگیرنده توان پردازش اطلاعات درسی را داشته و بتواند آموخته های مرتبط با حوزه های معرفتی مختلف را برای حل مسائل محیط کار و زندگی به طور کامل و همه جانبه مورد بهره برداری قرار دهد. و زمینه های مناسب برای باز اندیشی در عرصه های دانش و فراهم آوردن ترکیب های نوین میان آنها فراهم شود و دیدگاه های رشته های علمی به صورت نظام مند با یکدیگر تلفیق شوند.

به این ترتیب لازمست یک موضوع درسی به صورت چند رشته ای و در زیر یک عنوان درسی آموزشی داده شود و توسعه خلاقیت و قدرت تجزیه و تحلیل فراگیران، زمینه توسعه جامعه را فراهم آورد.

از دیگر ویژگی های جهانی شدن به چالش کشیدن تدریجی و مستمر برنامه درسی نظام آموزش عالی است. کهنگی و منسوخ شدگی دانش و نیاز های متغیر بازار کار و نیاز به روزآمد کردن اطلاعات و مهارتهای تخصصی منجر به افزایش تقاضای عمومی آموزش عالی گردید و چنانچه به این نیاز ها پاسخگویی نشود تهدید بزرگی محسوب می شود اما کمبود کارکنان آموزشی و اشتغال افراد و سکونت آنها در مناطق دور افتاده، اجازه استفاده همه متقاضیان از آموزش عالی را نمی داد لذا نظام آموزش از دور پدید آمد که از ویژگی های آن صرفه جویی در هزینه ها، تامین عدالت اجتماعی با برقراری فرصت های برابر و تحقق توسعه پایدار برای همه انسانها بر اساس بصیرت محوری است.

ویژگی دیگر جهانی شدن این است که پدیده ای مختوم و غایی شده نیست و پیوسته در حال رخ دادن است. شبکه ساختار اجتماعی دائما در حال تغییر است و شغلهای ثابت رو به نقصان و شرایط کار و توانایی های حرفه ای روز به روز در حال تغییر است. افزایش تعداد دانشجو به دلیل افزایش نیاز مندیها بازار کار پدید آمد. در نظام سنتی آموزش عالی وظیفه انتقال دانش را بر عهده داشت اما با جهانی شدن تنها انتقال دانش پاسخگوی مشکلات نیست و لازم است مراکز آموزش عالی به جای متمرکز شدن بر کمیت، بر کیفیت دانش و رشد و توسعه توانایی ها و مهارتهای ذهنی و افزایش توانایی درک و تجزیه و تحلیل و ترکیب اطلاعات و پرورش قابلیت های جسمی و فعالیت های

گروهی و نیازهای جامعه جهانی توجه نمایند. بدین لحاظ لازم است دانش را با خردمندی و حکمت برابر گرفته و با شیوه‌های خلاقانه بسط داده شود.

مراکز آموزش عالی جهت رفع نیاز جامعه افراد فرهیخته‌ای تربیت نماید که مجهز به مهارتهایی باشند تا بتوانند نسبت به تغییرات سریع فناوری و بازار کار سازگار و کارآفرین باشند.

ویژگی دیگر جهانی شدن که بر برنامه ریزی درسی آموزش عالی تاثیر گذاشته است وابستگی متقابل و گسترش آگاهی است کاهش فضا - زمان با رشد سریع ارتباطات منجر به پیدایش روابط بیشتر انسانها با افکار و عقاید متفاوت گردید و این روابط هم می‌تواند سازنده و رشد دهنده باشند و هم می‌تواند مخرب و اسباب تنزل انسان قرار گیرند و این امر میتواند فرصت یا تهدید قرار گیرد.

برنامه ریزان آموزش عالی هنگام ارائه برنامه‌های تحصیلی یا آغاز پژوهشهای جدید نسبت به نیاز جامعه و حفظ فرهنگ و ارزشهای گروهی دقت نظر بیشتری نماید و سعی کنند بهترین مکان برای انتقادهای سازنده باشد. اساتید نیز علاوه بر پرورش نوآوری و خلاقیت دانشجویان لازمست مهارتها و توانمندیهای آنان را توسعه دهند مهارتهایی که ارتباطات را تقویت و آگاهانه می‌نماید. توسعه مهارتهای فردی، گروهی، تفکر انتقادی، یادگیری خلاق، انعطاف پذیری، کاربرد تکنولوژی‌ها و فناوریهای روز و کارگروهی و مهارتهای دیگر موجب کاهش آسیب پذیری افراد در جامعه جهانی می‌شوند و میتوان گفت در عصر جدید دانایی رمز بقاست و همه باید مجهز به دانش روز باشند و توانایی‌های افراد در جنبه‌های تفکری، ادراکی و مهارتی باید توسعه یابد.

ریسک پذیری، ضرورت اعتماد داشتن و غیر قابل پیش بینی بودن و قابل کنترل نبودن ویژگی دیگر جهانی شدن است که در برنامه ریزی آموزش عالی میتواند تهدید یا فرصت تلقی شود.

شهروندان قرن بیست و یکم باید برای دوره‌ای تربیت شوند که آینده قابل پیش بینی نیست و انطباق با شرایط، خود مستلزم مهارتهایی چون خلاق و متفکر بودن و روحیه داشتن و خود را نباختن است و افراد به گونه‌ای تربیت شوند که قادر به تحمل بی‌ثباتی و علاقمند به یافتن مسائل پیچیده باشند. آنها هیچگاه از یادگیری خسته نشوند و متعهد در قبال یادگیری مادام‌العمر باشند.

همچنین ارزشها و اخلاقیات در سطح فردی و اجتماعی در آنها باید به گونه‌ای تقویت شوند که در سخت‌ترین شرایط قادر به انتخاب درست باشند و اساتید تقویت و توسعه مهارتهای جنبی نامبرده را جایگزین برنامه درسی آموزش سنتی نمایند و آموزش به شیوه پژوهشگری با تاکید زیاد بر حل مسئله و مهمتر از آن خلق مسئله، طراحی خلاق و توان پردازش اطلاعات اهمیت بسزایی دارد.

در این راستا اساتید باید دانشجویان را نسبت به دانسته‌هایش به شک و تردید و تفکر وادار سازند و به گونه‌ای عمل نمایند تا دانشجویان را وادار سازد که خود طرحی نو دراندازد و بتواند آنچه را می‌داند ترمیم و توسعه دهد و عملی سازد و دانشجویان یاد بگیرند بین انبوه اطلاعاتی که هر روز در معرض آن قرار می‌گیرد تمایز قائل شده و آنها را ارزش گذاری نماید و این امر ممکن نیست مگر این که آموزش را از نظر کیفی توسعه داده و دانشجویان قادر شود نظریه‌ها را به عمل تبدیل نماید و در کنار آموزش، فرهنگ آموزش در او پدیدار شود و بدینوسیله حرکت آموزش عالی به سمت توسعه فزاینده گردد. ناگفته نماند ارزشیابی در آموزش عالی جهانی شده مانند نظام سنتی قابل کنترل نیست. در نظام سنتی ارزشیابی دانشجویان نسبت به اطلاعات و آموخته‌ها به صورت کمی انجام می‌شد و نتایج دقیق تری به همراه داشت. در صورتی که با جهانی شدن ورود آموزش مهارت‌های فردی، نگرشی و نحوه ارتباط در محیط‌های آموزشی، ارزشیابی کمی مبدل به کیفی می‌گردد که ممکن است در اثر خطاها و اشتباهات تشخیصی به دقت قابل ارزیابی نیست.

ویژگی دیگر جهانی شدن که در برنامه درسی آموزش عالی میتواند به صورت تهدید یا فرصت عمل نماید پیشرفت فناوری اطلاعات و تبدیل واقعیت به فراواقعیت است. آموزش باید متناسب با امکانات و تکنولوژی روز و بر اساس نیاز دانشجویان که به علت جهانی شدن عده‌ای از آنها جوان و عده‌ای مسن هستند و از نظر تجربه با هم تفاوت زیادی دارند صورت گیرد و اساتید با جامعه‌ای مردم محور، فراگیر و توسعه‌گرا رو به رو هستند و باید بر اساس آشنایی با سبک‌های تفکر، به جای تسلط بر آموزش، تحرک ایجاد نمایند.

آنها بدانند که باورها و نظام فکری، شکل دهنده شخصیت و ارزشها و واسطه‌های بین بینی و رفتارهای افراد را تنظیم و کنترل می‌نماید سپس به رشد ذهنی، معنوی، اخلاقی و زیبایی شناسی، عاطفی، جسمی و تربیت شهر و ندانی که عادت به انجام کار درست و عادت درست در انجام کار را دارند، توجه نمایند و با امکانات و تکنولوژی‌های روز در راستای زمینه سازی برنامه ریزی درسی تلاش نمایند.

محتوای آموزشی باید به گونه‌ای تنظیم شود که با تبدیل واقعیت به فراواقعیت و مجازی شدن، از اهداف آموزشی که همانا محور قرار دادن علم سودمند برای جامعه و علم در خدمت توسعه است خارج نشود و علم همراه پارسایی و وارستگی درونی و خشوع نسبت به خالق هستی و فروتنی نسبت به آحاد جامعه با ارزش است و چنانچه حق گرایی در علم نباشد و یا علم با عمل همراه نباشد ارزشی ندارد. و بیکرانه انگاشتن مرز علم آموزی و پرهیز از آزمندی و ابزار رفاه قرار دادن علم در

زندگی فرد و توجه به ضرورت دانش محور بودن رفاه در سطح دانش موجب استفاده درست از علم و دانش می شود چه این آموزشها به صورت حقیقی باشد یا مجازی و حتی تکنولوژی و فناوری چون قادر به بارز سازی یادگیری های تجربی و روشهای گروهی و بر قراری ارتباط ذهنی با محیط هستند میتوانند یک فرصت بسیار مناسب در آموزش عالی باشند و موجب افزایش بازدهی آموزشی شوند .

از چالش های اجتماعی مجازی این است که افراد بدون آنکه یکدیگر را ببینند و بشناسند باید با همدیگر ارتباط برقرار کنند و چاره ای بجز اعتماد ندارند .

در محیط های آموزشی جهت جلوگیری از چالشهای احتمالی ، راهکاری که وجود دارد این است که ارتباطهایی میان اجتماعهای مجازی و واقعی پدید آید تا پذیرش و دریافت اطلاعات بدون تفکر و تعقل صورت نگیرد . این امر موجب گردیده تا در ارزشیابی آموزش از دور ، برای بهبود ارتقای یاد گیری به دانشجو کمک شود تا عادات مطالعه را تغییر داده و مهارتهای فرا شناختی بدست آورد . و دانشجویان قادر باشند به خود اندیشی بها دهند و از ابتدای ترم در تعامل با استاد باشند و با ارائه مقالات در سطوح مختلف عملکرد ، دانشجو مورد ارزیابی قرار می گیرد و تنها بر ارزیابی پایان ترم متمرکز نمی شوند .

با وجود این ، هنوز تهدیدی وجود دارد که دانشجو با سوء استفاده از مقالات دیگران به تقلب بپردازد و لازم است اساتید با بر آورد سطح علمی و قدرت بیان دانشجو تشخیص دهند که مقاله متعلق به شخص خاصی است یا از آثار دیگران استفاده نموده است.

در گرد آوری نظر متخصصینی که پیرامون تهدید است و فرصتهای جهانی شدن و آموزش عالی مطالعاتی داشته اند و استفاده از آمار توصیفی و نمودار هیستو گرام ، چنانچه در برنامه ریزی نمرات فرصت از تهدید کم شود و نمره مثبت به معنای فرصت و منفی به معنای تهدید تلقی گردد میتوان به جداول زیر دست یافت.

جدول شماره ۴-۲: شناسایی تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن بر برنامه ریزی درسی آموزش عالی					
ردیف	سوال (مولفه ها)	میانگین فرصت	میانگین تهدید	میانگین تفریق فرصت از تهدید	فرصت یا تهدید
۱	ورود خدمات اجتماعی به رسالت اصلی دانشگاهها	۳.۴	۰.۹۶	۲.۴۴	فرصت
۲	انتقال تمرکز محتوای دانش از کمی به کیفی	۳.۹۲	۰.۵۶	۳.۳۶	فرصت
۳	پژوهش محوری مبنای روشهای تدریس	۳.۹۶	۰.۷۶	۳.۲	فرصت

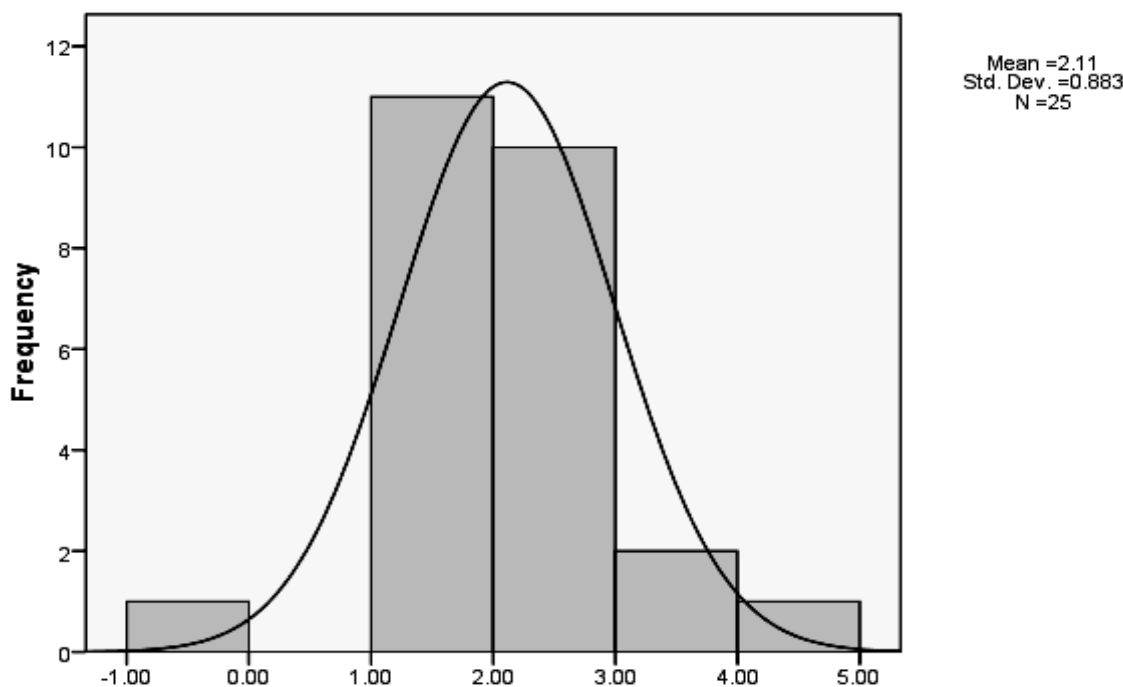
فصل چهارم: تجزیه و تحلیل اطلاعات

فرصت	۱.۳۶	۱.۲۸	۲.۶۴	تلفیق رشته ها	۴
فرصت	۳.۴۴	۰.۶	۴.۰۴	توجه به یاددهی - یادگیری کیفی به جای کمی	۵
فرصت	۱.۸۴	۱.۲	۳.۰۴	تبدیل ارزشیابی از کمی به کیفی	۶
فرصت	۳.۱۲	۰.۸۸	۴	بین المللی شدن مراکز آموزشی	۷
فرصت	۰.۹۶	۲.۲	۳.۱۶	تکثر فرهنگی با جهانی شدن	۸
فرصت	۲.۸۴	۱.۰۴	۳.۸۸	انفجار اطلاعات و دانش	۹
فرصت	۲.۹۶	۱.۱۶	۴.۱۲	پیدایش اجتماع مجازی، آموزش مجازی و متون الکترونیکی	۱۰
فرصت	۳.۲۴	۰.۸۴	۴.۰۸	ایجاد خرد جمعی بر اساس روابط میان رشته ای	۱۱
فرصت	۳.۹۶	۰.۴۴	۴.۴	تقویت روح تفکر، تعقل و خلاقیت	۱۲
فرصت	۲.۹۲	۰.۸۸	۳.۸	تعامل بین دانشجویان و اساتید	۱۳
فرصت	۳.۸۰	۰.۴۰	۴.۲	تقویت مهارت‌های ارتباطی اساتید	۱۴
فرصت	۲.۲۸	۰.۸	۳.۰۸	ورود از زمان - مکان به زمان - فضا	۱۵
فرصت	۳.۸	۰.۷۲	۴.۵۲	تکثر و دسترسی به منابع اطلاعاتی	۱۶
تهدید	- ۰.۴۴	۲.۷۲	۲.۲۸	گسترش بحرانهای معرفتی به دلیل توسعه روابط جهانی	۱۷
فرصت	۰.۴۸	۱.۹۶	۲.۴۴	سرعت فرسودگی و مستهلک شدن دانش	۱۸
فرصت	۰.۳۲	۲.۲۸	۲.۶	دسترسی به انبوه اطلاعات اینترنتی وعدم صحت همه	۱۹
فرصت	۲.۴۸	۱.۲۸	۳.۶۸	بیش از حد تخصصی شدن علم و دانش	۲۰
فرصت	۲.۸	۰.۸	۳.۶	توسعه وظایف اساتید جهت پرورش مهارت‌ها و تواناییها	۲۱
فرصت	۲.۰۸	۱.۲۴	۳.۳۲	برگزاری آزمون‌ها غیر حضوری در آموزش از دور	۲۲
فرصت	۰.۷۶	۱.۹۶	۲.۷۲	گسترش رقابت و حذف تعدادی از دانشگاهها	۲۳
فرصت	۱.۴۸	۱.۶	۳.۰۸	حفظ باورها و ارزشها در جامعه جهانی	۲۴
فرصت	۳.۸	۰.۵۲	۴.۳۲	پیوند مراکز آموزش عالی با صنعت	۲۵
فرصت	۰.۶	۱.۹۶	۲.۵۶	انبوه سازی آموزش عالی و کاهش نخبه گرایی	۲۶
تهدید	- ۲.۸۴	۳.۴۸	۰.۶۴	کاهش تفکر، تعقل و تواناییهای ذهنی در معادله دانش=اطلاعات در مراکز آموزش عالی	۲۷
فرصت	۳	۱.۱۲	۴.۱۲	تغییر نقش اساتید به عنوان یک مشاور و تسهیل کننده و نه صرفا منتقل کننده دانش	۲۸
فرصت	۱.۳۲	۱.۷۲	۳.۰۴	نیاز به برنامه ریزی مستمر و غیر قابل پیش بینی	۲۹

با توجه به جدول، متخصصان معتقدند پدیده جهانی شدن فرصتهای بسیار زیادی را برای آموزش عالی فراهم ساخته که عبارتند از: انتقال تمرکز محتوای دانش از کمی به کیفی، پیدایش پژوهش محوری مبنای روشهای تدریس، توجه به یاددهی - یادگیری کیفی به جای کمی، بین المللی شدن مراکز آموزش عالی، ایجاد خرد جمعی بر اساس روابط میان رشته ای، تقویت روح تفکر، تفکر و خلاقیت، تقویت مهارتهای ارتباطی اساتید، تکثر و دسترسی به منابع اطلاعاتی، پیوند مراکز آموزش عالی با صنعت.

از نظر متخصصان بیشترین تهدیداتی که برنامه ریزی درسی آموزش عالی را تحت تاثیر خود قرار می دهند عبارتند از: امکان کاهش تفکر، تعقل و توانایی های ذهنی در معادله دانش = اطلاعات در مراکز آموزش عالی با میانگین فرصت ۰/۶۴ و میانگین تهدید ۳/۴۸ و پیدایش بحرانهای معرفتی به دلیل توسعه روابط جهانی با میانگین فرصت ۲/۲۸ و میانگین تهدید ۲/۷۲.

نظر متخصصان در زمینه دسترسی به انبوه اطلاعات اینترنتی و عدم صحت همه آنها با میانگین فرصت ۲/۶ و میانگین تهدید ۲/۲۸، انبوه سازی آموزش عالی و کاهش نخبه گرایی با میانگین فرصت ۲/۵۶ و میانگین تهدید ۱/۹۶، گسترش رقابت و حذف تعدادی از دانشگاهها با میانگین فرصت ۲/۷۲ و میانگین تهدید ۱/۹۶، سرعت فرسودگی و مستهلک شدن دانش با میانگین فرصت ۲/۴۴ و میانگین تهدید ۱/۹۶، یکسان نیست و عده ای این موارد را تهدید و عده ای آن را فرصت معرفی نموده اند و میانگین ایشان به صفر نزدیک است. در جمع بندی کلی میتوان دریافت که میانگین نمرات متغیر برنامه ریزی ۲/۱۱ است یعنی بر آورد نمرات به سمت فرصت متمایل است. نمودار هیستو گرام ۴-۲ نیز نشان می دهد که از نظر پرکنندگان پرسشنامه جهانی شدن بر برنامه ریزی درسی آموزش عالی یک فرصت به حساب می آید و چولگی نمودار کاملاً به سمت مقادیر مثبت متمایل است (به سمت فرصت)



نمودار شماره ۴-۲: هیستوگرام تاثیر جهانی شدن بر برنامه ریزی درسی آموزش عالی

بدین ترتیب تغییر و تحولات ایجاد شده در برنامه درسی بر اثر جهانی شدن و راهکار های ارائه شده موجب می شوند برنامه ریزی درسی که در اثر جهانی شدن پدید آمده به عنوان یک فرصت برای آموزش عالی معرفی شود.

تهدیدات و فرصتهای حاصل از رشد سریع اطلاعات و ارتباطات بر آموزش

عالی

ورود انقلاب اطلاعاتی به آموزش عالی با اصلاحات گسترده در ساختار دانشگاه ها و سازماندهی مجدد شیوه های فعالیت آنها همراه است و با انعطاف ناپذیری و عدم رفع مشکلات فنی به صورت عمقی و اساسی ، فناوریهای بلقوه به با لفعول تبدیل نمی شود . این فناوریها در انجام امور اداری ، پژوهشی ، مدیریتی ، آموزشی و کتابخانه ای تغییراتی ایجاد نموده و فرصتها و تهدیداتی را به دنبال دارد.

افزایش سرعت انجام فعالیت های امور اداری ، کاهش اشتباهات اداری ، اطلاعات مربوط به سیستم های ثبت نام و حسابداری اینترنتی ، انجام تحلیل های آماری ، افزایش سرعت ارتباطات پژوهشگران ، کاهش هزینه های ارتباطی از طریق پست الکترونیکی ، ایجاد همکاری بین کتابخانه های دانشگاهها و استفاده همزمان کاربران از یک منبع ، جستجوی راحت تر و سریعتر منابع اطلاعاتی ، دسترسی مدیریت به آخرین و دقیق ترین اطلاعات از آمار دانشجویان و برنامه های

درسی به صورت الکترو نیکی در هر زمان ، اطلاع رسانی دستور العملها به کارکنان در کوتاهترین زمان ، افزایش قدرت تصمیم گیری و توسعه توان پیش بینی های قابل اعتماد و مدیریت سریع تحولات و رویدادها ، از فرصتهایی است که جهانی شدن و توسعه فناوری در آموزش عالی ایجاد نموده است .

در بخش آموزش نیز رشد تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات فرصت های جدیدی پدید آورده است . از جمله آموزش به کمک رایانه ، آموزش مبتنی بر رایانه ، برگزاری کلاسهای درسی و سمینارهای مجازی ، امکان شبیه سازی و انجام فعالیت های آزمایشگاه مجازی در بازسازی و یادگیری تجربی ، تهیه الگوهای سه بعدی و تصاویر متحرک ، تسهیل ارتباط همزمان و غیر همزمان میان اعضای هیئت علمی و دانشجویان به صورت آنلاین و امکان یادگیری فعال که در مجموع امر آموزش تسهیل گردیده است .

در برخی موارد توسعه فناوری به دنبال خود تهدیداتی را برای آموزش عالی ایجاد نموده است . چنانچه آموزش عالی بخواهد با تکنولوژی روز سازگاری داشته باشد به دلیل سرعت تغییرات تکنولوژی ، هزینه های دانشگاه افزایش می یابد و این امر تهدیدی برای آموزش عالی محسوب می شود .

یکی دیگر از تهدیدات رشد فناوری بر آموزش عالی ، تفکیک کارکرد های آموزش عالی به علت محدودیت های فناوری است . در نظام سنتی بسیاری از آموزشها نظیر انتقال ارزشها و عقاید به شکل غیر آگاهانه و غیر رسمی صورت می گرفت در حالی که در سیستم های مجازی این امر تا حدودی حذف شده است و یا این که تکنولوژی و فناوری موجب جدا سازی آموزش از پژوهش و یا انتقال اطلاعات جدا از تحلیل و ترکیب گردیده و باعث کاهش بهره وری و در نهایت کاهش ارزش مراکز علمی و کالج ها شده است . در این راستا وابستگی مراکز دانشگاهی به شرکتهای بیرون از دانشگاه مطرح است که جهت پشتیبانی و کنترل سیستم های اداری و کامپیوترهای دانشگاهی فعالیت می کنند و این امر موجب کاهش استقلال آموزش عالی می گردد.

از آنجایی که فناوری موجب یکسان سازی آموزش رشته های مختلف می شود ناگزیر هر رشته جایگاه تخصصی و موقعیت خود را از دست می دهد و این امر تهدیدی است که ترکیب متفاوت عملکرد در هر موضوع درسی در نظام سنتی را تغییر داده موجب کاهش عمیق یادگیری دانش پذیرها می شود و این امر تهدیدی در آموزش عالی پدید می آورد .

برخی از تاثیرات توسعه فناوری بر آموزش عالی هم میتواند فرصت باشد و هم تهدید. یکی از این موارد دسترسی به انبوه اطلاعات از طریق آرشیو ها و بانکهای اطلاعاتی است که در ظاهر به عنوان یک فرصت محسوب می شود اما وجود عدم اطمینان از صحت همه اطلاعات، به عنوان یک تهدید باید مد نظر قرار گیرد. رشد صنایع از طریق پژوهشهای دانشگاهی و تامین منابع مالی برای دانشگاه و تامین اشتغال دانشجویان با کمک صنعت به عنوان یک فرصت است اما چنانچه مسیر حرکت دانشگاه به جای توسعه علم و دانش به سمت در آمد زدایی کشیده شود یک تهدید محسوب می شود.

بین المللی شدن آموزش با توسعه فناوری یک فرصت است اما این تهدید وجود دارد که ارزشها و هنجارها در یک جامعه از بین برود و افراد قادر به شناسایی هویت خود نباشند. البته بین المللی شدن دانشگاه ها ممکن است

بین مراکز آموزش عالی در جذب دانشجو رقابت ایجاد نماید و اگر باعث توسعه کیفیت دانشگاه ها شود یک فرصت است و چنانچه این رقابت منجر به خارج شدن برخی از دانشگاه ها از صحنه شود موجب ایجاد اختلال در سطح علمی کشور و توسعه همه جانبه می گردد.

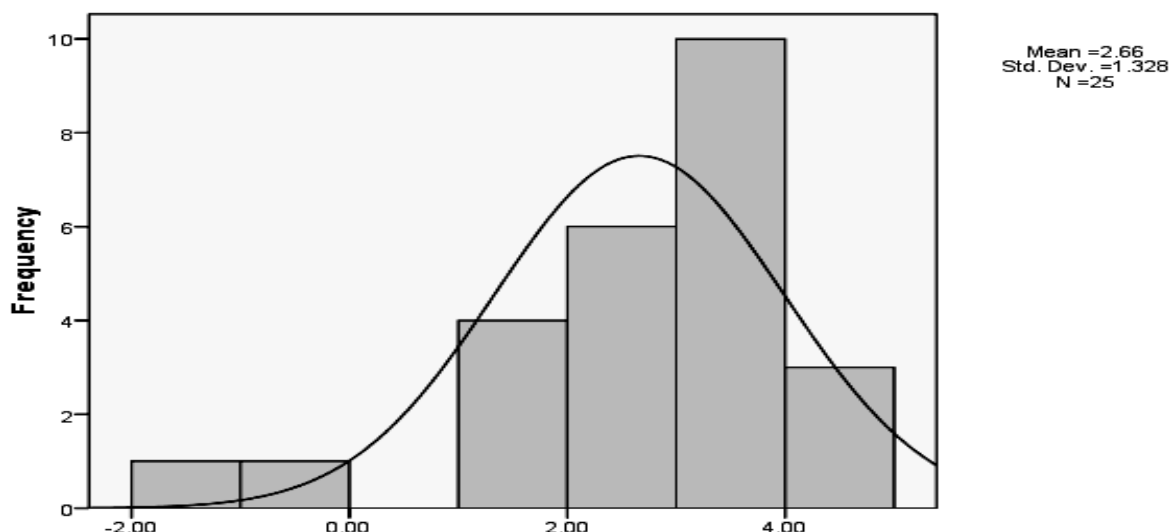
تغییر نقش اساتید با توسعه فناوری نیز چنانچه جایگاه اساتید حفظ شود و فناوری جای استاد را نگیرد به عنوان فرصت و مکمل عملکرد اساتید است و چنان چه ارزش و قدرت و منزلت اساتید با توسعه تکنولوژی کاهش یابد علم و دانش در جامعه بی ارزش شده و به عنوان تهدید مطرح است. در بررسی نظر متخصصین در میزان تاثیر تغییرات فناوری بر آموزش عالی و کم کردن نمرات تهدید از فرصت به گونه ای که حاصل نمره مثبت شود به عنوان فرصت و نمره منفی به معنای تهدید تلقی شود جدول شماره ۴-۳ بدست آمد.

جدول شماره ۴-۳: شناسایی تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن بر فناوری آموزش عالی					
ردیف	(سوال) مولفه ها	میانگین فرصت	میانگین تهدید	میانگین تفریق فرصت از تهدید	فرصت یا تهدید
۱	انقلاب اطلاعاتی	۴.۲	۱.۱۲	۳.۰۸	فرصت
۲	ریسک پذیری و تغییر نقش اساتید و اندیشمندان با ورود تکنولوژی و فناوری	۳.۲	۱.۵۶	۱.۶۴	فرصت
۳	افزایش هزینه ها جهت تجهیز فناوری	۲.۴	۲.۳۲	۰.۰۸	فرصت

فرصت	۲	۱.۰۴	۳.۰۴	تفکیک وظایف و اهداف یادگیری با فناوری های جدید ارتباطی	۴
فرصت	۳.۴۴	۰.۵۶	۴	انعطاف پذیری در ارائه آموزش در هر مکان و زمان	۵
فرصت	۰.۳۲	۲.۰۸	۲.۴	دسترسی به انبوه اطلاعات و عدم اطمینان از صحت آنها	۶
فرصت	۲.۲۴	۱.۳۲	۳.۵۶	افزایش قدرت تصمیم گیری با استفاده از فناوری	۷
فرصت	۲.۲۸	۱.۰۴	۳.۳۲	افزایش قدرت پیش بینی های قابل اعتماد	۸
فرصت	۳.۳۲	۰.۶	۳.۹۲	پیدایش آموزش از دور با فناوری	۹
فرصت	۳.۱۶	۰.۸	۳.۹۶	مقرون به صرفه بودن آموزش از دور نسبت به شیوه های سنتی	۱۰
فرصت	۳.۳۶	۰.۷۶	۴.۱۲	دسترسی به اطلاعات از طریق آرشیوها و بانکهای اطلاعاتی تعاملی	۱۱
فرصت	۲.۸۴	۰.۸۴	۳.۶۸	امکان شبیه سازی در آموزش	۱۲
فرصت	۳.۷۶	۰.۵۲	۴.۲۸	افزایش سرعت انجام امور اداری	۱۳
فرصت	۳.۵۲	۰.۳۲	۳.۸۴	تقویت مشارکت و همکاری	۱۴
فرصت	۳.۴۸	۰.۶۸	۳.۹۶	ورود فناوری در بازسازی یادگیری تجربی و روشهای گروهی و ارتباط ذهنی با محیط برقراری	۱۵
فرصت	۴.۲۴	۰.۲۸	۴.۵۲	دسترسی به بانکهای معتبر اطلاعاتی و کتابخانه های دیجیتالی	۱۶

بر اساس این جدول متخصصان معتقدند انقلاب اطلاعاتی بر اساس مقیاس لیکرت دارای ۴.۶ فرصت و ۱.۱۲ تهدید، انعطاف پذیری در ارائه آموزش در هر مکان و زمان با میانگین فرصت ۴ و میانگین تهدید ۰/۵۶، فرصت آموزش از دور با میانگین فرصت ۳/۹۲ و میانگین تهدید ۰/۶، مقرون به صرفه بودن آموزش از دور نسبت به شیوه سنتی با میانگین فرصت ۳/۹۶ و میانگین تهدید ۰/۸، دسترسی به اطلاعات از طریق آرشیوها و بانکهای اطلاعاتی تعاملی با میانگین فرصت ۴/۱۲ و میانگین تهدید ۰/۷۶، افزایش سرعت انجام امور اداری با میانگین فرصت ۴/۲۸ و میانگین تهدید ۰/۵۲، تقویت مشارکت و همکاری، ورود فناوری در بازسازی یادگیری تجربی و روشهای گروهی و برقراری ارتباط ذهنی با محیط و از همه بیشتر دسترسی به بانکهای معتبر اطلاعاتی و کتابخانه های دیجیتالی فرصتهای مطلوبی است که پدیده جهانی شدن بر فناوری آموزش عالی گذاشته است.

به نظر متخصصان توسعه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی هیچگونه تهدیدی برای آموزش عالی ایجاد نمی کند اما اختلاف نظر ایشان در زمینه دسترسی به انبوه اطلاعات و عدم اطمینان از صحت آنها زیاد است به گونه ای که میانگین نظر ایشان به صفر نزدیک است.



نمودار شماره ۴-۳: هیستوگرام تاثیر جهانی شدن بر فناوری در آموزش عالی

با محاسبه میانگین نتایج حاصل از تغییرات فناوری بر آموزش عالی عدد ۲/۶۶ بدست آمد یعنی بر آیدنمرات به سمت فرصت متمایل است. نمودار هیستوگرام شماره ۴-۳، نیز نشان می دهد که میزان موافقت پرکنندگان پرسشنامه، در مجموع توسعه تکنولوژی و فناوری یک فرصت است و چولگی و کشیدگی نمودار کاملا به سمت مقادیر مثبت متمایل است.

تهدیدات و فرصتهای پدیده جهانی شدن بر پژوهش آموزش عالی

پژوهشهای دانشگاهی فرصت مناسبی در رفع مشکلات جامعه است که در بخشهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جامعه پویایی و تحرک ایجاد می کند.

با جهانی شدن و توسعه روز افزون علم و دانش، انجام پژوهش و دستیابی به تکنولوژی های پیشرفته ضروری است و چنانچه این پژوهشها به بخش صنایع تازه تاسیس منتقل شود و به ساخت شبکه های موثر و کارآ کمک نماید فرصتی در توسعه جامعه پدید می آورد.

البته باید توجه شود گرایش به تجاری سازی نتایج حاصل از پژوهش به منظور افزایش در آمد دانشگاه، تهدیدی در آموزش عالی محسوب می شود و ارزش این نهاد را کاهش می دهد.

در عصر جدید تلفیق آموزش و پژوهش به سمت پر رنگ تر شدن نقش پژوهش در حرکت است. به گونه ای که معیار موفقیت دانشگاه را، انتشار مقالات و کتب علمی اساتید و دانشجویان در سطح ملی و جهانی مشخص می کند. این امر زمانی مطلوب است که انتشار مقالات صرفا هدف نباشد بلکه پل ارتباطی میان پژوهشگر فعلی و آینده قرار گیرد و پژوهشهای هدفمند در تولید دانش و رفع ابهامات علمی در صورتی مفید است که به نوآوری منتهی شود و با برگزاری سمینارها، کنفرانسها

و سخنرانیها جهت انتقال اطلاعات، پژوهشها و تالیفات اساتید به دانشجویان منتقل شود تا بعد از خروج دانشجویان از دانشگاه و ورود آنها به بخش صنعت مورد بهره برداری قرار گیرد و در نهایت موجب رشد اقتصادی شود چرا که پژوهش مهمترین عامل توسعه اقتصادی و رشد نرخ اشتغال در یک جامعه است.

با پدیده جهانی شدن تغییر و تحولاتی در نحوه پژوهش و ارتباط پژوهشگران پدید آمده به گونه ای که انجام پژوهشهای گروهی و جمعی به جای پژوهشهای انفرادی و استفاده از چند فکر به جای یک فکر، کیفیت فعالیت های پژوهشی را افزایش داده و نه فقط این مشارکت ها در هر رشته پدید آمده بلکه تشریک مساعی پژوهشگران فراتر از تخصصهای آنها با انجام پژوهشهای فرار رشته ای نیز با تشکیل تیم های حل مسئله و ادغام دانشهای رشته های مختلف ارزشی کار پژوهش را واقعی تر نموده است.

علاوه بر بین رشته ای بودن فعالیت ها با توسعه ارتباطات و استفاده از اینترنت ف پژوهشگران در سطح جهانی قادر به مبادله ی آراء و نتایج حاصل از فعالیت های پژوهشی خود هستند و این امر موجب بزرگ مقیاس شدن فعالیت های پژوهشی و حل مسائل در سطح جهانی شده است. این مسئله مطلوب به نظر می رسد اما باید توجه شود که جهانی شدن پژوهشها به ویژه در رشته های علوم انسانی و علوم اجتماعی منتهی به پایمال شدن ارزشهای منطقه ای و ملی نشود چرا که گاه ممکن است یک روش حل مسئله در یک منطقه پاسخگو باشد و در منطقه دیگر مشکلات را بزرگتر نماید.

فرصت دیگری که در اثر تغییر و تحولات پژوهشی در آموزش عالی پدید آورده اینست که پیچیدگی روز افزون پژوهش با رشد سریع علم، در جوانان احساس نیاز در پیدایش روحیه ی مشارکت در طرحهای پژوهشی را پدیدار ساخته و با پژوهشهایی پیرامون حفظ محیط زیست و عوارض و پدیده های طبیعی و انسانی در تلاش هستند تا وضعیت را بهبود بخشیده و مشکلات را به حداقل برسانند.

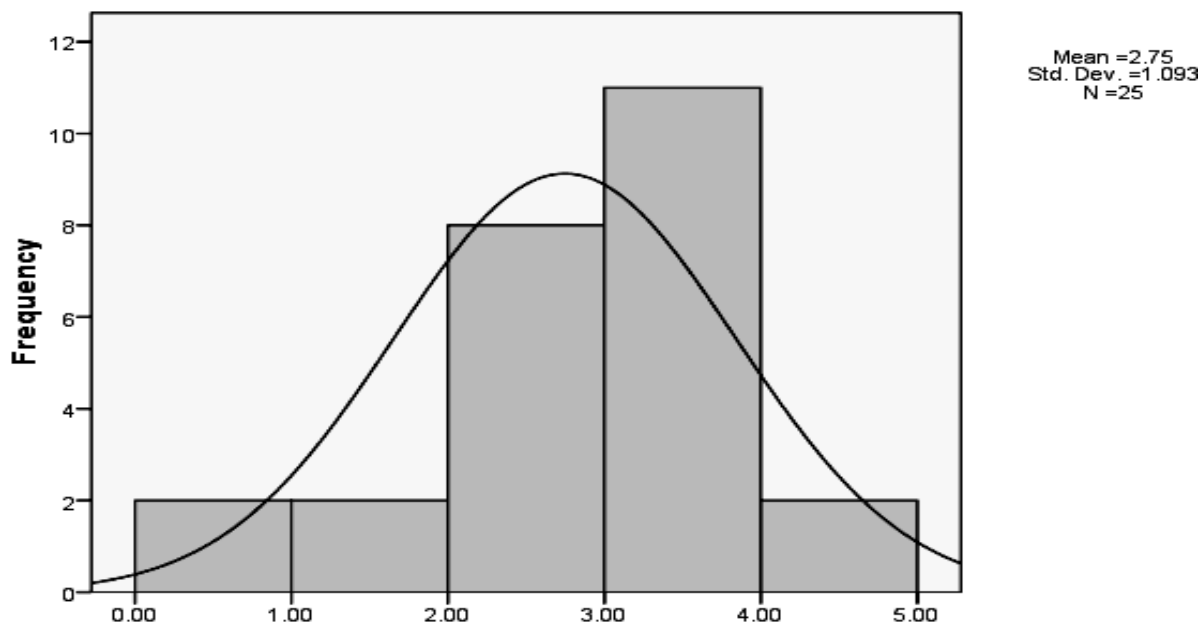
مسئله قابل بررسی دیگر امر پژوهش، کاهش فرصت انتشار نتایج پژوهشی به دلیل رشد سریع علم است اگر این امر موجب تلاش و تکاپوی بیشتر پژوهشگران در سرعت دادن به فعالیت های پژوهشی شان شود رشد علم سریعتر می گردد و چنان چه انگیزه آنها را نسبت به انجام امور پژوهشی به علت بی اعتبار شدن سریع فعالیت ها، کاهش دهد تهدیدی در آموزش عالی محسوب می شود.

در جدول زیر نتایج حاصل از تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن در پژوهش آموزش عالی که توسط متخصصان مربوطه تکمیل شده نشان داده می شود. با میانگین تفریق فرصت از تهدید هر یک از موارد میزان موافقت تکمیل کنندگان پرسشنامه به طور متوسط ارائه شده است.

جدول شماره ۴-۴: شناسایی تهدیدات و فرصتهای جهانی شدن بر پژوهش در آموزش عالی					
ردیف	مولفه ها	میانگین فرصت	میانگین تهدید	میانگین تفریق فرصت از تهدید	فرصت یا تهدید
۱	پژوهش در دانشگاهها عامل مثبتی در رفع مشکلات جامعه	3.96	0.72	3.24	فرصت
۲	تلفیق آموزش و پژوهش و پر رنگ تر شدن نقش پژوهش	4.44	0.6	3.84	فرصت
۳	انتشار کتب و تالیفات معیار موفقیت دانشگاه و استاد	3.96	0.84	3.12	فرصت
۴	انجام پژوهش و دستیابی به تکنولوژی پیشرفته	4.04	0.52	3.52	فرصت
۵	برگزاری سمینارها و کنفرانسها و سخنرانی ها جهت انتقال اطلاعات جدید	4.24	0.44	3.80	فرصت
۶	همکاری با صنایع تازه تاسیس و کمک به ساخت شبکه های موثر و کارآمد	4.28	0.40	3.88	فرصت
۷	پژوهش پیرامون حفظ محیط زیست در دانشگاهها	3.56	0.44	3.12	فرصت
۸	پیدایش روحیه مشارکت جوانان در طرحهای پژوهشی	4.24	0.24	4	فرصت
۹	انجام پژوهشهای گروهی و جمعی به جای انفرادی	4	0.72	3.28	فرصت
۱۰	تشریک مساعی پژوهشگران فراتر از تخصص آنها و انجام پژوهشهای فرارشته ای	3.48	0.84	2.64	فرصت
۱۱	همکاری و مبادله آراء و نتایج پژوهشگران در سطح جهانی	4.32	0.6	3.72	فرصت
۱۲	کاهش فرصت انتشار نتایج پژوهشی به دلیل رشد سریع علم	1.8	2.48	- 0.68	تهدید
۱۳	گرایش به تجاری سازی نتایج پژوهش به منظور افزایش درآمد دانشگاه	2.32	2.64	- 0.32	تهدید
۱۴	پیدایش رقابت پژوهشی در دانشگاه جهت جذب صنایع	3.48	0.72	2.76	فرصت
۱۵	پیچیدگی روزافزون پژوهش با رشد سریع علم	3.39	2.11	1.28	فرصت

طبق جدول، نظر متخصصان بر این است که با جهانی شدن، پیدایش روحیه مشارکت جوانان در طرحهای پژوهشی با میانگین فرصت ۴/۲۴ و میانگین تهدید ۰/۲۴، همکاری و مبادله آراء و نتایج پژوهشگران در سطح جهانی با میانگین فرصت ۴/۳۲ و میانگین تهدید ۰/۶، انجام پژوهشهای گروهی و جمعی به جای انفرادی با میانگین فرصت ۴ و میانگین تهدید ۰/۷۲، همکاری با صنایع تازه تاسیس و کمک به ساخت شبکه های موثر و کارآمد با میانگین فرصت ۴/۲۸ و میانگین تهدید ۰/۴۰، افزایش برگزاری سمینارها و کنفرانسها و سخنرانی ها جهت انتقال اطلاعات جدید با میانگین فرصت ۴/۲۴ و میانگین تهدید ۰/۴۴، تلفیق آموزش و پژوهش و پررنگ تر شدن نقش پژوهش، پژوهش در دانشگاهها عامل مثبتی در رفع مشکلات جامعه، تشریک مساعی پژوهشگران فراتر از تخصص آنها و انجام پژوهشهای فرارشته ای، انجام پژوهش و دستیابی به تکنولوژی پیشرفته، پژوهش پیرامون حفظ محیط زیست در دانشگاهها، انتشار کتب و تالیفات معیار موفقیت دانشگاه و استاد فرصتهایی است در پژوهش آموزش عالی پدید آورده است.

متخصصان معتقدند کاهش فرصت انتشار نتایج پژوهشی به دلیل رشد سریع علم و گرایش به تجاری سازی نتایج پژوهش به منظور افزایش درآمد دانشگاه تهدیدات کمی هستند که جهانی شدن بر پژوهش در آموزش عالی فراهم ساخته است.



نمودار شماره ۴-۴: هیستوگرام تاثیر جهانی شدن بر پژوهش در آموزش عالی

میانگین میزان توافق با متغیرهای ارائه شده ۲/۷۵ است یعنی برآیند نمرات به سمت فرصت

متمایل است. نمودار هیستوگرام نیز نشان می دهد که از نظر پرکنندگان پرسشنامه، با تغییر و

تحولاتی که جهانی شدن در پژوهش آموزش عالی ایجاد کرده، آن را به یک فرصت تبدیل نموده است و چولگی و کشیدگی نمودار کاملاً به سمت مقادیر مثبت متمایل است (به سمت فرصت)

آزمون جمعی رتبه ای ویلکاکسون

این آزمون از آزمونهای غیرپارامتریک است که برای ارزیابی همانندی دو نمونه وابسته با مقیاس رتبه ای به کار می‌رود. از طریق این آزمون، امکان مقایسه دو وضعیت تحت تاثیر یک متغیر امکان پذیر است.

جدول شماره ۴-۵: نتایج آزمون رتبه ای ویلکاکسون					
سطح معناداری	تعداد رتبه ها			مولفه ها	
	برابر	کوچکتر	بزرگتر	مولفه های تهدید	مولفه های فرصت
۰.۰۰	۰	۱	۲۴	برنامه ریزی در آموزش عالی	برنامه ریزی در آموزش عالی
۰.۰۰	۰	۲	۲۳	مدیریت آموزش عالی	مدیریت آموزش عالی
۰.۰۰	۰	۲	۲۳	توسعه و تکنولوژی و فناوری در آموزش عالی	توسعه و تکنولوژی و فناوری در آموزش عالی
۰.۰۰	۱	۰	۲۴	پژوهش و تحقیق در آموزش عالی	پژوهش و تحقیق در آموزش عالی

$P < 0.05$

با توجه به سطوح معناداری و در مقایسه با ۰.۰۵ فرض تفاوت بین مولفه های فرصت و تهدید دو به دو تایید می شود. با توجه به تعداد رتبه ها نتیجه می شود که نمرات مولفه های مربوط به فرصت از نمرات مربوط به تهدید در وضعیت بهتری قرار دارند و این موید مطالب ذکر شده در قسمت های قبل است.

فصل پنجم :

بحث و نتیجه گیری

مقدمه

در این فصل بر اساس یافته های مندرج در فصول دوم و چهارم نتایج به دست آمده به تفکیک سئوالات ارائه می گردد و مورد تحلیل قرار می گیرد. در ادامه به برخی از محدودیتهایی که محقق با آن روبرو بوده اشاره می شود موارد کاربرد این پژوهش ارائه می گردد.

البته نباید از نظر دو رانکاشت که عده ای نسبت به جهانی شدن دید گاهی مثبت و عده ای بر عکس دید گاهی منفی دارند ولی محقق سعی بر این داشت که بدون هیچگونه تصور قبلی و با ذهنی خالی از قضاوت مثبت یا منفی به بررسی موضوع پرداخته تا سلیقه های شخصی موجب نتیجه گیری های نادرست نشود.

نتایج بدست آمده مربوط به سؤال اول تحقیق:

چه تاثیری پدیده جهانی شدن بر مدیریت آموزش عالی می گذارد؟

تغییر و تحولاتی که پدیده جهانی شدن در جوامع پدید آورده موجب دگرگونی تشکیلات سازمانی، نحوه خدمت رسانی، آموزش توسعه نیروی انسانی، تکنولوژی و بهسازی استفاده از اطلاعات شده است و با تمرکززدایی، مدیران آموزش عالی با یک تحول سازمانی روبرو هستند و این در شرایطی است که وضعیت جدید به صورت ثابت حفظ نمی شود و مرتب این تغییرات ادامه دارد.

لذا مدیران وظیفه هدایت عوامل اجرایی جهت تطابق با وضعیت جدید را دارند و باید تعادل بین روند دگرگونیها و تداوم فعالیت های سازمانی ایجاد نمایند.

بدون شک این تغییر و تحولات و فشارهای داخلی و خارجی محیط بر کل مدیریت دانشگاه تاثیر دارند و از جمله وظایف رهبری و مدیریت، پاسخگویی مناسب به این فشارها و در صورت نیاز، بازنگری در نظام، در عین حفظ ارزشها و استانداردهای کیفی آن است. تا زمانی که نظام آموزش عالی نتواند خود را با نیازهای جامعه تطبیق دهد و با شناختی عمیق از محیط و برقراری ارتباطات مناسب به تفسیر ارزشها و دستاوردها نپردازد، قادر به رفع نیازهای جامعه و پاسخگویی شایسته به تقاضاها نخواهد بود در پرتو ارتباطات موثر با محیط است که مراکز آموزش عالی می توانند رونق بخش فرهنگ مشارکت بوده و ارتباطات را ایجاد کنند.

اثر دیگر جهانی شدن بر مدیریت آموزش عالی تغییر روابط سلسله مراتبی به مشارکتی است و مدیران باید این تحول را در خود ایجاد نمایند که با اعتماد به دیگران، مهارت های برنامه ریزی همکاران خود را جهت دستیابی به هدف مشترک توسعه دهند. چنانچه کارکنان دانشگاه به ویژه

اعضای هیئت علمی جهت اداره دانشگاه با مدیریت مشارکت و همکاری داشته باشند کمتر احتمال دارد که جذب آژانسهای سرمایه گذاری علمی و فعالیت های حرفه ای بیرون از دانشگاه شوند و عملکرد مدیریت قویتر می شود.

مدیران عصر جدید بر خلاف مدیران سنتی که به صورت مستقل آموزش عالی را هدایت می کردند، لازم است با بخش صنعت ارتباط برقرار کرده و نیازهای آن را که شامل بهبود تکنولوژی دستگاهها و ماشین آلات و تربیت نیروهای متخصص و ماهر است، تامین نمایند و در مقابل پستوانه مالی و منبع درآمد برای دانشگاه خود فراهم سازند.

پاسخگویی به افزایش تقاضای عمومی ورود به دانشگاه، از وظایف مدیران است که با حرکت به سمت نظام آموزش مجازی و آموزش از دور قادر به تامین این نیازها می شوند. اما باید توجه نمایند که افزایش کمیت و تعداد دانشجویان منجر به کاهش کیفیت آموزش عالی و عدم توجه به پرورش نخبگان نگردد.

مدیران آموزش عالی در عصر جهانی با افزایش رقابت بین دانشگاهها جهت جذب دانشجویان بیشتر و برقراری ارتباط با صنایع هستند و اگر این امر منجر به کاهش ارتباط و تبادل اطلاعات اعضای هیئت علمی گردد و موضع گیری در مقابل یکدیگر را داشته باشند تهدید بزرگی برای آموزش عالی پدید می آید.

بنابراین مدیران مراکز آموزش عالی از یک طرف تحت تاثیر فشارهای خارج از سازمان از جانب بخش صنعت، انتظارات جامعه، افزایش متقاضیان ورود به دانشگاهها، کاهش هزینه ها و وجود رقابت بالا در بین دانشگاهها روبرو هستند و از طرف دیگر با تغییر و تحولات درون دانشگاه و ورود تکنولوژی های جدید و نیاز به تغییر ساختار تشکیلاتی، دراکر در کتاب خود اشاره نموده است و مشکلات پدیدآمده از جانب دانشجویان به دلیل پیدایش گرایشهای مختلف و تحولات سریع اجتماعی و ناهمگونی در خدمات رسانی به دانشجویان از نظر حضوری و غیر حضوری با مشکلات جدیدی روبرو هستند.

ضرورت دارد مدیران یکسری اهداف را مدنظر قرار دهند تا در مواجهه با تحولات، حداکثر استفاده را در جهت رشد و توسعه جامعه داشته باشند. آنها باید به دنبال ایجاد تعادل بین تغییرات و دگرگونی های داخل و خارج از سازمان و تداوم فعالیتهای سازمانی باشند و با ارتقای سطح مشارکت و گسترش اعتماد و افزایش تعهد و مسئولیت پذیری و توسعه ی اختیارات و مهارتهای برنامه ریزی در کارکنان و اعضای هیئت علمی، در ایجاد هماهنگی اقدام نمایند.

از نظر متخصصان بر اساس مقیاس لیکرت بیشترین فرصت پدید آمده در مدیریت توجه همگان به مشارکت دانشگاه در توسعه جامعه با میانگین ۳/۸، شکل گیری فرهنگ کار با میانگین ۳/۲، تبلور ارزشهای کیفی به جای کمی با میانگین ۳/۱۲ و گرایش به الگوهای مدیریت کیفی با میانگین ۳/۰۸ و بیشترین تهدیدات از مقاومت در برابر تغییرات جهانی شدن با میانگین ۲/۸- و کاهش تعهد سازمانی اساتید به دانشگاه ۲/۴۸-، عدم انسجام و چند پارگی در تصمیم گیریها ۱/۷۲- و تغییر و تحولات و فشارهای داخلی و خارجی محیط ۱/۴۴- و کاهش حمایت مالی دولتها و هدایت آموزش عالی به بخش خصوصی با میانگین ۰/۶۴- صورت می گیرد.

نتایج بدست آمده مربوط به سؤال دوم تحقیق:

چگونه پدیده جهانی شدن برنامه درسی نظام آموزش عالی را تحت تاثیر

قرار می دهد؟

جهانی شدن موجب ورود خدمات اجتماعی به آموزش عالی و قرار گرفتن در کنار رسالت دانشگاهها که تا آن زمان انتقال دانش و پژوهش بود، گردید بدین لحاظ برنامه ریزی درسی باید به گونه ای تنظیم گردد که پاسخگوی نیازهای روز دانشجویان و جوابگوی جامعه باشد. نیازهای جدید جامعه جهانی این ضرورت را ایجاب می کند که برنامه درسی به جای انتقال اطلاعات و ذخیره در حافظه، این قدرت را داشته باشد که تحولی در فرد ایجاد نماید و در زندگی وی قابل اجرا باشد. این تحول با رشد تواناییهای تفکری، ادراکی، مهارتی و توسعه مهارتهای ارتباطی و انتقادی، تقویت ارزشها و اخلاقیات، افزایش نوآوری و خلاقیت و انعطاف پذیری و کاربرد فناوری های روز و ریسک پذیری، آموزش به شیوه پژوهشگری و حل مسئله، افزایش قدرت پردازش اطلاعات جهت کاربرد اطلاعات در حل مسائل پیچیده زندگی، به افراد کمک می نماید که در جامعه جهانی قادر به شناخت مسیر درست مسیر تکامل باشند و این مسئله را باقری در کتاب خود اشاره نموده است.

به این ترتیب، اهداف آموزش عالی باید بر خواسته از نیازها و انتظارات جامعه و متناسب با آنها بوده و یک دانشگاه در بهترین شرایط ممکن، باید دانشجویان را قادر به « دانستن»، « عمل کردن» و « زندگی و کار با دیگران» ساخته و در نهایت آنها را قادر سازد به عنوان انسانهای کامل، عملکرد موثر و کارآیی داشته باشند. این نوع نگرش همه جانبه به یادگیری- که کسب دانش و رشد مهارتها را با رشد و تکامل شخص و حفظ نظام ارزشی پیوند می دهد - همان چیزی است که آن را هدف آموزش عالی به طور کلی دانسته اند.

رشد سریع علم در کنار منسوخ شدگی سریع دانش و نیاز به روزآمد کردن اطلاعات موجب تمرکز برنامه درسی بر کیفیت به جای کمیت گردید به گونه ای که دانشجو به جای افزایش محفوظات، قادر به تجزیه و تحلیل اطلاعات و تشخیص اطلاعات درست از نادرست گردد. و قادر باشد بدون سردرگمی در هویت که ناشی از کاهش فضا - زمان است، اطلاعات را ارزیابی نماید. وابستگی متقابل افراد به یکدیگر و گسترش آگاهی و بیش از حد تخصصی شدن علوم، پیدایش رویکردی بین رشته ای را موجب گردیده و باعث ارتباط بیشتر متخصصین شاخه های متفاوت علوم و آموزش رشته های مختلف در یک درس گردیده است.

تحول دیگر در برنامه درسی تبدیل واقعیت به فرا واقعیت و مجازی شدن آموزش است که با گسترش تقاضای ورود به دانشگاه و کمبود امکانات آموزشی و عدم دسترسی متقاضیان به مراکز آموزشی به دلیل اشتغال و سکونت در مناطق دوردست و در اختیار نداشتن امکانات فناوری، پدید آمده است. که نظام آموزش از دور و آموزش مجازی به همراه خود ایجاد فرصتهای برابر و عدالت اجتماعی را آورد.

لازم به ذکر است از انجایی که اثرات جهانی شدن غیر قابل پیش بینی است، برنامه ریزی ثابتی برای آموزش عالی وجود ندارد و نیاز به برنامه ریزی مستمر قطعی است.

از نظر متخصصان بر اساس مقیاس لیکرت بیشترین فرصتهای برنامه ریزی درسی با انتقال تمرکز محتوای دانش و یاددهی - یادگیری از کمی به کیفی با میانگین ۳/۳۶، بین المللی شده مراکز آموزش عالی با میانگین ۳/۱۲، ایجاد خرد جمعی بر اساس روابط میان رشته ای با میانگین ۳/۲۴، تقویت روح تفکر و تعقل با میانگین ۳/۹۶، تقویت مهارتهای ارتباطی اساتید با میانگین ۳/۸، تکثر و دسترسی به منابع اطلاعاتی با میانگین ۳/۸ و پیوند آموزش عالی با صنعت با میانگین ۳/۸ پدید آمده است و بیشترین تهدیدات با کاهش تفکر و تعقل و توانایی های ذهنی در معادله دانش = اطلاعات با میانگین ۲/۸۴- و گسترش بحرانهای معرفتی به دلیل توسعه روابط جهانی با میانگین ۰/۴۴- پدید آمده است.

نتایج بدست آمده مربوط به سؤال سوم تحقیق:

جهانی شدن و رشد سریع فناوری اطلاعات/ارتباطات چه تاثیری بر آموزش

عالی می گذارد؟

ورود فناوری اطلاعاتی و ارتباطی به آموزش عالی موجب تغییر در ساختار دانشگاه و سازماندهی مجدد شیوه های فعالیت گردیده است. افزایش سرعت انجام فعالیت های اداری در سیستم های ثبت

نام و حسابداری، انجام تحلیل های آماری، کاهش اشتباهات اداری کارکنان، کاهش هزینه های ارتباطی با پست الکترونیکی، افزایش همکاریها بین اعضای هیئت علمی، افزایش قدرت تصمیم گیری و توسعه توان پیش بینی های قابل اعتماد مدیریت، برگزاری کلاسهای مجازی، زمینه سازی یادگیری فعال، بین المللی شدن آموزش، دسترسی به انبوه اطلاعات، تغییر نقش اساتید، دسترسی مدیریت به آخرین و دقیق ترین اطلاعات آماری و برنامه ریزی های درسی، اطلاع رسانی سریع دستورالعملها به کارکنان و افزایش همکاریهای کتابخانه های دانشگاههای ایجاد فرصتهای آموزشی نوین با تهیه الگوهای سه بعدی و امکان شبیه سازی از جمله امکاناتی است که توسعه تکنولوژی به دنبال دارد. این تغییرات هر چند مطلوب به نظر می رسد اما ممکن است از زاویه هایی به آموزش عالی آسیب برسانند. به عنوان نمونه محدودیت های فناوری موجب تفکیک کارکردهای آموزش عالی می گردد و این امر موجب حذف یادگیری های غیر رسمی و غیرآگاهانه آموزش سنتی می گردد. لذا باید توجه نمود که هر چه سریعتر جلوی آسیب ها گرفته شود. این مسئله را هیرش و وبر در کتاب خود اشاره نموده اند.

در صورتی که پشتیبان سیستم های اداری دانشگاهها شرکتهای خصوصی و بیرون از دانشگاه باشند استقلال دانشگاه از بین می رود که این امر یک تهدید محسوب می شود. بین المللی شدن آموزش به خودی خود مطلوب است اما اگر منتهی به افول ارزشها و از بین رفتن هنجارها گردد تهدید بزرگی پدید می آید.

مشکل دیگری که توسعه فناوری پدید می آورد افزایش هزینه ها جهت تجهیز فناوری روز به دلیل تغییر سریع تکنولوژی و بی ارزش شدن امکانات گذشته است. اگر با توسعه برنامه ها در سیستم های قبل بتوان از برنامه های روز استفاده نمود تا حدی هزینه ها کاهش می یابد اما چنانچه قرار باشد یک وسیله از دور خارج شود و ابزار دیگری جای آن را بگیرد سطح هزینه ها بسیار افزایش و موجب فشار مالی بر دانشگاه می شود.

از نظر متخصصان بر اساس مقیاس کیکرت بیشترین فرصتهای توسعه فناوری در آموزش عالی با دسترسی به بانکهای معتبر اطلاعاتی و کتابخانه های دیجیتال با میانگین ۴/۲۴، افزایش سرعت انجام امور اداری با میانگین ۳/۷۶، تقویت مشارکت و همکاری با میانگین ۳/۵۲ و ورود فناوری در بازسازی یادگیری تجربی و روشهای گروهی برقراری ارتباط ذهنی با محیط ۳/۴۸ صورت می گیرد و در مجموع توسعه فناوری تهدیدی ندارد و افزایش هزینه ها جهت تجهیز فناوری فرصت کمی با میانگین ۰/۰۸ فراهم می سازد.

نتایج بدست آمده مربوط به سؤال چهارم تحقیق:

جایگاه پژوهش و تحقیق در نظام آموزش عالی در اثر پدیده جهانی شدن چه

تغییری کرده است؟

رقابت بین جوامع در توسعه تکنولوژیهای پیشرفته نیازمند انجام پژوهشهای دانشگاهی است لذا جایگاه پژوهش و تحقیق در هر جامعه بیانگر میزان رشد و توسعه جامعه است. با جهانی شدن تلفیق بین آموزش و پژوهش به سمت پر رنگ تر شدن نقش پژوهش هدایت شده و یکی از معیارهای موفقیت اساتید و حتی دانشگاه ها به انتشار مقالات علمی بستگی دارد. چنانچه انتشار مقالات صرفا هدف نباشد بلکه پل ارتباطی پژوهشگر حال و آینده باشد به عنوان یک فرصت است.

افزایش برگزاری سمینارها و کنفرانسها با جهانی شدن موجب انتقال مطالب علمی روز به دانشجویان میگردد و با خروج دانشجویان از دانشگاه و ورود ایشان به بخش صنعت، این اطلاعات موجب رشد اقتصادی و رشد نرخ اشتغال در جامعه می گردد.

در عصر حاضر نحوه پژوهش نیز تغییر یافته و بیشتر پژوهشها به صورت مشارکتی و گروهی صورت می گیرد و تیم های حل مسئله با تشریک مساعی پژوهشگران فراتر از تخصص آنها و انجام پژوهشهای فرا رشته ای و با ادغام دانشهای رشته های مختلف به پژوهش و ارتباط پژوهشگران در سطح بین المللی و جهانی صورت می گیرد. این امر موجب بزرگ مقیاس شدن فعالیت های پژوهشی و واقعی تر شدن نتایج حاصل می انجامد.

گرایش به تجاری سازی نتایج حاصل از پژوهش هر چند که موجب افزایش درآمد دانشگاه می گردد اما ممکن است کاهش ارزش آموزش عالی را به دنبال داشته باشد.

پژوهشگران نیز به دلیل رشد سریع علم گاه فرصت انتشار مقالات خود را پیدا نمی کنند این امر چنانچه منجر به افزایش سرعت عملکرد پژوهشگر شود مطلوب است اما چنانچه ناامیدی پژوهشگر را در انجام فعالیتهای پژوهشی به دنبال داشته باشد یک تهدید محسوب می شود.

از نظر متخصصان بیشترین فرصت تغییرات جهانی شدن در مقیاس لیکرت، پیدایش روحیه مشارکت جوانان در طرحهای پژوهشی با میانگین ۴ و موارد پژوهش در دانشگاهها عامل مثبتی در رفع مشکلات جامعه، تلفیق آموزش و پژوهش و پر رنگ تر شدن نقش پژوهش، انتشار کتب و تالیفات معیار موفقیت دانشگاه و استاد، انجام پژوهش و دستیابی به تکنولوژی پیشرفته، برگزاری سمینارها و کنفرانسها و سخنرانی ها جهت انتقال اطلاعات جدید، همکاری با صنایع تازه تاسیس

و کمک به ساخت شبکه های موثر و کارآمد، پژوهش پیرامون حفظ محیط زیست در دانشگاهها، انجام پژوهشهای گروهی و جمعی به جای انفرادی، همکاری و مبادله آراء و نتایج پژوهشگران در سطح جهانی، میانگین بالای ۳ دارند و تهدیدات کمی بر اساس کاهش فرصت انتشار نتایج پژوهشی به دلیل رشد سریع علم با میانگین ۰/۶۸- و گرایش به تجاری سازی نتایج پژوهش به منظور افزایش درآمد دانشگاه با میانگین ۰/۳۲- پدید آمده است.

پیشنهاها

- تحولاتی که پدیده جهانی شدن در آموزش عالی پدید آورده اکثرا به عنوان فرصتی است که سرعت پیشرفت این مراکز را افزایش داده است لذا مدیران آموزش عالی باید به دگرگونی به چشم فرصت بنگرند و توانایی هدایت افکار عوامل اجرایی جهت تطبیق با وضعیت جدید و دستیابی به اهداف مطلوب را در خود توسعه دهند.
- ضرورت دارد مدیران یکسری اهداف را مدنظر قرار دهند تا در مواجهه با تحولات، حداکثر استفاده را در جهت رشد و توسعه جامعه داشته باشند آنها باید به دنبال ایجاد تعادل بین تغییرات و دگرگونی های داخل و خارج از سازمان و تداوم فعالیتهای سازمانی باشند و با ارتقای سطح مشارکت و گسترش اعتماد و افزایش تعهد و مسئولیت پذیری و توسعه ی اختیارات و مهارتهای برنامه ریزی در کارکنان و اعضای هیئت علمی، در ایجاد هماهنگی اقدام نمایند.
- در برنامه درسی توجه به سودمندی محتوا و روشهای تدریس بر اساس نیازهای آنی و آتی، حیاتی و تعادلی دانشجو که با جهانی شدن به صورت مستمر در حال تغییرند، بر اساس مبانی و ارزشهای برنامه صورت گیرد.
- تغییر نقش اعضای هیئت علمی در اثر پدیده جهانی شدن این ضرورت را ایجاب می کند که اساتید با گذراندن دوره های تربیتی و آشنایی با علم روانشناسی، مهارتهای ارتباطی را در خود تقویت نمایند.
- هر چند انبوه سازی آموزش عالی به دلیل توسعه افکار عمومی یک فرصت است اما نباید از پرورش نخبگان غافل ماند.
- در ارتباط با بخش صنعت توجه داشته باشند که از اهداف اصلی آموزش عالی که رشد و توسعه همه جانبه و انجام تحقیقات در راستای رشد علمی است محدود به بخش صنعت نشوند.

محدودیت ها

- محدودیت در ابزار پژوهش به روش کتابخانه ای و پرسشنامه

- محدودیت در اجرای پرسشنامه در دانشگاه های محدود
- پیشینه پژوهشی مرتبط با موضوع صد در صد یافت نشد

مشکلات

- محدودیت نمونه ، به دلیل تعداد کم اساتیدی که پیرامون جهانی شدن آشنایی کافی داشته و یا عدم همکاری برخی از اساتید محترم .
- عدم همکاری کتابخانه های دانشگاههای دیگر با دانشجویان دانشگاه پیام نور در استفاده از منابع.

فهرست منابع

فهرست منابع فارسی

- ۱ - احمدی ، حمید(۱۳۸۱) ، جهانی شدن ، هویت قومی یا هویت ملی ، فصلنامه مطالعات ملی ، شماره ۱۱ .
- ۲ - باقری ، خسرو (۱۳۸۳) ، جهانی شدن انقلاب اطلاعاتی و تعلیم و تربیت : با تاکید بر دیدگاه ژف . لیوتار، نشریه علمی - پژوهشی نوآوری های آموزشی ، سال سوم ، شماره ۸ .
- ۳ - بشیریه ، حسین (۱۳۷۹) ، نظریه های فرهنگ در قرن بیستم ، تهران ، موسسه فرهنگی آینده پویان .
- ۴ - بیرن بائوم ، رابرت (۱۳۸۲) ، دانشگاه ها چگونه کار می کنند ؟ ، ترجمه حمیدرضا آراسته ، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی .
- ۵ - پالوف/پرات ، رنا ام/ کیث (۱۳۸۴) ، دانشجوی مجازی (دانشجوی اینترنتی) ، شفیع پور مطلق ، محلات ، دانشگاه آزاد محلات .
- ۶ - جوادی ، محمد جعفر (۱۳۸۲) ، جهانی شدن بیم ها و امیدها ، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش و مرکز تربیت معلم شهید رجایی ، تهران ، انتشارات جدید امروز .
- ۷ - حسین پور آلاشتی ، حسین (۱۳۸۷) ، چکیده مقالات : جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی / چالشها و فرصتها ، هشتمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران ، انتشارات دانشگاه مازندران.
- ۸ - دراگر ، پیتراف (۱۳۷۸) ، چالشهای مدیریت در سده ۲۱ ، محمود طلوع ، تهران ، موسسه خدمات فرهنگی رسا .
- ۹ - دلورز، ژاک (۱۳۸۰) ، آموزش برای قرن بیست و یکم(مسائل و دورنماها) ، ترجمه سید فرهاد افتخار زاده ، تهران ، انتشارات عابد.
- ۱۰ ذاکر صالحی ، غلامرضا(۱۳۸۴)، دانشگاه ایرانی (درآمدی بر جامعه شناسی آموزش عالی) ، تهران،

انتشارات کویر .

۱۱ - رابرتسون ، رونالد (۱۳۸۰)، جهانی شدن تئوریهای اجتماعی و فرهنگ جهانی ، ترجمه کمال پولادی ، نشر

ثالث با همکاری مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها.

۱۲ - راوولی / لوهان/ دولنس (۱۳۸۲)، تغییر راهبردی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ، حمید رضا آراسته ، تهران ، دانشگاه امام حسین ، موسسه چاپ و انتشارات .

۱۳ - رجایی ، فرهنگ ، پدیده جهانی شدن (۱۳۸۰) ، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی ، ترجمه عبدالحسین آدرنگ ، تهران ، آگاه.

۱۴ - شاهی / نوه ابراهیم/ مهر علیزاده ، سکینه/ عبدالرحیم/ یدالله (۱۳۸۷) ، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ، ویژه نامه.

۱۵ - شمشیری ، مرجان (۱۳۸۴) جهانی شدن و تاثیر و تاثر آن بر نظام های آموزش و پرورش و آموزش عالی ، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت ، تهران ، انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۶ - شجاعی زند، علیرضا(۱۳۸۲) ، جهانی شدن و دین و متدها و چالشها (مجموعه مقالات)، قم، دبیرخانه دین پژوهان کشور، چاپ اول.

۱۷ - شریف زاده ، حکیمه سادات (۱۳۸۷)، جهانی شدن در بعد فرهنگی و تاثیر آن بر روش های تدریس در برنامه درسی ، چکیده مقالات جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی (چالشها و فرصتها) .

۱۸ - ضمیران ، محمد(۱۳۸۱)، جهانی شدن (میزگرد) ، تهران ، نامه فرهنگ ، شماره ۴۳ .

۱۹ - طیب ، علیرضا (۱۳۷۹) ، تکنولوژی اطلاعات ، تهران ، نشر سفید .

۲۰ - قورچیان/آراسته/جعفری ، نادرقلی/حمیدرضا/پریوش(۱۳۸۳)، دایره المعارف آموزش عالی ، تهران ، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی ، وزارت علوم تحقیقات و فناوری.

- ۲۱- کاظمی ، علی اصغر(۱۳۸۰)، جهانی شدن فرهنگ و سیاست ، تهران ، نشر قومس.
- ۲۲- کدیور ، پروین (۱۳۸۱)، بررسی پدیده جهانی شدن و چالشهای آن در آموزش ، تهران ، پژوهشکده تعلیم و تربیت .
- ۲۳- گل محمدی ، احمد(۱۳۸۱)، جهانی شدن فرهنگ ، هویت ، تهران ، نشر نی .
- ۲۴- گیدنز ، آنتولی (۱۳۷۹) ، گفتارهایی درباره یکپارچگی جهان ره ا شده ، ترجمه علی اصغر سعیدی -
- دکتر یوسف حاجی عبدالوهاب ، تهران ، علم و ادب .
- ۲۵- گیدنز، آنتولی (۱۳۸۴)، چشم اندازهای جهانی ، ترجمه محمد رضا جلالی پور ، تهران ، طرح نو.
- ۲۶- لهراسبی/ملک پور ، عزت الله/فریبا(۱۳۸۵) ، ضرورت ایجاد آموزش از راه دور ، قم ، انتشارات سلوک جوان .
- ۲۷- لیوتار ، ژان فرانسوا(۱۳۸۰)، وضعیت پست مدرن گزارشی درباره دانش ، ترجمه حسین علی نوذری ، تهران ، گام نو .
- ۲۸- مرتضوی نصیری ، سید حسن(۱۳۷۸) ، دورنمای ساختار در حال تغییر دانشگاه ، مجموعه مقالات سمینار دانشگاه - جامعه و فرهنگ ، تهران ، وزارت فرهنگ و آموزش عالی .
- ۲۹- مهرعلیزاده ، یداله (۱۳۸۳)، جهانی سازی و نظامهای آموزشی با تاکید بر آموزش و پرورش ایران ، اهواز ، نشر رسش.
- ۳۰- نادری نبی ، احسان (۱۳۸۶)، جهانی شدن و فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، چاپ نشده دانشگاه تهران .
- ۳۱- همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت (۱۳۸۴) ، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت / تهران ، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران ، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۳۲- هودشتیان ، عطا (۱۳۸۰)، مدرنیته ، جهانی شدن و ایران ، تهران ، چاپخش.

۳۳- هیرش و وبر ، ورنر زد و لوک ای (۱۳۸۰)، چالشهای فراروی آموزش عالی در هزاره سوم ، ترجمه مهندس رضا یوسفیان ، تهران ، دانشگاه امام حسین ، موسسه چاپ و انتشار .

فهرست منابع انگلیسی

34- Hendrix , James , (1998) Globalizing the curreculum. The clearinghouse ,may/Jun , Proquest Education .

35- Daft.R.I , orgaunization Theory and design 3rt. Ed. N.Y. West publishingcc.

فهرست منابع اینترنتی

۱- قابل دسترسی در : سند برنامه درسی [www. Darsiran.com](http://www.Darsiran.com) .

۲- فاضلی ، نعمت الله ، ۱۳۸۱ ، نگاهی به جهانی شدن و روندهای جهانی در تحولات آموزش عالی ، www.farhangshenasi.com .

۳- قابل دسترسی در : <http://ictpress.irrhfg> ، ۱۳۹۰ .

۴- قابل دسترسی در : <http://pazhooesh۸۷.blogfa.com> ، ۱۳۹۰ .

۵- www.noormage.com

۶- www.farhangeiran.ir

ضمائم

با عرض سلام و احترام

جهانی شدن پدیده ای است که تمام جنبه های زندگی بشر از جمله آموزش عالی را تحت تاثیر خود قرار داده و به دلیل پیچیدگی و چند بعدی بودن و تغییرات مستمر و غیر قابل پیش بینی و چالش برانگیزی که با خود دارد و تاثیر مستقیمی که آموزش عالی بر ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع دارد، ضرورت ایجاد می کند تا دست اندرکاران این مراکز، آمادگی لازم جهت رویارویی با عرصه رقابتی در سطح جهانی را داشته و قادر باشند با دقت هر چه تمامتر تهدیدات را به فرصت و فرصت های پدید آمده را بهینه سازی نمایند.

با عنایت به موضوع پایان نامه که « **تهدیدات و فرصت های پدیده جهانی شدن بر آموزش عالی** » می باشد

خواهشمند است نظرات خود را در زمینه میزان موافقت با گزاره های مطرح شده به عنوان فرصت یا تهدید **بر مبنای**

مقیاس لیکرت (بسیار کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، بسیار زیاد = ۵) با توجه به مطالب مندرج در

جداول پیوستی بررسی نموده و دیدگاه تخصصی خود را در زمینه گزاره های مطرح شده تحت عنوان فرصت یا تهدید، مطرح بفرمایید.

"پیشاپیش از بذل توجه وزحمات شما استاد گرامی در ارزیابی جداول تشکر و قدردانی می نمایم."

زهرا مهاجری طهرانی

دانشجوی کارشناسی ارشد

تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

دانشگاه پیام نور

فرصت ها و تهدید های ناشی از پدیده جهانی شدن در آموزش عالی

میزان موافقت به عنوان تهدید					فرصتها یا تهدیدهای پدید آمده	میزان موافقت به عنوان فرصت					ردیف
۱	۲	۳	۴	۵		۱	۲	۳	۴	۵	
					الف) برنامه ریزی در آموزش عالی با جهانی شدن:						
					ورود خدمات اجتماعی به رسالت اصلی دانشگاهها						۱
					انتقال تمرکز محتوای دانش از کمی به کیفی						۲
					پژوهش محوری مبنای روشهای تدریس						۳
					تلفیق رشته ها						۴
					توجه به یاددهی - یادگیری کیفی به جای کمی						۵
					تبدیل ارزشیابی از کمی به کیفی						۶
					بین المللی شدن مراکز آموزشی						۷
					تکثر فرهنگی با جهانی شدن						۸
					انفجار اطلاعات و دانش						۹
					پیدایش اجتماع مجازی ، آموزش مجازی و متون الکترونیکی						۱۰
					ایجاد خرد جمعی بر اساس روابط میان رشته ای						۱۱
					تقویت روح تفکر ، تعقل و خلاقیت						۱۲
					تعامل بین دانشجویان و اساتید						۱۳
					تقویت مهارتهای ارتباطی اساتید						۱۴
					ورود از زمان - مکان به زمان - فضا						۱۵
					تکثر و دسترسی به منابع اطلاعاتی						۱۶
					گسترش بحرانهای معرفتی به دلیل توسعه روابط جهانی						۱۷
					سرعت فرسودگی و مستهلک شدن دانش						۱۸
					دسترسی به انبوه اطلاعات اینترنتی و عدم صحت همه						۱۹
					بیش از حد تخصصی شدن علم و دانش						۲۰
					توسعه وظایف اساتید جهت پرورش مهارتها و تواناییها						۲۱
					برگزاری آزمونها غیر حضوری در آموزش از دور						۲۲
					گسترش رقابت و حذف تعدادی از دانشگاهها						۲۳
					حفظ باورها و ارزشها در جامعه جهانی						۲۴

میزان موافقت به عنوان تهدید					فرصتها یا تهدیدهای پدید آمده	میزان موافقت به عنوان فرصت					ردیف
۱	۲	۳	۴	۵		۱	۲	۳	۴	۵	
					پیوند مراکز آموزش عالی با صنعت						۲۵
					انبوه سازی آموزش عالی و کاهش نخبه گرایی						۲۶
					کاهش تفکر، تعقل و تواناییهای ذهنی در معادله دانش=اطلاعات در مراکز آموزش عالی						۲۷
					تغییر نقش اساتید به عنوان یک مشاور و تسهیل کننده و نه صرفاً منتقل کننده دانش						۲۸
					نیاز به برنامه ریزی مستمر و غیر قابل پیش بینی						۲۹
					ب) مدیریت آموزش عالی و جهانی شدن:						
					تاکید بر مهارتهای چند جانبه						۳۰
					شکل گیری فرهنگ کار						۳۱
					جایگزینی مدیریت های عمودی به شبکه سازی						۳۲
					تبدیل الگوهای سلسله مراتبی به مشارکتی در آموزش عالی						۳۳
					تمرکززدایی مراکز آموزش عالی						۳۴
					متبلور ساختن ارزشهای کیفی در همه عملیات سازمانی						۳۵
					افزایش تقاضای ورود به دانشگاهها						۳۶
					ایجاد فضای رقابتی در جهان						۳۷
					مشارکت دانشگاه در توسعه جامعه						۳۸
					گرایش به الگوهای مدیریت کیفی						۳۹
					جذب اعضای هیئت علمی به انجمن های حرفه ای خارج از دانشگاه و آژانس های سرمایه گذاری و حامیان مالی						۴۰
					کاهش تعهد سازمانی اساتید نسبت به دانشگاه						۴۱
					تغییر و تحولات و فشارهای داخلی و خارجی محیط						۴۲
					مقاومت در برابر تغییرات ناشی از جهانی شدن						۴۳
					کاهش حمایت مالی دولتها و هدایت به بخش خصوصی						۴۴
					تنوع شرایط پذیرش دانشجو						۴۵

میزان موافقت به عنوان تهدید					فرصتها یا تهدیدهای پدید آمده	میزان موافقت به عنوان فرصت					ردیف
۱	۲	۳	۴	۵		۱	۲	۳	۴	۵	
					گسترش آموزش از دور						۴۶
					بروز تحولات سریع اجتماعی						۴۷
					عدم انسجام و چند پارگی در تصمیم گیریها						۴۸
					توجه به فعالیتهای مشارکتی و گروهی در دانشگاهها و واگذاری مسئولیت ها به شرکای مدیریت						۴۹
					ظهور الگوهای جدید کاری						۵۰
					ج (توسعه تکنولوژی و فناوری در آموزش عالی با جهانی شدن:						
					انقلاب اطلاعاتی						۵۱
					ریسک پذیری و تغییر نقش اساتید و اندیشمندان با ورود تکنولوژی و فناوری						۵۲
					افزایش هزینه ها جهت تجهیز فناوری						۵۳
					تفکیک وظایف و اهداف یادگیری با فناوری های جدید ارتباطی						۵۴
					انعطاف پذیری در ارائه آموزش در هر مکان و زمان						۵۵
					دسترسی به انبوه اطلاعات و عدم اطمینان از صحت آنها						۵۶
					افزایش قدرت تصمیم گیری با استفاده از فناوری						۵۷
					افزایش قدرت پیش بینی های قابل اعتماد						۵۸
					فرصت آموزش از دور و فناوری						۵۹
					مقرون به صرفه بودن آموزش از دور نسبت به شیوه های سنتی						۶۰
					دسترسی به اطلاعات از طریق آرشیوها و بانکهای اطلاعاتی تعاملی						۶۱
					امکان شبیه سازی در آموزش						۶۲
					افزایش سرعت انجام امور اداری						۶۳
					تقویت مشارکت و همکاری						۶۴
					ورود فناوری در بازسازی یادگیری تجربی و روشهای گروهی و برقراری ارتباط ذهنی با محیط						۶۵

میزان موافقت به عنوان تهدید					فرصتها یا تهدیدهای پدید آمده	میزان موافقت به عنوان فرصت					ردیف
۱	۲	۳	۴	۵		۱	۲	۳	۴	۵	
					دسترسی به بانکهای معتبر اطلاعاتی و کتابخانه های دیجیتالی						۶۶
					د (پژوهش و تحقیق در آموزش عالی با جهانی شدن :						
					پژوهش در دانشگاهها عامل مثبتی در رفع مشکلات جامعه						۶۷
					تلفیق آموزش و پژوهش و پر رنگ تر شدن نقش پژوهش						۶۸
					انتشار کتب و تالیفات معیار موفقیت دانشگاه و استاد						۶۹
					انجام پژوهش و دستیابی به تکنولوژی پیشرفته						۷۰
					برگزاری سمینارها و کنفرانسها و سخنرانی ها جهت انتقال اطلاعات جدید						۷۱
					همکاری با صنایع تازه تاسیس و کمک به ساخت شبکه های موثر و کارا						۷۲
					پژوهش پیرامون حفظ محیط زیست در دانشگاهها						۷۳
					پیدایش روحیه مشارکت جوانان در طرحهای پژوهشی						۷۴
					انجام پژوهشهای گروهی و جمعی به جای انفرادی						۷۵
					تشریک مساعی پژوهشگران فراتر از تخصص آنها و انجام پژوهشهای فرارشته ای						۷۶
					همکاری و مبادله آراء و نتایج پژوهشگران در سطح جهانی						۷۷
					کاهش فرصت انتشار نتایج پژوهشی به دلیل رشد سریع علم						۷۸
					گرایش به تجاری سازی نتایج پژوهش به منظور افزایش درآمد دانشگاه						۷۹
					پیدایش رقابت پژوهشی در دانشگاه جهت جذب صنایع						۸۰
					پیچیدگی روزافزون پژوهش با رشد سریع علم						۸۱

پیشنهادهات :

Abstract:

Globalization is a phenomenon in which change, transformation, and confronting unexpected circumstances is inevitable. It is a gradual and stable on-going process which has an impact on every aspect of human life, including education.

The aim of this research is to investigate threats imposed as well as opportunities generated in the educational settings as the result of globalization. In other words, globalization has changed a number of educational concepts. The main objective of the present study is to address the question whether these changes are to be taken as an opportunity or as a threat. There are also recommendations concerning turning threats to opportunities and facilitating social progress and development.

The statistical population of this study consists of all members of the faculty of psychology and education at state universities. They were chosen from those members of faculty holding PHD or MA degrees in the field with previous background and interest in the area and conference participation and paper publication records on the subject.

The descriptive-analytical method was applied in this study and data gathering method has been the use of expert-designed questionnaires. The collected data were then analyzed through the application of SPSS software, and represented through tables and histograms. The views expressed by the respondents were analyzed through Wilkaxon rating tests.

The findings of the study indicated that the changes globalization brought about in the area of educational programming management, technology and research methodology in higher education have optimized the educational outcome of the traditional educational systems.



Payame Noor University
Faculty of literature the Humanities

Thesis Submitted for the Award of M.A.M.sc
In the history and philosophy of education
Department of Educational Sciences

Title

The threats and opportunities of Globalization
In the system of higher education

Supervisor

Dr. Effat Abbasi

Advisor

Dr. MohammadReza Sarmadi

Student

Zahra Mohajeri Tehrani

May 2012



Payame Noor University
Faculty of literature the Humanities

Thesis Submitted for the Award of M.A.M.sc
In the history and philosophy of education
Department of Educational Sciences

Title

The threats and opportunities of Globalization
In the system of higher education

Supervisor

Dr. Effat Abbasi

Advisor

Dr. MohammadReza Sarmadi

Student

Zahra Mohajeri Tehrani

May 2012